حقوق بشر دوستانه
در جنگ ایران و عراق
مرور رفتار عراق



بسم الله الرحمن الرحیم

حقوق بشر دوستانه در جنگ ایران و عراق: مرور رفتار عراق

نویسنده:

نعمت‌الله پورمحمدی

ناشر چاپی:

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حقوق بشر دوستانه در جنگ ایران و عراق: مرور رفتار عراق

مشخصات کتاب

سرشناسه : پورمحمدی، نعمت‌الله

عنوان و نام پدیدآور : حقوق بشر دوستانه در جنگ ایران و عراق: مرور رفتار عراق/ نویسنده نعمت‌الله پورمحمدی؛ نظارت مجید نداف ؛ ویرایش مهدی انصاری.

مشخصات نشر : تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۲۴۷ ص.: مصور.

شابک : ۱۳۰۰۰ ریال: ۲-۷۱-۶۳۱۵-۹۶۴

وضعیت فهرست نویسی : برونسپاری (فاپا)

یادداشت : کتابنامه.

عنوان دیگر : مرور رفتار عراق.

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- جنبه‌های حقوقی

موضوع : حقوق بین‌الملل بشر دوستانه

شناسه افزوده : نداف، مجید، ۱۳۳۸ -، ناظر

شناسه افزوده : انصاری، مهدی، ۱۳۳۴ -، ویراستار

شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

رده بندی کنگره : DSR۱۶۱۹/پ۹ح۷ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳۰۴۴

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۲۰۹۲۱

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحیم

جمع‌آوری و تدوین تاریخچه‌ی همه‌ی جنایات حکومت صدام حسین در عراق امکان‌پذیر نیست چرا که موانع متعددی در این مسیر وجود دارد از جمله: گستردگی این جنایات، مخفی ماندن بسیاری از جنایات، تعدد و پیچیدگی سازمان‌های عامل جنایات در رژیم عراق و از بین رفتن تعدادی از عوامل این جنایات به دست عوامل دیگر آن.

البته هر چند با سقوط رژیم صدام حسین پرده از بسیاری از جنایات این رژیم برداشته شد، لیکن امکان آگاهی از همه‌ی اقدامات جنایت‌کارانه‌ی این رژیم و ابعاد مختلف آن، چه در جریان هجوم و تجاوز ارتش عراق به خاک ایران و چه جنایاتی که در کشور عراق بر مردم و اقشار و اقوام مختلف آن روا داشته شد، نیست.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در اجرای وظایف خود برای تدوین تاریخ جنگ ایران و عراق، می‌کوشد تا این جنگ را در ابعاد مختلف بررسی و تجزیه و تحلیل کند که در این زمینه تاکنون مجموعه‌های متعددی منتشر کرده و یا در دست تهیه دارد. جنبه‌ی حقوقی جنگ ایران و عراق و بررسی آن از دیدگاه حقوق بین‌الملل، موضوع گسترده‌ای است که کم‌تر به آن پرداخته شده است و تلاش بیش از پیش مراکز پژوهشی که در این زمینه تخصص لازم را دارند، ضروری است.

[صفحه ۱۲]

به هر صورت، گر چه جنایات و تجاوزات حکومت صدام حسین به حقوق انسان‌ها، به خصوص پس از سقوط این رژیم، در نزد جهانیان چنان آشکار شد که نیاز به اثبات ندارد، لیکن در این کتاب تلاش شده با بیان مصادیقی از آن، گوشه‌ای از این رفتارهای جنایت‌کارانه در مجموعه‌ای مدون گردد و با روش علمی با متن مقررات حقوق بشردوستانه بین‌الملل تطبیق داده شود.
نگارنده‌ی محترم کتاب که خود مدت‌ها در صحنه‌های دفاع از سرزمین و حقوق ایران اسلامی در جبهه‌های جنگ حضور داشته و در حال نبرد با متجاوزان به اسارت نیروهای عراقی درآمده و سال‌های متمادی با تمام وجود شاهد رفتارهای عوامل این رژیم با مدافعان و اسیران جمهوری اسلامی بوده است، و پس از آزادی به ادامه تحصیل در رشته حقوق بین‌الملل پرداخته، کوشیده است در این کتاب به تبیین گوشه‌هایی از رفتارهای این رژیم با مدافعان و اسیران ایرانی و اهداف غیرنظامی در ایران بپردازد و میزان پای‌بندی دولت عراق به مقررات حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی را تا حدودی روشن کند.
متن اولیه این کتاب را نگارنده برای تهیه پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد به نگارش درآورد، که این متن با همکاری ایشان و تلاش محققان و همکاران مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ و مؤسسه اندیشه ناب به شکل کنونی درآمد و آماده‌ی انتشار شد. در اینجا ضمن شکرگزاری به درگاه خداوند متعال برای فراهم شدن امکان انتشار این اثر، از نگارنده‌ی کتاب و از همه‌ی کسانی که در مراحل مختلف تدوین، نظارت و آماده‌سازی آن تلاش کرده‌اند، از جمله آقای صالح رضایی، سپاس‌گزاری می‌شود.
مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
۱۳۸۵

[صفحه ۱۳]

مقدمه

دو نظریه‌ی متفاوت و متضاد «توسل به زور و به کارگیری قدرت» و «منع توسل به زور و تحریم جنگ» فراز و نشیب‌های بسیاری را در طول تاریخ طی کرده و هر یک در مقاطعی در مناسبات بین‌المللی به منزله‌ی رفتار یا نظریه‌ی غالب، مبنای عملکرد کشورها قرار گرفته است. اما به مرور زمان گرایش و خواست دولت‌ها از توسل به زور به سوی عدم توسل به زور سوق پیدا کرده است تا آنجا که امروزه در حقوق بین‌الملل «منع توسل به زور و تحریم جنگ» به اصل و قاعده‌ای بنیادین تبدیل شده است؛ هر چند در بیشتر موارد رفتار کشورها با این اصل چندان هماهنگ و سازگار نیست. این ناسازگاری بدان معناست که عهدنامه‌ها، کنوانسیون‌ها و حقوق بین‌الملل به طور کلی نتوانسته‌اند برای پیشگیری از جنگ تضمین کافی ارائه دهند؛ هر چند که توانسته‌اند با وجود ممنوعیت توسل به مخاصمات مسلحانه، با تدوین مقرراتی از شدت جنایات در آنها بکاهند.
حوادث جنگ جهانی دوم سبب شد تا اخلاقی کردن رفتار دولت‌ها در صحنه‌ی نبرد و در نظر گرفتن حقوق عام بشریت و حیثیت و کرامت ذاتی انسان بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. در گذر زمان و در پرتو گسترش ارتباطات، وابستگی‌های مادی و معنوی، منافع متقابل بشری، وجدان و احساس مشترک در قبلا مشکلات و معضلاتی که حیات نوع بشر را به مخاطره می‌افکند؛ حساسیت و گرایش افکار عمومی به حقوق فردی انسان‌ها

[صفحه ۱۴]

افزایش یافت و این ضرورت احساس شد که باید ریشه‌ها و عوامل وقوع جنگ با الهام از اندیشه‌ها و رویکردهای بشردوستانه، هدایت و کنترل شود و با توجه به دخیل بودن بشریت در این مناقشات، اصل شرافت، حیثیت و نجات بشر ملاک اعمال و اقدامات قرار گیرد، نه مقتضیات و ضرورت‌های نظامی. [۱] در حقیقت، قوانین بشردوستانه‌ی بین‌المللی باید دو مقوله‌ی متناقض، یعنی ملاحظات انسان‌دوستانه و مقتضیات نظامی را با هم سازگار کنند. به قول «اپنهایم»، از نظر تئوری، اصل منفعت و ضرورت هرگز نمی‌تواند عامل مشروع نادیده گرفتن حقوق جنگ باشد.

«ملاحظات انسان‌دوستانه» حسن تفاهم و مروت را در پی دارد؛ در حالی که «ضرورت»، آن طور که رومیان قدیم می‌گفتند، قانون نمی‌شناسد. [۲] .

از آنجا که در تنظیم قوانین انسان‌دوستانه علاوه بر قانون، اخلاق نیز مدنظر بوده، تلاش شده که «ضرورت‌ها» به آن مقید شود. در این راه، حتی اگر توفیق اندکی به دست آید، گام بلندی برای انسانی کردن حقوق جنگ برداشته شده است. هر چند این واقعیتی انکارناپذیر می‌باشد که ضرورت و نیاز یکی از نقاط ضعف انسان است که به اصل «خیرخواهی نسبت به دیگران» خدشه وارد می‌کند، [۳] اما چون قوانین انسان‌دوستانه‌ی بین‌المللی تا حد ممکن براساس فطرت بشری تنظیم شده‌اند، عرف بین‌المللی نیز با اصول انسانی و موازین عقل و وجدان سلیم هماهنگ است و در مقدمه‌ی پروتکل سال ۱۹۷۷ نیز بدان اشاره شده است، قوانین مزبور از منابع معتبر حقوق جنگ به شمار می‌آیند. طبق نخستین قانون انسان‌دوستانه‌ی بین‌المللی، هر رزمنده باید از کشتن مجروحان و بیماران و شکنجه دادن افراد دشمن و رفتار موهن با آنها خودداری کند و زمانی که دشمن به دلیل از کار افتادن سلاح یا تسلیم خود، از ادامه‌ی جنگ ناتوان است، از کشتن وی بپرهیزد. این اصل بنیادین قواعد انسان‌دوستانه‌ی بین‌المللی در ماده‌ی ۲۳ کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه وضع شده است و ماده‌ی ۳۸ پروتکل نخست و ماده‌ی ۷ پروتکل دوم ۱۹۷۷ نیز آن را تأیید کرده‌اند.

[صفحه ۱۵]

در کل، «حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی»، فارغ از هر قید و شرطی و در هر زمان و مکانی رعایت حقوق عینی و ذاتی افراد انسانی را مدنظر دارد؛ زیرا با منافع آحاد بشریت و وجدان حقوقی جامعه‌ی بین‌المللی ارتباط تنگاتنگی دارد که در صورت نقض آن، ارزش‌ها و کرامت انسانی خدشه‌دار خواهد شد؛ موضوعی که مسئولیت بین‌المللی دولت ناقض را در پی خواهد داشت.

با وجود تصویب این قوانین، نداشتن ضمانت اجرایی کافی و حاکمیت قدرت‌های بزرگ در شورای امنیت سازمان ملل - که اکثر جنگ‌های بین‌المللی به دست آنها یا با پشتیبانی آنها بروز می‌کند - این قوانین را ناکارآمد کرده و همچنان حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی در جنگ‌ها، به ویژه به دست ارتش‌های تجاوزگر نقض می‌شود.

به هر حال، ناکارآمدی قواعد حقوق جنگ در اوایل دهه‌ی ۸۰ میلادی (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ برابر با ۳۱ / ۶ / ۱۳۵۹) به حمله‌ی همه‌جانبه‌ی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران منجر شد. در این حمله، نیروهای عراقی با استفاده از اصل غافل‌گیری به راحتی از مرزهای بین‌المللی عبور نمودند و پس از چند روز درگیری با مدافعان محلی، هزاران کیلومتر مربع از خاک ایران را اشغال کردند.

رژیم بغداد در توجیه تهاجم خود، آن را اقدامی برای بازپس‌گیری اراضی عربی از جمله شط العرب (اروندرود)، عربستان (خوزستان) و جزایر سه‌گانه (تنب‌بزرگ، تنب‌کوچک، ابوموسی) اعلام کرد؛ ادعای بی‌اساسی که بهانه‌ای بیش نبود؛ چرا که

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و وحشت از بروز چنین انقلابی (با توجه به شیعه بودن اکثریت مردم عراق) در عراق و در نتیجه، سرنگونی رژیم بعث به منزله‌ی مهم‌ترین عامل این تهاجم همه‌جانبه تلقی می‌شد.

«فب‌مار»، تحلیلگر سیاسی امور عراق، بر این باور است که «بی گمان، جنگ عراق علیه ایران به منزله‌ی یکی از خونین‌ترین و ویرانگرترین جنگ‌های بشریت، حاصل پیش‌داوری غلط و حساب نشده‌ی صدام حسین بود. وی در حالی که با خوش‌خیالی سرنگونی شاه ایران را سرآغاز رهبری خود بر جهان

[صفحه ۱۶]

عرب و حاکمیت استراتژیک خلیج فارس می‌پنداشت، ناگهان انقلاب اسلامی ایران و گسترش دامنه‌ی امواج آن را تهدید خطرناکی برای ادامه‌ی حاکمیت حزب بعث یافت.» [۴] .

در این میان، به نظر می‌رسد کشورهای استکباری شرق و غرب در پیش‌داوری و تحلیل نادرست حکام بغداد از اوضاع ایران پس از انقلاب اسلامی و تشویق این رژیم به آغاز تهاجم گسترده علیه جمهوری اسلامی، نقش بسزایی داشتند.

در تأیید مطلب مزبور، صدام حسین در مصاحبه با «جوزپه جوسکا»، خبرنگار ویژه‌ی نشریه‌ی کوریره دلاسرا، چاپ ایتالیا (شماره‌ی ۲۸ ژوئن ۱۹۸۳ برابر با ۷ تیر ۱۳۶۲)، تأکید می‌کند: «جنگ عراق با ایران تنها یک نبرد منطقه‌ای نیست، بلکه امروز عراق به نمایندگی از سوی تمام جهان متمدن با نظام ایران می‌جنگد و کشورهای غربی در این زمینه باید از ما سپاس‌گزار باشند.» [۵] این اعتراف صدام پس از سه سال از آغاز تهاجم عراق به ایران، از نادیده گرفتن موازین حقوق بین‌الملل، به ویژه منشور ملل متحد (بند ۱ ماده‌ی ۳۳) حکایت دارد.

کتاب حاضر نه درصدد بررسی ابعاد حقوقی این تجاوز، بلکه در پی آن است تا میزان پای‌بندی دولت عراق را به حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی (قواعد و مقررات حاکم بر جنگ)، به ویژه قراردادهای ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ - که خود نیز آنها را پذیرفته و نسبت به اجرای‌شان متعهد شده است - روشن کند. مطالب کتاب در پنج فصل سازمان‌دهی شده است:

در فصل اول سیر تکوین و تکامل حقوق جنگ درج شده است ضمن آنکه در آن به رویه‌ی قضایی بین‌المللی و عملکرد سازمان ملل متحد در قبال حقوق بشردوستانه نیز به طور مختصر اشاره شده است. با توجه به موضوع کتاب، تدوین این فصل برای آشنایی خواننده با حقوق بشردوستانه بین‌المللی، ضروری به نظر می‌رسید.

[صفحه ۱۷]

در فصل دوم، رفتار دولت عراق با افراد و اهداف غیرنظامی و وجود موانع قانونی درباره‌ی این گونه اعمال بررسی می‌شود.

در فصل سوم، رفتار دولت عراق با افراد نظامی در صحنه‌ی نبرد و اسیران جنگی در اردوگاه‌های عراق با ذکر مصادیقی از این رفتارها با تأکید بر منع این گونه رفتارها در قراردادهای چهارگانه‌ی ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل الحاقی سال ۱۹۷۷ بررسی می‌شود.

در فصل چهارم، به استفاده‌ی گسترده‌ی دولت عراق از سلاح‌های مرگبار شیمیایی و در فصل پنجم به سایر روش‌های منع شده در جنگ پرداخته می‌شود.

این نوشته فقط گوشه‌ای از عملکرد دولت عراق را در جنگ هشت ساله علیه جمهوری اسلامی بررسی می کند و پرداختن به ابعاد حقوقی و موارد نقض حقوق بشر به دست رژیم عراق، نیازمند تحقیقاتی بسیار گسترده و درج آن در صدها کتاب می‌باشد. امید است این کوشش خدمتی هر چند اندک برای آگاهی ملت قهرمان و حماسه‌ساز ایران به حساب آید.

یادآوری می‌شود متن اولیه‌ی این کتاب را نگارنده برای تهیه پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد و براساس معیارهای حقوق بشر، مندرج در متون نظری و علمی تنظیم کرده است. بنابراین اگر در جای جای آن، قوانین حقوق بشردوستانه، پایه و اساس رد یا پذیرش مواضع و رفتار دو نیروی متخاصم قرار گرفته، این بدان معنا نیست که قوانین مزبور صددرصد صحیح و مبتنی بر ارزش‌های حقیقی، دینی یا خدامحوری تنظیم شده‌اند. آشکار است که پدیدآورندگان حقوق بشردوستانه، جملگی از اهداف و انگیزه‌های واحد برای تحقق صلح واقعی و همزیستی مسالمت‌آمیز برخوردار نبوده‌اند؛ به ویژه اینکه امروزه که قدرت‌های بزرگ با استفاده‌ی ابزاری از عامل حقوق بشر، علیه ملل مستضعف جهان، ظلم و توطئه‌های پی در پی روا می‌دارند. در نتیجه اهداف و انگیزه‌های آنان در تلاش برای حفاظت از حقوق بشردوستانه، مورد تردید است.

[صفحه ۱۸]

از طرفی چنانچه قوانین اسلام در حوزه جنگ، دفاع و صلح مورد مطالعه و دقت قرار گیرد. بدون شک قوانین بهتر و مناسب‌تری در مقایسه با قوانین فعلی حقوق بشردوستانه، می‌توان جایگزین کرد. به هر تقدیر، تأکیدهای مکرر کتاب بر قوانین حقوق بشر، خود دستاویز محکمی است که نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران و رزمندگان آن حتی براساس این قوانین و گفتمان حقوقی مورد پذیرش مجامع بین‌المللی، از جمله استکبار جهانی و اردوگاه خصم، مظلوم واقع شده‌اند.

بی گمان، هر گونه عیب، خطا و نقصان در این نوشته متوجه اینجانب است. تذکر عزیزانی که زحمت مطالعه این کتاب را به خود می‌دهند، موجب سپاس فراوان است.

[صفحه ۲۰]

مفهوم، تاریخچه و سیر تکوین حقوق بین‌الملل بشر دوستانه

اشاره

برخلاف آنچه برخی از صاحب‌نظران گفته‌اند، جنگ و مخاصمات مسلحانه، نه تنها پایان حقوق و تعطیل شدن قواعد آن نیست، بلکه آغازی برای ملاحظه و رعایت کردن اصول و مقرراتی است که هدف آنها به نظم کشاندن و قانونمند کردن رفتار متخاصمان و انسانی کردن جنگ است. اصولا حقوق جنگ یا حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی در عصری شکل گرفت که جنگ و توسل به زور در روابط میان دولت‌ها مشروع، قانونی و اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شد. در این عصر دولت‌ها معاهدات و پیمان‌هایی را میان خود منعقد کردند و تعهد دادند که تا حد امکان، قواعد و مقررات مندرج در این پیمان‌ها را با هدف نظم و سامان دادن به رفتارهای خود در زمان جنگ و انسانی و اخلاقی کردن آن رعایت کنند. در چنین عصری، کتاب‌هایی مانند حقوق جنگ و صلح، اثر «گرسیوس» در سال ۱۶۲۰ و مجموعه قواعد مربوط به جنگ اثر «فرانسیس لیبر»، استاد دانشگاه کلمبیا، در سال ۱۸۶۳ منتشر شدند تا

زمینه را برای تـدوین مقررات جنگ فراهم آورنـد. [۶] در این دوره، همچنین اسـناد حقوقی بین‌المللی، ماننـد اعلامـیه‌ی سال ۱۸۵۶ پـاریس در زمینه‌ی قواعـد جنـگ دریـایی؛ عهـدنامه‌ی سال ۱۸۶۴ ژنـو در مـورد حمـایت از مجروحـان، بیمـاران جنگی و کارکنـان بهداری؛ اعلامیه‌ی سن‌پترزبورگ در مورد ممنوعیت استفاده از گلوله‌های انفجاری کالیبر کوچک و عهدنامه‌های سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه

[صفحه ۲۱]

انعقاد یافتند و افزون بر تدوین برخی از عرف‌های جنگی، قواعد و مقررات مناسبی نیز پدید آمد.
هر چنـد حقوق جنگ و حقوق بشردوسـتانه‌ی بین‌المللی در فضایی تـدوین و تکوین یافتند که جنگ و توسل به زور، تقریبا مشـروع بود، امـا محـدودیت‌ها و ممنوعیت‌های حقوقی در مورد توسل به جنگ که بعـدها مقرر شـد، چنـدان نتوانست مبانی حقوق جنگ و حقـوق بشردوسـتانه را مـتزلزل کنـد و فلسـفه‌ی وجـودی آن را مـورد تردیـد قرار دهـد. این دیـدگاه که اگر جنـگ و توسـل به زور غیرقـانونی است، اصولاـ لزومی به تـدوین قواعـد حـاکم بر آن نیز وجود نـدارد، منزلت و جایگـاه مسـتحکمی برای خود پیـدا نکرد. واقعیت اجتناب‌ناپـذیر جنـگ و درگیری‌های مسلحانه میان دولت‌ها و گریزگاه‌های اسـناد حقوقی، که جنگ و توسل به زور را منع کرده بودند، نه تنها مانع از آن نشدند که حقوق جنگ و مخاصـمات مسـلحانه به فراموشـی سپرده شود، بلکه توجه به آن را افزایش نیز داد. با اینکه بنـد ۴ ماده‌ی ۲ منشور ملـل متحـد تمامی اشـکال توسل به زور در روابط بین‌المللی را منع کرده است، اما جواز دفاع مشـروع و اقدامات امنیتی دسته‌جمعی در آن و واقعیت خود جنگ، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ را بر آن داشت تا در سال ۱۹۴۹، قواعد و مقررات انسانی‌تر و جامع‌تری را برای جنگ‌ها مقرر کند.
تجاوز مسلحانه‌ی شهریور ۱۳۵۹ رژیم عراق علیه جمهوری اسـلامی ایران، به نقض یکی از مسـلم‌ترین اصول حقوق بین‌الملل، یعنی اصـل «منع توسـل به زور در روابـط بین‌الملـل» منجر شـد. این تجـاوز با هیـچ یک از موازین حقوق بین‌المللی و مقررات منشور ملل متحد سازگار نبود و جز بی‌حرمتی گستاخانه به مقررات بین‌المللی معنای دیگری نداشت. حمله‌ی مسلحانه‌ی عراق به ایران با شرایط توسل به دفاع مشروع و سیستم امنیت دسته‌جمعی (که منشور ملل متحد آنها را مجاز دانسته است)، تطابق نداشت و جز بی‌توجهی به اصل حاکمیت دولت‌ها و منع توسل به زور علیه آنها مضمونی از آن استنباط نمی‌شد.
بی‌احترامی رژیم عراق به مقررات بین‌المللی به نقض اصل عدم توسل به

[صفحه ۲۲]

زور در روابط بین‌الملـل محـدود نبـود. این رژیم، طی هشت سـال جنـگ تحمیلی، به بسـیاری از مقررات و قواعـد حقوق جنـگ و حقوق بشردوسـتانه‌ی بین‌المللی پشت کرد و ارتش عراق تـا آنجا که می‌توانست قواعـد و مقررات حاکم بر مخاصـمات مسـلحانه را نادیده گرفت و بدیهی‌ترین اصول و مقررات حقوق انسانی را نقض کرد.
تخلفـاتی که نیروهـای نظـامی عراق طی هشت سـال جنـگ علیه نیروهـای نظـامی و غیرنظـامی ایران مرتکب شدنـد، در مـواردی از تخلفـاتی که نیروهـای صـرب در بوسـنی و هرزگـوین مرتکب شدنـد و هم‌اکنون نیز به همـان دلیـل در محکمه‌ی بین‌المللی کیفری سازمان ملل در لاهه، تحت محاکمه می‌باشند، به مراتب شدیدتر بود.
پیش از آنکـه عملکرد ارتش و نیروهـای مسـلح عراق در طـول جنـگ هشـت سـاله از منظر قواعــد و مقررات حقـوق بشردوسـتانه

بین‌المللی در فصل‌های بعد ارزیابی می‌شود، در این فصل در یک نگاه کلی مفهوم این حقوق، سیر تکوین و تدوین مقررات آن بررسی می‌شود.

مفهوم حقوق بین‌الملل بشر دوستانه

«حقوق بین‌الملل بشردوستانه [۱۳] به آن بخش از حقوق بین‌الملل عمومی اطلاق می‌شود که بر کاربرد نیروی مسلح و رفتار با افراد در جریان درگیری مسلحانه حاکم است.» [۸] هدف حقوق بین‌الملل بشردوستانه کاهش یا محدود کردن رنج و آلام افراد در زمان جنگ و دیگر درگیری‌های مسلحانه می‌باشد. در مفهوم مزبور، این حقوق را باید توسعه‌ی اصول حمایت از حقوق بشر به موارد درگیری‌های مسلحانه تلقی کرد. در مفهوم کلی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوقی است که جایگزین مفهوم قدیمی حقوق جنگ یا حقوق درگیری‌های مسلحانه [۹] شده است، اما در مفهوم اخص، حقوق بین‌الملل

[صفحه ۲۳]

بشردوستانه به آن دسته از مقررات حقوق جنگ یا حقوق درگیری‌های مسلحانه اطلاق می‌شود که بیشتر به ملاحظات انسانی و کاهش آلام افراد در زمان نزاع مسلحانه توجه دارد. در این مفهوم، منظور از حقوق بین‌الملل بشردوستانه همان حقوقی است که قواعد و مقررات آن در کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو در سال ۱۹۴۹ و پروتکل‌های سال ۱۹۷۷ آنها مندرج شده است. [۱۰] حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مفهوم ویژه یا محدود خود، حقوق لاهه [۱۱] یا قواعد و مقرراتی را که به طور مستقیم، ملاحظات انسانی را در زمان درگیری‌های مسلحانه مدنظر قرار نمی‌دهد، دربر نمی‌گیرد. مقررات حقوق لاهه بیشتر، در کنوانسیون‌های سال ۱۸۹۹ و سال ۱۹۰۷ لاهه منعکس شده است. برخی از حقوق‌دانان بین‌المللی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه را بخش جدید حقوق جنگ و حقوق بی‌طرفی را بخش قدیمی آن تلقی کرده‌اند [۱۲] که به نظر نمی‌آید در تمام موارد با واقعیت‌های تاریخی انطباق داشته باشد. اگر حقوق بین‌الملل بشردوستانه را اعم از مقررات عرفی و قراردادی آن تلقی کنیم، خواهیم دید که برخی از رسوم و قواعد عرفی بشردوستانه چون منع حمله به زنان و کودکان وجود داشته که از همان زمان‌های دور در درگیری‌های مسلحانه میان دولت‌ها رعایت می‌شده است.

حقوق بشردوستانه، در عین حال که با حقوق جنگ ارتباطات و پیوندهایی دارد، با مفهوم حقوق بشر نیز مناسباتی دارد. درباره‌ی اینکه آیا حقوق بشردوستانه بخشی از حقوق بشر یا مقوله‌ی جداگانه و مستقلی است، اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از حقوق‌دانان حقوق بشردوستانه را همان مقررات حقوق بشر تلقی کرده‌اند که به زمان مخاصمات مسلحانه تسری پیدا کرده

[صفحه ۲۴]

است. [۱۳] دسته‌ی دیگری حقوق بشردوستانه را مقوله‌ای جدا از حقوق بشر محسوب کرده‌اند و قدمت قواعد و مقررات آن را به مراتب بیشتر از قواعد حقوق بشر که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم رشد و توسعه یافته است، دانسته‌اند.

به هر حال، هر چند قواعد حقوق بشردوستانه سال‌ها پیش از تدوین اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر با نام‌های دیگری وجود داشته و اعمال شده است، اما از این واقعیت نیز نمی‌توان غافل شد که اصطلاح حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اصطلاحی نسبتا تازه است که در پرتو توسعه‌ی مقررات حقوق بشر در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم رواج یافته است.

تاریخچه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه

مقررات مربوط به حقوق بشردوستانه و حقوق جنگ را دولت‌ها طی قرن‌ها مورد توجه قرار داده و رعایت یا نقض کرده‌اند. آن طور که یافته‌ها و تحقیقات تاریخی نشان می‌دهند، تفکر و رفتار انسان‌دوستانه در تمدن‌های قدیمی و قبایل بدوی نیز موجود بوده است. برای نمونه، در میان سومریان نهاد سازمان‌یافته‌ای وجود داشته است که در آن قواعدی مانند اعلام جنگ، حکمیت، مصونیت سفیران و قرارداد صلح رعایت می‌شده است. در این دوران، رسم آزادسازی اسیران در مقابل فدیه نیز متداول بوده است. در تمدن بابل نیز رعایت برخی از قواعد جنگ و حقوق بشردوستانه وجود داشته که این قواعد در مجموعه‌ی قوانین معروف پادشاه آن آورده شده است. [۱۴] همین طور در جنگ هندی‌ها، به ویژه در حماسه‌ی «ماها بهاراتا» به رعایت رفتارهای بشردوستانه، مانند ممنوعیت کشتار محاصره‌شدگان، تأکید شده است. در تمدن‌های یونان و ایران نیز، برخی از قواعد مربوط به جنگ و بشردوستی را شاهدیم. در این باره در کتاب‌های تاریخی آمده است:

«هنگامی که کورش هخامنشی در سپیده‌دمان به شهر سارد از شهرهای آسیای صغیر وارد و متوجه شد که کلدانی‌ها برخلاف پارسی‌ها، در شهر از پی

[صفحه ۲۵]

غارت رفته‌اند، امر کرد که از لشکر او خارج شوند. کلدانی‌ها سخت ترسیدند و با تضرع از پادشاه ایران خواستند که آنها را عفو کند، بدین شرط که هر چه را به یغما برده‌اند، پس دهند.»

همین طور در تاریخ آورده‌اند:

«هنگامی که کورش در سال ۵۳۹ پیش از میلاد به شهر بابل، پایتخت آشوریان وارد شد، امنیت ساکنان آنجا را تضمین، صلح را در این منطقه برقرار، معبد بزرگ بابل را به منظور جلوگیری از غارت آن با گماشتن نگهبانان ویژه‌ای حفاظت، معبدهای آشوری و بابلی را نوسازی کرد و بر آن شد مردمی را که به زور به بین النهرین کوچ داده شده بودند، به زادگاه‌هایشان بازگرداند.» [۱۵].

دین و تمدن اسلامی نیز بیش از دیگر ادیان و تمدن‌ها به لزوم رعایت مقررات انسان‌دوستانه در جنگ‌ها تأکید کرده است.

اسلام اجرای حقوق بشردوستانه را از مقتضیات و ضروریات دانسته و فقیهان اسلامی با وضع قاعده‌ی «الضرورات تبیح المحظورات» بر همین مطلب صحه گذاشته‌اند. [۱۶] پیامبر اکرم (ص) در مورد جمع بین دو وضعیت متناقض، یعنی ملاحظات انسان‌دوستانه و ضرورت‌های نظامی، در حدیثی فرموده‌اند: «انا نبی المرحمه و انا نبی الملحمه.» ایشان در این حدیث مروت و رحمت و انسانیت را بر جنگ مقدم دانسته‌اند تا به رزمنده‌ی مسلمان القا شود که او بازوی عدالت است، نه شمشیر انهدام مقررات بشردوستانه‌ی اسلامی. نمونه‌ی دیگر نیز اینکه امام علی (ع) در جنگ با معاویه خطاب به سربازان و فرماندهان خود فرموده‌اند: «چنانچه آنها را به خواست خدا شکست دادید، هیچ فرد در حال فرار را نکشید، جان هیچ مجروحی را نستانید، هیچ اسیری را گردن نزنید، شرمگاه هیچ کس را عریان نسازید. مردگان را مثله نکنید، به داخل هیچ خانه یا سراپرده‌ای بدون اذن صاحب آن داخل نشوید، اموال آنان به جز اموالی که در لشکرگاه به دست شما می‌افتد، غارت مبرید. این اموال به وارث آنان تعلق دارد که طبق مقررات ارث اسلامی باید

[صفحه ۲۶]

میان آنان تقسیم شود. زنان را سخن زشت مگویید و آزار نرسانید، حتی اگر بزرگان شما را سب کنند یا نوامیس شما را دشنام دهند.» [۱۷] .

البته تاریخ حقوق جنگ و حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ی نوین قدمت چندانی ندارد و سابقه‌ی آن به اواسط قرن نوزدهم برمی‌گردد. در واقع در این زمان لزوم تدوین و رعایت مقررات این شاخه از حقوق مورد توجه دولت‌ها و محافل انسان‌دوستانه قرار گرفت و در قرن بیستم، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، توسعه یافت.

سیر تکوین و تدوین حقوق بین‌الملل بشر دوستانه نوین

هر چند نظر نویسندگان دوران پس از رنسانس در اروپا، چون جان لاک و ژان ژاک روسو در فراهم آوردن زمینه برای ظهور حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ی نوین مؤثر بوده است، اما پس از تأسیس کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در اواسط قرن نوزدهم، گرایش‌های بین‌المللی به تدوین مقررات این شاخه از حقوق، در قالب معاهدات و اعلامیه‌های بین‌المللی جدی‌تر شد. در سال ۱۸۵۹، در نتیجه‌ی نبرد سپاهیان فرانسوی و اتریشی در محلی به نام سولفرینو، در شمال ایتالیا، ۳۶ هزار نفر از نیروهای دو طرف در مدت کوتاهی مجروح شدند. مجروحان در صحنه‌ی نبرد در حال جان باختن بودند و کسی به کمک آنان نمی‌آمد، در چنین وضعیتی، یک بازرگان جوان سوئیسی به نام هنری دونانت [۱۸] به سولفرینو وارد شود و تحت تأثیر وضعیت اسفناک آنجا، حرکت امدادی اولیه را برای نجات مجروحان سازماندهی کرد. وی پس از بازگشت به کشور خود، مشاهداتش در نبرد سولفرینو را در کتابی با نام «خاطرات سولفرینو»، [۱۹] منتشر کرد و در آن دو پیشنهاد برای کاهش آلام قربانیان جنگ ارائه کرد:

[صفحه ۲۷]

«نخست، تأسیس یک جمعیت امدادی داوطلب در هر کشور که در زمان صلح آموزش دیده باشند تا در زمان جنگ، خدمات درمانی و امدادی ارائه کنند. دوم، دولت‌های جهان در یک کنگره اجتماع کنند و اصل بین‌المللی تخلف‌ناپذیری را، که از طریق یک قرارداد ضمانت اجرا می‌یابد، تصویب کنند تا مبانی حقوقی حمایت از بیمارستان نظامی و پرسنل امدادی و درمانی را فراهم آورند.» پیشنهاد نخست دونانت به تأسیس صلیب سرخ و هلال احمر بین‌المللی و پیشنهاد دوم او در سال ۱۸۶۴ به تصویب کنوانسیون‌های ژنو راجع به بهبود شرایط مجروحان نظامی در جنگ منجر شد. [۲۰] هر چند پیش از این تاریخ، دولت‌های جهان طی اعلامیه‌ی پاریس (در سال ۱۸۵۶) راجع به قواعد جنگ دریایی تلاش‌ها و حرکت‌های بین‌المللی خود را برای وضع و تدوین مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه و حقوق بین‌الملل بشردوستانه را آغاز کرده بودند، اما پس از تدوین کنوانسیون‌های ژنو، توجه بین‌المللی به مسئله‌ی حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه سیر شتابنده‌ای به خود گرفت. طی نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم و نیمه‌ی نخست قرن بیستم، افزون بر دو سند مزبور (اعلامیه‌ی پاریس و کنوانسیون‌های ژنو)، اسناد بین‌المللی زیر در زمینه‌ی حقوق جنگ و حقوق بین‌الملل بشردوستانه به تصویب رسید:

۱) اعلامیه‌ی سن‌پترزبورگ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۸۶۸ درباره ممنوعیت استفاده از گلوله‌های انفجاری کالیبر کوچک.

۲) اعلامیه‌ی نهایی کنفرانس بروکسل در سال ۱۸۷۴ درباره مقررات و رسوم جنگ. این اعلامیه برای نخستین بار فرق میان نظامیان و غیرنظامیان را مشخص کرد.

۳) عهدنامه‌های لاهه مورخ ۲۹ ژوئیه ۱۸۹۹ مشتمل بر دو قرار داد و سه اعلامیه‌ی حقوق جنگ: قرارداد مربوط به قوانین و عرف‌های جنگ زمینی، قرارداد مربوط به شمول عهدنامه‌ی سال ۱۸۶۴ ژنو به جنگ دریایی و سه اعلامیه در زمینه‌ی رعایت حقوق بشر در

جنگ زمینی.

۴) عهدنامه‌ی سال ۱۹۰۴ لاهه درباره مصونیت کشتی‌های بیمارستانی.

[صفحه ۲۸]

۵) عهدنامه‌ی مورخ ۶ ژوئیه ۱۹۰۶ درباره حمایت از بیماران و مجروحان جنگی که عهدنامه‌ی سال ۱۸۶۴ ژنو را مورد تجدید نظر قرار داد.

۶) عهدنامه‌های لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ شامل سیزده قرارداد و سه اعلامیه، که به جز قرارداد شماره‌ی ۱ بقیه درباره حقوق جنگ و بی‌طرفی است.

۷) عهدنامه‌ی واشنگتن مورخ ۶ فوریه‌ی ۱۹۲۲ درباره تحدید سلاح‌های دریایی و محدود کردن تعداد کشتی‌های جنگی و عدم استفاده از زیردریایی.

۸) پروتکل ژنو مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۵ درباره منع استعمال گازهای خفقان‌آور، سمی یا مشابه آنها و نیز مواد میکروبی.

۹) عهدنامه ژنو مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ درباره رفتار با مجروحان یا بیماران و سرنوشت اسیران جنگی. این عهدنامه مجددا عهدنامه ۱۸۶۴ ژنو را مورد تجدید نظر قرار داد.

۱۰) پروتکل لندن مورخ ۲۲ آوریل ۱۹۳۰ مربوط به قواعد جنگ دریایی.

۱۱) قرارداد مورخ ۱۹۳۵ درباره حفاظت از بناهای تاریخی، مراکز علمی و هنری در زمان جنگ.

۱۲) پروتکل لندن مورخ ۶ نوامبر ۱۹۳۶ درباره ممنوعیت حمله به کشتی‌های بازرگانی یا زیردریایی‌ها. [۲۱] .

از میان اسناد مزبور، عهدنامه‌های ۱۹۰۷ لاهه مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه‌ی حقوق مخاصمات مسلحانه محسوب می‌شوند. این عهدنامه‌ها هنوز از نظر حقوقی، الزام‌آورند و تقریبا تمامی مقررات به حقوق عرفی تبدیل شده است. در این عهدنامه، ماده‌ای با نام عضویت همگانی [۲۲] گنجانده شده است که در گذشته، اثر و کارآیی این عهدنامه‌ها را، به دلیل استناد برخی از طرف‌های مخاصمه، مخدوش کرده است.

[صفحه ۲۹]

توسعه‌ی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه نوین

نهاد جهانی جامعه‌ی بین‌الملل که پس از جنگ جهانی اول تشکیل شده بود تا مانع از وقوع جنگ جهانی دیگری شود، در محقق کردن رسالت خود ناکام ماند و سرانجام، جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ به وقوع پیوست. در این جنگ، بسیاری از مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه و حقوق بین‌الملل بشردوستانه نقض شد، اما این بار جامعه‌ی بین‌الملل واکنش شدیدتری در مقابل ناقضان این حقوق نشان داد و در فردای جنگ جهانی دوم، محاکم بین‌المللی (نورنبرگ و توکیو) را برای محاکمه و مجازات آنها تأسیس کرد. شدت نقض‌ها و جنایت‌های ارتکابی طی جنگ جهان دوم، جامعه‌ی بین‌المللی را بر آن داشت تا به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بیش از پیش توجه کند و لزوم رعایت و احترام آنها را در دستور کار خود قرار دهد. هر چند منشور سازمان ملل متحد در بند ۴ از ماده‌ی ۲ خود، توسل به زور و جنگ علیه حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها را به طور مطلق ممنوع کرد، اما به

دلیل مجاز دانستن توسل به زور و اقدامات نظامی در چارچوب فصل ۷ منشور و نیز حق دفاع مشروع (ماده‌ی ۵۱)، نتوانست به طور کامل از نظر حقوقی، مانع از وقوع درگیری‌های مسلحانه میان دولت‌ها شود؛ بنابراین، برخلاف تصور برخی، اهمیت حقوق بین‌الملل بشردوستانه و جنگ، پس از جنگ جهانی دوم نه تنها کمتر نشد، بلکه افزایش نیز یافت.

در سال ۱۹۴۹، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، تحت تأثیر جنایت‌های ارتکابی علیه بشریت طی جنگ جهانی دوم، کنفرانس بین‌المللی را با حضور نمایندگان ۵۸ دولت برپا کرد. در این کنفرانس، شرکت کنندگان، چهار کنوانسیون تدوین شده‌ی با اهمیت این کمیته را تأیید و برای امضا و تصویب دولت‌ها ارائه کردند. در حال حاضر، تقریبا، تمامی دولت‌های جهان عضو این کنوانسیون‌ها به شمار می‌آیند و قواعد آنها عرفی شده است. کنوانسیون نخست به بهبود شرایط افراد زخمی و بیمار در صحنه‌ی درگیری‌های مسلحانه

[صفحه ۳۰]

مربوط می‌شود که در واقع، همان توسعه و تکامل مقررات و قواعد کنوانسیون ۱۸۶۴ ژنو است. کنوانسیون دوم به بهبود شرایط زخمی‌ها، بیماران و کشتی‌شکستگان عضو نیروهای مسلح در دریا اختصاص دارد و حالت تکامل یافته کنوانسیون‌های سال ۱۸۹۹ و سال ۱۹۰۷ محسوب می‌شود. کنوانسیون سوم راجع به رفتار با اسیران است که به تکمیل مقررات کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو پرداخته است و سرانجام، کنوانسیون چهارم درباره‌ی حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ است که بیشتر تحت تأثیر شقاوت‌های آلمان نازی در جنگ جهانی دوم علیه مردم غیرنظامی تدوین شد. [۲۳] همچنین کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ به منزله‌ی نهاد بین‌المللی بی‌طرف برای نظارت بر اجرای این کنوانسیون‌ها تعیین شده است.

هر چند کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو در زمان تدوین، کامل و بی‌نقص بودند، اما به مرور زمان و در نتیجه‌ی توسعه و پیشرفت سلاح‌ها و روش‌های جنگی، نارسایی و نقص قواعد و مقررات آنها مشخص شد. کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ برای رفع نواقص و نارسایی و تطابق آنها با پیشرفت‌های صورت گرفته، پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو را تهیه و برای تأیید نمایندگان دولت‌ها به کنفرانس دیپلماتیک سال ۱۹۷۷ ژنو ارائه داد. کنفرانس مزبور، متن پروتکل‌های (دو پروتکل) مزبور را تصویب و برای امضا و تصویب دولت‌ها تسلیم کرد.

مقررات پروتکل نخست به حمایت از قربانیان کشمکش‌های مسلحانه‌ی بین‌المللی مربوط می‌شود و حمایت از بیماران، زخمی‌ها و آسیب‌دیدگان نقل و انتقالات پزشکی، سلاح‌های جدید و روش‌های جنگ، وضعیت نظامیان و اسیران جنگی، حمایت از جمعیت غیرنظامی و اهداف غیرنظامی، از جمله حمایت از ابنیه و تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک (مانند سدها و نیروگاه‌های اتمی)، عملیات نجات و حمایت از زنان و کودکان و روزنامه‌نگاران، از جمله مسائل مندرج در آن به شمار می‌آید. [۲۴] .

پروتکل دوم، که مقررات آن بسیار کوتاه‌تر است، به توسعه و تکامل ماده‌ی ۳

[صفحه ۳۱]

کنوانسیون‌های ژنو و حمایت از قربانیان در درگیری‌های مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی اختصاص دارد و تصویب آن در کنفرانس ژنو با مباحثات و مشکلاتی مواجه شد، ولی سرانجام این پروتکل‌ها در سال ۱۹۷۸ لازم الاجرا شدند، اما دولت‌ها استقبال چندانی از تصویب آنها، به ویژه پروتکل دوم، نکردند. امروزه، مقررات این دو پروتکل همراه با کنوانسیون‌های چهارگانه، مهم‌ترین منبع

حقوقی بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌شوند و محافل بین‌المللی به آنها استناد می‌کنند.
اصول محدودیت (منع استفاده از سلاح‌هایی که رنج و درد بیهوده را موجب می‌شوند)، تناسب، تفکیک (میان اهداف نظامی و غیرنظامی و رزمندگان و غیررزمندگان) و حسن‌نیت از جمله اصولی‌اند که در این اسناد، تأیید و تصدیق شده‌اند. البته، منابع حقوق بین‌الملل بشردوستانه پس از جنگ جهانی دوم به کنوانسیون‌های ژنو (سال ۱۹۴۹) و پروتکل‌های آن (سال ۱۹۷۷) محدود نمی‌شود و به غیر از آنها اسناد بین‌المللی دیگری نیز تدوین و تصویب شده است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به کنوانسیون سال ۱۹۵۴ لاهه درباره‌ی حمایت از اموال و آثار فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه، کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های بیولوژیک (سال ۱۹۷۰)، کنوانسیون سال ۱۹۷۷ در مورد منع استفاده‌ی خصمانه از تکنیک‌های تغییر محیط زیست طبیعی و کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی (۱۹۹۳) اشاره کرد.

جایگاه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در نظام حقوقی بین‌المللی

امروزه قسمت اعظم قواعد و مقررات حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی وضعیت عرفی پیدا کرده‌اند و برای دولت‌های غیر تصویب کننده‌ی آنها نیز الزام‌آور می‌باشند. شرط مشارکت همگانی که در اسناد بین‌المللی پیشین در مورد مخاصمات مسلحانه گنجانده می‌شد، اکنون از بین رفته است و دولت‌های متخاصم نمی‌توانند رعایت قواعد کنوانسیون‌های مربوط به حقوق بشردوستانه را به رعایت طرف مقابل منوط کنند. ممنوعیت فسخ یا نقض

[صفحه ۳۲]

قواعد و مقررات انسان‌دوستانه نیز یکی از موارد مستثنی است که در آن، طرف یک معاهده نمی‌تواند به دلیل و به استناد نقض مقررات معاهده به دست طرف مقابل، مقررات مربوط به حقوق بشردوستانه را (به عنوان اقدامی متقابل) نقض کند. [۲۵] .
در جریان بررسی موضوع مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۶ فرصتی پیش آمد که در آن، دیوان بین‌المللی دادگستری توانست نظرها و دیدگاه‌های حقوقی خود را درباره‌ی ماهیت مقررات حقوق بشردوستانه و جنگ ابراز کند. در این قضیه، دیوان اعلام کرد که مقررات حقوق لاهه و مقررات حقوق ژنو به قواعد و مقررات عرفی و بین‌المللی تبدیل شده‌اند و در حال حاضر، هر دوی آنها در مجموعه‌ای عرفی و بین‌المللی تبدیل شده‌اند و در حال حاضر، هر دوی آنها در مجموعه‌ای با نام حقوق بین‌الملل بشردوستانه منعکس شده‌اند. مقررات پروتکل‌های ۱۹۷۷، مؤید وحدت این دو شاخه از حقوق محسوب می‌شوند. [۲۶] دیوان سپس، به اصول مندرج در متون و اسناد مربوط به حقوق بین‌الملل بشردوستانه پرداخت و اظهار کرد که حمایت از جمعیت غیرنظامی و اهداف غیرنظامی، تفکیک بین رزمندگان و غیررزمندگان، منع وارد آوردن رنج و عذاب بیهوده به رزمندگان از جمله این اصول به شمار می‌آیند. [۲۷] پس از آن، دیوان به وجود اصل یا شرط مارتنس [۲۸] در مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه اشاره کرد و یادآور شد که شکل نوین این اصل در بند ۲ ماده‌ی ۱ پروتکل نخست سال ۱۹۷۷ درج شده است که بیان می‌کند:
«مواردی که تحت پوشش این پروتکل یا دیگر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی قرار نمی‌گیرند، افراد غیرنظامی و رزمندگان تحت حمایت و اقتدار اصول حقوق بین‌الملل ناشی از عرف‌های مسلم، اصول انسانیت و الزامات وجدان عمومی خواهند بود.»

[صفحه ۳۳]

دیوان در ادامه اذعان کرد که بسیاری از قواعد حقوق بشردوستانه بنیادی است و این قواعد بنیادی را تمام دولت‌های متمدن اعم از تصویب کنندگان یا غیر تصویب کنندگان کنوانسیون‌های مزبور باید رعایت کنند. [۲۹] با این حال، دیوان حاضر نشد که در مورد قواعد آمره [۳۰] بودن حقوق بین‌الملل بشردوستانه اظهار نظر و ماهیت آنها را از این منظر مشخص کند. در نهایت، دیوان در قسمت E، از بند ۱۰۵ رأی خود اعلام کرد که از شرایط مزبور این طور برمی‌آید که کاربرد سلاح‌های هسته‌ای یا تهدید به کاربرد آنها، با قواعد حقوق بین‌الملل قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه، به ویژه اصول و قواعد حقوق بشردوستانه مغایر است.

افزون بر عرفی بودن، بسیاری از قواعد و مقررات حقوق بشردوستانه ماهیت کیفری دارند. توضیح اینکه: تعرض کنندگان به قواعد و مقررات آن، جنایتکار بین‌المللی شناخته شده و در محکمه‌ای بین‌المللی محاکمه و مجازات خواهند شد. در این زمینه، دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو پس از جنگ جهانی دوم و دادگاه‌های یوگسلاوی و روانـدا در دهه‌ی ۱۹۹۰ ایجاد شدنـد تا به محاکمه و کیفر افرادی اقدام کنند که قواعد حقوق بشردوستانه را در جریان نبردهای مسلحانه نقض کرده بودند. اساس‌نامه‌ی ۱۹۹۸ رم مجازات و کیفر متعرضان علیه مقررات حقوق بشردوستانه را دائمی و همگانی کرد و نهادی (دادگاه دائمی) را تأسیس کرد تا بتواند از این به بعد، ناقضان حقوق بشر را در زمان جنگ و صلح به سزای اعمالشان برساند.

[صفحه ۳۶]

رفتار عراق با افراد و اهداف غیر نظامی

اشاره: اصل تفکیک در حقوق بشر دوستانه

تفاوت قائل شدن بین نظامیان و غیرنظامیان که پیش از آغاز جنگ جهانی اول قاعده‌ای عرفی شده بود، در مرحله‌ی نخست، این دکترین قرون وسطایی که جنگ را ارتباطی بین تمام ساکنان کشورهای درگیر در مخاصمه تلقی می‌کرد و تمام ساکنان کشور دشمن را در برابر جنگ، مشابه و مشمول رفتار واحد و یکسان می‌دانست، باطل کرد و به تدریج با گذشت زمان و پیدایش فلسفه‌ی اساسی تکوین اصل تفکیک نظامیان از غیرنظامیان تأکید و تلاش شد آثار مخرب هر منازعه‌ی مسلحانه به خصوص درباره‌ی غیرنظامیان، به حداقل ممکن کاهش یابد. تفاوت قائل شدن بین افراد نظامی و غیرنظامی نمودی از تلاش جامعه‌ی بین‌الملل است، تا از این طریق، افرادی که در مخاصمه‌ی مسلحانه مشارکت مستقیم ندارند، از مخاطرات و آثار زیان‌بار آن مصون بمانند؛ اصلی که در جریان جنگ جهانی اول، تحت تأثیر فناوری و شیوه‌های جدید جنگ، مورد بی‌اعتنایی قرار گرفت و در شرایط جنگ تمام عیار جهانی دوم، عملاً محو شد. گلوله‌باران‌های دریایی و توپخانه‌ای، محاصره‌ی دریایی و زمینی، تفسیر گسترده از مفهوم کالای قاچاق و سرانجام، جنگ هوایی و بمباران‌های کور و بدون جداسازی نقاط نظامی و غیرنظامی، رفتارهای متداولی بودند که غیرنظامیان - هر چند لزوما هدف‌های اصلی نبودند - در برابر خسارات و صدمات ناشی از آنها، از حمایت‌های بین‌المللی محروم شدند. با توجه به این خلأها و نارسایی‌ها بود که پروتکل‌های اول و دوم الحاقی،

[صفحه ۳۷]

در سال ۱۹۷۷ تدوین و لازم الاجرا شدند.

حقوق عرفی و قراردادی و همچنین، قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد حقوق بسیاری برای افراد غیرنظامی در نظر گرفته‌اند که دولت‌ها براساس تعهداتشان به رعایت حقوق مزبور ملزم‌اند. از جمله حقوق افراد و جمعیت‌های غیرنظامی چنین است: «آنها باید بتوانند تا حد امکان به زندگی عادی خود ادامه دهند و دولت اشغالگر مکلف است نظم عمومی را حفظ کند.» [۳۱] همچنین «افراد غیرنظامی که در خاک دشمن هستند، باید اجازه‌ی ترک آنجا را داشته باشند، مگر آنکه چنین اقدامی به دلایل امنیتی ممنوع شود.» [۳۲].

در زمینه‌ی انتقال اجباری غیرنظامیان، ماده‌ی ۷ قطعنامه‌ی شماره‌ی ۱۳۷۵ مجمع عمومی سازمان ملل با نام «اصول اساسی حمایت از جمعیت غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه» که در اجلاس بیست و پنجم آن مجمع در ۹ دسامبر ۱۹۷۰، به تصویب رسید، اذعان می‌دارد: «جمعیت غیرنظامی یا افراد عضو آنها نباید هدف اقدامات تلافی‌جویانه... و نقل و انتقال اجباری یا دیگر تجاوزها قرار گیرند.»

انتقال اجباری غیر نظامیان به داخل خاک عراق

هر چند دولت عراق عضو کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی سال ۱۹۴۹ ژنو و دو پروتکل الحاقی به آن بوده است، ولی ارتش آن دولت بدون توجه به حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به ویژه در مورد غیرنظامیان، پس از حمله به قلمرو جمهوری اسلامی ایران به انتقال اجباری ساکنان مناطق اشغالی اقدام نمود و بدین ترتیب، تعهدات بین‌المللی خود را نقض کرد.

ارتش عراق پس از هجوم سراسری به سرزمین جمهوری اسلامی ایران و اشغال روستاها و شهرهای مرزی، به انتقال و کوچ اجباری ساکنان مناطق اشغالی به سوی قلمرو جمهوری عراق مبادرت کرد که در اینجا، به نمونه‌هایی از آن، که مجامع جهانی از جمله سازمان ملل متحد و کمیته‌ی

[صفحه ۳۸]

بین‌المللی صلیب سرخ جهانی انجام گرفتن این اقدامات را تأیید کرده‌اند، اشاره می‌شود. هیئت اعزامی دبیر کل وقت سازمان ملل متحد در اسفند ۱۳۶۳، از اردوگاه‌های اسیران جنگی ایران و عراق بازدید و گزارش کرد:

«ده‌ها هزار تن از غیرنظامیان ایرانی از مناطق مرزی خوزستان و کردستان در طی جنگ در خاک عراق آواره و جابه‌جا شده‌اند.» [۳۳].

در این باره، در قسمتی از یکی از گزارش‌های کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ جهانی آمده است:

«در مورد رفتار رژیم عراق با اسیران، باید از رفتار با شهروندان غیرنظامی مناطق اشغال شده آغاز کرد. سربازان عراقی پس از اشغال این مناطق برخلاف مواد ۴۹ [۳۴] و ۶۳ [۳۵] قرارداد چهارم ژنو، چهار هزار تن از اهالی مناطق اشغالی از جمله پیرمردان، زنان و کودکان را به داخل خاک عراق بردند، که با گذشت چندین سال از جنگ، هنوز از سرنوشت تعداد زیادی از این افراد اطلاع دقیقی در دست نیست.»

در این زمینه، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، در ۷ مه ۱۹۸۳ استمدادیه‌ای منتشر نمود، که در بند ۲ آن چنین آمده است:

«ده‌ها هزار تن از غیرنظامیان ایرانی، ساکنان مناطق مرزی خوزستان و کردستان که تحت نفوذ قوای ارتش عراق درآمدند. با نقش کامل چهارمین قرارداد ژنو، از طرف مقامات عراقی به سوی قلمرو جمهوری عراق برده شده‌اند. نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی

صلیب سرخ فقط توانستند به صورت ناقص و کوتاه با این افراد تماس بگیرند.» [۳۶] .

همچنین، در گزارش هیئت اعزامی دبیر کل وقت سازمان ملل متحد به اردوگاه‌های اسیران جنگی در عراق آمده است:

«عده‌ای ضمن ابراز وحشت از بیان صریح مطالب گفتند که به زور به خاک عراق برده شدند. این عده همچنین این مطلب را که تمامی ساکنان این روستاها، به صورت داوطلب به عراق آمده‌اند[ادعای مقامات عراقی]، مورد تردید قرار دادند.» [۳۷] .

[صفحه ۳۹]

در خصوص کوچ اجباری شهروندان ایرانی به داخل خاک عراق که تحت آموزش نظامی ارتش عراق قرار گرفتند، اظهارات مهندس محسن یحیوی، معاون وزیر نفت، که به همراه شهید تندگویان (وزیر سابق نفت) به اسارت نیروهای متجاوز عراقی درآمدند، درخور توجه است.

«... از جمله کسانی که ما توانستیم با آنها تماس بگیریم، جوانی سوسنگردی بود. موقعی که ما دعای فارسی می‌خواندیم او ما را مخاطب قرار می‌داد و صحبت می‌کرد. از کسانی بود که ارتش عراق بعد از تصرف سوسنگرد، آنها را به خاک این کشور انتقال داده و محلی را برای زیست آنها مشخص کرده بود. دلیل زندانی شدن او تخلف از خواسته‌های عراقیان بود. بعد از آنکه ما را شناخت برای ما فاش کرد که عراق از افرادی که از سوسنگرد به خاک عراق کوچ داده شده بودند، حدود سه هزار نفر را تحت آموزش منظم نظامی قرار دادند و خود این فرد هم یکی از آنها بود، اما او و چند نفر از خواهران و برادرانی که با او در آن اردوگاه به سر می‌بردند، به اشتباه خود پی بردند و درصدد فرار از اردوگاه و برگشتن به وطن برآمده بودند، اما در بین راه دستگیر شده و به زندان سازمان امنیت منتقل شدند.» [۳۸] .

به هر حال، کوچ دادن اهالی مناطق اشغالی ایران به داخل خاک عراق برنامه سراسری و طراحی شده‌ی ارتش عراق بود. نامه‌ی سری و فوری سپاه سوم ارتش عراق، که از مقرهای آنان در خرمشهر پس از آزادی این شهر به دست آمد، مؤید انجام دادن چنین اقداماتی به دست ارتش عراق است:

[ترجمه سند ۴۱]

نامه سری و فوری، شماره اس ۱۷ / ۱۴۸۳، تاریخ ۱۱ / ۱۱ / ۱۹۸۰

از: سپاه سوم

به: لشکرها و تیپ‌های زرهی ابن‌ولید و لشکر ۳ و روزنامه‌ی جنگ

۸۰۴۹ / ق ص

نامه سری عملیات به شماره ۱۲۳۸۳ مورخ ۹ / ۱۱ / ۱۹۸۰[۱۸ / ۸ / ۱۳۵۹]

با کوچ دادن سری اهالی روستاهای آزاد شده و قتل کسانی که دوباره برمی‌گردند، موافقت به عمل آمده است. رونوشت به لشکر ۳ پیرو نامه سری و فوری به شماره ۶, ۷۴۲۵ / ۱۱ / ۱۹۸۰[۱۵ / ۸ / ۱۳۵۹]جهت در نظر گرفتن منظور فوق و آنچه مربوط به روستاهاست ما را مطلع سازید. [۳۹] .

[صفحه ۴۰]

بنابراین، صحت گزارش‌های مبنی بر اقدامات قوای ارتش عراق در کوچ اجباری ساکنان مناطق مرزی ایران به داخل خاک عراق،

برای هیئت اعزامی دبیر کل وقت سازمان ملل متحد و کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ جهانی محرز شد. بدین ترتیب این اعمال عراقی‌ها نقض آشکار مواد ۴۹ و ۵۱ قرارداد چهارم ژنو مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ است.

ماده‌ی ۴۹ اذعان می‌کند:

«انتقال دسته‌جمعی یا انفرادی و نقل مکان اشخاص مورد حمایت از اراضی اشغال شده به خاک دولت اشغال کننده یا به خاک هر دولت دیگری اعم از اینکه اشغال شده یا نشده باشد به هر علتی ممنوع است.»

رژیم عراق افزون بر نقض ماده‌ی مزبور، با اقدام غیرقانونی دیگری مبنی بر اجبار افراد به آموزش نظامی و خدمت در ارتش، ماده‌ی ۵۱ قرارداد چهارم ژنو را نیز نقض کرد. طبق این ماده:

«دولت اشغال کننده نمی‌تواند اشخاص مورد حمایت را مجبور به خدمت در نیروهای مسلح یا نیروهای کمکی خود کند و هر گونه فشار تبلیغاتی به منظور استخدام داوطلب ممنوع است.»

اعدام انفرادی و دسته جمعی غیر نظامیان در مناطق اشغال شده

ممنوعیت اعدام انفرادی و دسته‌جمعی افراد در مناطق اشغال شده، از جمله حمایت‌هایی است که حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی برای غیرنظامیان مقرر کرده است. این ممنوعیت، که افزون بر جنگ‌های بین‌المللی در جنگ‌های غیر بین‌المللی نیز ساری و جاری است، صریحا در ماده‌ی ۳ کنوانسیون چهارم ژنو پیش‌بینی و در پروتکل‌های ۱۹۷۷ تأیید شده است. این ممنوعیت، نظامیان مجروح و بیمار و نیز اسیران جنگی را شامل می‌شود (ماده‌ی ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو). دولت عراق، با وجود چنین ممنوعیتی، تعهدات بین‌المللی خود را نقض کرد و در موارد زیادی به اعدام انفرادی و دسته‌جمعی غیرنظامیان و نظامیان ایران اقدام کرد.

[صفحه ۴۱]

موارد زیر نمونه‌های از نقض حقوق بشردوستانه به دست نیروهای عراقی است:

- یک گروهبان اسیر عراقی یکی از صحنه‌های جنایت ارتش عراق را چنین توصیف کرد: سرهنگ «مقدم حسن» فرمانده‌ی تیپ ۹ از لشکر ۱۲ ارتش عراق، جمعی از ساکنان روستایی در نزدیکی کرخه نور را در سنگر تانک جمع کرد و به تانک‌ها دستور گلوله‌باران و قتل‌عام آنها را داد. [۴۰] .

- یکی از افسران اسیر لشکر ۹ ارتش عراق گفت: «فرمانده لشکر نهم ارتش عراق، سرهنگ ستاد «طالع الدوری»، در منطقه‌ی سوسنگرد، ۴۵ نفر از اهالی یک روستای عرب‌نشین را که همه‌ی آنها از افراد غیرنظامی بودند، در میدان روستا جمع و با تیر مستقیم تانک آنها را گلوله‌باران کرد.» [۴۱] .

- یک خدمه‌ی تانک عراقی گفت: «نیروهای عراقی مسافرانی (غیرنظامیان) را که در جاده‌ی سوسنگرد - حمیدیه در حال فرار از منطقه بودند اسیر و پس از انتقال به پشت جبهه تمامی آنها را اعدام و جنازه‌هایشان را در همان جا دفن کردند. سرهنگ «نوری جدوع»، فرمانده یکی از تیپ‌های مستقر در حمیدیه نیز حکم اعدام دو نفر غیرنظامی را به جرم اینکه نسبت به اسارت خود اعتراض و بلند صحبت کرده بودند، صادر کرد.»

- یکی دیگر از اسیران عراقی گفت: «یک هفته پس از استقرارمان در خرمشهر، به طرف وانتی که در حرکت بود، شلیک کردیم و راننده را به اسارت گرفتیم، افراد ما راننده را اعدام و جنازه وی را در گودالی دفن کردند.» [۴۲] .

علاوه بر این، پس از آنکه رزمندگان اسلام نیروهای ارتش عراق را در جبهه‌های جنوب به عقب راندند، چندین گور دسته‌جمعی

کشف کردنـد. در اینجا، به بخشـی از اظهارات یکی از بازمانـدگان این جنایت‌ها در مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسـلامی ایران اشاره می‌شود:

«– من فیروز، فرزند کاظم، پدر و دو برادرم در این گور دفن شدند.

– چه موقع این گور دسته‌جمعی را کشف کردید؟

[صفحه ۴۲]

– دیروز صبح بعـد از اینکه به مـا خبر دادنـد، به این منطقه (حـوالی سوسـنگرد) آمـدیم، دیـدیم که این گـور پر از جسـد است که تعدادی از آنها را شناسایی کردیم.

– شما چگونه توانستید این اجساد را شناسایی کنید؟

– از لباس، ساعت مچی و دیگر مشخصات شخصی.

– آیا از بستگان شما در اینجا دفن شده‌اند؟

– بله پـدر و دو برادرم، سه عمو و دو پسـرعمو و در واقع، یازده نفر از بسـتگانم. مزدوران صـدام فرزندان عشایر این منطقه را پس از هجوم به این منطقه اسیر کردند و بدون هیچ گناهی آنها را قتل عام و روی آنها خاک ریختند.

– البته، قبلا تعدادی از این گورهای دسته‌جمعی کشف شد و این نخستین بار نیست.

– تا حالا چند جسد را از زیر خاک خارج کردید؟

– نزدیک به پانزده جسد که از طریق کارت شناسایی و عکس‌ها و دیگر مشخصات همراه آنها شناسایی شدند.» [۴۳] .

ارتش صـدام در حالی به چنین اعدام‌هایی اقدام کرده است که ماده‌ی ۵۳ پروتکل الحاقی نخست ۱۹۷۷ حمله به مردم غیرنظامی را در هر شـرایطی ممنوع کرده است و کشورهای عضو کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو ۱۹۴۹ به رعایت آن ملزم‌اند. مطابق ماده‌ی ۲۷ قرارداد چهارم ژنو: «اشـخاص مورد حمایت در هر مورد نسبت به احترام شخص خود و شرافت خود و حقوق خانوادگی و عادات و رسوم خود ذی‌حق‌انـد و در هر زمـان، بایـد بـا آنـان با انسانیت رفتار شود، از جمله در مقابل هر گونه عمل خشونت‌آمیز یا تخویف، دشنام و کنجکاوی عامه حمایت خواهند شد.»

همـان گـونه که ملاحظه می‌شـود، حقـوق بین‌الملـل بشردوسـتانه، هر گـونه عمـل خشـونت‌آمیز، حـتی تخویـف و دشـنام را در حق غیرنظامیان برنمی‌تابد و آن را ممنوع کرده است. حال، آیا اعدام غیرنظامیان ایرانی به دست فرماندهان و

[صفحه ۴۳]

نظامیان عراقی مفهومی جز نقض شدید قوانین بین‌الملل بشردوستانه دارد؟

طبق ماده‌ی ۵ قطعنامه‌ی شماره‌ی ۱۸۶۱، که شورای اجتمـاعی – اقتصادی سازمان ملل آن را با عنوان «حمایت از زنان و کودکان در مواقع اضـطراری و مخاصـمات مسـلحانه» در سـی و ششـمین اجلاـس این شورا در ۱۶ مـه ۱۹۷۴ به تصویب رسانـد: «تمامی اشـکال سرکوب، رفتـار خشن و غیرانسانی با زنان و کودکان از جمله حبس، شـکنجه، تیرباران و... مجازات جمعی از سوی متخاصـمان طی اقدامات نظامی در سرزمین‌های اشغالی ارتکاب یابد، جنایت تلقی خواهد شد.»

بـا توجه به اینکه قتـل عام غیرنظامیان ایرانی به دست قوای ارتش عراق، نقض صـریح قوانین و عرف‌های جنگی است، به اسـتناد بند

ب ماده‌ی ۶ اساس‌نامه‌ی نورنبرگ، در زمره‌ی جنایت‌های جنگی به شمار می‌رود. جا دارد در ادامه، گزارش مشروح یکی دیگر از موارد اعدام غیرنظامیان را از زبان یک افسر عراقی بشنویم. یکی از افسران گردان تانک مقداد از لشکر ۶ ارتش عراق می‌گوید:

«روزی بالای تانک نشسته بودم و اطراف را نگاه می‌کردم. هوا گرم بود. بار انـدوه آوارگی اهالی روستاهای ویران شده در منطقه سنگینی می‌کرد. تاکنون جنگ، ویرانی و آوارگی ندیده بودیم، کسی گمان نمی‌کرد که جنگ این قدر طولانی شود. روز کسل کننده و گرمی بود. بالای تانک نشسته بودم. زنجیرهای نامرئی که پایم را به تانک زیر پایم بسته بود، قلبم را به سختی می‌فشرد. اطرافم را نگاه می‌کردم، روبه‌رویم روستای ویرانی از فاصله‌ی نسبتا دوری پیدا بود. از سمت روستا کسی به سوی موضع ما می‌آمد. بلند شدم روی تانک ایستادم و به دقت نگاه کردم؛ یک نفر در حالی که پارچه‌ی سفیدی بر سر چوبی آویخته بود، دوان دوان می‌آمد و دائما پارچه سفید را تکان می‌داد. از بالای تانک پایین آمدم و منتظر شدم تا برسد و ببینم کیست و چه کار دارد و در منطقه جنگی چه می‌کند.

ناگهان یکی از هواپیماهای ایران در آسمان ظاهر شد. داد و فریاد در موضع

[صفحه ۴۴]

به راه افتاد: سنگر بگیرید، هواپیمای دشمن است. من هم فورا خودم را به سنگر رساندم و پناه گرفتم. جنگنده پایین کشید و بمب‌هایش را روی مواضع ما خالی کرد و رفت.

در این حمله‌ی هوایی، چند کامیون و تانک ما آتش گرفت. چند نفر نیز کشته و زخمی شدند. بعد از دقایقی، اوضاع تقریبا عادی شد و عده‌ای مشغول خاموش کردن آتش شدند.

از سنگر که بیرون آمدم، دیدم پسربچه‌ای که پارچه سفیدی را بالای یک نی آویخته بود، به نزدیکی واحد ما رسیده و حیرت‌زده شاهد اوضاع بود. با چند نفر از سربازان جلو رفتم، پسرک نفس نفس می‌زد، خیلی خسته بود، عرق از صورت سوخته‌اش می‌چکید و گرد و خاک زیادی سر و رویش را پوشانده بود.

او یک زیر شلوار چیت به پا داشت، عرقگیر رکابی پوشیده و دست‌های نازک برشته‌اش از آن بیرون آمده بود. از ظاهرش پیدا بود خیلی ترسیده است. لب‌هایش از تشنگی خشک شده بود. با مشاهده ما بلافاصله با دست اشاره به روستا کرد و با لکنت زبان گفت که مادر و خواهرانش در آن روستا زیر آتش ما قرار گرفته‌اند. او این جمله را پی در پی تکرار می‌کرد و نفس‌زنان می‌گفت: مادر و دو خواهرم در آن روستای نیمه ویران هستند. خواهش می‌کنم به طرف روستا تیراندازی نکنید. امان بدهید تا من آنها را از منطقه خارج کنم.

پسرک التهاب عجیبی داشت، اما از نحوه صحبت کردنش متوجه شدم بیشتر از سنش می‌فهمد (نمی‌دانم چرا از او خوشم آمده بود، شاید به خاطر از خود گذشتگی‌اش بود.) ما متحیر مانده بودیم. او چه می‌گوید؟ از ما چه می‌خواهد. سربازان از او پرسیدند: غیر از تو کسی دیگری در روستا هست یا نه؟ پسرک گفت: نه. در این روستا تنها مانده‌ایم، دیگران یا کشته شده یا فرار کرده‌اند. ما نتوانستیم فرار کنیم و گرفتار شدیم. دو روز است از ترس نخوابیده‌ایم و چیزی هم نخورده‌ایم. مادر و دو خواهرم را در پناه گرفته و از

[صفحه ۴۵]

آنها مواظبت می‌کنم. منتظریم هر طور شده از روستا برویم. مادرم مرا فرستاد تا بگویم کاری به ما نداشته باشید. امان بدهید که من، مادر و دو خواهرم را از این معرکه نجات بدهم.

ناگهان یکی از سربازها گفت: به حرف او اعتنا نکنید، پسرک دروغ می‌گوید. او خائن است. با همین پارچه سفید به جنگنده‌ی ایرانی علامت داده و مواضع ما را مشخص کرده است وگرنه جنگنده‌ی ایرانی از کجا می‌دانست که ما در این منطقه هستیم، حتما این پسرک خائن علامت داده است.

در همین حال، سرتیپ «جواد اسعد شیتنه» متوجه اوضاع شد و به طرفمان آمد. از چهره‌اش پیدا بود که از بمباران موضع، شدیدا خشمگین و ناراحت است، از ما پرسید: این پسرک کیست؟ چه می‌خواهد؟

همان سرباز دوباره گفت: یک خائن است و با پارچه‌ی سفید به جنگنده‌ی ایرانی علامت داد و موضع ما بمباران شد.

پسرک با ناراحتی گفت: تو دروغ می‌گویی. من برای نجات مادر و دو خواهرم به اینجا آمده‌ام. این حرفها که می‌زنی معنی ندارد. بعد رو به ما کرد و ادامه داد: اگر باور ندارید، بیایید به روستا تا من آنها را به شما نشان بدهم و بگویم که حرف‌های این سرباز دروغ است.

سرتیپ «جواد اسعد شیتنه» با عصبانیت دستور داد پسرک را به پست فرماندهی بیاورند. پسرک را به پست فرماندهی بردند صدای فریاد سرتیپ بیرون می‌آمد. او نعره می‌کشید: تو خائنی. تو به ما خیانت کردی و صدای گریه پسرک به گوش می‌رسید و قسم می‌خورد که: «نه این طور نیست. من حقیقت را برایتان گفتم.»

سرتیپ گوشش بدهکار نبود. موهای مجعد پسرک را در چنگ گرفته بود و مدام به صورتش سیلی می‌زد و با لگدهای سنگین خود پاهای نازک و سوخته‌ی او را مجروح می‌کرد. پسرک مانند گنجشک در دست سرتیپ هر چه تقلا می‌کرد فایده‌ای نداشت. گاهی پسرک مستأصل می‌شد و مادرش را صدا می‌زد.

[صفحه ۴۶]

سرتیپ پسرک را تهدید کرد: حالا اعدامت می‌کنم. سزای آدم خائن اعدام است. اگر حقیقت را نگویی همین الآن می‌دهم اعدامت کنند. پسرک تکرار کرد: دروغ می‌گویند. من برای نجات مادر و خواهرانم به اینجا آمده‌ام.

بالاخره سرتیپ چند کماندو را احضار کرد و گفت: این پسر لجوج خائن را ببرید آن طرف تیربارانش کنید. آن کماندوها پسر کوچک را کشان کشان از پست فرماندهی بیرون آوردند و به طرف بیابان و خارج از مواضع بردند.

فریاد پسرک در بیابان پیچیده، کسی نبود به داد او برسد. صحنه به قدری دردناک و غیرعادی بود که کماندوها اعدام پسر نوجوان را به عهده‌ی یکدیگر می‌گذاشتند. دست آخر کماندوها به این نتیجه رسیدند که همان سربازی که به سرتیپ اسعد گفته بود این پسرک خائن است، خودش او را اعدام کند.

پسربچه در مخمصه عجیبی گرفتار شده بود. کار به کجا می‌کشد.

پیش خودم گفتم الآن سرتیپ اسعد دستور می‌دهد پسرک را برگردانند تا به روستایش برود و مادر و دو خواهرش را از مهلکه خارج کند.

کمی از موضع دور شدیم. پسرک را در محلی نگه داشتند. او داد و فریاد می‌کرد و جیغ می‌کشید. کماندوها بدون اینکه چشم او را ببندند، سرپا نگهش داشتند و چند قدم از او فاصله گرفتند تا همان سرباز به طرفش نشانه رود.

با نشانه‌گیری سرباز پسرک گریه‌اش بند آمده بود و فقط با چشمان بازش به لوله تفنگ خیره شده بود. سرباز با فاصله‌ای کمی که

از پسر داشت رگبار را به سوی او شلیک کرد.

گرد و خاک زیادی در اطراف پسر به هوا برخاست. لحظاتی بعد غبارها فرونشست اما در نهایت حیرت و تعجب پسرک همچنان ایستاده بود.

کم مانده بود قلبم از کار بایستد. کماندوها همه تعجب کرده بودند. همه شوکه شده بودند. در این احوال، ناگهان صدای خشن سرتیپ اسعد که در کنار کماندویی دیگر ایستاده بود. طنین انداخت، بی‌عرضه‌های بی‌لیاقت! این همه سرباز هنوز نتوانسته‌اید یک پسر بچه‌ی خائن را اعدام کنید. کماندویی که در کنار سرتیپ اسعد بود، احترام نظامی گذاشت و گفت: قربان اگر اجازه

[صفحه ۴۷]

بدهید من شخصا کار این پسر خائن را تمام کنم. سرتیپ سرش را تکان داد و دستی بر شانه‌ی او زد. او هم با عجله از بلندی سرازیر شد، اسلحه‌ی یکی از کماندوها را گرفت و سریع به طرف پسر نشانه رفت.

پسرک که در بهت فرورفته بود در یک لحظه به طرف کماندوی تیرانداز یورش برد و دو دستی تفنگ او را گرفت. کشمکش بین پسرک و کماندو شروع شد.

طبیعی بود که کشمکش چند ثانیه بیشتر دوام نیاورد؛ زیرا دستان ضعیف پسرک قدرت مقابله با هیکل تنومند کماندو را نداشت. پسرک با قدرت تمام دودستی اسلحه را چسبیده بود و فریاد می‌زد: نه، نمی‌گذارم اعدامم کنید. نمی‌گذارم اعدامم کنید. فریادهای دلخراش او و دیدن آن جدال مرا تحریک کرده بود. صحنه‌ی عجیبی بود. او مقاومت می‌کرد و کماندو با لگد به پاها و پهلوی او می‌زد.

مقاومت ملتمسانه پسرک وجود بعضی از سربازان را به آتش کشیده بود، اما از کسی کاری برنمی‌آمد.

دلم می‌خواست پسرک همچنان با قدرت مقابله کند و مانع از اعدامش شود. او با سماجت اسلحه را چسبیده بود و با تتمه‌ی نیرویی که به سرعت تحلیل رفته بود، فریاد می‌زد: نمی‌گذارم اعدامم کنید. مادر و خواهرم تنها هستند. آنها منتظر من‌اند. چرا این کار را می‌کنید[ولم کنید]اما توان پسرک تمام شده بود. کماندو با یک حرکت سریع او را از زمین بالا کشید و با یک حرکت دیگر بر روی خاک‌ها پرت کرد. پسرک کوچک غلتی زد و به زحمت از جا بلند شد. بند عرق گیرش بریده بود و بدن لخت خاکی و مجروحش کاملا پیدا بود. او از ترس دوباره اسلحه را دو دستی چسبید و با چشمان قرمز شده‌اش در حالی که نفس نفس می‌زند گفت: نمی‌گذارم اعدامم کنید. نمی‌گذارم اعدامم کنید....

پسربچه دیگر امید خود را برای زنده ماندن از دست رفته دید، گفت پس بگذارید شهادتین را بگویم. حرف‌های این پسر آب سردی بود که برروی

[صفحه ۴۸]

آتش ریخته باشند. چند بار می‌خواستم بروم تا این صحنه‌ها را نبینم ولی حس عجیب دیگری مرا به دیدن آن وامی‌داشت.

کماندو، بی‌اعتنا به فریادهای پسر جوان در حالی که عصبانی به نظر می‌رسید فریادکنان گفت: هر غلطی می‌خواهی بکن، فقط زود باش.

او رو به قبله نشست و بلند بلند شهادتین گفت. سرخی رنگ غروب روی تن لخت و مجروح پسر و موهای مجعد و خاکی او حالتی

به وی بخشیده بود که گویی از این دنیا نیست.

دیگر آرام نشسته بود و کماندو بالای سر او ایستاده بود. ناگهان صدای رگبار طولانی در بیابان پیچید.

دیگر نه آن نوجوان دیده می‌شد، نه آن کماندو. گرد و غبار و دود اطراف آنها را پوشانده بود و تنها صدای رگبار در گوشمان به جا مانده بود.

صدای رگبار مسلسل که قطع شد، جثه نحیف پسرک ۳۰ گلوله‌ی کلاشینکف را در خود جای داده بود. پس از اتمام[اعدام آن نوجوان]، سرتیپ اسعد از بلندی خاکریز سرازیر شد و بی‌اعتنا به طرف مقر خودش رفت [۴۴] ... من هم بلند شدم و محل وقوع حادثه را ترک کردم. در راه مکثی کردم و به عقب برگشتم تا پسرک را ببینم. جز یک جسد خون‌آلود و متلاشی چیزی دیده نمی‌شد.» [۴۵] .

اعدام این نوجوان غیرنظامی که تنها جرمش درخواست از قوای متجاوز عراقی برای دور کردن خانواده‌اش از آتش جنگ بود، فقط نمونه‌ای از اعمال ضدانسانی و نقض آشکار موازین حقوقی بین‌المللی بشردوستانه در هجوم ارتش عراق به ایران است. در این باره ماده‌ی ۴ قرارداد چهارم ژنو درباره‌ی حمایت از افراد کشور در حال جنگ اذعان می‌دارد: «افراد غیرنظامی که در خاک دشمن‌اند، باید اجازه‌ی ترک آنجا را داشته باشند، مگر در صورتی که این امر به دلایل امنیتی ممنوع شود.»

[صفحه ۴۹]

همچنین، ماده‌ی ۲۷ قرارداد چهارم ژنو مقرر می‌کند: «افراد غیرنظامی در کشور دشمن و ساکنان سرزمین‌های اشغالی در تمامی شرایط باید از حق احترام، شرافت و حقوق... برخوردار باشند و با آنها همیشه باید با انسانیت رفتار کرد.» [۴۶] .

از دیگر موارد نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه به اسارت گرفتن غیرنظامیانی بود که در حال ترک منطقه‌ی جنگی بودند که نیروهای عراق پس از انتقال به پشت جبهه، آنها را اعدام می‌کردند و در صورت هر گونه اعتراضی به رفتار وحشیانه‌ی آنها، در همان جا تیربارانشان می‌کردند. برای نمونه، یکی از مسافران اتوبوسی که از آبادان به سمت اهواز در حرکت بود، پس از اعتراض به وحشیگری‌های نیروهای عراقی به دست ستوان عراقی به نام غانم عبدالعزیز به شهادت رسید. همچنین، افراد مسنی که به علت کهولت سن یا نداشتن کسی، نتوانستند از مناطق جنگی خارج شوند، نیز به دست ارتش عراق به شهادت رسیدند. [۴۷] .

قتل عام زنان و کودکان و بدرفتاری با آنها از دیگر موارد نقض حقوق بشردوستانه به دست نیروهای ارتش عراق، بوده است. طبق ماده‌ی ۲۷ عهدنامه‌ی چهارم ژنو و ماده‌ی ۷۶ پروتکل شماره‌ی ۱ الحاقی، زنان به ویژه در مقابل هر گونه لطمه به شرافتشان در برابر تجاوز، اجبار به فحشا و هر گونه هتک حرمت مورد حمایت قرار دارند. در صورت محرومیت از آزادی، آنان باید در مکانی جدا از مردان نگهداری شوند. موضوعی که ماده‌ی ۷۶ قرارداد چهارم ژنو، بند ۵ ماده‌ی ۷۵ پروتکل اول و بند ۲۶ ماده‌ی ۵ پروتکل دوم لاهه نیز آن را تصریح کرده است.

از سوی دیگر، ماده‌ی ۷۶ پروتکل نخست مقرر می‌کند که باید نسبت به زنان باردار و مادران کودکان کم سن و سال توجه ویژه‌ای شود. کودکان نیز تصویر کاملا ـ نمایانی از قربانیان بی‌گناه را ارائه می‌دهند که باید از آنها حمایت شود. براساس ماده‌ی ۲۴ کنوانسیون چهارم ژنو، دو طرف متخاصم باید تدابیر لازم را

[صفحه ۵۰]

اتخاذ کنند تا کودکان کمتر از پانزده سال که بر اثر جنگ یتیم می‌شوند و یا از خانواده‌ی خود جدا می‌افتند، به حال خود رها نشوند و در هر شرایطی، تسهیلات لازم برای نگهداری و انجام فرایض مذهبی و تربیتی آنان فراهم شود. براساس ماده‌ی ۷۷ پروتکل نخست، باید به کودکان احترام ویژه‌ای گذاشته و در برابر هر گونه هتک حرمت از آنها حمایت شود. [۴۸] .

رژیم عراق کمترین توجهی به این قوانین نداشت و نظامیان این کشور اجازه‌ی هر گونه جنایتی را داشتند. چگونه می‌توان باور کرد که به دلیل زخمی شدن یکی از نیروهای عراقی، روستایی را به آتش بکشند و ساکنان آن را به شکل فجیع و دلخراشی قتل عام کنند. آری، این عمل به دستور سرگرد عراقی به نام «زید یونس عاشور»، فرمانده یکی از گروهان‌های تیپ ۳۳ زرهی ارتش عراق، در حوالی خرمشهر اتفاق افتاد. در این جنایت، به دلیل زخمی شدن یکی از همشهریان صدام (تکریتی)، چهارده نفر از اهالی یکی از روستاهای خرمشهر زنده به گور شدند، تعدادی بر اثر حمله نیروها و توپخانه‌ی دشمن جان خود را از دست دادند و تعدادی نیز اسیر شدند که در میان آنها، پانزده زن و کودک خردسال دیده می‌شد که به دستور این سرگرد تیرباران شدند. [۴۹] .

در مورد قتل عام غیرنظامیان در مناطق اشغالی به دست نیروهای ارتش متجاوز عراق، نامه‌ی سری و فوری سپاه سوم عراق که پس از فتح خرمشهر در مقرهای آنها پیدا شد، با مطالب دل‌خراشی که اسیران عراقی درباره کشتار غیرنظامیان به دست قوای متجاوز عراق گفته بودند، کاملا مطابقت دارد. [۵۰] .

همان طور که گفته شد، افراد غیرنظامی‌ای که در خاک دشمن‌اند، باید اجازه‌ی ترک آنجا را داشته باشند، مگر اینکه این امر به دلایل امنیتی ممنوع شود. [۵۱] .

همچنین، اگر آنها خاک کشور مزبور را ترک نکنند یا محبوس باشند، با آنها باید مانند دیگر خارجیان رفتار شود [۵۲] و آنها باید بتوانند به زندگی عادی خود ادامه بدهند. در این میان، دولت اشغالگر نیز مکلف است نظم عمومی را حفظ کند.

[صفحه ۵۱]

نظامیان عراقی برخلاف اصول مزبور، نه تنها به افراد غیرنظامی اجازه ندادند در مناطق اشغالی بمانند، بلکه از خروج آنها از مناطق جنگی نیز جلوگیری کردند و آنهایی را که در حال فرار از منطقه بودند، دستگیر و اعدام کردند.

نیروهای ارتش عراق در حالی افراد پیر و سالخورده و اطفال کمتر از پانزده سال و... را در سرزمین‌های اشغالی به شهادت رساندند که ماده‌ی ۱۴ قرارداد ژنو مقرر می‌دارد:

«دولت‌های متعاهد پس از آغاز جنگ می‌توانند در خاک خود و در صورت لزوم، در اراضی اشغالی نواحی و نقاط بهداری و امنیت ایجاد و تشکیلات آن را طوری قرار دهند که... پیران و اطفال و زنان باردار و مادران اطفال کمتر از هفت سال را از تأثیرات جنگ پناه دهند.»

در ماده‌ی ۳۱ قرارداد چهارم ژنو نیز مقرر شده است: «هیچ گونه فشار جسمی یا معنوی درباره‌ی اشخاص مورد حمایت از جمله به منظور تحصیل اطلاعات از آنان یا اشخاص ثالث نمی‌توان وارد آورد.» [۵۳] .

در این باره، طبق بند ۱ قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه، که در سال ۱۹۷۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید: «افراد خارج از کارزار و کسانی که در مخاصمات شرکت ندارند، باید حیات و تمامیت جسمانی و معنوی‌شان مورد احترام قرار گیرد. آنها باید در برابر تمامی اقدامات خشن و تلافی‌جویانه حمایت شوند.» این در حالی بود که نظامیان ارتش عراق به هیچ یک از این موازین پای‌بند نبودند و برخلاف نص صریح ماده‌ی ۳۲ قرارداد چهارم ژنو، جمعیت غیرنظامی ایرانی را که در میان آنها افراد پیر، کودکان، زنان باردار و... حضور داشتند، با فجیع‌ترین روش‌ها از جمله سوزاندن،

تیرباران و... به شـهادت رساندند. ماده‌ی ۳۲ مقرر می‌کنـد: «دولت‌های متعاهد هر گونه اقدامی را که خواه آلام جسـمانی اشـخاص مورد حمـایت موجود در اختیـار ایشـان و خواه قتـل آنـان را موجب شود، صـریحا بر خود ممنوع می‌کننـد. این ممنوعیت، نه تنها[در مورد]قتل و

[صفحه ۵۲]

شکنجه و صدمات جسـمانی و... می‌باشد بلکه[در مورد]هر گونه خشونت‌های دیگری است که عامل آن مأموران کشوری یا نظامی باشند.»

در مورد سـابقه‌ی کـاربرد خشونت در جنگ‌هـا و چگونگی برخورد بـا مجریـان آن، گفتنی است که در جریـان جنگ جهانی دوم، نیروهای نظامی ارتش آلمان هزاران غیرنظامی فرانسوی را در مناطق اشـغالی تیرباران کردند و این افزون بر قتل‌هایی بود که صورت می‌گرفت. افسرانی که این کشتارها را مرتکب شده بودند، بعدها جنایتکار جنگی شناخته و به مرگ محکوم شدند. [۵۴] .

در مورد اعدام غیرنظامیان، ماده‌ی ۶۸ قرارداد چهارم ژنو مقرر می‌کند:

«مقررات جزایی‌ای که دولت اشـغال کننـده وضع می‌کنـد، نمی‌توانـد مجازات اعدام درباره‌ی اشـخاص مورد حمایت را شامل شود، مگر در صورتی که جرم اشـخاص مزبور جاسوسـی و عملیـات مهم خرابکـاری در تأسیسات نظامی دولت اشغال کننـده یا تخلفات عمدی باشد که مرگ یک یا چند نفر را موجب شده باشد، آن هم مشروط به اینکه قوانینی که در اراضی اشغال شده، پیش از آغاز اشغال جاری بوده است برای این قبیل موارد، مجازات اعدام را پیش‌بینی کرده باشند.» [۵۵] .

آیـا مردان و کودکـانی که به دسـتور سـرهنگ «مقـدم حسن» در سـنگر تانـک به رگبـار بسـته شدنـد، عملیـات مهم خرابکـاری در تأسیسات نظـامی عراق را طراحی و اجرا کرده بودنـد؟ یا زنان و کودکان و سالخوردگان یکی از روسـتاهای سوسـنگرد که به علت عملیات برق‌آسای قوای متجاوز عراقی نتوانستند دیار خود را ترک کنند و به دستور فرمانده‌ی لشکر نهم ارتش عراق، سرهنگ طالع الدوری، با تیر مستقیم تانک تکه‌تکه شدند، جرم‌های ذکر شده در ماده‌ی ۶۸ قرارداد چهارم ژنو را مرتکب شده بودند؟

آیا زنان بارداری که به دست سـرگرد عراقی از پای درآمدنـد و همچنین افراد غیرنظامی‌ای که در حال فرار از معرکه بودند و دیگر ساکنـان منـاطق اشـغالی که نتوانسـتند از منطقه خـارج شونـد و در میـان آنـان افراد مسن، زنـان و کودکـان حضـور داشـتند، پس از دستگیری همه قتل عام شدند، به کدام یگان

[صفحه ۵۳]

ارتش عراق یورش و آنها را تار و مار یا تأسیسات مهم نظامی دشمن را منهدم کرده بودند که سزاوار چنین مجازات سنگینی بودند. آیا این اعدام‌های غیرقانونی جز نقض قوانین جنگ مفهوم دیگری دارد؟

در حـالی کودکان چهار پنج ساله در مناطق اشـغالی به دست نیروهای دشـمن تیرباران می‌شدنـد که طبق ماده‌ی ۶۸ قرارداد چهارم ژنو: «در هیـچ حالی درباره‌ی شـخص مورد حمایتی که سـنش در موقع جرم کمتر از هیجـده سال باشد، نمی‌توان حکم اعدام صادر کرد.» [۵۶] .

یـادآوری این نکته ضـروری است که هر چنـد بی‌گناهی تمام افراد غیرنظامی که در مناطق اشـغالی مظلومانه به دست دشـمن اعـدام شدنـد، محرز بوده و آنها هرگز تخلفاتی که در ماده‌ی ۶۸ قرارداد چهارم ژنو به آن اشاره گردیـده است، مرتکب نشده بودند، لکن

حتی اگر آنها مظنون به ارتکاب جرایم ماده‌ی ۶۸ بودند، باید آنها را در دادگاه‌های ذی‌صلاح و با دادرسی‌های منظمی که قبلا انجام می‌شد، محاکمه می‌کردند. اما رژیم عراق هرگز چنین دادگاه‌هایی را تشکیل نداد و برخلاف ماده‌ی ۷۱ قرارداد چهارم ژنو، غیرنظامیان را مظلومانه به شهادت رساند و با این اعمال خود به بدیهی‌ترین قوانین بشردوستانه‌ی بین‌المللی در زمینه‌ی حمایت از غیرنظامیان پشت پا زد.

اسیر کردن غیر نظامیان و نگهداری آنان در اردوگاه‌های اسیران جنگی

رژیم عراق در آغاز تجاوز به ایران برخلاف مقررات قرارداد چهارم ژنو هزاران تن از غیرنظامیان ایرانی را ربود و نام آنها را در اردوگاه‌های عراقی ثبت کرد. صلیب سرخ جهانی در گزارش مورخ ۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۲ خود می‌نویسد:

«کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ بیش از هزار اسیر غیرنظامی را در اردوگاه‌های عراقی ثبت کرده است که سالخوردگان، زنان و توقیف‌شدگان در مناطق اشغالی به دست نیروهای ارتش عراق، افرادی که به زور به خاك عراق برده شده‌اند، از آن جمله‌اند. این افراد از آغاز جنگ تاکنون در بازداشت به سر می‌برند.» [۵۷] .

[صفحه ۵۴]

از جمله‌ی این موارد می‌توان از بازداشت شهید مهندس جواد تندگویان، وزیر وقت نفت جمهوری اسلامی ایران و هیئت همراه ایشان در مناطق غیرنظامی نام برد. رژیم عراق در تاریخ ۹ / ۸ / ۱۳۵۹، یعنی چهل روز پس از آغاز جنگ تحمیلی، وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران و همراهان ایشان را که مشغول بازدید از مناطق نفتی استان خوزستان بودند، دستگیر کرد و آنها را به عنوان اسیران جنگی در تلویزیون نشان داد. اقدامات بین‌المللی هرگز نتوانست آزادی ایشان یا حتی ملاقات با وی را از طریق نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی فراهم آورد. [۵۸] وی سرانجام، پس از سال‌ها تحمل درد و رنج بر اثر شکنجه‌های مستمر جسمی و روحی رژیم عراق، در سلول انفرادی به شهادت رسید. یك پزشك عراقی که به دست نیروهای ایرانی اسیر شد، از قول یکی از دوستان پزشکش، که در بیمارستان الرشید بغداد به کار مشغول بوده چنین نقل کرده است:

«وزیر نفت ایران را برای عمل جراحی به آن بیمارستان آوردند. بر اثر شکنجه، طحال او ترکیده بود و اوضاع جسمی خوبی نداشت.» [۵۹] .

گفتنی است که دو تن از معاونان وزیر نفت به نام‌های مهندس سید محسن یحیوی و مهندس بوشهری، و همچنین راننده و دیگر افراد همراه وزیر نفت به مدت ده سال در اسارت رژیم عراق بودند. معاونان وزیر مدت زیادی از اسارت خود را همراه با شکنجه در زندان سپری کردند.

طبق قرارداد چهارم ژنو درباره‌ی حمایت افراد کشور در حال جنگ، دولت عراق موظف بود برای اشخاص غیرنظامی همه گونه تسهیلات را فراهم کند تا به کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ و جمعیت‌های ملی صلیب سرخ (هلال احمر) کشوری که آنجا می‌باشند و به هر سازمان دیگری که ممکن است به آنها کمك کند. مراجعه نمایند. [۶۰] اما رژیم عراق نه تنها هیچ گونه تسهیلاتی برای نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ برای دیدار با وزیر نفت و (معاونان وی) فراهم نکرد، بلکه هرگز به آنها اجازه نداد تا با ایشان ملاقاتی داشته باشند؛ اقدامی که نقض آشکار مقررات قرارداد چهارم ژنو بود که طبق آن: «نمایندگان

[صفحه ۵۵]

کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ اجازه خواهند داشت به نقاطی که اشخاص مورد حمایت در آنجا قرار دارند، به ویژه محل‌های بازداشت و توقیف... بروند. همچنین، آنها (نمایندگان) حق ورود به تمامی محل‌هایی که محل اشخاص مورد حمایت هستند خواهند داشت و می‌توانند با اشخاص مزبور بدون حضور شاهد و در صورت لزوم با حضور مترجم گفت‌وگو کنند.» [۶۱] .

عمال رژیم عراق با بی‌رحمی تمام، به طرز فجیعی، وزیر نفت و معاونان وی را بارها شکنجه دادند. اظهارات همراهان وزیر نفت در سلول هم‌جوار ایشان پیش از آزادی و گفته‌ی اسیران عراقی، گواه روشنی بر این ادعاست. در حالی که قرارداد چهارم ژنو هر گونه فشار جسمانی یا معنوی درباره‌ی اشخاص مورد حمایت از جمله به منظور به دست آوردن اطلاعات از آنان یا اشخاص ثالث را ممنوع کرده است. [۶۲] و همچنین کشورهای متعاهد (در قرارداد چهارم) هر گونه اقدامی که آلام جسمانی اشخاص مورد حمایت و یا قتل آنها را موجب بشود، صریحا، بر خود ممنوع کرده‌اند. [۶۳] با وجود این، مأموران عراقی بارها مرتکب نقض این قرارداد شدند، در حالی که به استناد ماده‌ی ۲۹ قرارداد چهارم ژنو، رژیم عراق مسئول رفتار عمال خود علیه اشخاص مورد حمایت این قرارداد بود.

درباره به اسارت گرفتن غیرنظامیان به اظهارات چند تن از نیروهای عراقی که به دست رزمندگان ایرانی اسیر شدند، اشاره می‌شود: «... در جاده‌ی آبادان - اهواز، منطقه‌ای به نام دارخوین است که ما خیلی سریع آن را اشغال کردیم. بدین ترتیب، بر جاده‌ی اهواز - آبادان مسلط شدیم و تمامی خودروها و کامیون‌هایی را که از این جاده در حال عبور بودند، متوقف

[صفحه ۵۶]

می‌کردیم، افراد را به اسارت می‌گرفتیم و اموالشان را به غارت می‌بردیم. بدین ترتیب، در مدت کوتاهی توانستیم پانصد نفر از مسافران این جاده را به اسارت بگیریم.» [۶۴] این اسیر در ادامه می‌افزاید:

«روزی نیروهای ما اتوبوسی را با حدود چهل نفر مسافر متوقف کردند. از فرمانده لشکر، سرهنگ ستاد «قدوری جابرالدوری»، دستور رسید که تنها جوان‌ها را به اسارت بگیرید و بچه‌ها را به حال خود بگذارید. اجرای این دستور امکان نداشت؛ زیرا زنان نمی‌خواستند از پسران و شوهران خود جدا شوند. گریه و زاری آنان واقعا دل‌خراش بود. ستوان یکم «عبدالعزیز غانم»، معاون فرمانده گروهان ۲ (من هم در همین واحد خدمت می‌کردم)، به طرف اتوبوس رفت و یکی از مسافران را که پسر جوانی بود و به وضعیت مسافران اعتراض کرده بود، با شلیک گلوله به شهادت رساند. در این میان، مسافر دیگری هم بر اثر انحراف گلوله کشته و یک نفر دیگر هم مجروح شد. سروان عبدالوهاب صالح عبدالوهاب، فرمانده‌ی گردان ما، دستور داده بود که جنازه‌ی هیچ یک از افراد ایرانی را دفن نکنیم. سپس، مسافران اتوبوس و دیگر مسافران را به پشت جبهه بردیم.» [۶۵] .

اسیر دیگری که از تیراندازان تانک گردان مقداد، جمعی لشکر ششم عراق بود، نیز گفت: «واحد ما در کنار جاده‌ی اهواز - آبادان مستقر شد و کنترل جاده را به دست گرفت. ما مسافران خودروهای سواری را که از این جاده رفت و آمد می‌کردند یا می‌کشتیم یا اسیر می‌کردیم و به بصره می‌فرستادیم.... گاهی اتفاق می‌افتاد که سرنشینان خودرو افراد یک خانواده بودند. در این صورت، مردان را به بصره می‌فرستادیم. همچنین اگر خودرویی به فرمان ایست توجه نمی‌کرد، هدف گلوله قرار می‌گرفت و بدین ترتیب، معمولا خودرو واژگون و سرنشینان آن کشته می‌شدند.» [۶۶] .

بیانیه‌ی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز صحت چنین اظهاراتی را تأیید می‌کند. [۶۷] .

[صفحه ۵۷]

یکی دیگر از موارد به اسارت گرفتن غیرنظامیان، اسارت آقای فرزاد نیک‌بخت، مدیر کل اداره‌ی کار و امور اجتماعی استان خوزستان است، که به نحوه‌ی اسارت وی اشاره می‌شود:

«فرزاد نیک‌بخت در تاریخ ۲۵ مهر ۱۳۵۹ در مراجعت از رسیدگی به وضع اداره‌ی کار سوسنگرد، به اتفاق پنج نفر دیگر به گشتی‌های عراقی برخورد و هدف شلیک گلوله قرار گرفت و با یکی از همراهانش دستگیر شد. طبق خبرها، وی تا مدتها در زندان به سر برد و جراحت‌های او، ناشی از اصابت گلوله نیز بهبود یافت، اما یکی از اسیران ایرانی آزاد شده که خود دوران اسارت ایشان را شاهد بوده است، اظهار کرد: وی پس از تحمل مدت‌ها شکنجه‌های قرون وسطایی و سه روز بی‌غذایی به شهادت رسید و خبر آن نیز منتشر شد.» [۶۸] .

کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ جهانی در بازدیدهای خود از اردوگاه‌های اسیران جنگی ایران در عراق، در گزارش‌های متعددی خبرهای به اسارت گرفتن غیرنظامیان ایرانی به دست قوای رژیم عراق را کاملاـ تأیید می کند که در اینجا به مواردی از آن اشاره می‌شود:

«طی بازدید خود از اردوگاه‌های اسیران در عراق، در اغلب اردوگاه‌ها، با تعداد درخور توجهی از اسیرانی که ادعا می‌کردند غیرنظامی‌اند و سخنان معتبری از گذشته‌ی خود ارائه می‌دادند، روبه‌رو شدیم، ضمن آنکه بسیاری از این زندانیان را افراد سالخورده با وضعیت جسمانی نامناسب تشکیل می‌دادند. تعداد دیگری از آنان نیز کشاورزان و غیرنظامیانی را شامل می‌شدند که شغل و حرفه‌ی مشخصی داشتند و غالبا در جریان درگیری‌ها، به ویژه در مناطق خرمشهر و آبادان که مدتی در تصرف عراقی‌ها قرار داشت، اسیر شده بودند... به نظر ما، ظاهرا عده‌ای از کسانی که در اردوگاه‌های اسیران در عراق نگهداری می‌شوند، لایق اسکان در اردوگاه‌های اسیران نیستند.» [۶۹] .

در گزارش دیگری آمده است: «به عقیده‌ی نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، زنان و خانواده‌هایی که در اردوگاه موصل نگهداری می‌شوند و اسیرانی که به شدت بیمار یا زخمی‌اند، باید هر چه زودتر به وطن خود بازگردانده شوند.» [۷۰] .

[صفحه ۵۸]

همچنین، در گزارش دیگری یادآوری شده است:

«در تاریخ ۱۶ تیر ۱۳۶۱، ۷۴ نفر ایرانی غیرنظامی، که از محلی ناشناخته به بغداد و سپس، به اردوگاه شماره‌ی ۲ موصل منتقل شده بودند، در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۶۱ از سوی کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ ثبت‌نام شدند.» [۷۱] .

یکی از اسیران آزاد شده ایرانی نیز واقعه تأثیرانگیزی را چنین نقل کرد: روزی اتوبوس حامل انبوهی از مسافران ایرانی با مقادیری اسباب و اثاثیه منزل که به وسیله نیروهای عراقی ربوده شده بود، وارد اردوگاه اسیران ایرانی شد. تعدادی از مسافران این اتوبوس زنان، کودکان و افراد پیر بودند که موجب حیرت اسیران گردید.

کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ صحت گزارش یاد شده را این چنین تصدیق می‌کند: «۳۹ نفر غیرنظامی که هفده نفر از آنها زن و پنج نفرشان بچه بودند، در اطاق جداگانه‌ای به ابعاد دوازده در ده متر در جنب درمانگاه به سر می‌بردند.» [۷۲] .

نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ نیز چنین اذعان کردند: «هنوز عده زیادی از غیرنظامیان پیر در اردوگاه موصل هستند، آنها باید هر چه زودتر به وطن بازگردانده شوند.» [۷۳] .

این کمیته در گزارش دیگری می‌افزاید: «تعداد زیادی از اسیران جنگی حاضر در اردوگاه موصل شماره ۱ غیرنظامی بودند، افزون بر اینکه حدود ۱۰۰ نفر از آنان بین ۵۵ تا ۸۲ سال سن داشتند.» [۷۴] .

گفتنی است که رژیم عراق همچنین برخلاف قرارداد نخست ژنو، تعدادی از پزشکان، پرستاران هلال احمر و حتی خواهران امدادگر را نیز به اسارت خود درآورد و عده‌ی زیادی از آنها را تا مدت‌های مدیدی از دیدگان نمایندگان صلیب سرخ و ناظران بین‌المللی مخفی نگه داشت. [۷۵] [۷۶] تعداد زیادی پزشک و امدادگر هلال احمر نیز در اردوگاه‌های مختلف به عنوان اسیر جنگی نگهداری

[صفحه ۵۹]

می‌شدند. از جمله امدادگران چهار تن از خواهران بودند که در بهمن ۱۳۶۲ از اسارت آزاد و به میهن اسلامی بازگشتند. [۷۷] .

پاسخ «الکساندر هی»، رئیس وقت کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ جهانی، به خانم بوشهری، همسر مهندس بوشهری که به همراه شهید تندگویان و سید محسن یحیوی اسیر شده بود، بسیار درخور توجه است:

«با علاقه‌ی بسیار نامه‌ی مورخ ۱۶ ژانویه‌ی ۱۹۸۶ شما را که طی آن، به مفقود شدن همسرتان اشاره کرده‌اید، خواندم. موضوع آقای بوشهری و همچنین آقایان تندگویان و یحیوی و ایرانیان بی‌شمار دیگری که بی‌دلیل به اسارت نیروهای عراقی درآمده‌اند و هنوز ICRC (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ) اجازه‌ی بازدید از آنها را نیافته است، یکی از مهم‌ترین و موضوعاتی بوده که در هر فرصتی، ICRC در مورد آن با مقامات عراقی بحث و مذاکره کرده است. هر چند ICRC توانسته است چندین مورد دیگر را حل کند، اما متأسفانه، هنوز سرنوشت همسر شما و همراهانشان برای ما مجهول باقی مانده است. خانم عزیز به شما اطمینان می‌دهم که نهایت تلاش خود را برای دست‌یابی به محل اقامت آقای بوشهری و دیگر ایرانیانی که در این سرنوشت سهیم‌اند، به کار خواهم بست.

ارادتمند شما، الکساندر هی» [۷۸] .

به موارد مزبور که از نادیده گرفتن موازین بین‌المللی بشردوستانه و نقض آشکار قراردادهای چهارگانه‌ی ژنو، به ویژه قرارداد چهارم از سوی دولت عراق حکایت دارد، موارد نقض شده زیر را می‌توان اضافه کرد:

۱) افراد غیرنظامی‌ای که در خاک دشمن‌اند، باید اجازه‌ی ترک آنجا را داشته باشند [۷۹] اما رژیم عراق، نه تنها به افراد غیرنظامی این اجازه را نداد، بلکه در اقدامی غیرقانونی آنان را به اردوگاه‌های اسیران جنگی منتقل کرد و تا زمان پس از آتش‌بس و آزادی سراسری اسیران، آنان را در زندان نگه داشت.

۲) رژیم عراق باید تسهیلات لازم را برای گردآوری خانواده‌های پراکنده فراهم می‌کرد، [۸۰] اما رژیم مزبور برخلاف مقررات بین‌المللی افراد خانواده‌ها را از هم جدا و گاه مردان را اسیر و زنان را در میدان‌های مین رها می‌کرد.

[صفحه ۶۰]

۳) انتقال اجباری دسته‌جمعی یا انفرادی و نقل مکان اشخاص مورد حمایت از اراضی اشغال شده به خاک خود، به هر دلیلی ممنوع است؛ [۸۱] بنابراین، عملکرد ارتش عراق در این مورد اقدامی غیرقانونی بوده است.

۴) به اسارت گرفتن کارکنان بهداری... و امدادگران هلال احمر به عنوان اسیر جنگی ممنوع است. این اقدام رژیم عراق نقض صریح ماده‌ی ۲۸ کنوانسیون نخست ۱۹۴۹ ژنو است. ماده‌ی ۲۸ مقرر می‌دارد:

«کارکنان بهداری و کارکنان جمعیت‌های ملی صلیب سرخ اگر به دست طرف متخاصم اسیر شوند، نباید نگه داشته شوند، مگر تا میزانی که وضع بهداری یا تعداد اسیران جنگی ایجاب کند. افراد و کارکنانی که بدین طریق نگه داشته می‌شوند، اسیر جنگی تلقی نمی‌شوند، اما دست کم از تمامی مقررات قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ درباره‌ی معامله با اسیران جنگی بهره‌مند خواهند شد.»

رفتار عراق با اهداف غیر نظامی، مکان‌ها و اموال عمومی و خصوصی

به غارت بردن اموال عمومی و خصوصی و سپس تخریب مکان‌های عمومی و منطقه‌های مسکونی با وسائل و ابزار مکانیکی و مواد منفجره از دیگر موارد نقض قوانین انسانی و بین‌المللی، به ویژه کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو (قرارداد چهارم) بود که رژیم عراق در جریان جنگ تحمیلی انجام داد. این رژیم به غیر از به کارگیری آتش توپخانه و حمله‌های هوایی و موشکی به شهرهای بی‌دفاع ایران، غالب شهرها و روستاهایی را که در آغاز جنگ تحمیلی به تصرف خود درآورده بود، با خاک یکسان کرد، به طوری که در پاره‌ای از موارد، حتی هیچ گونه اثری از حیات گیاهان و جانوران نیز باقی نگذاشت. به همین دلیل، هنگامی که رزمندگان اسلام پس از ماه‌ها مبارزه، این مناطق را از وجود نظامیان عراق پاک‌سازی کردند، هیچ گونه اثری از ۱۳۰۰ روستای خوزستان ندیدند و از شهرهایی مانند آبادان، خرمشهر، قصرشیرین، دهلران، هویزه، موسیان، گیلان غرب، بستان، مهران، شوش، سوسنگرد و... سایه‌ای بیش باقی نمانده بود. [۸۲] .

[صفحه ۶۱]

قسمت‌هایی از گزارش هیئت بازدید کننده‌ی سازمان ملل متحد از برخی شهرهای مزبور و مشاهدات خبرنگاران خارجی از خرمشهر، گوشه‌ای از این روش غیرانسانی را بیان می‌کند:

«... در شهر موسیان، که در منطقه‌ی صاف و هموار قرار گرفته، هیئت اعزامی قسمت اعظم شهر را که با خاک یکسان شده بود، مشاهده کرد. برخی از ساختمان‌هایی که در قسمتی از شهر باقی مانده‌اند، آسیب‌های زیادی دیده که غیرقابل ترمیم‌اند. یکی از منازلی که هیئت مزبور از آن دیدن کرد، با مواد انفجاری ویران شده است. در مناطقی که به کلی از بین رفته‌اند، میزان خرابی به حدی است که مواد انفجاری با اثر زیاد یا دیگر وسایل و تجهیزات مهندسی می‌تواند این گونه ویرانی را پدید آورده باشند.

در قصرشیرین نیز افزون بر خرابی و ویرانی شهر در نتیجه‌ی بمباران و آتش مستقیم، وسایل دیگری، مانند مواد انفجاری شدید و وسایل مهندسی به کار برده شده است....

هیئت اعزامی، شهر هویزه را که با خاک یکسان شده بود، مشاهده کرد، در این شهر، تنها دو ساختمان باقی مانده است.» [۸۳] .

[صفحه ۶۲]

تخریب و انهدام مکان‌های دولتی و خصوصی به دست قوای عراقی، نقض ماده‌ی ۵۵ مقررات سال ۱۹۰۷ لاهه است که مقرر می‌کند: «اشغال کننده باید حرمت بناهای عمومی یا بناهایی را که به مصارف عمومی می‌رسد، نگه دارد.»

همچنین در بند ۲ ماده‌ی ۵۴ این مقررات درباره حفاظت از اموال ضروری برای ادامه‌ی حیات جمعیت غیرنظامی، آمده است:

«حمله کردن، تخریب، بردن و برداشتن یا از حیز انتفاع انداختن اموال ضروری برای ادامه‌ی حیات جمعیت غیرنظامی و... ممنوع است.»

افزون بر این، پروتکل نخست ۱۹۷۷ منضم به کنوانسیون‌های ژنو مقرر می‌کند: «نه تنها اشخاص و اموال غیرنظامی نباید هدف واقع شوند، بلکه در شناسایی و حمله به اهداف نظامی، باید برای خودداری از تلفات و خسارات غیرنظامی که به تبع این حملات ایجاد می‌شوند و نیز برای کاهش آنها به کمترین حد، تمامی موارد احتیاطی در نظر گرفته شوند.»

خبرگزاری فرانسه و رویتر اقدامات خلاف مقررات رژیم عراق را چنین گزارش دادند:

«هنگامی که عراقی‌ها پس از هفته‌ها مبارزه شهر خرمشهر را به تصرف درآوردند، برای جلوگیری از نفوذ نیروهای ایرانی به این شهر از هیچ اقدامی فروگذار نکرده‌اند... بلدوزرها طی[به موازات]رود کارون، سه سنگر دالانی به طول ۵ / ۳ کیلومتر و به عرض ۵۰۰ متر در میان میدان‌های مین احداث کرده و فضاهای باز را نیز با میله‌های آهنی پوشانده‌اند. تا از فرود چترباز‌ها جلوگیری کنند.» [۸۴] .

«... تمامی نواحی مسکونی خرمشهر به وسیله بلدوزرها، با خاک یکسان شده و در این زمین‌ها، تعداد زیادی میله‌ی آهنی برای جلوگیری از فرود چتربازان ایرانی نصب شده است... عراقی‌ها پس از عقب‌نشینی، راه‌آهن را منفجر و در نزدیکی سوسنگرد تمامی دهکده‌ها و شهر را با خاک یکسان کرده‌اند.» [۸۵] .

اینها تنها گوشه‌ای از عملکرد ارتش عراق در تخریب مکان‌های عمومی و خصوصی است که مأموران اعزامی سازمان ملل متحد بر آن صحه گذاشته‌اند و همچنین رسانه‌های خبری غرب به رغم سانسور خبری و گزارش‌های یک طرفه

[صفحه ۶۴]

و جانبدارانه از رژیم عراق، گاهی به گزارش پاره‌ای از حقایق در این زمینه می‌پرداختند و به صراحت اعلام می‌کردند که ارتش عراق به تخریب مناطق مسکونی اقدام کرده است که پیش از این، به دو نمونه از آن اشاره شد.

آنچه در زیر می‌آید مشاهدات عینی دو تن از اسیران عراقی است که در اسناد سری ارتش عراق درج شده است. این اسناد پس از آزادی خرمشهر، به دست نیروهای رزمنده ایرانی افتاد. گفتنی است که این مشاهدات با گزارش‌های خبرنگاران خارجی کاملا مطابقت دارد.

سرباز احتیاط جمعی یکی از واحدهای لشکر دهم ارتش عراق می‌گوید:

«فرمانده این لشکر، سرهنگ هشام الفخری بود. (وی در سال‌های بعد به درجه ژنرالی رسید و فرمانده سپاه چهارم ارتش عراق شد.) در نخستین روزهای جنگ، که روستاهای بی‌دفاع مرزی ایران یکی پس از دیگری به تسخیر ارتش عراق درمی‌آمد و بسیاری از ساکنان روستاها در دشت و بیابان آواره می‌شدند، هشام الفخری دستور ویرانی روستاها را یکی پس از دیگری صادر می‌کرد. من در قریه‌ی شیخ حسن بودم که این سرهنگ دستور داد بلدوزرها تمام این قریه را با خاک یکسان کنند.» [۸۶] .

[صفحه ۶۵]

اسیر عراقی دیگری بیان می‌کند:

«وقتی صدام حسین دستور داد قصرشیرین را ویران کنند، من در آنجا بودم. افراد نظامی ما هر چه توانستند از قصرشیرین به تاراج بردند. آنها حتی تیرهای برق را برای سقف سنگر و مصارف دیگر بردند و گردان تخریب لشکر ۷، قصرشیرین را ویران کرد.» [۸۷] .

ارتش عراق همچنین در اقدامی هماهنگ و حساب شده، تمام تأسیسات برق، به ویژه دکل‌ها را در مناطق آبادان و خرمشهر منهدم کرد. [۸۸] اسناد سری ارتش عراق در خرمشهر مبنی بر تخریب تأسیسات مؤید این ادعاست:

پاسخ گروهان ششم مهندسی صحرایی جمعی گردان ۳ مهندسی از تیپ هشتم زرهی ارتش عراق مبنی بر انهدام دکل‌های برق در مناطق تعیین شده [۸۹] و انهدام دیگر تأسیسات مانند راه‌آهن، پل‌ها، کارخانه‌ها و تخریب و انهدام لوله‌های نفت از دیگر اقدامات ارتش عراق در مناطق اشغالی محسوب می‌شد. نامه‌ی تیپ ۲۶ زرهی ارتش عراق مبنی بر انهدام لوله‌های نفت، تنها نمونه‌ای از اقدامات رژیم عراق بود. [۹۰] .

[صفحه ۶۶]

این اقدامات نقض مقررات ماده‌ی ۵۳ قرارداد چهارم ژنو بود؛ زیرا طبق این ماده:

«انهدام اموال منقول یا غیرمنقولی که انفرادا یا اشتراکا به اشخاص یا دولت یا شرکت‌های عمومی یا سازمان‌های اجتماعی یا تعاونی تعلق دارد، از سوی دولت اشغال کننده ممنوع است، مگر در مواردی که انهدام آنها به دلیل عملیات جنگی ضرورت حتمی دارد.»

ارتش عراق در همان روزهای نخست جنگ، که طرف فاتح و پیروز قلمداد می‌شد، هیچ گونه ضرورت نظامی را در نظر نمی‌گرفت، روستاها و شهرهای اشغالی را تخریب و بدین ترتیب مقررات و قوانین بین‌المللی، به ویژه کنوانسیون چهارم ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل الحاقی نخست ۱۹۷۷ منضم به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو را نقض کرد.

پس از هجوم وحشیانه‌ی نیروهای ارتش متجاوز عراق به مناطق مرزی ایران و اشغال ده‌ها شهر و روستای کشورمان، رژیم عراق با تشکیل ستادهایی به نام «ستاد غنائم» در شهرهای اشغالی، به غارت اموال مردم اقدام کرد؛ موضوعی که جز نقض مقررات بین‌المللی مفهوم دیگری نداشت.

مواد ۳۳۳ و ۵۳ قرارداد چهارم ژنو به صراحت، غارت اموال منقول و غیرمنقول را که انفرادا یا اشتراکا به اشخاص یا دولت یا شرکت‌های عمومی یا سازمان‌های اجتماعی یا تعاونی متعلق است، به دست دولت اشغال کننده ممنوع کرده است.

همچنین، اصل الزام دولت اشغال کننده به حفظ حرمت اموال نیز در ماده‌ی ۴۶ مقررات سال ۱۹۰۷ لاهه با صراحت عنوان شده است. محاکم داخلی کشورهایی که معاهده‌ی چهارم سال ۱۹۰۷ لاهه را که مقررات اخیر به آن منضم می‌باشد، تصویب نکرده‌اند، نیز بر این اعتقادند که مفاد آن از جمله قواعد عرفی است که هر کشور متخاصمی باید آن را رعایت کند. [۹۱] .

از ماده‌ی ۴۶ مقررات سال ۱۹۰۷ لاهه چند نتیجه به دست می‌آید:

۱) ضبط هر نوع اموال خصوصی، نقض مقررات لاهه و در حکم سرقت محسوب می‌شود. براساس توافق بیشتر کشورها در رویه‌ی قضایی، با نقض

[صفحه ۶۷]

مقررات لاهه، شیئی که در سرزمین اشغالی اخذ و ضبط می‌شود، از نظر حقوق داخلی کشور متضرر، شیئی مسروقه محسوب می‌شود.

۲) غارت به معنی تصاحب شخصی اموال خصوصی دیگران، براساس ماده‌ی ۴۷ مقررات لاهه ممنوع شده است. [۹۲] .

اسنادی که پس از فتح خرمشهر در مقرهای ارتش عراق باقی مانده بود و به دست رزمندگان ایران افتاد، بیانگر نقض قوانین و

مقررات حقوقی بین‌الملل بشردوستانه به دست قوای ارتش عراق در جنگ بود. [۹۳] .

بی گمان، بخش اعظم آنچه در خرمشهر به تاراج رفت، همه از اموال مردم بی‌دفاع و مظلوم خرمشهر بود؛ مردمی که دشمن متجاوز به آنها فرصت نداد، حتی مواد اولیه‌ی مورد نیاز خود را از شهر خارج کنند. [۹۴] .

درباره غارت اموال خصوصی، قاعده‌ی بنیادین این است که دولت اشغالگر به مالکیت خصوصی در سرزمین‌های اشغالی احترام بگذارد. [۹۵] این در حالی است که نیروهای اشغالگر عراق پس از تصرف شهرها و روستاهای مرزی، اموال عمومی و خصوصی را غارت کردند؛ اقدامی که نقض صریح ماده‌ی ۵۳ قرارداد چهارم ژنو بود. طبق ماده‌ی ۵۳، اموال خصوصی افراد مصون از تعرض است، مگر آنکه ضبط و تصرف آنها برای پیشبرد و عملیات جنگی لازم باشد یا ضرورت اجتناب‌ناپذیر نظامی این عمل را مجاز کند.

در همین باره یک اسیر عراقی گفت:

«افراد ما هر چه در بندر خرمشهر بود، به سرقت بردند؛ در این بندر گندم، شکر، قند، سیمان، تیرآهن، قالی، الوار، لوازم برقی و اتومبیل‌های فراوانی به غارت رفت. البته، دستور تاراج این شهر از طرف مقامات بزرگ حزب بعث صادر شده بود. خانه‌های خرمشهر هم مانند دیگر مراکز غارت شد.» [۹۶] اسنادی که در مقرهای ارتش عراق پس از فتح خرمشهر به دست آمد، صحت گفته‌های این اسیر عراقی را تأیید می‌کند. [۹۷] .

در خرمشهر، فرماندهی ستاد غنائم بر عهده‌ی سرتیپ ایاد شعبان بود. افراد این ستاد با همکاری شهرداری بصره توانستند در مدت سه ماه، تمام

[صفحه ۶۸]

مغازه‌های خرمشهر را تخلیه کنند و لوازم گران‌قیمت خانه‌های این شهر را به غارت ببرند؛ غنائمی که بیشتر آنها در اختیار دولت صدام حسین قرار گرفت. [۹۸] .

البته افزون بر خرمشهر، دولت عراق اموال خصوصی و دولتی شهرهای قصرشیرین، نفت‌شهر، مهران، دهلران، هویزه، بستان، سوسنگرد و... را بلافاصله پس از اشغال به تاراج برد. این در حالی بود که غارت اموال عمومی و دولتی و سازمان‌ها... هیچ گونه ضرورتی برای پیشبرد عملیات جنگی نداشت، حتی در صورتی که برای رفع نیازهای مستقیم جنگی به تصرف این اموال نیاز بود، باید دولت اشغالگر به پرداخت غرامت به صاحبان اموال اقدام می‌کرد. خودداری از این امر زمینه‌ی مسئولیت مستقیم دولت اشغالگر را فراهم می‌کند. قطعا با توجه به شواهد، اصل ضرورت وجود نداشته است؛ بنابراین، اموال به غارت رفته در حکم سرقت و چپاول و ممنوع بود. [۹۹] .

دولت اشغال کننده افزون بر اینکه باید به حق حیات و آزادی اهالی سرزمین‌های اشغال شده احترام می‌گذاشت، به مراقبت از اموال عمومی دولت اشغال شده و اموال خصوصی افراد نیز موظف بود. رژیم عراق، نه تنها هیچ گونه مراقبتی از اموال دولتی و خصوصی به عمل نیاورد، بلکه طی برنامه‌ریزی حساب شده‌ای یا به کارگیری عوامل دولتی و نظامیان خود به غارت اموال عمومی و خصوصی مناطق اشغالی نیز پرداخت.

قطعا این عمل برای رژیم عراق مسئولیت بین‌المللی دارد.این اصول با صراحت از طرف دادگاه داوری آلمان و پرتغال در رأی مورخ ۳۰ ژوئن ۱۹۳۰ در قضیه‌ی ادعاهای پرتغال علیه آلمان بیان شده است. طبق این رأی، دولت اشغال کننده در خصوص اعمالی که برخلاف حقوق بین‌الملل انجام می‌دهد و آنها را به دستور مقامات نظامی یا کشوری یا اجازه‌ی آنها در سرزمین اشغالی اعمال

می کند، مسئولیت خواهد داشت.

[صفحه ۶۹]

حملات گسترده‌ی هوایی، موشکی و توپخانه‌ای به مناطق مسکونی و مردم غیر نظامی

حمله‌ی رژیم عراق به شهرها و روستاهای بی‌دفاع ایران، از جمله عملکردهای وحشیانه و ضدبشری ارتش متجاوز رژیم عراق بود. این رژیم با نادیده انگاشتن اصول انسانی و زیر پا گذاشتن مقررات و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حمله به مناطق مسکونی و مردم غیرنظامی را مدت‌ها پیش از تجاوز آشکار خود آغاز کرده بود و پنجاه روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مردم بی‌دفاع شهر مهران را هدف حمله‌ی هوایی خود قرار داد. رژیم بغداد پس از این اقدام غیرانسانی، تا آغاز حمله‌ی گسترده‌ی نظامی خود در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، صدها بار دیگر مناطق مسکونی ایران را هدف حملات هوایی، موشک و آتش توپخانه‌ی خود قرار داد. [۱۰۰] .

به دنبال هجوم وحشیانه‌ی ارتش عراق به سرزمین ایران اسلامی حمله علیه مناطق مسکونی به مرور زمان شدت بیشتری یافت. در آغاز، هدف دشمن کوشش برای درهم شکستن مقاومت‌های مرزی، گسیختن خطوط پشت جبهه‌ی ایران و سپس اجرای اقدامات ایذایی در شرایط مناسب با توجه به حداکثر امکانات موجود بود، اما با در پیش گرفتن جنگ شهرها، استراتژی عراق بر این مبنا قرار گرفت که نخست، با ایجاد تزلزل در روحیه‌ی مردم ایران، خطوط پشت جبهه را درهم بشکند و سپس، مقاومت نوار مرزی را که بدین‌سان تضعیف خواهد شد، از میان بردارد و تجاوز به خاک ایران را گسترش دهد. [۱۰۱] .

رژیم عراق پس از تجاوز آشکار به سرزمین ایران، مناطق مرزی و دیگر شهرهای ایران را هدف حمله‌های وحشیانه‌ی هوایی، موشکی و توپخانه‌ای قرار داد. هفده روز پس از آغاز جنگ، دزفول هدف نخستین حمله‌ی موشکی دشمن قرار گرفت.

«در نتیجه‌ی حمله‌های موشکی عراق به دزفول در تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۵۹، دست کم هفتاد تن شهید و سیصد تن مجروح شدند و ده‌ها منزل مسکونی و مغازه در شمال، مرکز و جنوب شرقی این شهر ویران شد...» [۱۰۲] .

[صفحه ۷۰]

پانزده روز بعد در خبری که از رادیو تهران پخش شد و رسانه‌های گروهی جهان آن را مخابره کردند، اعلام شد که دزفول با موشک‌هایی به طول ۹ متر و وزن شش هزار کیلوگرم، در ساعت ۱۰:۰۰ روز ۴ آبان ۱۳۵۹ هدف حمله واقع شده است. شروع حمله‌های موشکی به شهر دزفول، اعلام رسمی و جدی رژیم عراق در هجوم وحشیانه به شهرها، از جمله دزفول بود. تا پایان جنگ، دشمن متجاوز صدها موشک به این شهر مقاوم و انقلابی پرتاب کرد که تلفات و خسارات جانی و مالی فراوانی دربرداشت. همچنین خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۲ گزارش داد: در نوزده ماه گذشته، که صدامیان مزدور از حوالی جفیر و پادگان حمید، شهر اهواز را پیوسته هدف آتش توپخانه‌های دوربرد و موشک‌های زمین به زمین خود قرار داده‌اند، حدود ۱۵۱۴ گلوله‌ی توپ، ۳۴ موشک زمین به زمین و ۱۲۰ راکت و بمب به سوی شهر اهواز پرتاب کرده‌اند. در جریان این حمله‌های وحشیانه، ۲۰۵۵ تن از هم‌وطنان بی‌گناهمان در اهواز شهید و مجروح، ۱۰۹۷ واحد مسکونی ویران و دست کم ۲۰۰ دستگاه وسیله‌ی نقلیه منهدم شد. [۱۰۳] البته پس از این تاریخ نیز شهر اهواز بارها و بارها، هدف حمله‌های هوایی وحشیانه‌ی دشمن قرار گرفت.

حمله‌های مزبور نقض آشکار حقوق بین‌الملل بشردوستانه بود. در همین مورد، ماده‌ی ۷ قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ی قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه، که در سال ۱۹۷۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید، چنین بیان می‌کند: «به منظور مصون ماندن جمعیت غیرنظامی و اموال غیرنظامی (از آثار مخاصمات مسلحانه) طرف‌های مخاصمه همیشه باید (در انجام اقدامات خصمانه‌ی خود) بین جمعیت غیرنظامی و نظامی تفکیک قائل شوند. در واقع، جمعیت غیرنظامی نباید هدف قرار گیرند و حمله‌ها صرفا باید علیه اهداف نظامی جهت‌گیری شود.»

همچنین، در بند ۲ از ماده‌ی ۳ قطعنامه‌ی شماره‌ی ۳۶۷۵ که در ۹ دسامبر ۱۹۷۰

[صفحه ۷۱]

با نام «اصول اساسی حمایت از جمعیت غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه» در بیست و پنجمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، آمده است: «در انجام اقدامات نظامی، باید بر مستثنی کردن جمعیت غیرنظامی (از شمول اقدامات خصمانه) هر گونه تلاشی صورت گیرد، از جمله اینکه جمعیت غیرنظامی نباید هدف اقدامات نظامی قرار گیرند.»

هجوم وحشیانه هواپیماهای عراق به شهر ایلام در روز بزرگ‌داشت قیام ۱۵ خرداد ۱۳۶۱ یکی از دهشناک‌ترین حملات عراق در این مرحله بود که حدود چهل شهید و بیش از دویست مجروح بر جای گذاشت؛ اقدامی که در رسانه‌های خارجی نیز بازتاب طولانی داشت. [۱۰۴] .

ماده‌ی ۳ قطعنامه‌ی تفکیک کلی بین اهداف نظامی و غیرنظامی که در سال ۱۹۶۹ به تصویب مؤسسه حقوق بین‌الملل در اجلاس ادینبورگ رسید، مقرر می‌دارد:

«نه جمعیت غیرنظامی و نه هیچ کدام از اهدافی که کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی صریحا آنها را حمایت کرده‌اند، نباید به عنوان اهداف نظامی تلقی شوند.»

[صفحه ۷۲]

جنگ شهرها زمانی حالت کاملا جدی و رسمی به خود گرفت که سخن‌گوی نظامی بغداد در ۱۳ بهمن ۱۳۶۲ اعلام کرد:

«عراق از روز دوشنبه‌ی آینده هدف‌های تعیین شده در هفت شهر ایران (دزفول، اندیمشک، اهواز، کرمانشاه، آبادان، شوش و...) را هدف حمله قرار خواهد داد.» اما هنوز چند روز از این تهدید نگذشته بود که رژیم عراق دامنه‌ی تهدید جنون‌آمیز خود را گسترش داد و اعلام کرد که چهار شهر رامهرمز، مسجدسلیمان، بهبهان و بندر امام خمینی را نیز هدف قرار خواهد داد. [۱۰۵] .

صدام حسین نیز شخصا، طی سخنانی در مقابل گروهی از دانش‌آموزان و فرهنگیان دبیرستان عراقی الدجله در کویت، که به دیدار وی آمده بودند، گفت:

«امشب ساعت ۲۴:۰۰ آخرین ساعت هشدار ما به آنها به پایان می‌رسد. سپس آنها در قبال آنچه بر سر خلق‌های ایران خواهد آمد، مسئول خواهند بود؛ زیرا ما با هشدار دادن به خلق‌های ایران مبنی بر ترک شهرها، وظیفه‌ی اخلاقی خود را انجام داده‌ایم.» [۱۰۶] .

بدین ترتیب، رژیم بغداد حملات خود را به شهرهای بی‌دفاع آغاز کرد و نخست شهرهای مسجدسلیمان، اندیمشک و بهبهان را هدف حمله‌ی موشکی قرار داد. سپس در بامداد روز ۲۲ بهمن ۱۳۶۲، نخست با سه موشک و پس از چند ساعت، با دو موشک دیگر مردم دزفول را به خاک و خون کشید و بیش از یکصد تن را شهید و مجروح کرد. پس از این جریان، حملات عراق به مناطق

مسکونی به طور پیوسته ادامه یافت.

[صفحه ۷۳]

رژیم بغداد زیر فشار افکار عمومی جهان، به نامه دبیر کل سازمان ملل متحد، که خواستار قطع حمله علیه اهداف غیرنظامی از تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۶۳ (۱۲ ژوئن ۱۹۸۴) شده بود، پاسخ مثبت داد. صدام حسین در پاسخ به درخواست دبیر کل سازمان ملل متحد، طی نامه‌ای به تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۶۳ (۱۰ ژوئن ۱۹۸۴) نوشت:

«مفتخرم به شما اطلاع دهم دولت عراق پیشنهاد شما را مشروط بر اینکه ایران به آن پای‌بند شود، می‌پذیرد و لازم است در اسرع وقت، تدابیر فعال برای نظارت بر اجرای دو طرف اتخاذ شود.» [۱۰۷] .

صدام حسین دو روز بعد، در مراسم اعطای نشان شجاعت به خلبانان عراقی در سخنرانی برای ارتشیان عراق ماهیت چنین توافقات و میزان پای‌بندی رژیم عراق به توافقات بین‌المللی را نشان می‌دهد:

«شما موافقت ایرانیان را با پیشنهاد دبیر کل سازمان ملل متحد در مورد متوقف کردن حمله‌های متقابل به شهرها شنیدید، مبادا سست شوید. اینها مسائل اداری است که شما نباید گوش دهید یا به آن کاری داشته باشید.» [۱۰۸] .

رژیم عراق تنها یک روز پس از موافقت‌نامه‌ی مزبور مبنی بر منع بمباران مناطق مسکونی و فقط چند ساعت قبل از زمان شروع آن، در ساعت ۶: ۵۰ روز ۲۱ خرداد ۱۳۶۳، دزفول را هدف چهار موشک زمین به زمین قرار داد که در این حمله ۴۴ تن شهید و بیش از ۲۵۰ تن مجروح شدند. همچنین حمله به شهرهای آبادان و خرمشهر نیز آغاز شد و پس از چندی، به دیگر شهرها و روستاهای کشور نیز گسترش یافت. تعداد ۱۲۲۷ شهید و ۴۶۸۲ مجروح حاصل تهاجم‌های عراق به شهرهای بی‌دفاع ما در این مقطع از جنگ بود. [۱۰۹] صلیب سرخ جهانی در این باره اعلام کرد:

«در جنگ ایران و عراق، نیروی هوایی عراق به بمباران‌های بلاـتبعیض علیه مناطق مسکونی ایران اقدام کرد و خرابی‌های درخور توجهی را به مکان‌های

[صفحه ۷۴]

صرفا غیرنظامی وارد آورد و افراد غیرنظامی زیادی را هدف قرار داد.» [۱۱۰] .

[صفحه ۷۶]

صدام در یکی از گفت‌وگوهایش با خبرگزاری عراق درباره حملات هوایی چنین اظهار کرد:

«... ما هر وقت که بخواهیم ویران کردن شهرهای بزرگ آنان را با نیروی هوایی و موشک‌های خود از سر خواهیم گرفت، اما ما باید کاری کنیم که آنان، کنترل اعصاب خود را از دست بدهند و حماقت‌هایی را مرتکب شوند که بر اثر آن، ما توان آن را بیابیم که نیروهای اساسی آنان را از میان برداریم.» [۱۱۱] .

با این استراتژی، رادیو بغداد بار دیگر طی بیانیه‌ای اعلام کرد که شهرهای دزفول، مسجدسلیمان، تهران، دهلران، اندیمشک، رامهرمز، نهاوند، بهبهان، کرمانشاه، تبریز، هویزه، اسلام‌آباد، ایلام، سنندج، مریوان، گیلانغرب، خرم‌آباد، همدان، اهواز، بوشهر،

بندر امام خمینی، بروجرد، آغاجاری، بانه، سرپل‌ذهاب، سقز، سردشت و پیرانشهر هدف حمله‌ی هوایی قرار خواهد گرفت. [۱۱۲] .
بدین ترتیب تنها ۹ ماه بعد از تصویب توافق‌نامه‌ی ۱۲ ژوئن ۱۹۸۴ (۲۲ / ۳ / ۱۳۶۳)، عراق بار دیگر حمله به شهرها را آغاز کرد. در پی این بیانیه‌ی رادیو بغـداد، در ساعت ۱:۰۰ بامداد پنجشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۶۳، طی بیست ثانیه، شـهر دزفول با هشت موشک هـدف قرار گرفت. به دنبال آن بار دیگر مجامع بین‌المللی، را واداشت تا برای توقف حمله به شهرها تلاش‌هایی را انجام دهند. از آن جمله پیشـنهاد دبیر کل سازمان ملل مبنی بر قطع جنگ شـهرها در تاریـخ ۲۰ اسـفند بود که ایران بی‌درنگ آن را پذیرفت، اما عراق سی دقیقه پیش از موعـد تعیین شـده، به تهران حمله کرد و عـدم پای‌بنـدی خود را به موازین پـذیرفته شـده‌ی بین‌المللی به اثبات رساند. همچنین در ۱۷ فروردین ۱۳۶۴، تهران مجددا هدف حمله هوایی قرار گرفت. قبل از این حمله، روزنامه‌ی الجمهوریه چاپ بغداد در تاریخ ۷ فروردین ۱۳۶۴ نوشت: «عراق تصـمیم گرفته است که جنگی تمام عیار را تعقیب کنـد.» رجزخوانی‌های رادیو بغداد نیز این مسئله را تأیید می‌کرد:
«بایـد بدانیـد احساسی وجود نـدارد. شـهر و جبهه، کارخـانه و منزل، پادگـان و پـارک برای ما یکی است. همه را ویران می‌کنیم و امکاناتش را هم داریم. چگونه بگوییم شهرها را نمی‌زنیم؛ مگر در شهرها چه کسانی‌اند؟» [۱۱۳] .

[صفحه ۷۸]

در این مرحله از جنگ شهرها نیز ۵۷۰ غیرنظامی شهید و۱۳۳۲ غیرنظامی دیگر مجروح شدند. [۱۱۴] .
حمله‌هـای غیرانسـانی ارتش عراق بـا حقوق جنـگ مغایر بود. در ماده‌ی ۵۲ مقررات پروتکـل نخسـت مقرر کرده است که اهـداف غیرنظامی نبایـد هدف حملات یا اقدامات تلافی‌جویانه قرار گیرند و حمله‌ها صـرفا باید علیه اهداف نظامی باشد. در این ماده، حتی قیـد شـده است که در صورت اسـتفاده از مکان‌های غیرنظامی برای کمک مؤثر به عملیات نظامی (ماننـد پرستشـگاه‌ها، مـدرسه‌ها و مکان‌های مسکونی) چنین فرض خواهد شد که از مکان‌های مزبور چنین استفاده‌هایی نمی‌شود.
در قطع‌نامه‌ی شماره‌ی ۸ مجمع عمومی سازمـان ملل با نام قطعنامه‌ی «حمایت از جمعیت غیرنظامی در برابر خطرهای جنگ فراگیر»، که در سـال ۱۹۶۵ به تصویب این مجمع رسـید، به این ممنوعیت اشـاره شـده است. مـاده‌ی ۲ قطعنامه مقرر می‌کنـد: «جنگ فراگیر خطری برای جمعیت غیرنظامی و آینـده‌ی تمـدن است. صـرفا اعلام می‌کند تمامی دولت‌ها و دیگر مقاماتی که مسئول اقدامات در مخاصـمات‌اند، بایـد دست کم، اصول زیر را رعایت کننـد: ۱) اجرای حملات علیه جمعیت غیرنظـامی ممنوع است. ۲) اینکه باید همیشه بین افراد شـرکت کننـده در مخاصـمات و اعضـای جمعیت غیرنظـامی تفکیـک صورت پـذیرد تـا بر اثر آن، اعضای جمعیت غیرنظامی تا حد ممکن، از شمول اقدامات خصمانه خارج شوند.»
اما رژیم عراق به هیـچ موافقت‌نامه یا کنوانسـیون بین‌المللی پای‌بند نبود و به قول صدام، آنها[مقررات بین‌المللی یا توافقات]را چیزی بیشتر از مسائلی اداری نمی‌دانست.
عراق در دی ماه ۱۳۶۵، بار دیگر حملات موشـکی و هوایی را از سـر گرفت و شهر قم و سپس بروجرد و میانه و دیگر شهرها را نیز هـدف حملـه هـوایی قرار داد. سپهبد سـتاد حمیـد شـعبان، فرمانـده نیروی هـوایی عراق، در مصـاحبه بـا روزنـامه‌ی القادسیه گفت: «هواپیماهای عراقی آماده‌اند به محض دریافت دستور از رهبری سیاسی، حملات خود را به شهرهای ایران از سر گیرند.» [۱۱۵] .

[صفحه ۸۰]

در مجموع طی حمله‌هایی که از تاریخ ۲۰ دی ۱۳۶۵ تا اسفند ۱۳۶۶ به شهرها و مناطق مسکونی انجام گرفت، ۳۰۳۵ تن شهید و ۱۱۱۵۰ تن مجروح شدند. حمله‌هایی که نشان دهنده‌ی نادیده انگاشتن اصول انسانی و زیر پا گذاشتن مقررات و کنوانسیون‌های بین‌المللی است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بیست و پنجمین اجلاس خود در ۹ دسامبر ۱۹۷۰، قطعنامه‌ی شماره‌ی ۱۳۷۵ خود را درباره اصول اساسی حمایت از جمعیت غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه تصویب کرد. در بند ۲ این قطعنامه آمده است: «جمعیت غیرنظامی نباید هدف اقدامات نظامی قرار گیرند.» بند ۵ همان قطعنامه نیز هر گونه حمله به مناطق مسکونی و دیگر تأسیساتی را که صرفا جمعیت غیرنظامی از آنها استفاده می‌کنند، ممنوع کرده است.

تجاوزات هوایی و موشکی عراق، نقض آشکار قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ی قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه بوده است. در بند ۷ قطعنامه مصوب سال ۱۹۷۸ مجمع عمومی سازمان ملل راجع به (قواعد بنیادین... در مخاصمات مسلحانه) آمده است: «برای مصون ماندن جمعیت غیرنظامی و اموال غیرنظامی (از آثار مخاصمات مسلحانه) طرف‌های مخاصمه همیشه (در انجام اقدامات خصمانه خود) باید بین جمعیت نظامی و غیرنظامی تفکیک قائل شوند و جمعیت غیرنظامی نباید هدف حمله قرار گیرند. حمله‌ها صرفا باید علیه اهداف نظامی جهت‌گیری شود.»

البته این مقررات بین‌المللی کوچک‌ترین ارزشی برای رژیم عراق نداشت و همچنین بی‌تفاوتی جامعه‌ی جهانی و سازمان‌های بین‌المللی، به ویژه سازمان ملل متحد، به مثابه‌ی چراغ سبزی به رژیم عراق برای ادامه‌ی این حمله‌های ضدبشری بود؛ بنابراین، رژیم عراق بار دیگر از ۱۰ اسفند ۱۳۶۶، شهرهای مختلف ایران را آماج حمله‌های ضدانسانی قرار داد. این حمله‌ها که تا پایان فروردین، ۱۳۶۷ ادامه یافت، از میان ۱۸۹ فروند موشک شلیک شده به سوی ایران، ۱۳۳ فروند به سوی تهران نشانه رفت. قم، اصفهان، تبریز، شیراز، کرج و... نیز بارها، آماج موشک‌های خصم شدند که افزون بر ویرانی بسیاری از

[صفحه ۸۱]

شهرها، ۱۷۲۷ تن شهید و بیش از ۸۲۹۳ تن دیگر مجروح شدند. عراق این بار علاوه بر افزودن نام ۲۴ شهر دیگر ایران به فهرست حملات موشکی و هوایی، شهر حلبچه‌ی عراق و روستاها و ساکنان عراقی آن را نیز بمباران شیمیایی کرد که یکی از تلخ‌ترین و ناجوانمردانه‌ترین حوادث این جنگ نابرابر به شمار می‌رود. در این حمله شیمیایی بسیاری از مردم مظلوم و بی‌دفاع حلبچه قتل عام شدند. تصویرهای مخابره شده از اجساد سوختهی بچه‌ها و مادرانی که آنها را در آغوش می‌فشردند تا شاید جگرگوشه‌شان را محافظت کنند، جهان را به لرزه درآورد. [۱۱۶] [۱۱۷] .

بی‌گمان تمام حملات دشمن به اهداف و افراد غیرنظامی، عمدی بوده است که خود، نقض مسلم حقوق بین‌الملل است. به طور کلی، هدف عراق از دست زدن به این گونه اعمال ضدبشری و مغایر با اصول و قواعد بین‌المللی، تضعیف کردن اراده‌ی ملت ایران در مبارزه با متجاوز بود.

همان طور که گفته شد، اعمال این رژیم در حمله به جمعیت غیرنظامیان، نقض آشکار مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه از جمله مواد ۵۱ و ۵۲ پروتکل الحاقی نخست ۱۹۷۷ بود که شرح تفصیلی قاعده‌ی عرفی حمایت از افراد و اهداف غیرنظامی محسوب می‌شوند.

مقررات سال ۱۹۲۳ لاهه نیز در بیان مکان‌های مشروع حمله‌های هوایی می‌گوید: «باید تنها علیه مواضع و هدف‌های نظامی که تخریب کلی یا جزئی آنها متضمن برتری نظامی و شخصی برای حمله کننده باشد، صورت گیرد.» [۱۱۸] .

بنابراین در جنگ، مسئله تمایز و تشخیص هدف‌هایی که می‌توانند هدف حمله قرار گیرند و آنچه حمله به آن ممنوع است، اهمیت ویژه‌ای دارد. افزون بر مناطق غیرنظامی و بی‌طرف براساس بند ۴ ماده‌ی ۵۶ پروتکل نخست الحاقی

[صفحه ۸۲]

به قراردادهای ژنو، منظور از تأسیسات غیرهسته‌ای، هر گونه تأسیساتی است که دربردارنده‌ی نیروهای خطرناک‌اند. این نیروها عبارت‌اند از: سدها، آب‌بندها، ایستگاه‌های ژنراتورهای برق و ژنراتورهای هسته‌ای. این نیروها، حتی جایی که هدف نظامی محسوب می‌شوند، نباید هدف حمله‌ی تنبیهی قرار گیرند، این ممنوعیت با هدف حمایت از جمعیت غیرنظامی در زمان جنگ است. به گفته‌ی نماینده‌ی دولت غنا در کنفرانس دیپلماتیک پروتکل نخست، حمله به چنین تأسیساتی به معنی نسل‌کشی در سطح بسیار گسترده است. [۱۱۹] .

ماده‌ی ۶۰ پروتکل یک (۱۹۷۷) نیز بیان می‌کند: «از جمله مناطق ویژه که نمی‌تواند هدف حمله واقع شود، شهرهای بی‌دفاع است.» رژیم عراق با بیش از ۴۶۹۵ بار حمله به مناطق مسکونی، هزاران بار این قانون بین‌المللی را نقض کرد که در جریان آن مناطق مسکونی ۳۰۸ بار هدف حمله‌ی موشکی، ۲۶۹۵ بار هدف حملات هوایی و ۱۶۹۳ بار هدف حملات توپخانه‌ای قرار گرفتند. در نتیجه‌ی این حملات، بیش از ۱۲۴۲۰ تن شهید و ۵۳۱۱۸ تن زخمی شدند. [۱۲۰] .

حمله به آثار و اموال فرهنگی

انگیزه‌ی واقعی حقوق بین‌الملل در حفاظت و حمایت اموال فرهنگی در جریان مخاصمات مسلحانه، بر این فکر مبتنی بوده است که آثار فرهنگی بخشی از دارایی مشترک بشریت است و در صورت لزوم باید با فنون متناسب نگهداری شوند. اهمیت مسئله برای علما و صاحب‌نظران، حتی پیش از جنگ جهانی دوم نیز روشن بوده است. [۱۲۱] .

پیش از سال ۱۹۴۵، تنها چند ماده از مقررات بین‌المللی به این امر اشاره می‌کرد، مانند ماده‌ی ۲۷ مقررات ۱۹۰۷ که براساس آن، در صورت محاصره‌ی نظامی یا بمباران، باید تا حد امکان تمامی اقدامات ضروری برای مصون داشتن بناهای ویژه‌ی امور مذهبی، هنری، علمی و خیریه و نیز بناهای تاریخی به عمل آید و بدین منظور، مکان‌های مزبور باید قبلا با نشانه‌های نمایان ویژه

[صفحه ۸۳]

تعیین شوند. برای نخستین بار، کنوانسیون لاهه مورخ ۱۴ مه ۱۹۵۴ حفاظت از آثار و میراث فرهنگی را در صورت بروز جنگ مطرح و تنظیم کرد. براساس این کنوانسیون، حفاظت موارد زیر را شامل می‌شود:

«اموال فرهنگی (بناها و نواحی‌ای که از نظر باستان‌شناسی اهمیت دارد، آثار هنری، مجموعه‌های علمی، آرشیو) و ساختمان‌ها یا مکان‌هایی که این اموال در آنها نگهداری می‌شوند (موزه، کتابخانه، مخزن و مأمن) و محله‌های تاریخی بعضی از شهرها... حفاظت نیز نگهداری و حفظ حرمت اموال فرهنگی را شامل می‌شود و دشمن باید از هر گونه اعمال خصمانه، سرقت، غارت یا برداشت متقلبانه از آنها خودداری کند.» [۱۲۲] .

همچنین بنابر توافق‌هایی که میان اعضای یونسکو (سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد) صورت گرفته است، مهم‌ترین آثار باستانی و تاریخی هر کشور جزء میراث فرهنگی بشریت محسوب می‌شود. کنوانسیون لاهه تمامی کشورها را ملزم می‌کند که در

زمـان جنـگ، از آثـار و امـوال فرهنگی حفـاظت بـه عمـل آورنـد. رژیـم عراق در ایـن زمینـه نیز ماننـد دیگر مـوارد، مقررات و کنوانسیون‌های بین‌المللی را نادیـده گرفت و از همان روزهای نخست جنگ تحمیلی، میراث فرهنگی و آثار باسـتانی ایران از جمله قلعه و موزه‌ی شوش، بقعه‌ی دانیـال نبی (ع)، آثـار سـنگی شـهر آپادانـا در شوش، موزه‌های هفت تپه و آبادان، قلعه‌ی سـلاسل و پل باستانی شوشتر را زیر آتش توپخانه و بمباران هوایی خود قرار داد.

[صفحه ۸۴]

همچنین، مسجد ملاـعلی شاه دزفول، یکی از مسـجدهای قـدیمی شـهر دزفول، بر اثر حملات مکرر موشـکی عراق به شـهر دزفول صددرصـد ویران و تخریب شـد. مسـجد جـامع دزفول نیز به دلیـل آنکه در شیوه‌ی معماری آن به شـرایط منطقه‌ای اقلیمی و آب و هوایی گرم و سوزان خوزسـتان توجه شده است و پایه‌ها و ستون‌های سنگی شبستان قدیمی آن نیز همانند مسجدهای نخستین اسلام طراحی شده است، یکی از مسـجدهای جالب و مهم قرن اول هجری و از آثار مهم معماری قدیم به شمار می‌رود؛ بخش‌های شمالی و شمال شرقی این مسجد و بافت تاریخی آن نیز در حملات نظامی عراق به دزفول ویران شد. [۱۲۳] .

شهر دزفول از نظر کثرت آثـار تاریخی و بقاع و آرامگاه‌های اسـلامی شایـد در ایران کم‌نظیر و همچون گوهر تابناکی است. دزفول نمونه‌ی استثنایی و ارزشـمندی از شـهرهای دوره‌ی اسـلامی ایران و یکی از مراکز عمده‌ی فرهنگی اجتماعی خوزستان است که در جریان جنگ تحمیلی، بارها هدف حمله‌ی موشک‌های زمین به زمین عراق قرار گرفت و صدمات جبران‌ناپذیری به آن وارد شد.

شهر تاریخی شوشتر نیز چنـدین بار، هدف حملات هوایی دشـمن قرار گرفت که بر اثر آن، بناهای بسـیاری از جمله قلعه‌ی سلاسـل خسارت‌هـای فراوانی دیـد. مجموعه‌ی بزرگ قلعه‌هـای سـلاسل شوشتر بـا تأسیسات نظـامی، زیرزمین و سـردابه‌های خود با شـرایط زنـدگی تابسـتانی خوزسـتان متنـاسب است. با توجه به سـبک معماری و شواهـد معماری، در انتساب این مجموعه به پیش از اسـلام تردیـدی نیست؛ زیرا متون و منـابع جغرافیـایی از تصـرف این دژ به دست سپاهیان اسـلام خبر داده‌انـد. احتمالاـ شـهرت این قلعه به سلاسل از این امر ناشی می‌شود که در سال ۳۶۵ هجری قمری حاکم شوشتر این دژ را پس از ویرانی، مجددا بازسازی کرد. پس از آن، در دوره‌های دیگر، نیز بازسازی شد و آنچه از آثار آن باقی مانده بود، با بمباران هوایی عراق نابود گردید.

[صفحه ۸۵]

شهر شوش و آثـار و اموال فرهنگی آن هم بارهـا، هـدف اصـابت توپخـانه و حمله‌های هوایی دشـمن قرار گرفت که آخرین بقایای کاخ و کوشک عهد ساسانی موسوم به ایوان کرخه بر اثر این حمله‌های وحشیانه به تلی از خاک تبدیل شد. [۱۲۴] .

در حـالی رژیم عراق حمله‌های توپخانه‌ای، هوایی و موشـکی ویرانگر خود را به شـهرهای ایران گسترش داد که در بسـیاری از آنها اموال فرهنگی گرانبها قرار داشت. این حمله‌ها در حالی انجام شـد که ضـرورت نظامی‌ای وجود نـداشت. در بند ۱ ماده‌ی ۴ قرارداد ۱۹۵۴، درباره احترام به اموال فرهنگی آمده است که طرف‌های قرارداد ملزم‌اند در صورتی که اموال فرهنگی در سـرزمین آنها قرار گرفته باشد یا در سـرزمین طرف دیگر، باید در حفظ و نگهداری آنها کوشـش کنند؛ بدین نحو که از این اموال اسـتفاده نکنند و به هنگام جنگ مسلحانه، آن را در معرض تضییع و تفریط قرار ندهند و از تخریب آنها خودداری کنند.

[صفحه ۸۶]

همچنین هر چند قرارداد مربوط به حمایت از میراث جهانی، فرهنگی و طبیعی، که کنفرانس عمومی یونسکو تدوین کرده [۱۲۵]، مستقیما برای حمایت از اموال فرهنگی در زمان جنگ تدوین نشده، اما این حمایت در آن در نظر گرفته شده است. طبق تبصره ۳ ماده‌ی ۶ این قرارداد:

«هر یک از دولت‌های عضو قرارداد متعهد می‌شوند، هیچ گونه اقدامی انجام ندهند که مستقیم یا غیرمستقیم به میراث فرهنگی و طبیعی در نظر گرفته شده در مواد ۱ و ۲ قرارداد که در سرزمین دولت دیگر عضو این قرارداد قرار گرفته است، خسارت وارد آورد.» [۱۲۶].

در ماده‌ی ۶ قرارداد ۱۹۵۴ لاهه آمده است: «طبق مقررات ماده‌ی ۱۶ اموال فرهنگی را می‌توان به نشانه‌های ویژه مجهز کرد تا تشخیص آنها آسان شود.»

اما برای رژیمی که تمامی تلاش خود را بر آزار مردم به منظور تخلیه‌ی شهرها معطوف کرد، آمبولانس‌ها و بیمارستان‌ها را هدف حمله قرار داد، مراکز تجمع مردم در مسجدها و تکیه‌ها و نماز جمعه را بمباران کرد، مناطق مسکونی شهرها را هدف حمله‌ی موشکی کور قرار داد. آیا علامت‌گذاری و مشخص کردن اموال فرهنگی جز تسهیل برای نابودی آن اموال فایده‌ی دیگری دارد؟ هیئت اعزامی یونسکو که به درخواست ایران و برای بازدید از خسارات وارد شده بر میراث فرهنگی به ایران سفر کرده بود، با مشاهده‌ی همین شواهد در استان‌های درگیر جنگ تصدیق کرد که لازم است در مورد توانایی‌های اجرایی کمیسیون (یونسکو) بحث و بررسی جدی‌تری صورت گیرد. [۱۲۷].

در ماده‌ی ۸ قرارداد ۱۹۵۴ لاهه چنین مقرر شده است:

«اموال فرهنگی غیرمنقول را که اهمیت زیادی دارند، می‌توان تحت حمایت ویژه قرار داد، مشروط بر آنکه:

الف) با مراکز صنعتی یا با هر هدف نظامی مهم که نقطه‌ی حساس باشد،

[صفحه ۸۸]

مانند فرودگاه، ایستگاه رادیویی، مؤسساتی که برای دفاع ملی کار می‌کنند، بندر، ایستگاه نسبتا مهم راه‌آهن یا راه‌های ارتباطی مهم به حد کافی فاصله داشته باشد.

ب) مورد استفاده نظامی قرار نگیرد.» [۱۲۸].

مسجد جامع عتیق اصفهان با گنبد بزرگ و مرتفعی که پایه‌گذاری آن به نیمه‌ی قرن دوم هجری برمی‌گردد، یکی از بارزترین بناهای سطح شهر اصفهان و کاملا قابل شناسایی است و هیچ یک از شرایط یاد شده بر آن مترتب نبود، شلیک راکت هواپیما - دو بار در یک روز - بر این بنا چه معنایی داشت؟ البته شهرهای تاریخی اصفهان، کرمانشاه، همدان و ارومیه بارها، هدف حمله‌های هوایی دشمن قرار گرفتند و به بخش‌های زیادی از آثار تاریخی آنها خسارت وارد شد. در جریان نخستین تجاوز دشمن به سرزمین ایران اسلامی، بازار شهر کرمانشاه، تکیه‌ی معاون الملک که دارای نقاشی‌هایی از وقایع مذهبی روی کاشی است و نفاست و ارزش فرهنگی فوق‌العاده‌ای دارد، تکیه‌ی بیگلربیگی، تپه‌ی هگمتانه در شهر همدان و بازار شهر ارومیه، هدف حمله قرار گرفتند و آسیب‌هایی جدی به آنها وارد شد. [۱۲۹].

تمام این اعمال تجاوزکارانه برخلاف موازین و مقررات پروتکل نخست ۱۹۷۷ صورت گرفت. طبق ماده‌ی ۵۳ این پروتکل: «در مقررات قرارداد ۱۹۵۴ لاهه طی مخاصمات جنگی این اقدامات ممنوع است:

الف) هر نوع عمل خصومت‌آمیز علیه بناهای تاریخی، آثار هنری یا مکان‌های فرهنگی که میراث فرهنگی و ذهنی ملت‌هاست.
ب) استفاده از مکان‌های فرهنگی، مدارس، دانشگاه‌ها، عبادتگاه‌ها، مسجدها و... به منظور انجام اقدامات نظامی علیه دشمن ممنوع است. به عبارت دیگر، این مکان‌ها نباید به عنوان سنگر، انبار مهمات و... مورد استفاده قرار گیرند.
ج) اموال را موضوع تلافی و جبران قرار دادن.»
اما این قوانین (قرارداد ۱۹۵۴ لاهه) در طول هشت سال جنگ و حملات نظامی عراق به کشور ایران هیچ کارآیی نداشت. براساس مواد فصل نخست

[صفحه ۸۹]

مقررات اجرایی همین کنوانسیون و پیرو درخواست ایران، سازمان یونسکو تعیین کمیسر کل اموال فرهنگی را پیشنهاد و فرد مورد نظر خود را از میان فهرست بین‌المللی نام شخصیت‌ها انتخاب کرد، اما طرف مقابل نسبت به این کنوانسیون پای‌بند نبود و به حمله‌های خود به شهرهای ایران ادامه داد که طبعا، اموال فرهنگی نیز از این حمله‌ها در امان نماندند و خسارت‌های فراوانی را متحمل شدند. آنچه برای رژیم عراق اعتبار نداشت، مقررات بین‌المللی بود، حتی کنوانسیون‌هایی که این رژیم از اعضای آن به شمار می‌رفت.

[صفحه ۹۴]

رفتار عراق با نظامیان و اسیران جنگی

اشاره

قوانین حاکم بر رفتار با اسیران جنگی یکی از جنبه‌های بارز حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه‌ی بین‌المللی است که نسبت به دیگر مقررات مربوط به مخاصمات، قدرت اجرایی بیشتری دارد و در مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به آن پرداخته شده است. طبق این مقررات، در زمان جنگ، سربازان زخمی و اسیران جنگی باید تحت حمایت قرار گیرند و طرف‌های درگیر جنگ حق بدرفتاری با آنها را ندارند.
همچنین براساس کنوانسیون‌های ۱۹۰۷ لاهه که کشورها را به رفتار متمدنانه با اسیر و حفظ حیات و کرامت او متعهد کرده است و نیز طبق کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو و قراردادهای ۱۹۴۹ ژنو، که امروزه مناط اعتبار و ایجادگر تعهداتی جهانی است، گرفتن اسیر و نگهداری او، تنها از روی احتیاط در مقابل دشمن جایز است و زجر و عذاب او هرگز مجاز نیست. علاوه بر این، طبق ماده ۴ مقررات ۱۹۰۷ لاهه، ماده‌ی ۴۸ کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو و مواد ۱۳ و ۱۴ کنوانسیون سوم ژنو، نیز باید با اسیران جنگی رفتار انسانی شود. [۱۳۰] .
از سوی دیگر، در ماده‌ی ۱ مشترک چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل نخست ۱۹۷۷ آمده است: «مسئولیت جلوگیری از نقض معاهدات مزبور، نه تنها به عهده‌ی امضاکنندگان درگیر در جنگ، بلکه به عهده‌ی تمام امضاکنندگان آن عهدنامه است. بر این اساس، باید دولت‌های جامعه بین‌المللی حقوق و

[صفحه ۹۵]

تکالیف مزبور را از طریق صدور دستورات مناسب به نیروهای مسلح و نظارت مستمر، تضمین و مقررات ضروری را برای فراهم آوردن ضمانت اجرای کیفری تخلفات شدید و عمده تنظیم و تصویب کنند.»
به دلیل اهمیت رفتار ارتش عراق با نظامیان مقابل خود در صحنه نبرد و همچنین رفتار با اسیران جنگی در اردوگاه‌ها و مقایسه این رفتارها با موازین بین‌المللی، در این فصل به مواردی از عملکرد رژیم عراق و ارتش آن اشاره می‌شود که تنها نمونه‌هایی از مصادیق این رفتارها است.

رفتار عراق با نظامیان در صحنه نبرد

حکم اعدام پاسداران، اعدام نظامیان هنگام دستگیری

رژیم عراق نه تنها بر نیروهای مسلح خود نظارتی نداشت و هیچ ضمانت اجرای کیفری مؤثری را برای تخلفات شدید تصویب نکرد، بلکه هرگز قصد رعایت کنوانسیون‌های بین‌المللی را نداشت و آنها را مقررات اداری بین دولت‌ها می‌دانست که برای نظامیان عراقی در جبهه‌های جنگ لازم الاجرا نیست. فرمان روزانه‌ی شماره ۱ صدام حسین [۱۳۱] به تمامی افسران واحدهای موجود در جبهه و مشاهدات عینی اسیران آزاد شده ایرانی و اسیران عراقی در ایران و همچنین، اسنادی که از ستادهای فرماندهی عراق به دست نیروهای ایرانی افتاده است، نشان می‌دهد که افسران عالی‌رتبه عراقی موظف شده بودند که پاسداران اسیر را اعدام کنند.

[صفحه ۹۶]

با وجود اینکه بسیاری از افسران و فرماندهان یگان‌های ارتش عراق از صدور چنین فرمانی جا خوردند و هرگز برای اجرای آن رغبتی نشان ندادند، اما عده‌ی دیگری از فرماندهان لشکرها و تیپ‌ها و افسران رده بالای این ارتش که از پیش در انجام دادن چنین کارهایی کوتاهی نمی‌کردند، با خیال آسوده به اجرای این فرمان پرداختند. [۱۳۲] در ادامه به نمونه‌هایی از دستورهای صادر شده براساس فرمان صدام اشاره می‌شود.
سپهبد هشام الفخری، فرمانده سپاه چهارم ارتش عراق، از جمله افسران عالی‌رتبه‌ی عراقی است که در جنگ ایران و عراق، جنایت زیادی مرتکب شده است. وی پس از عملیات حاج عمران، دستور داد تا سه تن از رزمندگان ایرانی دستگیر شده در این عملیات را نزد او ببرند. وی پس از آنکه دست و پای اسیران را بست، آنها را به هلی‌کوپتر منتقل کرد و سپس در حین پرواز، آنها را از هلی‌کوپتر به پایین انداخت و به حالت تمسخر گفت: «سلام مرا به خمینی برسانید.» این ژنرال جنایتکار معمولا در برخورد با هر اسیر ایرانی به ویژه پاسداران، آن اسیر را با سلاح کمری خود به شهادت می‌رساند. همچنین در فاو دستور داد تمام اسیران ایرانی، حتی مجروحان را اعدام کنند؛ البته این حکم را صدام صادر کرده بود. [۱۳۳] .
سرلشکر طالع الدوری، یکی دیگر از افسران عالی‌رتبه‌ی عراقی بود که اصرار زیادی بر اعدام و دفن دسته‌جمعی اسیران ایرانی داشت. وی همیشه در عملیات‌ها به واحدهایش دستور می‌داد که به هیچ وجه اسیر نگیرند و اگر هم گرفتند آنان را پیش از تخلیه به پشت جبهه، اعدام کنند. [۱۳۴] .

زمانی که واحد تحت امر سرهنگ ستاد «عبدمطلق الجبوری» بین شوش و بستان در روستای سیسبان مستقر بود، هشت تن از نیروهای ایرانی به اسارت درآمدند که به دستور وی، دست و پای آنان را بستند و زنده به گورشان کردند. [۱۳۵] .

[صفحه ۹۷]

در جنگ ایران و عراق، شخص صدام حسین، رئیس حکومت و فرمانده کل نیروهای مسلح عراق، فرمان اعدام نظامیان ایران را صادر کرده است؛ بنابراین، در صورت تشکیل یک دادگاه جنگی برای رسیدگی به جنایت‌های جنگی نظامیان عراقی، وی متهم ردیف اول خواهد بود؛ زیرا اعدام غیرقانونی و بدون محاکمه‌ی نظامیان، نقض قوانین و عرف‌های جنگی به شمار می‌رود. بدین ترتیب، قتل یا بدرفتاری با اسیران جنگی، نه تنها جنایت جنگی، بلکه جنایت علیه بشریت هم محسوب می‌شود؛ چرا که جنایت علیه بشریت، از زمره‌ی اقدامات خشونت‌آمیزی است که متضمن نقض یا سلب حقوق اساسی افراد انسانی می‌باشد.

نخستین قانون انسان‌دوستانه‌ی بین‌المللی مقرر می‌کند هر رزمنده باید از کشتن دشمن، که به دلیل از کار افتادن سلاح یا تسلیم خود، از ادامه‌ی جنگ ناتوان باشد، پرهیز کند. این اصل بنیادین انسان‌دوستانه‌ی بین‌المللی در ماده‌ی ۲۳ کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه وضع و در ماده‌ی ۴۱ از پروتکل نخست ۱۹۷۷ تأیید شده است. [۱۳۶] این در حالی است که رژیم عراق بدون توجه به قوانین بین‌المللی بشردوستانه به اعدام و کشتن اسیران ایرانی در صحنه‌ی نبرد اقدام می‌کرد.

کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در استمداد (از کشورهای جهان) در ۷ مه ۱۹۸۳ به این موضوع اشاره کرده است و حتی چندین شاهد عینی از رزمندگانی که توانستند از اسارت فرار کنند یا پس از مدتی طولانی آزاد شدند، این امر را تأیید می‌کنند. همچنین گزارش هیئت اعزامی دبیر کل سازمان ملل حاکی است:

«... ما به هنگام بازدید اردوگاه‌های اسیران ایرانی، اظهاراتی را درباره‌ی اعدام افراد تازه به اسارت گرفته شده شنیدیم، اما با توجه به میزان اسنادی که در اختیار داریم، نمی‌توانیم از جانب خود در این مورد نتیجه‌گیری کنیم.»

در بند ۷۵ این گزارش آمده است: «با توجه به خصومت‌های شدیدی که طی جنگ پدید آمده، نمی‌توان این احتمال را که تعداد درخور توجهی از سربازان ایرانی ممکن است به هنگام تسلیم کردن خود به قتل رسیده باشند، رد کرد.»

[صفحه ۹۸]

در بند ۷۶ گزارش مزبور آمده است: «هر چند ما در موقعیتی قرار نداشتیم که بتوانیم اطلاعاتی را که در اختیارمان قرار می‌گرفت، ارزیابی کنیم، اما به عقیده‌ی ما، هیچ یک از مطالبی که شنیدیم، با بیانیه‌ی کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در ۷ مه ۱۹۸۳ مغایرت نداشت.» [۱۳۷] .

در قسمتی از این بیانیه آمده است که برخی از نیروهای ایران بلافاصله، پس از اسارت اعدام شدند. [۱۳۸] .

آنچه در این باره می‌توان گفت اینکه هم صلیب سرخ جهانی و هم هیئت اعزامی دبیر کل سازمان ملل به ایران و عراق، درباره اعدام اسیران ایرانی به دست نظامیان عراقی اشتراک نظر داشتند؛ بنابراین، اطلاعاتی که به این نتیجه‌گیری مهم منجر شده، مشاهدات عینی اسیران ایرانی در عراق بوده است که برای نمایندگان هیئت اعزامی دبیر کل سازمان ملل بازگو کرده‌اند، ضمن آنکه اظهارات اسیران عراقی در ایران مبنی بر اعدام اسیران ایرانی به دست نیروهای ارتش عراق، با گفته‌ها و مشاهدات اسیران ایرانی کاملا تطابق دارد.

در قسمتی از گزارش هیئت اعزامی دبیر کل آمده است: «باید یادآور شویم که وزیر امور خارجه عراق دو دیدار با ما (هیئت اعزامی دبیر کل) داشت و به این اصل کلی اعتراف کرده بود که طی جنگ، به ویژه در اوایل آن ممکن است اشتباهاتی روی داده باشد.» [۱۳۹] .

اعتراف وزیر خارجه وقت عراق به اینکه ممکن است اشتباهاتی روی داده باشد، از طرفی اعتراف به جنایت‌های این رژیم است و از سوی دیگر، بسیاری مضحک به نظر می‌رسد؛ زیرا «اشتباه» تنها یک بار اتفاق می‌افتد و تکرار آن، دیگر اشتباه نیست، بلکه خطاست و تخلف محسوب می‌شود. آیا بستن اسیر بی‌دفاع ایرانی به دو تانک و دو تکه کردن آن، پرت کردن اسیران از هلی‌کوپتر، به رگبار بستن رزمندگان اسیر، سوزاندن پاسداران، زنده به گور کردن آنان و... که به طور مستمر تا آخر جنگ ادامه داشت، همه اشتباه بودند و سهوا انجام می‌شده است؟

[صفحه ۹۹]

نمونه‌ای از رفتارهای بی‌رحمانه‌ی نظامیان رژیم عراق با اسیران ایرانی در عملیات رمضان (تیر ۱۳۶۱)، رخ داد. هنگامی که تعدادی از نیروهای ایران در این عملیات دستگیر شدند، نیروهای ارتش عراق آنها را به صورت دایره‌وار قرار دادند و یک در میان به سمت آنها شلیک کردند، برخی از پاسداران را هدف گلوله تانک قرار دادند، دو دست پاسدار دیگری را قطع کردند و پاهای اسیری را نیز به دو تانک بستند و تانک‌ها را در دو جهت مخالف به حرکت درآوردند. [۱۴۰] .

محافظ شهید تندگویان (بخشی‌پور) می‌گوید:

«عراقی‌ها تصور می‌کردند ما پاسداریم، اما کارت شناسایی شرکت نفت که همراهمان بود، جانمان را نجات داد. در این هنگام، ما شاهد اعدام دو پاسدار به نام‌های حسین دانشور (۲۵ ساله) و علی پروین (۵۰ ساله) بودیم.» [۱۴۱] آزاده‌ی دیگری که در جزیره‌ی مجنون اسیر شده بود، چنین می‌گوید، به هنگام انتقالمان به عقب، یک قایق جلوتر از ما حرکت می‌کرد که چند اسیر ایرانی در آن بود، عراقی‌ها دست و پای آنها را بستند و در وسط راه، به داخل آب انداختند. [۱۴۲] .

اما جنایت‌های دلخراش و ضدانسانی نیروهای عراقی به این موارد ختم نمی‌شود. به شهادت رساندن اسیران به بهانه‌های واهی یا برای کسب اطلاعات، از دیگر روش‌هایی بود که نیروهای عراق بدان متوسل می‌شدند. در حالی که طبق ماده‌ی ۱۷ کنوانسیون سوم ژنو: برای کسب اطلاعات از اسیران نباید هیچ گونه فشاری به آنها وارد آید. اسیرانی که از دادن اطلاعات خودداری کنند نیز نباید مورد تهدید یا دشنام قرار گیرند یا در معرض ناراحتی و سلب مزایا از هر نوع واقع شوند.»

آزاده‌ای می‌گوید: «پس از اینکه سوار خودرو شدیم، افسر عراقی به یکی از رزمندگان که خیلی جوان بود گفت: «بلند شو برو جلو ماشین بنشین!» وی به دلیل همدردی با بچه‌ها، پاسخ منفی داد و اضافه کرد: «من می‌خواهم مثل بقیه پشت کامیون بنشینم.» افسر بلافاصله، کلتش را کشید و روی شقیقه او گذاشت و با بی‌رحمی و شقاوت تمام آن نوجوان را به شهادت رساند.» [۱۴۳] .

[صفحه ۱۰۰]

«از یکی از افسران ایرانی که همراه عده‌ای از نیروهای بسیجی به اسارت دشمن درآمده بود، خواسته شد رمز بی‌سیم و اطلاعات مربوط به جبهه را در اختیار نیروهای عراقی بگذارد. وی راضی نشد و با قاطعیت پاسخ داد: «من به نظام جمهوری اسلامی و امام و ملتم وفادارم و هرگز این کار را نمی‌کنم.» تهدیدش کردند که اگر نگویی، تیربارانت می‌کنیم، گفت: «به خدا ایمان دارم و از

مرگ نمی‌ترسم.» می‌خواستند او را اعدام کنند که بلافاصله گفت: «اجازه بدهید! حالا که می‌خواهید اعدامم کنید، دو رکعت نماز بخوانم.» هنوز نمازش را تمام نکرده بود که رگبار گلوله سینه‌اش را شکافت و او را به شهادت رساندند.» [۱۴۴] .

هنگامی که یکی از اسیران ایرانی از شدت تشنگی به سمت شیر آب رفت تا کمی آب بنوشد، چند تن از سربازان عراقی او را محاصره کردند و آن قدر با کابل بر سر و صورتش زدند تا وی به شهادت رسید. [۱۴۵] .

یکی از نیروهای لشکر ۱۰ ارتش عراق می‌گوید: «یکی از فرماندهان لشکر ۱۰ به همراهی نیروهای پیاده که جلوتر از واحد تانک مستقر بود، توانسته بود ۲۵ نفر از نیروهای ایرانی را اسیر کند. درجه‌ی این فرمانده پیاده، سروان بود. وی پانزده تن از اسیران را به پشت جبهه فرستاد و ده تن باقی مانده را در یک صف قرار داد و تیرباران کرد.» [۱۴۶] .

سرباز اسیر عراقی اهل کربلا نیز گفت: «در منطقه‌ی سر پل ذهاب، یکی از نیروهای ایرانی به اسارت درآمد. سروان حکیم اهل دیاله عراق، از باطری کامیون‌ها اسید تخلیه کرد و روی دهان و سر و صورت اسیر ایرانی ریخت و او را به طرز فجیعی، به شهادت رساند.» [۱۴۷] .

در ۵ ژانویه‌ی ۱۹۸۱ (۱۵ دی ۱۳۵۹)، نیروهای متجاوز عراق از شهر سوسنگرد عقب رانده شدند، اما مجددا این شهر را تصرف کردند. در یکی از عملیات‌های نفوذی رزمندگان ایرانی، افراد تیپ ۹ ارتش عراق، ۹ تن از پاسداران را اسیر کردند. نیروهای عراقی زمانی که فهمیدند اسیران پاسدارند، خیلی خوشحال شدند. فرمانده تیپ، سرهنگ مقدم حسن، اسیران را به مقر

[صفحه ۱۰۱]

تیپ برد و دستور داد تا دست‌های آنها را از پشت بستند و روی زمین نشاندند. پس از آن، یک گالن بنزین آورد و روی رزمندگان خالی کرد و مقداری هم دور آنها ریخت. سپس از فرماندهان دیگر واحدهای تیپ هم برای تماشای این صحنه‌ی فجیع و ضدانسانی دعوت کرد و آنها را به آتش کشید. این فرمانده جانی مرتب زیر لب می‌گفت، اینها مجوس‌اند، چه بهتر آتش‌پرست را بسوزانیم. [۱۴۸] .

از دیگر جنایت‌های تیپ ۹ ارتش عراق که در جبهه‌ی کرخه نور انجام شد، اینکه نیروهای این تیپ هنگام عبور از رودخانه کرخه، یکی از پاسداران را به اسارت درآوردند و در کناره‌ی کرخه با بنزین سوزاندند.

به هر حال، بخشی از جنایت‌هایی که ارتش عراق در مورد اسیران ایرانی مرتکب شد در گزارش‌های صلیب سرخ جهانی و همچنین در اسناد و مدارک جمهوری اسلامی ایران و گاه به وسیله‌ی جناح‌های مخالف رژیم عراق، منعکس شده است.

تلویزیون بغداد در تاریخ ۲۸ / ۱۲ / ۱۹۸۳ (۷ دی ۱۳۶۲) برنامه‌ی جشن اعطای نشان شجاعت و مدال افتخار به سربازان و افسران عراقی، که از نظر سران رژیم عراق و فرماندهان ارتش عراق در طول جنگ به کارهای سترگ و پرافتخار دست زده بودند، پخش کرد؛ در این برنامه صدام حسین که خود مدال‌ها و نشان‌ها را به سربازان و افسران اعطا می‌کرد، از آنان خواست تا هر یک داستانی از دلاوری‌هایشان در جبهه‌های نبرد را که موجب گرفتن نشان شجاعت شده است، نقل کنند. یکی از سربازان داستانی را که خنده و قهقهه‌ی صدام را موجب شد، چنین نقل کرد: «یادم می‌آید که گروه ستوان محمود [۱۴۹] یکی از سربازان ایرانی را دستگیر کرد. در سنگر، ستوان محمود با ما

[صفحه ۱۰۲]

بود، با سنگ به جانش افتادیم تا کشتیمش، آنها نخواستند یک نارنجک را مصرف کنند.» در این هنگام، صدام[با قهقهه]گفت: «در این حادثه، گوشتش از استخوانش جدا نشد؟» [۱۵۰].

همچنین رزمنده‌ی اسیری که خود از شاهدان عینی اعدام اسیران ایرانی به دست نیروهای عراقی بود، می‌گوید: «خودم را سرباز لشکر ۷۷ خراسان معرفی کردم. آنها در همان خط، برای گرفتن اطلاعات از من، سرباز منصور غلامی را اعدام کردند.»

رزمنده‌ای دیگر نیز ماجرایی از ابتدای اسارت خود را چنین بیان می‌کند:

«عراقی‌ها ما را در پشت خط دوم روی زمین نشاندند. آن وقت ستون ۲۰ تا ۳۰ نفره‌ای را آوردند پیش ما، ناگهان یکی از افسران عراقی ستون بچه‌ها را به رگبار بست. در این ماجرای هولناک و تلخ، تعدادی از بچه‌ها شهید و تعدادی هم مجروح شدند.»

چگونگی اعدام رزمنده‌ای در همان ابتدای اسارت را یکی از همرزمانش چنین شرح می‌دهد:

«در بین راه به اسارت نیروهای دشمن درآمدیم. حدود ۲۰ تا ۲۵ نفر بودیم، که ۲۰ نفر از سربازان لشکر ۹۲ زرهی خوزستان هم به جمع ما پیوستند. عراقی‌ها یکی از بچه‌ها را بلند کردند و جلو چشمانمان اعدام کردند.» [۱۵۱].

همچنین اقدامی بسیار شقاوت‌مندانه در جبهه‌ی دارخوین به دست یکی از افسران عراقی انجام شد، که از قول شاهد ماجرا چنین نقل شده است:

رضا رضاییان که در جبهه‌ی دارخوین مسئولیت شناسایی منطقه غرب کارون را داشت، به دستور فرمانده‌اش حسین خرازی، برای شناسایی عوامل نفوذی دشمن با همرزمش محسن، به سوی منطقه حدفاصل خط خودی و خط دشمن حرکت کردند. هنوز از حاشیه رودخانه دور نشده بودند که یک سنگر دشمن توجه‌شان را جلب کرد، به طرف آن رفتند. نیروهای دشمن متوجه آنها شده، محاصره و دستگیرشان کردند. پس از شکنجه و آزار وحشیانه، افسر عراقی سرنیزه‌ای در ران محسن فرو برد که خون از رانش فوران کرد. سپس به سراغ رضاییان رفت و

[صفحه ۱۰۳]

گفت اگر مقاومت کنی سرت را می‌برم. رضاییان سرش را پایین انداخت. افسر عراقی پا روی سینه‌اش گذاشت و او را به پشت خواباند. دست رضاییان را بستند و ضربه‌ای به سرش زدند که از حال رفت، اما از هوش نرفته بود. افسر عراقی با شقاوت تمام سر رضا رضاییان را از پیکرش جدا کرد. محسن که خون بسیاری از او رفته بود، هنوز به هوش بود و صحنه دست پا زدن شهید رضاییان را مشاهده می‌کرد.

افسر عراقی سر شهید رضاییان را بلند کرد و با خنده گفت: هدیه خوبی است برای فرمانده، این پاسدارها دارخوین را فلج کرده‌اند. این جنایتکار با سر شهید رضاییان به سمت خاکریز خودشان رفت.

گشتی‌های خودی وقتی رسیدند که عراقی‌ها آنجا را ترک کرده بودند. آنها با پیکر بی‌سر شهید رضاییان مواجه شدند، اطراف را جست‌وجو کردند، صدای محسن آنها را متوجه کرد. محسن که هنوز نفس می‌کشید، به سختی گفت: سرش را بردند. [۱۵۲].

[صفحه ۱۰۴]

حادثه‌ای فجیع و دردناک نیز در ۸ اسفند ۱۳۶۲ به وقوع پیوست که نگارنده، خود شاهد و ناظر آن بوده است:

«نیروهای گردان عاشورا جمعی تیپ ۱۵ امام حسن (ع)، بعد از چند شبانه‌روز نبرد جانانه در منطقه‌ی عملیاتی خیبر، مقابل شهر

القرنه‌ی عراق، از هر طرف به محاصره‌ی کامل تانک‌های دشمن درآمدند، طوری که چاره‌ای جز تسلیم شدن وجود نداشت. پس از چند دقیقه، نیروهای دشمن نارنجکی در بین اسیران پرتاب کردند و چندین نفر از برادران از جمله: منصور مؤیدی، علی یوسفی، گنجعلی سروستانی، احمد خزائی، کاظم نوری‌پور، کشوری ربوشه و... (از خوزستان) را شهید و تعداد دیگری را مجروح کردند.» [۱۵۳] .

این فجایع در حالی رخ می‌داد که ماده‌ی ۱۳ قرارداد سوم ژنو، اذعان می‌کند: «با اسیران جنگی باید در هر زمان با انسانیت رفتار کرد، به ویژه هیچ اسیر جنگی را نمی‌توان مورد جرح جسمانی قرار داد.» همین ماده می‌افزاید هر عمل یا غفلت غیرموجه از طرف دولت اسیر کننده که سلامت اسیر را شدیدا به خطر اندازد، ممنوع است و در حکم تخلف از این قرارداد شمرده خواهد شد. حتی پروتکل نخست ۱۹۷۷ نیز تأکید کرده است که: «نباید رحم و شفقت را از اسیران دریغ کرد.»

قتل عام مجروحان

بی‌گمان، رفتار ضدانسانی با مجروحان ایرانی در صحنه‌ی نبرد از فجیع‌ترین و هولناک‌ترین اعمالی بود که نیروهای ارتش عراق در جنگ تحمیلی انجام دادند؛ در حالی که براساس قوانین انسان‌دوستانه‌ی بین‌المللی باید با مجروحان با احترام و به شیوه‌ی انسانی رفتار شود. در ماده‌ی سوم تمامی کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو، آمده است که افراد زخمی و مجروح را باید جمع‌آوری و از آنها پرستاری کرد، چنین تعهدی در عهدنامه‌های ۱۸۶۴ و ۱۹۲۹ ژنو نیز پیش‌بینی شده بود. در ماده ۱۵ قرارداد نخست ژنو و ماده ۱۸ دوم ژنو نیز آمده است: «دولت‌های متخاصم در هر حال، به ویژه پس از آغاز جنگ، بدون فوت

[صفحه ۱۰۵]

وقت، تدابیر مورد نیاز را برای جست‌وجو و جمع‌آوری مجروحان و بیماران اتخاذ و آنان را در مقابل چپاول و بدرفتاری حفظ کنند...»

همچنین ماده ۱۰ پروتکل نخست و ماده ۷ پروتکل دوم منضم به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مقرر می‌دارند: «مجروحان را باید جمع‌آوری و با انسانیت با آنها رفتار کرد و در حد ممکن و در کوتاه‌ترین زمان، آنها را تحت مراقبت‌های پزشکی مقتضی حالشان قرار داد. به غیر از ضوابط پزشکی، نباید در هیچ گونه زمینه‌ای، تبعیضی بین آنها وجود داشته باشد.»

در این باره همچنین مواد ۱۲ و ۱۴ قرارداد نخست، مواد ۱۲ و ۱۶ قرارداد دوم ژنو و ماده ۴۴ پروتکل نخست منضم به کنوانسیون‌های ژنو چنین مقرر کرده‌اند: «دولت‌های متحارب در صورت به اسارت گرفتن مجروحان، بیماران و... نیروهای مسلح دشمن باید از آنها مانند مجروحان خود مراقبت کنند.»

نیروهای ارتش عراق، نه تنها کم‌ترین توجهی به قوانین انسان‌دوستانه‌ی بین‌المللی نداشتند، بلکه طبق مشاهدات عینی اسیران آزاد شده‌ی ایرانی، ارتشیان عراقی با نهایت شقاوت و دشمنی، مجروحان ایرانی را در صحنه‌ی نبرد قتل عام می‌کردند.

یکی از دوستان هماردوگاهی‌مان می‌گفت: «داخل یکی از کانال‌ها درازکش خوابیدم... ساعت ۷ صبح بود که شنیدم یکی از اسیران مرتب می‌گوید: اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمدا رسول الله (ص)، پس از چند لحظه، نیروهای عراقی با شلیک گلوله آن برادر مجروح را به شهادت رساندند. [۱۵۴] .

بخشی از جنایات ارتشیان عراقی را یکی از رزمندگان اسیر چنین شرح داد: «پس از آنکه افسر عراقی ستون اسیران ایرانی را به رگبار بست، تعدادی از اسیران شهید و تعدادی هم مجروح شدند. اسیران مجروح را به کنار دیگر اسیران آوردند. در این لحظه

توپخانه‌ی نیروهای خودی منطقه را زیر آتش گرفت. آتش توپخانه که کمی سبک شد، عراقی‌ها از سنگرهایشان بیرون آمدند و عده‌ای از برادران مجروح را با زدن تیر خلاص به شهادت رساندند. اوضاع نابسامانی بود، سربازان عراقی هر اسیری را که می‌خواستند، شهید

[صفحه ۱۰۶]

می‌کردند. تا ساعات ۱۶ ما را در آن گرمای طاقت‌فرسا بدون آب و غذا نگه داشتند و حدود ساعت ۱۷ یکی دو دستگاه خودرو آوردند و نخست آنهایی را که سالم بودند و سپس مجروحانی را که وضعشان بهتر بود، سوار کردند و دیگر مجروحان را پشت خاکریز با زدن تیر خلاص به شهادت رساندند. یکی از برادران، که پس از ما اسیر شده بود، می‌گفت: من خودم دیدم که عراقی‌ها با تانک روی اجساد شهیدان و مجروحان ما حرکت کردند، سپس، آنها را یکجا جمع و با ریختن بنزین رویشان همه را سوزاندند.» [۱۵۵].

آزاده، بهزاد نبوی که در تاریخ ۲۱ تیر ۱۳۶۷ به دست دشمن اسیر شد، نیز چنین می‌گوید: «محمدحسین معروف، از افسران ارتش جمهوری اسلامی ایران در درگیری با عراقی‌ها به شدت مجروح شد و پس از اسارت، آن قدر با لگد به بدنش زدند تا شهید شد.» [۱۵۶].

چند آزاده دیگر گوشه‌ای از وقایع زمان اسارت خود را چنین نقل می‌کنند:

- «در ۳۱ تیر ۱۳۶۷، هم زمان با پذیرش قطعنامه ۵۹۸، عراقی‌ها حمله‌ی گسترده‌ای به مواضع ما انجام دادند. من و چند تن از دوستانم پس از سقوط خط و چهار روز سرگردانی، اسیر شدیم. در درگیری، یکی از دوستانم از ناحیه‌ی پا زخمی شد که در آن چهار روز، او را به امید رسیدن به نیروهای خودی روی دوش حمل کردیم. وقتی اسیر شدیم، یکی از افسران عراقی کلتش را درآورد و با شلیک دو گلوله، آن اسیر مجروح را به شهادت رساند.» [۱۵۷].

- «سه اسیر مجروح را برای سوار کردن بر خودرو آوردند. نگهبانان کمی با هم صحبت کردند و چند لحظه بعد، آن سه مجروح را پشت یک خاکریز بردند و با تیر خلاص به شهادت رساندند.» [۱۵۸].

- «من و تعداد دیگری از مجروحان به علت تخلیه منطقه جنگی، جا ماندیم. ساعت ۱۳ دیدیم سربازان عراقی به حالت دشتبان جلو می‌آیند و به مجروحان تیر خلاص می‌زنند.» [۱۵۹].

همچنین، آزاده‌ی دیگری که در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۶۵ به اسارت نیروهای عراقی در آمد، می‌گوید: من و هم‌سنگرم را به پشت خط انتقال دادند، وی

[صفحه ۱۰۷]

دو پایش را از دست داده بود و به سختی، مجروح بود؛ بنابراین، عراقی‌ها او را وحشیانه به شهادت رساندند.»

درباره‌ی اعدام مجروحان ایرانی در صحنه‌ی نبرد، «هافلگیر»، نماینده‌ی کل کمیته‌ی صلیب سرخ در خاورمیانه و شمال افریقا، که در فروردین ۱۳۶۱ پس از آغاز عملیات فتح المبین به تهران سفر کرده بود، به نمایندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران گفت: «ما اعتراضات خود را در این مورد بارها اعلام کرده و گفته‌ایم این جنگ عجیبی است که در میان اسیران یک طرف (اسیران عراقی) تعداد زیادی زخمی وجود دارد، اما اسیران طرف دیگر (اسیران ایرانی) اصلا زخمی ندارند یا تعداد آنها بسیار محدود است.» [۱۶۰]

.

اظهارات «هافلگیر» نشان دهنده‌ی عملکرد ارتش عراق در برخورد با مجروحان ایرانی است که با قساوت و بی‌رحمی آنها را به شهادت می‌رساندند. این خط مشی سرفرماندهی کل ارتش عراق در تمامی جبهه‌های نبرد، به صورت یک رویه درآمده بود. از طرف دیگر، چگونه ممکن است در جنگی که دشمن به انواع سلاح‌های پیشرفته مجهز بود و هیچ گونه کمبود و محدودیتی نداشت و به هنگام حمله، بسان باران از زمین و هوا بر سر نیروهای ایرانی آتش می‌بارید، مجروحان ایرانی اندک باشد. آیا جز این است که آنها را در صحنه‌ی نبرد برخلاف تمام موازین انسانی و بین‌المللی ناجوانمردانه به شهادت می‌رساندند.

مواد ۱۲ قرارداد اول و دوم ژنو بیان می‌کند: «اعضای نیروهای مسلح و... که مجروح یا بیمار شوند، باید در همه‌ی احوال مورد احترام و حمایت قرار گیرند.»

در قسمت دیگری از این مواد آمده است: هر گونه دست درازی به حیات و شخص (مجروحان و بیماران...) از جمله قتل بدحالان و قتل عام و شکنجه و... آنان اکیدا ممنوع است.» همچنین، ماده‌ی ۱۰ پروتکل نخست و ماده‌ی ۷ پروتکل دوم منضم به کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ۱۹۴۹ ژنو، مقرر می‌دارد: «تمامی مجروحان... باید در تمام شرایط مورد احترام واقع شوند.»

از سوی دیگر مشاهدات اسیران عراقی که در عملیات‌های مختلف اسیر شدند، نیز تأکیدی است بر صحت گزارش‌هایی که از جنایات ارتش عراق بیان شد:

[صفحه ۱۰۸]

«در آغاز عملیات والفجر ۵، یک جوان مجروح ایرانی را به اسارت گرفتیم. در میان ما، تنها گروهبان «فیصل» بود که به کشتن این اسیر جوان تمایل نشان می‌داد، اما دیگر افراد با این عمل مخالف بودند، هر چه از فیصل خواهش کردیم که اجازه بدهد این جوان مجروح را به پشت خط منتقل کنیم، وی رضایت نداد. سرانجام، فیصل با کلاشینکف آن جوان مجروح را به رگبار بست و او را به شهادت رساند.» [۱۶۱] .

نظامی دیگری که در عملیات «بدر» اسیر شد، نیز می‌گوید: «با چشم خودم دیدم در گردان تکاوران حطین، سربازی به نام «محیی» اهل بغداد، به عنوان تکاور وظیفه در واحد ما خدمت می‌کرد. این سرباز، در مواقع حمله، تمام غنایم[وسایل]شخصی هر مجروح یا شهیدی را که از نیروهای شما به جا می‌ماند، غارت می‌کرد. در عملیات والفجر مقدماتی، چند نفر از مجروحان شما را به شهادت رساند و تمام محتویات جیب‌هایشان را به غارت برد.» [۱۶۲] .

اسیر عراقی دیگری بیان می‌کند: «با هلی‌کوپتر روی قله‌ی «گردمند» فرود آمدیم. ما برای پاک‌سازی و استقرار روی ارتفاعات حاج‌عمران انتخاب شده بودیم. در آن ارتفاع، به ۲۵ نفر از نیروهای شما برخوردیم که اکثرشان شهید یا به شدت مجروح شده بودند. فرمانده ما یک ستوان بود که با کمک یک افسر دیگر دست و پای این مجروحان را می‌گرفتند و آنان را از بالای کوهی که ۲۵۱۹ پا ارتفاع داشت، به دره پرتاب می‌کردند.» [۱۶۳] .

اسیری دیگر، جمعی گردان تکاوران حطین عراق، گفت: «یک ماه و نیم پس از عملیات فتح المبین، در منطقه‌ی «چنانه»، دو نفر اسیر گرفتیم که هر دوی آنها زخمی بودند. سرگرد سالم، فرمانده گردان، دستور داد این دو نفر را پانسمان کنیم و به آنها آب و غذا بدهیم. پس از چند دقیقه، سرباز «سلمان» که «امر بر» فرمانده بود، به طرف ما آمد و گفت: «چرا به اینها آب و غذا دادید؟» وی پس از گفتن این حرف، لوله تفنگش را روی سر آنها گذاشت و به هر یک از آنها یک گلوله شلیک کرد. این سرباز جنایتکار افزون بر پاداش، به دلیل این جنایتش یک مدال نیز گرفت.» [۱۶۴] .

[صفحه ۱۰۹]

همان گونه که بیان شد، نیروهای ارتش عراق، نه تنها کمترین توجهی به مسائل انسان‌دوستانه و موازین حقوق بشردوستانه نکردند، بلکه با بی‌رحمی تمام مجروحان ایرانی را تیر خلاص زدند.

شکنجه رزمندگان هنگام دستگیری

کمتر رزمنده‌ی ایرانی وجود دارد که هنگام دستگیری در صحنه‌ی نبرد، با رفتار وحشیانه و غیرانسانی نیروهای ارتش عراق روبه‌رو نشده باشد. عراقی‌ها به این بهانه دروغین و ناچسب که «ایرانیان «مجوس» و دشمن امت محمد (ص) و امت عرب‌اند»، هر نوع شکنجه و رفتاری را در حق آنان – که به برخی از آنها در قسمت‌های پیشین اشاره شد – روا می‌دانستند. اسیران ایرانی که پس از سال‌ها اسارت در عراق، به میهن بازگشته‌اند، هرگز ضربات جسمی و روحی بی‌رحمانه‌ی سربازان و افسران عراقی را فراموش نخواهند کرد.

یکی از آزادگانی که در عملیات خیبر اسیر شد، نحوه‌ی مجروحیتش را چنین شرح می‌دهد: «هنگامی که نیروهای دشمن مرا دستگیر کردند، سالم بودم، حتی یک ترکش ریز هم به من اصابت نکرده بود، اما یکی از افسران عراقی، در انظار دیگر نیروها که در گرد من حلقه زده بودند، مرا دراز کرد و پاهایم را به رگبار گلوله بست.» [۱۶۵] .

شکنجه و بدرفتاری‌های بی‌رحمانه‌ی نظامیان عراقی از نخستین لحظه‌ها آغاز می‌شد. یکی از آزادگان در این باره می‌گوید: «سرباز عراقی چند تیر هوایی شلیک کرد، اما باز هم جرئت نکرد جلوتر بیاید؛ چند دقیقه بعد تعدادی سرباز آمدند و با ضربات پوتین و قنداق تفنگ به جان ما افتادند، دست‌هایمان را بستند، هر سرباز عراقی که از کنار ما می‌گذشت، به نحوی عقده‌گشایی می‌کرد. یکی مشت می‌زد، یکی لگد، یکی ناسزا می‌گفت، یکی آب دهان می‌انداخت... ما را پانصد متری عقب‌تر بردند. در آنجا تعداد دیگری از اسیران از شدت تشنگی بی‌حال افتاده بودند و دست بسته روی زمین و در زیر آفتاب سوزان ناله می‌کردند. آن روز چند نفر از آنها از فرط تشنگی شهید شدند.» [۱۶۶] .

[صفحه ۱۱۰]

یکی از آزادگان در این باره می‌گوید: «چند سرباز عراقی به طرف یک نوجوان بسیجی رفتند و او را از جمع اسیران جدا کردند و به محوطه بازتری بردند. چند بار بسیجی را روی دست‌ها به هوا پرتاب می‌کردند و می‌گرفتند، اما یک دفعه با تمام قدرت به طرف بالا پرتابش کردند و دست‌ها را کشیدند و او مانند یک تکه گوشت با شدت روی زمین سقوط کرد. صدای چندش‌آوری، مانند خرد شدن استخوان از کمرش برخاست.» [۱۶۷] .

موارد دیگری از رفتارهای ناجوانمردانه نیروهای عراقی با رزمندگان اسیر را، آزادگان چنین روایت کرده‌اند:

- «روی زمین خوابیده بودم که نیروهای عراقی بالای سرم آمدند، نبضم را گرفتند. وقتی دیدند زنده‌ام، خرج یک آر. پی. جی را که کنارم افتاده بود، باز کردند و به سر و کمرم زدند. بعد پاهایم را گرفتند و تا کنار یک تانک مرا روی زمین کشیدند و روی تانک پرتابم کردند، تانک به راه افتاد. چند متر بعد دوباره به پایین پرتابم کردند.» [۱۶۸] .

- «پس از دستگیری آن قدر با شاخه‌های نخل به سر و صورتمان زدند که بیشتر اسیران بر اثر این ضرب و شتم زخمی شدند.»

[۱۶۹] .

- «در اوایل، جنگ، در جاده‌ی سر پل ذهاب - قصرشیرین اسیر شدم. پس از دستگیری، نیروهای عراقی با قنداق تفنگ بر سرم زدند که ۴۸ ساعت بیهوش بودم و در یک سلول به هوش آمدم. پس از آن، نیز شکنجه‌ام آغاز شد.» [۱۷۰] .

- «پس از اینکه مجروح شدم و به دست نیروهای عراقی افتادم، با اینکه حالم خیلی بد بود، آنها به شدت مرا کتک زدند، بعد هم به یک خودرو بستند و روی زمین کشان‌کشان بردند، دیگر از شدت درد هیچی نفهمیدم.» [۱۷۱] .

مهندس یحیوی نیز می‌گوید: «من و رفقایم در محاصره‌ی دشمن قرار گرفتیم و آن‌ها به طرف هر یک از ما یک تیر شلیک و ما را مجروح کردند.» [۱۷۲] .

پزشکیار عراقی که در حمله فاو به دست رزمندگان اسیر شد، می‌گوید: «افسر توجیه سیاسی به نام «ثابت ابراهیم الدیلمی» در سخنرانی‌های خود به

[صفحه ۱۱۱]

ما گفته بود اگر از نیروهای ایرانی کسی اسیر شد، به او آب و غذا ندهید، او را بترسانید و به مرگ تهدید کنید تا بتوانید از او اطلاعات بگیرید. اگر اطلاعات نداد و زخمی هم بود، او را بکشید. همین افسر گفت که اگر نیروهای ایرانی که اسیر شدند ریش داشتند، بلافاصله آنها را بکشید.» [۱۷۳] .

همچنین رزمندگانی که در زبیدات عراق اسیر شده بودند، می‌گفتند: «فصل تابستان بود و گرما بیداد می‌کرد. وقتی اسیر شدیم، عراقی‌ها اول پیراهن‌هایمان را درآوردند و سپس ما را ساعت‌ها زیر آفتاب نگه داشتند. عده‌ای از برادران بر اثر تشنگی از حال رفتند. در حالی که عراقی‌ها روبه‌روی ما می‌نشستند و برای زجر دادنمان، آب قمقمه‌ها را طوری سر می‌کشیدند که از بنا گوششان بر زمین می‌ریخت.

... برادری که حالش به شدت وخیم بود، از عراقی‌ها تقاضای آب کرد. سرباز عراقی با این که قمقمه‌اش آب داشت، به جای آب دادن، سر اسیر فریاد زد و با قنداق تفنگ او را کتک زد. این برادر که سرش را روی زانوان «سعید گودرزی» گذاشته بود، چند لحظه بعد جان به جان آفرین تسلیم کرد.» [۱۷۴] .

رفتار عراق با اسیران جنگی در دوران اسارت

رفتار با اسیران در اردوگاه‌ها

قراردادها و پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی سال ۱۹۴۹ ژنو، در هر وضعیتی به محض وقوع برخورد مسلحانه، برای کشورها لازم الاجراست. اما با وجود همه این مقررات، اسیران مظلوم و بی‌دفاع به بهانه‌های واهی در اردوگاه‌ها به شهادت می‌رسیدند و به بدترین شکل شکنجه می‌شدند و به اشکال مختلف زیر فشار و مضیقه قرار می‌گرفتند.

طبق گزارش‌های هیئت اعزامی دبیر کل سازمان ملل - که در سال ۱۳۶۲ برای تحقیق درباره رفتار با اسیران جنگی، از ایران و عراق (اردوگاه‌های

[صفحه ۱۱۲]

موصل ۱ و ۲) بازدید کرد [۱۷۵] و به صورت جداگانه درباره‌ی حادثه‌ی سال ۱۹۸۲ این اردوگاه‌ها گزارش‌های زیادی را دریافت کرد – حکومت عراق تصدیق کرده که اشتباهات عمده‌ای را در آغاز جنگ مرتکب شده است. در گزارش هیئت اعزامی دبیر کل سازمان ملل آمده است: اسیران درباره حادثه ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۲ (۴ مرداد ۱۳۶۱) در اردوگاه موصل شماره‌ی ۱ چنین اظهار کردند:
چند روز پیش از حادثه، پانصد اسیر از اردوگاه شماره‌ی ۲ موصل به اردوگاه شماره‌ی ۱ موصل انتقال یافتند. این افزایش جمعیت تشنج و ناآرامی زیادی را در میان اسیران موجب شد، هر چند قبلا آنها به دلیل مسائل ایدئولوژیکی به دو گروه مخالف و موافق حکومت ایران تقسیم شده بودند. نمایندگان اسیران از مقامات درخواست کردند که این اضافه جمعیت را در طبقه‌ی دوم خوابگاه که ویژه‌ی نگهبانان و افسران است، جا دهند، اما آنها مخالفت کردند. اردوگاه شماره‌ی ۱ موصل به شکل مربع بود که از دو قسمت روبه‌روی هم تشکیل شده بود. یک قسمت شامل خوابگاه‌های (شماره ۸ تا ۱۳) اسیران مخالف حکومت ایران بود و قسمت دیگر شامل هفت خوابگاه (شماره‌های ۱ تا ۷) اسیران موافق حکومت ایران را در خود جای داده بود. تقریبا تمامی تازه‌واردان را در خوابگاه‌های شماره ۱ و ۲ جا دادند؛ در نتیجه جو ناآرامی بر آنجا حاکم شد. حدود ۱۲۵ اسیر در خوابگاه شماره‌ی ۱ و ۱۵۰ اسیر در خوابگاه‌های ۷ و ۲ اسکان داده شده بودند. از روز حادثه تمام درهای خوابگاه به جز خوابگاه شماره‌ی ۱ در ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر، قفل شده بودند. یکی از اسیران، که نگهبان ظاهرا وی را برای حضور و غیاب به دفتر برده بود، از بازگشت به خوابگاه خودداری کرد و در پی آن بعضی از اسیران خوابگاه شماره‌ی ۱ نیز از او پیروی کردند. در همان حال اسیرانی که داخل خوابگاه‌ها بودند، به دادن شعار «الله اکبر، خمینی رهبر» پرداختند و دیگران نیز با آنها همراه شدند.

[صفحه ۱۱۳]

صدا هر لحظه بیشتر می‌شد تا اینکه اسیران خوابگاه شماره‌ی ۲ پنجره‌ها را شکستند و در را به کمک اسیران بیرون باز کردند و در حالی که می‌دویدند، قفل درهای خوابگاه‌های شماره‌ی ۷ و ۳ را شکستند. نهصد تن از اسیران به حیاط وارد شدند. آنها می‌کوشیدند تا با استفاده از پله‌ها به طبقه‌ی دوم بروند، اما با آتش نگهبانان روبه‌رو شدند. حدود هشت تا دوازده نفر از نگهبانان به طور مرتب روی اسیران آتش گشودند که طی آن، یک اسیر در وسط حیاط و یکی دیگر در داخل خوابگاه کشته شد. دو اسیر دیگر نیز به دلیل جراحت‌های شدید در بیمارستان جان سپردند و چندین تن دیگر نیز مجروح شدند.
هیئت اعزامی دبیر کل سازمان ملل درباره حادثه مزبور چنین قضاوت کرده است:
الف) جمعیت اضافی خوابگاه‌ها یکی از علل وقوع حادثه بود.
ب) بدرفتاری و حبس آنها در سالن‌ها به عنوان تنبیه دسته‌جمعی نیز عامل دیگر حادثه بود.
ج) رفتار تازه‌واردان نیز احتمالا در این حادثه نقش داشته است؛ زیرا اسیران با هم اختلاف عقیده داشتند.
به عقیده‌ی هیئت مزبور، نگهبانان نه تنها در میان شورشیان تیراندازی کردند، بلکه در میان اسیران خوابگاه‌های در بسته نیز آتش گشودند؛ زیرا دستور داشتند به هر ترتیب نظم را برقرار کنند. هیئت اظهار کرد ما نمی‌توانستیم ثابت کنیم که تیراندازی برای دفاع از خود بوده است. به طور کلی، به رغم تمامی اقدامات انجام شده، اوضاع در اردوگاه خوب نبود و باز هم جمعیت اضافی دیده می‌شد. رفتار با اسیران بهبود نیافته بود و آنجا تعداد زیادی اسیر بیمار و زخمی وجود داشت که باید به میهن خود برگردانده می‌شدند. [۱۷۶] .
همان طور که هیئت یکی از علل حادثه را جمعیت اضافی خوابگاه‌ها دانسته، باید افزود که اصولا عوامل بیولوژیکی در تحریک

غریزه‌ی پرخاشگری و خشونت‌آمیزی انسان تأثیر بسیاری دارد. مطالعات انجام شده روی انسان در

[صفحه ۱۱۴]

زندان و اردوگاه‌های پرجمعیت، به این نتیجه منجر شده است که تراکم بیش از حد جمعیت ممکن است بی‌قراری، حساسیت شدید و درگیری مداوم را در پی داشته باشد.

افزون بر این، مـادهی ۲۵ کنوانسیون سوم ژنو مقرر می‌کند: «وضع مسکن اسیران جنگی باید به خوبی وضع مسکن نیروهای کشور بازداشت کننده که در همان ناحیه اقامت دارند، باشد و اخلاق و عادات آنان رعایت شود، ضمن آنکه در هیچ حالی، نباید وضع مسکن برای سلامتی آنان مضر باشد.»

همچنین، دولت بازداشت کننده مکلف است که برای جلوگیری از بروز درگیری، اسیرانی را که عقاید مخالف دارند، در اردوگاه‌های مجزا نگهداری کنند (ماده‌ی ۲۲ کنوانسیون سوم ژنو).

مطابق ماده‌ی ۴۲ کنوانسیون سوم ژنو، استفاده از زور در شرایط معینی یا هنگام خطر نباید از نیاز معقول تجاوز کنند و استعمال اسلحه، به ویژه علیه کسانی که فرار می‌کنند، تنها باید به عنوان آخرین راه باشد، آن هم پس از اخطارهای قبلی که با اوضاع و احوال متناسب باشد؛ بنابراین، استفاده‌ی غیرضروری مسئولان عراقی، از زور مانند آتش گشودن در میان خوابگاه‌های در بسته زندانیان جنگی، بدون اخطار قبلی، جز نقض ماده‌ی مزبور مفهوم دیگری ندارد.

حادثه‌ی اردوگاه موصل ۲ نیز هنگامی روی داد که تمامی اسیران بدون آب و غذا به مدت پنج تا شش روز در خوابگاه‌هایشان زندانی شده بودند. مقامات عراقی اردوگاه هنگامی این اقدامات را انجام دادند که اسیران به طور دسته‌جمعی به دلیل اعتراض به تنبیه نمایندگانشان که زندانی شده و نگهبانان با آنان بدرفتاری کرده بودند، از خوردن غذا خودداری کردند. علت زندانی شدن نمایندگان اسیران این بود که آنها مخالف جدا کردن اسیران ارتش منظم [۱۷۷] بودند. نیروهای بسیجی روز پیش از حادثه پنجره‌ها و قفل

[صفحه ۱۱۵]

خوابگاه‌هایشان را شکستند و در حیاط نشستند تا نمایندگان جدیدشان را برای صحبت با فرمانده اردوگاه انتخاب کنند؛ زیرا نمایندگان قبلی هنوز در توقیف بودند، اما فرمانده اردوگاه از صحبت با نمایندگان جدید خودداری کرد و در عوض پایین آمد و به آنها دستور داد به خوابگاه‌هایشان برگردند، اما آنها نپذیرفتند. ظاهرا، اسیران از این می‌ترسیدند که دوباره در خوابگاه‌ها را بر رویشان قفل کنند. هیچ حادثه‌ای در آن روز اتفاق نیفتاد، اما روز بعد، یک افسر ارشد وارد اردوگاه شد و دوباره به تمام اسیران دستور داد تا به اتاق‌هایشان برگردند، اما آنها باز هم اطاعت نکردند. بدین ترتیب، وی با یک علامت دستور داد تا تعداد زیادی نگهبان با میله‌های آهنی و دیگر وسایل از بیرون اردوگاه با یورش به زندانیان حمله کنند. در همان جا دو اسیر شهید شدند و تعداد زیادی از آنها آسیب دیدند. دو اسیر دیگر نیز به دلیل جراحت‌های شدید، بعدا در بیمارستان شهید شدند. نگهبانان به خوابگاه هجوم آوردند و تشک‌ها، پتوها و لوازم اسیران را به تلافی شکست در جنگ بستان از بین بردند. در همان روز حادثه یا روز بعد، ۳۰ تا ۳۵ اسیر که به طور ناگهانی به چنگ ضاربان افتاده بودند، به طبقه‌ی دوم انتقال یافتند. همچنین نگهبانان نمایندگانشان را که هنوز در آنجا نگهداری می‌شدند، با کابل شکنجه کردند. آنها به مدت بیست روز در آنجا نگهداری شدند و غذای روزانه‌شان

کاهش داده شد و به طور متناسب، هدف حمله قرار گرفتند. هیئت اعزامی دبیر کل سازمان ملل در این باره اظهار کرد: «براساس اطلاعاتی که به دست آوردیم، چنین حوادثی در اردوگاه انبار و اردوگاه شماره‌ی ۱ رمادیه نیز روی داده است.» [۱۷۸] .

درباره این حادثه، که منشأ آن جداسازی بسیجیان از ارتشیان بود، باید گفت:

ماده‌ی ۲۲ کنوانسیون سوم ژنو جداسازی اسیران جنگی متعلق به نیروهای مسلحی را که هنگام دستگیری در آن نیروها خدمت می‌کردند، منع می‌کند، درباره این عمل غیرقانونی یکی از آزادگان می‌گوید: «روز ۱۸ آذر ماه سال ۱۳۶۱، که نیروهای عراقی به ما حمله کردند، در نهایت توحش همه را به باد

[صفحه ۱۱۶]

کتک گرفتند. آن روز چند نفر از اسیران شهید و تعداد کثیری نیز مجروح و مصدوم شدند و تا دو تا سه ماه آب و غذای ما را به حداقل ممکن رساندند تا شاید از نماز و واجبات شرعی و حمایت از مسئولان نظام دست برداریم تا اینکه سرانجام ناامید شدند و وضعیت اردوگاه به حالت عادی برگشت.»

یکی دیگر از آزادگان می‌گوید: «دشمن می‌گفت باید بسیجیان از ارتشیان جدا شوند، اما رزمندگان به شدت با این عمل بعثی‌ها مخالفت کردند؛ زیرا می‌دانستند آنها نیت سویی دارند، هر چند تعدادی از آنها شهید و تعدادی نیز مجروح شدند.

چند روز بعد، گروهی از نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ به اردوگاه آمدند و گزارش‌هایی از وضعیت اردوگاه و نارسایی‌های موجود تهیه کردند و رفتند، بدون اینکه هیچ تغییری در برخوردهای غیرانسانی عراقی‌ها حاصل شود.» [۱۷۹] .

آزاده‌ی دیگری نقل می‌کند: «در اردوگاه، برادر معلمی به نام «فرخی» که اهل دزفول بود، کلاس‌های سوادآموزی دایر کرده و روی پاکت‌های سیمان و کاغذ سیگار، جمله‌های ساده‌ای را برای بی‌سوادان می‌نوشت و با آنها کار می‌کرد. یک روز عراقی‌ها از ایشان مدادی گرفتند و فهمیدند که کلاس سوادآموزی دایر کرده است. ایشان را بردند و آنقدر زدند و شکنجه کردند تا به شهادت رسید.» [۱۸۰] .

اصولا تنبیهات جزایی انحصارا در مورد اعمالی به اجرا درمی‌آید که در قوانین دولت نگهدارنده یا در حقوق بین‌الملل جرم شناخته شده باشند. همچنین، در قوانین یا حقوق مزبور در هنگام ارتکاب جرم فعلیت داشته باشند. مجازات را تنها دادگاه ذی‌صلاح تعیین خواهد کرد. مدعی علیه باید امکان دفاع از خود را داشته باشد و یک نفر مدافع صاحب صلاحیت به او کمک کند. مجازات اعدام تنها بعد از انقضای یک مهلت شش ماهه قابل اجراست. [۱۸۱] .

به شهادت رساندن اسیران به بهانه‌ی انجام فعالیت‌های مذهبی که از نظر موازین حقوق بین‌الملل بشردوستانه منعی نداشت، از جمله اقدامات رژیم

[صفحه ۱۱۷]

عراق بود که در اردوگاه‌های اسیران جنگی صورت می‌گرفت. چند تن از رزمندگان اسیر مشاهدات خود از گوشه‌ای از این گونه جنایات رژیم صدام را چنین بیان کردند:

- «در یکی از اردوگاه‌ها، سربازی به نام «لفته» زمانی که کابل را به دست می‌گرفت، تمامی اسیران اردوگاه را تنبیه می‌کرد. با هر وحشیگری او، حداقل چهل پنجاه نفر از هوش می‌رفتند. یکی از دوستانم به نام «محرم» از داخل صف کمی سرش را بالا آورد. لفته

با چشمانی سرخ و فریاد آمیخته با خشم گفت: «بیا بیرون». با بیرون رفتن «محرم» از صف، سه چهار کابل رگباری بر سر و صورتش بارید و کابل پنجم را که بر پیکرش وارد آوردند، نقش زمین شد و به شهادت رسید.» [۱۸۲] .

- ««محمد رضایی» از فرماندهان گروهان یکی از گردان‌های لشکر مشهد بود. روزی او رابه حمام بردند. ما فقط صدای ضربات کابل و شلاق را می‌شنیدیم، گریه می‌کردیم. بعد از چند ساعت پیکر مطهرش را آوردند. آرام خفته بود و خون هنوز از محل بریدگی و جراحت‌های ناشی از ضربات نبشی و کابل بیرون می‌زد.» [۱۸۳] .

- «در اواسط دوران اسارتم در اردوگاه تکریت ۱۱، عراقی‌ها یک برادر روحانی را به دلیل فعالیت‌های مذهبی حمام بردند، خرده شیشه روی بدنش ریختند و در زیر آب جوش حمام، آنقدر کابل بر بدنش زدند که به شهادت رسید.» [۱۸۴] .

- «نیروهای جنایتکار و ددمنش عراقی در کمال سنگدلی و شقاوت روی یکی از برادران اسیر به نام «موسی گرگ» که انسان فداکاری بود، نفت ریختند و زنده، زنده او را آتش زدند.» [۱۸۵] .

- در اردوگاه تکریت «کمپ ۱۱»، یکی از زندانیان جنگی را به بهانه‌ی اینکه ریشش بلند و حتما پاسدار است، لخت کردند و او را روی شیشه خرده غلتاندند و سپس، روی زخم‌هایی که شکاف باز کرده بود، نمک ریختند. آنها به همین اندازه قناعت نکردند بلکه برای تکمیل جنایتشان او را در بشکه‌ای که آن را آتش زده بودند، انداختند و به طرز فجیع و دلخراشی به شهادت رساندند. [۱۸۶] .

[صفحه ۱۱۸]

ماده‌ی ۱۳ کنوانسیون سوم ژنو بیان می‌کند: «هر عمل یا غفلتی از طرف دولت بازداشت کننده که به فوت یک اسیر جنگی منجر شود یا سلامت او را شدیدا به خطر اندازد، ممنوع است و در حکم تخلف مهم از این قرارداد شمرده می‌شود.»

باید یادآور شد که نه تنها براساس مقررات حقوق بین‌المللی بلکه طبق قوانین ارتش عراق، برای جرائمی مثل کتمان اطلاعات نظامی، چنین تنبیهاتی ممنوع تلقی می‌شد.

گفتنی است که حتی تعلیم دادن اسیران بی‌سواد، برگزاری مراسم مذهبی و خواندن دعا و... از جمله مواردی بودند که اسیران ایرانی به جرم انجام دادن آن، به دست سربازان عراقی به شهادت رسیدند.

این در حالی است که براساس مواد ۳۴ و ۳۸ قرارداد سوم ژنو ۱۹۴۹:

«اسیران جنگی برای اجرای مذهب خود و حضور در مراسم مذهبی خود آزادی کامل خواهند داشت و همچنین آنها باید بتوانند به ورزش‌های بدنی از جمله بازی و ورزش بپردازند و از هوای پاک آزاد استفاده کنند.»

همچنین در ماده‌ی ۹۹ و ماده ۱۰۰ قرارداد سوم سال ۱۹۴۹ ژنو آمده است: «هیچ اسیری را نمی‌توان به دلیل عملی تعقیب یا محکوم کرد که طبق قوانین دولت بازداشت کننده یا حقوق بین‌المللی، که در تاریخ ارتکاب آن عمل معتبر است، مصرحا ممنوع نباشد.»

بنابراین، دعا خواندن یا تعلیم بی‌سوادان، اعمال قابل تعقیبی نبودند که مستوجب چنین مجازات‌هایی باشند.

شکنجه‌های روحی و روانی جزو برنامه‌های تعطیل‌ناپذیر نظامیان عراقی در اردوگاه‌های اسیران جنگی ایران در عراق بود. برخی از اسیران به دلیل اینکه از اتهاماتی که دشمن به آنها وارد می‌کرد مبرا بودند، حرفی برای گفتن و اعتراف نداشتند، ولی بر اثر شکنجه‌های بی‌رحمانه و ضدانسانی به شهادت می‌رسیدند.

حتی چنانچه بر فرض تخلفاتی که طبق قوانین دولت بازداشت کننده مشمول حکم اعدام است، صورت گرفته باشد، باید قبلا مراتب به دولت‌های

[صفحه ۱۱۹]

حامی اطلاع داده شود. هیچ تخلفی را نمی‌توان بـدون موافقت دولت متبوع اسیران با حکم اعـدام مجازات کرد، چه رسـد به اینکه اگر اسیری در اردوگاه می‌خندید یا گریه می‌کرد، دشمن به شدت او را تنبیه می‌کرد و برگزاری مراسم مذهبی یا فعالیت آموزشی مجازاتی در حد مرگ داشت.

طبق بند دوم از ماده‌ی ۸۷ کنوانسیون سوم ژنو، صدور حکم اعدام اسیر جنگی فقط پس از توجه دادگاه به این نکته است که چون متهم تبعه‌ی دولت بازداشت کننـده نیست و خارج از اختیار شخصـی‌اش به جبهه فراخوانـده شده، بنابراین هیچ گونه وظیفه وفاداری در قبـال آن دولـت نـدارد. البتـه هرگز برای اسیرانی کـه بـه دست رژیم عراق در اردوگاه‌هـای اسیران جنگی به شـهادت رسیدند، دادگـاهی تشـکیل نشـد و برخلاف مواد ۱۰۲،۱۰۱، ۱۰۳ و ۱۰۴ قرارداد سوم سـال ۱۹۴۹ ژنو آنها شـکنجه، ضـرب و شـتم و شهید می‌شدند.

نماینـدگان کمیته‌ی بین‌المللی صـلیب سـرخ طی دیـدارهایشان از اردوگاه‌ها شواهد بسـیاری از خشونت‌های جسـمی و بدرفتاری در اردوگاه‌ها را شنیده و مشاهده نمودند که بیشتر نگهبانان و اسیران مورد اطمینان حکومت عراق، انجام داده بودند. آنها اذعان کردند که در تمام اردوگاه‌ها، بدون اسـتثناء بر بدن تمام اسیران آثار کبودی مشهود بوده است. آنها اسیرانی را دیده‌اند که به دلیل ضربات وارد شـده بر سـر یا گوش‌هایشان، شـنوایی یک گوش خود را از داده یا به طور کلی ناشـنوا شـده بودنـد. همچنین بعضـی از آنها به دلیـل ضـربات وارد شـده بر سـرشان، بینـایی خود را از دست داده یـا ضـعف بینایی پیـدا کرده بودنـد. آنها اثر زخم‌ها و دنـدان‌های شکسـته شـده و... را نیز مشاهـده کرده‌انـد. نماینـدگان کمیته‌ی بین‌المللی صـلیب سـرخ اظهارات اسـیران درباره آویزان کردنشان به سقف و نواختن تازیـانه به کف پاهایشـان، وصـل کردن شوک‌های الکتریکی، سوزانـدن و... را تأییـد نموده‌انـد. کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سـرخ ضـمن اشاره‌هـای مکرر به مقررات بی‌رحمـانه و خشن حاکم بر اردوگاه‌های اسـیران جنگی در عراق، سـرانجام اجرای چنین مقرراتی را به دست نگهبانان و فرماندهان اردوگاه‌ها، در یادداشت ماه مه ۱۹۸۳ شدیدا محکوم کرد. [۱۸۷] .

[صفحه ۱۲۰]

در ادامه به برخی از گزارش‌های کمیته‌ی بین‌المللی صـلیب سـرخ و اظهارات اسـیران آزاد شده‌ی ایرانی درباره شـکنجه و رفتارهای بی‌رحمانه‌ی سربازان عراقی اشاره می‌شود.

گروه (ICRC)، [۱۸۸] متوجه شـد که پس از بازدید قبلی این گروه، چندین مورد بدرفتاری بسیار ظالمانه، در بازداشـتگاه صورت پذیرفته است. آنها دریافتند که پیش از بازدید نمایندگان ICRC، مقامات بازداشتگاه تمامی اسیران جنگی را تهدید کرده و به آنان اخطـار داده بودنـد که اگر درباره وقایعی که تا آن زمان رخ داده بود، با نماینـدگان ICRC صـحبت کنند، تمام اسیران اردوگاه را تنبیه می‌کنند. نتایجی که در بازداشتگاه صلاح‌الدین در پی تحقیقات مقامات ICRC در مورد وضعیت اسیران به عمل آمد، عبارت بودنـد از: ساعت‌ها آویزان کردن اسـیران از دست‌ها و پاها در حالی که سـر پایین و بـدن با زمین تماس نداشـته است. در بعضـی از موارد دست و پا را با میله آهنی به هم بسته بودند و مدت زمان آویختن بین ۱۰، ۱۵، ۱۶ تا ۳۶ ساعت ادامه داشته است. اسیران را به چنگک‌هـایی که پنکه‌ی سـقفی به آن وصـل بود، می‌آویختنـد یا در بیرون از بازداشـتگاه، نزدیک قسـمت اداری تنبیه می‌کردنـد و طوری این کـار را انجـام می‌دادنـد که در معرض آفتاب باشـند. نحوه‌ی بسـتن و مـدت طولانی آن زخم‌هایی در مـچ دست‌ها و پاها ایجاد کرده که آثار آن حتی پس از گذشت هفته‌ها نیز معلوم بوده است.

قرار دادن اسیران در معرض آفتاب بدون آب و غذا، در حالی که از پاها آویخته شده بودند یا خواباندن روی زمین و بستن دست‌ها و پاها به نحوی که نتوانند تکان بخورند. ضرب و شتم نقاط ویژه‌ای از بدن با شدت و استمرار در حالی که شخص آویزان یا بسته شده بود. بعضی از ضرب و شتم‌ها به نحوی بود که اسیران تا چند روز یا چند هفته توانایی راه رفتن نداشتند. طی این برنامه، چشم و دهان اسیران بسته بود.

نشانه‌هایی که پزشک کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ پس از معاینه‌ی اسیران

[صفحه ۱۲۱]

مشاهده می‌کرد با شرح بدرفتاری‌های مزبور مطابق بود. وی (پزشک ICRC)، فرورفتگی عمیق در گوشت مچ دست‌ها، پینه و ترک دور مچ دست‌ها و پاها و از بین رفتن پوست پاها را مشاهده کرده بود. اکثر اسیران قربانی این بدرفتاری شده بودند. این بدرفتاری چندین بار در مورد چندین اسیر و هر بار در حضور دست کم، یکی از افسران قسمت فرماندهی بازداشتگاه انجام شده بود. نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ نخست طرز کار این کمیته و ICRC یادآوری کردند که حقوق بین‌المللی بشردوستانه مبنای کار کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ است. آنها به فرمانده اردوگاه یادآور شدند که بالاترین مقامات جمهوری عراق مکررا اعلام کرده‌اند که عراق قراردادهای ژنو مصوب ۱۹۴۹ را رعایت می‌کنند. نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در ادامه‌ی صحبت‌هایشان توجه فرمانده بازداشتگاه را به ماده‌ی ۱۴ قرارداد سوم ژنو جلب کردند که در آن چنین قید شده است: «این حق به اسیران جنگی داده شده است که در همه احوال احترام فردی و شرف سربازی آنان حفظ شود.» [۱۸۹] .

[صفحه ۱۲۲]

آنها ماده‌ی ۱۳ از همین قرارداد و پاراگرافی از ماده‌ی ۸۷) ک سوم) را خواندند که در آن قید شده است: «تنبیه دسته‌جمعی در قبال اعمال فردی، تنبیه بدنی، حبس در مکان‌هایی که نور کافی نداشته باشد و به طور عموم، هر نوع شکنجه و قساوتی ممنوع است.»

نمایندگان ICRC ابراز کردند که تمامی مواد مزبور نقض و با اسیران ایرانی به حدی غیرانسانی رفتار شده است که باید آنها را در بیمارستان بستری کنند. بدرفتاری (آویختن اسیران از دست‌ها و پاها، ضرب و شتم‌های مکرر، در معرض آفتاب قراردادن به مدت طولانی) آگاهانه و به قصد آزار شدید به عمل آمده است. تکرار این اعمال منفورانه با برنامه خاصی اجرا می‌شد. خلاصه آنکه تنها با لفظ شکنجه می‌شد آن را توصیف کرد. پزشک ICRC آثار و نشانه‌های زخم‌ها را معاینه کرده بود و ضمن برشمردن آثار آنها، ابراز کرد که جراحت‌ها و نشانه‌ها کاملا با ادعاهایی که درباره نحوه‌ی بدرفتاری شده است، مطابقت می‌کند. نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ ابراز کردند که این اعمال را باید نقض عمده‌ی قرارداد سوم ژنو تلقی کرد؛ ماده‌ی ۱۳ وقتی اسیران را ترسانده بودند و ماده‌ی ۷۸ هنگامی که آنها را به تنبیه دسته‌جمعی تهدید کرده بودند، نقض شده بود.

نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ اظهار کردند که مقررات و عادات در عراق و در ارتش آن، هر گونه که باشد، تنبیه اسیران جنگی به وضوح در ماده‌ی ۸۹ قرارداد سوم ژنو ممنوع شده است.

نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ اظهاراتشان را بدین ترتیب پایان دادند که به دلیل شدید بودن نوع اعمالی که انجام شده است، نه تنها به فرمانده بازداشتگاه گزارش داده می‌شود، بلکه لازم است که به بالاترین مقامات نیز گزارش داده شود.

فرمانده بازداشتگاه به نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اطمینان داد که اعمال انجام شده تکرار نمی‌شود و در آینده، ICRC

با بازداشتگاه بهتری روبه‌رو خواهد شد. [۱۹۰] .

گزارش بعدی کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ از اردوگاه صلاح‌الدین حدود

[صفحه ۱۲۳]

یازده ماه پس از گزارش یاد شده، منعکس شد. این در حالی بود که فرمانده اردوگاه پس از شکایت چهار اسیر جنگی نزد نمایندگان صلیب سرخ مبنی بر اینکه طی مدتی که در زندان بوده‌اند با آنان بدرفتاری شده، مجددا در مهر ۱۳۶۳ به نمایندگان کمیته‌ی صلیب سرخ قول داد که در رفتار با اسیران جنگی تجدید نظر خواهد شد.

نمونه‌ای از شکایات اسیران جنگی است:

- حسن شریعتی‌فر، فرزند حسین به شماره‌ی اسارت ۳۴۶۱، اظهار کرد وی را در حیاط زندان بسته و مدت چند ساعت در معرض آفتاب قرار داده‌اند؛ سپس به درون زندان منتقل کرده و به مدت چندین روز به پنجره بسته‌اند.

- حسین عزیزپور، فرزند صالح به شماره اسارت ۴۶۷۶ نیز اظهار کرد که در حق وی نیز همین شکنجه‌ها را انجام داده‌اند.

- حشمت‌الله برجلو، فرزند عزیزالله به شماره‌ی اسارت ۴۵۴۶ هم اظهار کرد که وی را سه روز پیاپی بدون آنکه امکان نشستن داشته باشد، به پنجره‌ی زندان بسته‌اند، تنها روزی یک بار به مدت پانزده دقیقه او را باز می‌کرده‌اند.

- محمد فضل‌الله فرزند حسن به شماره اسارت ۲۷۸۹ هم گفت که با وی نیز همین رفتار را انجام داده‌اند.

دیگر اسیران جنگی نیز گفتند اسیرانی که تنبیه می‌شدند، تنها اجازه داشتند روزی چند دقیقه از زندان بیرون بیایند و طول مدت تنبیه هم به آنان گفته نشده بود.

فرمانده اردوگاه این اظهارات را نفی کرد و نمایندگان ICRC گفتند که ICRC در این باره، یادداشتی برای مقامات عراقی می‌فرستند. فرمانده بازداشتگاه موافقت کرد که به تمامی اسیرانی که تنبیه می‌شوند، طول مدت تنبیهشان اطلاع داده شود. وی همچنین موافقت کرد به اسیران تنبیه شده اجازه داده شود تا دست کم، روزی دو ساعت در هوای آزاد بمانند. [۱۹۱] .

نماینده‌ی بخش پزشکی کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در تحقیقات خود، زخم‌های باقی مانده بر کف پا، تورم، خراشیدگی یا تشنج عضله در مهره‌های آخری ستون فقرات آنان را مشاهده کردند و متوجه جوی از هراس و تهدید بر بازداشتگاه شدند.

[صفحه ۱۲۴]

بسیاری از اسیران جنگی، به ویژه آنان که در بندهای ۲ و ۳ بودند، شکایت کردند که پس از رفتن هیئت سازمان ملل از بازداشتگاه در دی ماه ۱۳۶۳، نگهبانان آنها را بارها، با چوبدست و کابل زده‌اند. بدرفتاری ادعا شده یا به دلیل حرف زدن با ناظران سازمان ملل و یا به دلیل سرپیچی از مقررات خشن بازداشتگاه انجام شده بود. نمایندگان به شدت به طرز رفتار با اسیران جنگی و نبود انضباط کافی بین نگهبانان بازداشتگاه اعتراض کردند و به اطلاع فرمانده اردوگاه رساندند که این اعتراض را به گوش مقامات بالاتر آنها در بغداد می‌رسانند. فرمانده اردوگاه قول داد که مجددا انضباط را بین نگهبانان برقرار کند. [۱۹۲] .

گوشزدهای نمایندگان صلیب سرخ به مسئولان عراقی هرگز تأثیری بر رفتارهای خشن و ضدانسانی سربازان عراقی در برخورد با اسیران ایرانی نداشت و آنان رویه‌ی ظالمانه‌ی خود را ادامه دادند. این رفتارها در حالی انجام می‌شد که ماده‌ی ۱۳ کنوانسیون سوم ژنو مقرر می‌کند: «هر عمل یا غفلت غیرموجه از طرف دولت بازداشت کننده که فوت اسیر جنگی را موجب شود یا سلامت او را

شدیدا به خطر اندازد، ممنوع است و در حکم تخلف مهم از این قرارداد شمرده خواهد شد...»

در گزارش دیگری آمده است: «عموما از نظر روانی حالتی از ترس و نگرانی بر اسیران جنگی مستولی بود. اسیران جنگی تمام اتاق‌ها گفتند که از بدو آمدنشان به این اردوگاه، نگهبانان اغلب آنها را به شدت مورد ضرب و شتم قرار داده و با چماق و کابل روی پا، کف پا، زانوان، ران، پشت، بازوان، کمر و دست‌هایشان زده‌اند. پزشک کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ نشانه‌هایی یافت (کبودی، تورم اعضا، جراحت) که کاملا با اظهارات آنها مطابقت می‌کرد.» [۱۹۳] .

در گزارش کمیته آمده است: «از کتک زدن و دیگر تنبیهات بدنی، مانند خزیدن روی زانوها و آرنج‌های لخت شکایت شده بود. نمایندگان آثار خشونت‌های بدنی را دیدند که این اتهامات را با مدرک ثابت می‌کرد. اسیران مزبور به ابراز نامشان تمایل نداشتند زیرا از تنبیهات بعدی می‌ترسیدند.» [۱۹۴] .

ادعای رسمی دیگری که به نظر نمایندگان ICRC رسیده بود، چنین است: «در تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۶۱، چهار نگهبان عراقی، اسیر «عبدالحسین محبوب‌نیا»

[صفحه ۱۲۵]

را به اطاق کوچکی واقع در بند ۳ بردند. سه بار و هر بار دو نگهبان، وی را بین ساعت ۱۵:۰۰ تا ۱۹:۰۰ زدند و چهار نگهبان در مورد وی رفتار وحشیانه‌ای انجام دادند. آنان به صورتش مشت زدند و وی را مورد ضرب و شتم قرار دادند. «شهاب‌الدین شهبازی» به شماره‌ی اسارت ۴۶۳۰ اسیری دیگر بود که مورد ضرب و شتم قرار گرفت. وی را در ۲۴ تیر ۱۳۶۱، به قسمت توالت‌های بند ۱ بردند و دست‌هایش را از پشت بستند. سپس، چهار نگهبان به مدت بیست دقیقه وی را آن قدر با چوب دستی زدند تا از دهان و گوشش خون سرازیر شد. نمایندگان در زمان حضور خود در اردوگاه‌ها مشاهده کردند که بسیاری از نگهبانان عراقی هنوز چوب‌دست حمل می‌کردند.» [۱۹۵] .

در گزارش دیگری به نقل از پزشک کمیته بین‌المللی صلیب سرخ آمده است: «سوراخ شدن پرده‌ی گوش بر اثر آسیب کاملا آشکار بود.» [۱۹۶] .

طبق اظهارات جمعی از اسیران، ۷۷۰ نفر از آنها هنگام انتقال از اردوگاه موصل ۴ به اردوگاه موصل ۲ در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۶۲، وادار شده بودند که پس از ترک اتوبوس‌ها، از بین دو ردیف نگهبان عراقی ضمن تحمل ضربات باتوم و کابل عبور کنند. در این حادثه چندین اسیر مجروح شدند و دو تن دیگر چشمان خود را از دست دادند.

[صفحه ۱۲۶]

نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ با تأکید می‌افزایند: بدرفتاری با اسیران در روز ۱۷ اسفند ۱۳۶۲، نقض جدی قراردادهای ژنو محسوب می‌شود. وظیفه‌ی مقامات عراقی ایجاب می‌کند برای تعیین مسئولیت این حوادث، تحقیقی را انجام دهند. [۱۹۷] البته در تاریخ مزبور براساس سابقه و هماهنگی‌های قبلی، فرمانده اردوگاه به مرخصی رفته بود. در تاریخ ۹ مرداد پس از حضور و غیاب به بهانه‌ای واهی، تمامی اسیران جنگی تنبیه و مجبور شدند زیر آفتاب بایستند. مطابق ماده‌ی ۸۷ کنوانسیون سوم ژنو تنبیه کردن دسته‌جمعی اسیران به دلیل اعمال انفرادی ممنوع است.

اسارت یکی از نتایج اجتناب‌ناپذیر جنگ است و هدف از اسیر کردن افراد رزمنده، جلوگیری از مشارکت مجدد آنها در جنگ

می‌باشد. لیکن مقررات بین‌المللی کنترل اسیران جنگی را طبق میل دولت بازداشت کننده جایز نمی‌شمرد. در مقابل، این مقررات وظایفی را بر عهده دولت بازداشت کننده اسیران جنگی می‌گذارد. از بین مسئولیت‌هایی که دولت بازداشت کننده در قبال اسیران جنگی دارد، رفتار انسانی با آنان مهم‌ترین مسئولیت است.

در ادامه به نمونه‌هایی از دیگر بدرفتاری‌های نگهبانان عراقی در اردوگاه‌های اسیران جنگی، که از قول شاهدان عینی، یعنی آزادگان، اشاره می‌شود:

– «یکی از تنبیه‌ها این بود که گودالی به اندازه‌ی قد افراد حفر می‌کردند و تا ۲۴ ساعت افراد را در آنجا نگه می‌داشتند. فلک کردن نیز از تنبیه‌های رایج بود. شوک دادن و بستن اسیران به پنکه سقفی از رایج‌ترین تفریحات عراقی‌ها بود.» [۱۹۸] .

– «چه شب‌هایی که اسیران را گروه، گروه به خارج از اردوگاه و مقر فرماندهی می‌بردند و آنها را به شکل‌های مختلف شکنجه می‌کردند و با کابل و چماق بی‌رحمانه بر بدن آنها می‌کوبیدند. گاهی اوقات بر اثر ضربه‌های کابل و اصابت آن به سر بچه‌ها، نمی‌توانستند تا مدت‌های طولانی صحبت کنند. فلک کردن نیز یکی از روش‌های شکنجه بود. پاهای بچه‌ها را در فلک

[صفحه ۱۲۷]

می‌گذاشتند و آن قدر با کابل می‌زدند تا اینکه تمامی ناخن‌های پایشان می‌افتاد. سپس آنها را مجبور می‌کردند در سالنی به عرض دو متر که کف آن آب و نمک ریخته و تعدادی نگهبان‌های عراقی کابل به دست در دو طرف آن ایستاده بودند، راه بروند تا آب نمک در زخم پایشان نفوذ کند. سپس از دو طرف با کابل به کمر و سینه‌ی آنان می‌زدند و بعد نیز آنها را زندانی می‌کردند. هر شب نگهبانان هنگام خارج شدن از اردوگاه سهمیه‌ی کابل خود را بر پیکر رنجور زندانیان می‌زدند و همان غذای اندک بازداشتگاه را از آنان دریغ می‌کردند. تعدادی از اسیران را نیز به وزارت دفاع می‌بردند؛ جایی که زندانیان سیاسی عراق را نگهداری می‌کردند. در آنجا، با شکنجه و وصل کردن دستگاه‌های برقی، از آنها اقرار می‌گرفتند. با این حال، حاضر بودیم که شب تا صبح با کابل بر بدنمان بزنند، اما شاهد شکنجه شدن برادری مقابل چشمانمان نباشیم؛ زیرا این نوع شکنجه از کابل خوردن دردناک‌تر بود.» [۱۹۹] .

– «یکی از معروف‌ترین آنها سرگرد «مفید» بود. شاید آزاده‌ای نباشد که از جنایتکاری و زشت‌خویی او خبر نداشته باشد. یک روز به جرم اینکه عزیزان آزاده تکبیر گفتند، ششصد نفر از نیروهای ضد شورش را به جانشان انداخت. آنها طوری اسیران را کتک زدند که تا ۱۵ روز افراد خون ادرار می‌کردند.» [۲۰۰] .

– «در یکی از بیمارستان‌های عراق با سرگردی به نام «بهزاد» آشنا شدم. وی خلبان اف – ۴ بود که پس از سقوط هواپیمایش، اسیر شده بود. وقتی در مورد دست‌های گچ گرفته‌اش پرسیدم، گفت: برای اینکه از من اطلاعات بگیرند تا به حال دو بار دست‌هایم را شکسته‌اند.» [۲۰۱] .

در اردوگاه موصل ۲، که خود در آن زندانی بودم، نیروهای عراقی شدیدترین اعمال ضدانسانی را برای کسب اطلاعات علیه اسیران انجام می‌دادند، از جمله به شکنجه‌ی دو تن از اسیران عرب‌زبان خوزستانی به نام‌های سید محمد موسوی و احمد جاسمی و فرمانده یکی از گردان‌های تیپ ۱۵ امام حسن (ع) می‌توان اشاره کرد. سید محمد موسوی را به حدی شکنجه کردند که تقریبا تعادل روحی و تسلط بر اعصاب خود را از دست داده بود. وی بر اثر

[صفحه ۱۲۸]

شکنجه‌هایی مانند فلک کردن‌های مکرر، گذاشتن دست‌هایش روی چراغ علاءالدین و وصل کردن شوک الکتریکی، به این وضع مبتلا شد. سید محمد به نگارنده گفت: «دستگاه به من وصل کردند که تمام وجودم را می‌لرزاند؛ به ویژه به مغزم که گویی با مته جای، جای آن را سوراخ می کردند.» وی افزود: «یکی از نیروهای عراقی به من گفت این جدیدترین شوک الکترونیکی[الکتریکی]بود که امتحان کردیم.» وی را به جرم عرب‌زبان بودن و برای گرفتن اطلاعات از او، شکنجه نمودند اما تمام شکنجه‌ها و بلاها را به جان خرید و دشمن را شرمنده‌ی صبر و بردباری خود کرد.

- عراقی‌ها به اسیر دیگری که احمد جاسمی نام داشت مشکوک شدند و از قیافه او متوجه شدند که او عرب‌زبان است. برای گرفتن اطلاعات هر روز وی را به اتاق بازجویی می‌بردند ولی هر بار مقاومت می کرد. به حدی کابل بر پیکر وی زدند که جای سالم در بدنش پیدا نمی‌شد. در یکی از روزها به قدری وی را کتک زدند که بیهوش شد. با این حال دست‌بردار نبودند. یکی از سربازان عراقی سطلی آب یخ بر بدنش ریخت که به هوش آمد و مجددا شروع به شکنجه او کردند. [۲۰۲] .

- فرمانده یکی از گردان‌های تیپ ۱۵ امام حسن (ع) در اواخر سال ۱۳۶۲ به اسارت دشمن درآمد. وی به وسیله یکی از نیروهایش (بر اثر شکنجه) لو رفت. به هنگام انتقال از العماره به بغداد با او در یک ماشین بودیم. سربازان عراقی با پوتین بر سر و صورتش می‌زدند. پس از چند روز به اردوگاه موصل ۲ رفتیم. مدت‌های مدیدی، روزانه وی را به اتاق بازجویی می‌بردند. به حدی شکنجه‌اش کردند که کف پاهایش کاملا- پوست برداشت و قادر به راه رفتن نبود تا چندین هفته برادران اردوگاه او را بر دوش می گرفتند و به دستشویی می‌بردند. [۲۰۳] .

این در حالی است که طبق ماده ۱۷ کنوانسیون ژنو: «اسیر جنگی در موقع تحقیق مکلف نیست جز نام و نام خانوادگی و تاریخ تولد و شماره‌ی خود، موضوع دیگری را اظهار کند. اسیرانی که از دادن اطلاعات خودداری کنند،

[صفحه ۱۲۹]

نباید مورد تهدید یا دشنام قرار گیرند یا در معرض ناراحتی و سلب مزایا از هر نوع واقع شوند.»

نیروهای عراقی تمام فشار خود بر اسیران را برای کسب اطلاعات وارد می‌آوردند، اما هنگامی که با مقاومت آنها روبه‌رو می‌شدند، از فرط عصبانیت اعمال ضدانسانی خود را دو چندان می کردند.

- استوار نظرزاده می گوید: «پس از بستن دست‌ها و پاهایم به صندلی، یک بند پهن را از روی سینه‌ام عبور داده و مرا محکم به صندلی گره زدند، سپس دو گیره را هم به لاله‌های گوشم وصل کردند و بازجویی با چند کشیده آبدار شروع شد. در ابتدا اسامی فرماندهانم را پرسیدند. در جواب گفتم: مرا تازه به این واحد منتقل کرده بودند و کسی را نمی‌شناختم. با گفتن این حرف، ناگهان جریان برق تمام وجودم را به لرزه درآورد.» [۲۰۴] .

- در خرداد ماه ۱۳۶۳، استوار نصرالله عسکری جمعی لشکر ۹۲ زرهی خوزستان را وارد اردوگاه کردند. سه شبانه‌روز در سلول انفرادی گوشه‌ی اردوگاه او را شکنجه می کردند، به طوری که جای سالمی در بدنش پیدا نمی‌شد. در اولین برخورد او را با سر و صورت ورم کرده و کبود دیدم. اردوگاه آخرین ایستگاه برای گرفتن اطلاعات از اسیران بود، آن هم با شکنجه‌های وحشیانه، و استوار عسکری از این مسئله مستثنا نبود. [۲۰۵] .

- مقداد شکنجه گر عراقی آنقدر جلاد بود که چشم یکی از بچه‌ها را با کارد درآورد. او آنقدر وحشیانه برخورد می کرد که سال‌ها کسی جرئت صحبت کردن و اعتراض به کاری را نداشت. زدن‌ها، فلک کردن‌ها و دادن شوک الکتریکی، از عادی‌ترین

شکنجه‌های او بود. [۲۰۶] .

– ماجرای آن چهار اسیر ایرانی شنیدنی است. فقط اسم یکی‌شان یادم هست: علی بیات؛ نام سه نفر دیگر یادم نیست. آنها هیچ کاری نکرده بودند، فقط عراقی‌ها برای اینکه از دیگران زهرچشم بگیرند، قرعه شکنجه به نام آنها افتاد. سرهنگ دستور داد هر چهار نفرشان را به چند ستون بستند هیچ کس نمی‌دانست با آنها چه خواهند کرد، ولی وقتی گازوئیل آوردند، دل همه آتش

[صفحه ۱۳۰]

گرفت. فرمانده روی پای علی بیات کبریت کشید. آن چهار نفر را مظلومانه به آتش کشیدند. بوی گوشت بود و تماشای عراقی‌ها و فریاد جگرخراش سوختگان، علی بیات که زنده ماند تا مدت‌ها با چرخ راه می‌رفت. [۲۰۷] .

نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ آثار این فجایع مثل کور کردن، آتش زدن و... را بر پیکر اسیران مشاهده و تأیید کردند. [۲۰۸] .

یکی دیگر از وحشیگری‌های عراقی‌ها این بود که هنگام ورود به اردوگاه به حالی که بچه‌ها نشسته بودند، رویشان راه می‌رفتند و آنها را با چوب و کابل می‌زدند و رعایت مجروح و سالم را نمی‌کردند. اسیران بسیاری در این میان چشم‌های خود را از دست دادند یا فلج شدند یا به نحوی صدمه‌ی شدید دیدند. در این وضعیت، آنها به مجروحان نیز رحم نمی‌کردند. اسیران این حالت را «تونل مرگ» می‌گفتند. [۲۰۹] .

آزاده‌ای که ده سال تمام در زندان رژیم بغداد به سر برده است، می‌گوید: «از وقتی که مرا برای کتک زدن پایین برده بودند، تا مدت دو روز مجبور بودم نماز را به پهلو بخوانم و چهار دست و پا توی اتاق حرکت کنم و شاید نزدیک به یک هفته به دلیل جراحات پشت و شانه‌هایم نمی‌توانستم، حمام کنم.» [۲۱۰] .

مسئولان و نگهبانان اردوگاه‌های عراق، به قدری در اعمال خودسرانه خود افراط می‌کردند که حتی در پاره‌ای از موارد در حضور نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، اسیران ایرانی را با کابل کتک می‌زدند و هنگامی که با اعتراض نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ روبه‌رو می‌شدند، می‌گفتند: از این به بعد، می‌گوییم در حضور شما تنبیه نکنند. [۲۱۱] .

در ماده‌ی ۱ کنوانسیون منع شکنجه، که در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ طی قطعنامه شماره ۳۹۴۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید، شکنجه این طور معنا شده است: «عبارت شکنجه (Torture) از نظر این کنوانسیون به هر عمل عمدی که بر اثر آن، درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه شخصی به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او یا از شخص ثالث اعمال شود، اطلاق می‌گردد.»

[صفحه ۱۳۱]

ماده‌ی ۲ کنوانسیون منع شکنجه، به این تعریف، رفتار یا مجازات خشن، غیرانسانی یا تحقیر کننده را اضافه نموده است که هیچ وضعیت استثنایی و فوق‌العاده‌ای، مانند جنگ، بی‌ثباتی سیاسی داخلی و هر گونه وضعیت اضطراری دیگر، نمی‌تواند آن را مجاز کند.

همچنین دستور مافوق نیز نمی‌تواند توجیه کننده‌ی عمل شکنجه باشد و شکنجه‌گر مسئول عمل خویش خواهد بود.

ناپدید شدن اسیران

گزارش‌های کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ ناپدید شدن اسیران را پس از ثبت نام تصدیق می کند. نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در گزارشی به دو اسیر جنگی که پس از بازدید کمیته به محل نامعلومی منتقل شده بودند، اشاره می‌نمایند. کمیته دائمی قربانیان جنگی از طریق فرمانده بازداشتگاه به نمایندگان ICRC اطلاع داد که آنان طی بازدید بعدی خود از بازداشتگاه رمادی ۱ یا الانبار، از آن دو اسیر بازدید خواهند کرد. کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ از این دو بازداشتگاه در تاریخ‌های ۳ و ۴ و ۵ مرداد ۱۳۶۳ بازدید کرد، اما دو اسیر مزبور آنجا نبودند. [۲۱۲] .

همچنین نمایندگان ICRC از عراقی‌ها خواستند، باید بتوانند هر چه زودتر اسیر جنگی «نعمت ویس مرادیان» را در هر جایی که هست، ملاقات کنند. این اسیر از تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۶۰ در اردوگاه خود مفقود شد. [۲۱۳] .

اسیر جنگی دیگری که در آذر یا دی ۱۳۶۳ از اردوگاه موصل ۳ به بغداد فرستاده شده بود، تا زمان بازدید نمایندگان ICRC , پنجم فروردین ۱۳۶۴، هنوز به بازداشتگاه بازنگشته بود. [۲۱۴] تعدادی از اسیران ایرانی پس از اینکه نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ آنها را ثبت نام می کردند، ناپدید می‌شدند. برخی از این افراد را احتمالا به اردوگاه‌های سری منتقل کرده‌اند یا بر اثر شکنجه به شهادت رسانده‌اند.

نماینده‌ی کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در جمهوری اسلامی ایران با ارسال

[صفحه ۱۳۲]

یادداشتی در ۲۴ فروردین ۱۳۶۰ به وزارت امور خارجه، سند تازه‌ای از جنایت‌های رژیم بعث عراق را افشا کرده‌است. براساس این یادداشت، نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ به هنگام بازدید از اردوگاه موصل در تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۵۹ (۱۰ ماه نوامبر ۱۹۸۰) نام ده اسیر ایرانی را ثبت کرده‌اند، اما پس از آن تاریخ هیچ کس از سرنوشت این اسیران آگاه نشد. با پیگیری‌های نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ درباره ده فرد مزبور، رژیم عراق ادعا کرد این افراد را در تاریخ ۱۸ فروردین ۱۳۶۰ (۷ آوریل ۱۹۸۰) در منطقه‌ی «چومان» آزاد کرده است. با کوشش مجدد کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، معلوم شد که فقط یکی از این ده نفر آزاد شده است، که او هم از سرنوشت دیگران بی‌اطلاع است. [۲۱۵] .

حتی اگر ادعای رژیم عراق مبنی بر آزاد کردن این اسیران را بپذیریم، آزاد کردن اسیران جنگی در منطقه‌ی جنگی، برخلاف کنوانسیون سوم ژنو بوده است. ماده‌ی ۴۶ قرارداد سوم سال ۱۹۴۹ ژنو چنین مقرر کرده است: «دولت بازداشت کننده هنگامی که تصمیم به انتقال اسیران جنگی می گیرد، باید منافع خود اسیران را مورد توجه قرار دهد، به ویژه از این نظر که مشکلات بازگشت آنها به کشورشان مزید نشود. انتقال اسیران جنگی همواره با انسانیت و با وضعی صورت خواهد گرفت که بدتر از وضع انتقال سربازان دولت بازداشت کننده نباشد....»

همچنین در ماده‌ی ۴۸ قرارداد سوم آمده است «اسیران جنگی در صورت انتقال باید رسما از حرکت و همچنین از نشانی جدید پستی خود آگاه شوند. این آگاهی باید قبلا با فرصت کافی به آنها داده شود که بتوانند لوازم خود را جمع و خانواده خود را مطلع کنند....»

در گزارش دیگری از ICRC چنین آمده است: «نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ گفتند به شدت نگران سه نفر از جمله یک افسرند که از اردوگاه رمادی به جایی منتقل شده‌اند که نمایندگان ICRC نمی‌توانند از آنان بازدید کنند. سروان محمود (فرمانده اردوگاه) گفت نمایندگان صلیب سرخ در بازدید

[صفحه ۱۳۳]

آینده‌شان از اردوگاه رمادی آنها را خواهند دید.» نمایندگان اصرار کردند که یا باید از این سه اسیر در محلی که نگهداری می‌شوند، بازدید کنند یا باید آنها را فورا به اردوگاه رمادی بازگردانند. نمایندگان ICRC تأکید کردند که انتقال اسیران به محل‌های نامعین برخلاف ماده‌ی ۱۲۶ قرارداد سوم ژنو است.» [۲۱۶] .

ماده‌ی ۱۲۶ قرارداد سوم ژنو راجع به رفتار با اسیران جنگی مقرر می‌کند: «نمایندگان (صلیب سرخ) یا مأموران دولت‌های حامی مجاز خواهند بود به تمامی مکان‌های اقامت اسیران جنگی، به ویژه به محل‌های توقیف و بازداشت و کار آنها بروند و به تمامی مکان‌هایی که مورد استفاده اسیران جنگی است نیز حق ورود خواهند داشت. همچنین اجازه خواهند داشت به محل‌های حرکت و عبور و ورود اسیران انتقالی بروند و بدون حضور شاهد با اسیران، به ویژه با معتمد آنها و در صورت لزوم با مترجم صحبت کنند.»

در ۲۷ آبان ۱۳۶۳ نیز دو اسیر جنگی به زندانی نامعلوم منتقل شده بودند. [۲۱۷] همچنین نمایندگان ICRC جویای روشن شدن وضع اسیر عباس‌علی جمالی‌اصل، فرزند رضا، به شماره‌ی کارت شناسایی ۷۷۰ شدند. وی در تاریخ ۸ مهر ۱۳۶۰ به بازداشتگاهی در بغداد، که در دسترس ICRC قرار ندارد، منتقل شده بود. فرمانده اردوگاه در پاسخ به نمایندگان ICRC گفت که وی بنا به دستور مقامات بالا به بغداد منتقل شده است. [۲۱۸] بدین ترتیب، هنگامی که نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ ضمن اعتراض به این وضعیت، خواستار جزئیات وضع اسیرانی می‌شدند که به بغداد منتقل و در زندانی که نمایندگان ICRC را به آن راه نبود، برده شده بودند، تنها پاسخ مقامات و فرماندهان اردوگاه این بود که آنها برای پاره‌ای امور اداری منتقل شده‌اند. [۲۱۹] .

اما تمامی اسیران بر این امر واقف بودند که این افراد را برای انجام بازجویی و تخلیه اطلاعاتی به بغداد برده‌اند و آنها را با رفتارهای غیرانسانی و وحشیانه و بسیار فجیع و دل‌خراش شکنجه کرده‌اند.

ماده‌ی ۷۰ کنوانسیون سوم چنین مقرر می‌کند: «اسیران جنگی حداکثر تا یک هفته پس از اسارت و ورود به بازداشتگاه اصلی یا عبوری و بستری شدن

[صفحه ۱۳۴]

در بیمارستان باید بتوانند کارتی را که حاوی مشخصات آنهاست، برای آگاهی خانواده‌های خود و آژانس مرکزی اطلاعات اسیران جنگی پر کنند.»

با وجود این مقررات، حکومت عراق از ثبت نام بسیاری از اسیران ایرانی جلوگیری و آنها را در اردوگاه‌های مخفی نگهداری می‌کرد. «الکساندر هی»، رئیس کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ جهانی، درباره این موضوع در کنفرانس بین‌المللی «مانیل» اعلام کرد: «عده‌ای از اسیران جنگی ایران در عراق از دسترس صلیب سرخ دور نگه داشته شده‌اند و شناسایی زندانیان ناقص و به طور کلی با تعویق همراه بوده است.» [۲۲۰] وی ضمن دومین دیدارش از بغداد از ۲۹ مارس تا ۱۴ آوریل ۱۹۸۱، طی مذاکراتی که با مقامات عراقی داشت، مسائل عمده‌ای را که نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ با آن روبه‌رو بودند، مطرح کرد و تعهدات مقامات عراقی را طبق کنوانسیون‌ها از جمله دسترسی به تمام اسیران جنگی، تفکیک آنها از غیرنظامیان در اردوگاه‌ها، بازگرداندن یکجانبه‌ی غیرنظامیان به میهنشان و احترام به مقررات کنوانسیون سوم ژنو در مورد شرایط نگهداری اسیران جنگی را با آنها در میان گذاشت. [۲۲۱] .

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز در گزارش سال ۱۹۸۳ خود، ضمن اشاره به فعالیت‌های حمایتی در عراق و بازدیدهایش از اردوگاه‌های انبار، رمادی و سه اردوگاه موصل در سال ۱۹۸۳ و ثبت نام ۷۵۹۲ اسیر، آورده است: «کمیته در مورد سرنوشت اشخاصی که هنوز اجازه‌ی دسترسی به آنان را ندارد (برای نمونه وزیر نفت ایران) و بیشتر اسیران جنگی که در اوایل جنگ به اسارت گرفته شده بودند، نگران است. نمایندگان کمیته مرتبا فهرست نام چند صد اسیر جنگی را که معروف بدان نام‌ها بودند، اما از آنها مخفی نگه داشته می‌شدند، به مقامات عراقی نشان می‌دادند، اما کمیته سرانجام توانست تعداد دوازده نفر از آنها را در اردوگاه‌ها ملاقات کند. این مشکل اساسی در یادداشت ۹ مه نماینده‌ی عمومی خاورمیانه و همچنین رئیس کمیته هنگام بازدیدش از عراق مطرح شده است.» [۲۲۲] .

[صفحه ۱۳۵]

کمیته ICRC در بیانیه‌ی ۱۳ فوریه ۱۹۸۴، طی سومین استمداد خود از تمامی دولت‌های امضا کننده‌ی کنوانسیون‌های ژنو، بار دیگر یادآور شد که تعداد زیادی از اسیران ایرانی، که بعضی از آنها در آغاز جنگ اسیر شده‌اند، مرتبا در جریان بازدیدهای صلیب سرخ مخفی نگه داشته می‌شوند. [۲۲۳] .

در مورد مخفی نگه داشتن اسیران که تعداد زیادی از آنها غیرنظامی بوده‌اند، پاسخ آقای الکساندر هی رئیس کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در پاسخ به نامه‌ی همسر آقای مهندس بوشهری حکایت از آن دارد که رژیم عراق برخلاف قرارداد سوم ژنو به مخفی نگه داشتن اسیران ایرانی اقدام کرده است. [۲۲۴] .

همچنین نامه‌ی لوچیا ویلیگر، یکی از مسئولان صلیب سرخ، به آقای صدرالدین صدر، مدیر کل روابط بین‌المللی جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ ۱۳ فوریه ۱۹۸۶ بیانگر وجود تعداد زیادی اسیر ایرانی در زندان‌های رژیم عراق است که نمایندگان صلیب سرخ اجازه نیافتند از آنها دیدار کنند. در این نامه آمده است:

«همان طور که می‌دانید، ICRC به سرنوشت وزیر نفت ایران و همراهانشان به مانند ایرانیان دیگری که گمان می‌رود مقامات عراقی به اسارت گرفته، اما هرگز نمایندگان ICRC آنها را ندیده‌اند، علاقه‌مند است. این موضوع مرتبا با مأموران عراقی مطرح شده و مداخله‌ی بی‌شمار ICRC سرانجام به انتقال قریب به صد اسیر ایرانی به اردوگاه‌ها منجر شد که نمایندگان کمیته‌ی مزبور از آنها بازدید کرده بودند. آخرین بار چنین انتقالی در پایان سال ۱۹۸۳ صورت گرفت و سیزده اسیر از مکانی که از دسترس نمایندگان ICRC دور بود، به اردوگاه انبار انتقال یافتند؛ جایی که کمیته‌ی مزبور برای نخستین بار از آنها بازدید به عمل آورد.»

[صفحه ۱۳۶]

در این باره در گزارش دیگری از ICRC آمده است: «کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ از یک بند اردوگاه که در سمت چپ در ورودی قرار داشت؛ جایی که صدها اسیر جنگی محبوس بودند، بازدید نکرد.» [۲۲۵] .

در یکی از گزارش‌های ICRC نیز اعلام شده است: «بسیاری از اسیران اظهار کرده‌اند که پای عده‌ی زیادی از غیرنظامیان و سربازانی که دستگیر و بازداشت شده‌اند، هرگز به اردوگاه‌های موصل، رمادی و انبار نرسیده و ICRC را از این گونه دستگیری‌ها باخبر نکرده و به آنها اجازه نداده‌اند از مکان‌هایی که این گونه اسیران نگهداری می‌شوند، بازدید کنند. ICRC باید فورا اجازه یابد تا از این اشخاص بازدید شود.» [۲۲۶] .

در این باره به اظهارات چند تن از اسیران آزاد شده اشاره می‌شود:

- «یک روز صبح، تمامی اسیران را در العماره جمع و در گروه‌های سی نفری بر زیل‌های ارتشی سوار کردند. خودروها به راه افتادند و پس از یک ساعت، در مقابل ساختمان‌های بزرگی متوقف شدند. سپس، همه را از خودروها پیاده کردند و داخل ساختمان بردند و به ترتیب روی زمین نشاندند. طولی نکشید که سر و کله‌ی چند افسر بعثی با چند ساواکی فراری و پناهنده‌ی ایرانی پیدا شد، یکی یکی همه را برانداز کردند و چند نفر را از جمع بچه‌ها بیرون کشیدند و تنها به دلیل اینکه ریش داشتند و متهم بودند که پاسدار انقلاب می‌باشند، آنها را به نقطه‌ی نامعلومی بردند و تا آخر اسارت، از آنها به ما خبری نرسید.» [۲۲۷] .

- «در مدت ده، دوازده روزی که در پادگان بصره بودیم، عراقی‌ها هر روز تعدادی از بچه‌ها را شکنجه می‌کردند تا پاسداران، فرماندهان و روحانیان را معرفی کنند... یک روز آمدند و تعدادی از برادران را به جرم پاسدار، روحانی و فرمانده بودن بیرون بردند. پس از آن دیگر آنها را ندیدم.» [۲۲۸] .

- «در اردوگاه، نخستین برخورد ما با یک سرگرد عراقی بود که به اتفاق یک ایرانی به سراغ ما آمدند. آنها مقابل ما ایستادند و شروع به فحاشی به انقلاب و روحانیت و علما کردند، البته معلوم بود که با این حرکت قصد دارند

[صفحه ۱۳۷]

ببینند که چه کسی واکنش نشان می‌دهد تا او را از بقیه جدا کنند. کسی که از جمع اسیران جدا می‌شد خدا می‌دانست چه سرنوشتی در انتظار اوست؛ چرا که نامش در فهرست صلیب سرخ ثبت نمی‌شد و عراقی‌ها هر زمانی که می‌خواستند می‌توانستند او را شکنجه یا اعدام کنند. حدود ۳۲ نفر را از میان ما ۲۰۰ اسیر جدا کردند و دیگر هیچ خبری از آنها به دست ما نرسید. هر چند بعدها، موضوع را به اطلاع صلیب سرخ رساندیم، اما بی‌فایده بود.» [۲۲۹] .

همچنین چند تن از اسیرانی که در سال ۱۳۶۳ به ایران بازگشتند، [۲۳۰] مشاهدات خود را چنین بیان کردند: «زمانی که می‌خواستند آزادمان کنند، ما را به منطقه‌ای به نام وزیریه در بغداد آوردند. در آنجا دیوار بلندی بود که ظاهرا در پشت آن عده‌ی زیادی نگه‌داری می‌شدند. در نخستین دقیقه‌های ورود ما به محل، چند سنگ ریز از آن سوی دیوار پرتاب شد و یک نفر با صدای بلند ما را مورد خطاب قرار داد و گفت: برادران اگر آزاد شدید و به ایران رفتید، بگویید حدود ۱۵۰ نفر را از اوایل جنگ به این محل آورده‌اند و تاکنون نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ از ما بازدید نکرده‌اند و خانواده‌ی ما از محل ما و حال ما خبر ندارند.» [۲۳۱] .

در گزارش‌های دیگری از کمیته‌ی ICRC آمده است: «تعداد زیادی از اسیران ایرانی که بعضی از آنها از آغاز جنگ اسیر شده‌اند، هنوز از دید کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ دور و مخفی نگه داشته می‌شوند. اسیران مزبور حتی از حقوق طبیعی‌شان محروم‌اند، فهرست نام‌هایی که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مدعی حیات آنهاست، تحویل مقامات عراقی می‌شود.» [۲۳۲] .

همچنین در گزارش هیئت اعزامی دبیر کل سازمان ملل، در اسفند ۱۳۶۳ آمده است: «ما تعداد اسیران جنگی مخفی نگه داشته شده را برابر صدها تن تخمین می‌زنیم.» [۲۳۳] .

[صفحه ۱۳۸]

گزارش‌های متعدد از جمله گزارش کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ نشان می‌دهد که مقامات عراقی هرگز قرارداد سوم ژنو را

رعایت نکردند و این کمیته توانست با اطمینان اعلام کند که مقامات عراقی صدها تن از اسیران ایرانی را در محل‌های مخفی زندانی کرده‌اند که نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ هرگز نتوانستند به این مکان‌ها بروند. از جمله در گزارش استمدادیه این کمیته در تاریخ ۷ می ۱۹۸۳ آمده است:

«تعداد مهمی از نظامیان، غیرنظامیان، سرباز، افسر از آغاز جنگ تا به امروز، در مراکزی که ICRC به آنجا دسترسی ندارد، نگه‌داری می‌شوند.» [۲۳۴] .

اردوگاه‌های مخفی اسیران در عراق

در یکی از گزارش‌های بدون تاریخ کمیسیون درباره اسیران و مفقودشدگان ایرانی، آمده است: عراق چندین اردوگاه برای نگهداری از اسیران داشت که این اردوگاه‌ها از نظر صلیب سرخ جهانی مخفی نگه داشته می‌شدند. بیشتر اسیران این اردوگاه‌ها را برادران سپاه پاسداران و بسیج و افرادی که نسبت به جمهوری اسلامی ایران متعهد بودند، تشکیل می‌دادند.

یکی از این اردوگاه‌ها در چند صد متری اردوگاه موصل ۱ قرار داشت که عراقی‌ها در توجیه مخفی نگه‌داشتن افراد این اردوگاه به دروغ می‌گفتند که افراد اردوگاه‌های مخفی به امراض واگیر پوستی مبتلا- می‌باشند و باید جداگانه و دور از دیگران نگه داشته شوند. برخی از اردوگاه‌های مخفی عراق که اسیران ایرانی را در آنها نگهداری می‌شدند، به شرح زیر است.

- زندان الرشید (معروف به مخابرات عامه): زندان الرشید زندانی امنیتی در شهر بغداد است که مرکز نگهداری زندانیان سیاسی و نظامی رژیم بعث عراق و همچنین اسیران ایرانی بود که در بازجویی از خود مقاومت نشان می‌دادند یا اینکه از مقامات ارتشی و افراد رده بالای سیاسی و سپاهی بودند. بازجویان متخصص از این افراد بازجویی می‌کردند و آنها را شکنجه می‌دادند. بنا به گزارشی، آقایان تندگویان، یحیوی و بوشهری و یک هیئت تکنسین

[صفحه ۱۳۹]

کشاورزی تا مدت‌ها در این زندان در وضعیت وخیمی به سر می‌بردند و به صورت انفرادی، تحت شکنجه قرار داشتند آقای تندگویان را در شبی نامعلوم به محلی بردند که هیچ کس از آنجا اطلاعی نداشت. علاوه بر این، در زندان الرشید تعداد ۲۵ تن از افراد عرب ربوده شده‌ی اهل خرمشهر همراه با خانواده‌هایشان به سر می‌بردند که یکی از آنها معمم و از روحانیون سرشناس و امام جماعت مسجد جامع خرمشهر بود.

- زندان ابوغریب: در این زندان که در نزدیکی بغداد است، بیش از پنجاه تن از افسران نیروی هوایی، ژاندارمری و تعداد کمی از نیروی دریایی به سر می‌بردند که از سرنوشت آنها هیچ گونه اطلاعاتی در دست نبود.

- اردوگاه ناصریه: این اردوگاه در نزدیکی بغداد قرار داشت که حدود ۱۵۰۰ تن از برادران پاسدار - البته بنا به گفته‌ی بعضی از مقامات عراقی - و همچنین افراد دیگری در آن زندانی بودند که صلیب سرخ به دلیل ممانعت دولت عراق موفق به بازدید از این اردوگاه نشد.

- محلی در وزارت دفاع در بغداد: بنا به اظهار کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ و اسیران ایرانی در دیگر اردوگاه‌ها، حدود ۱۱۰۰ تا ۱۵۰۰ تن از اسیران جوان ایرانی در این محل نگهداری می‌شدند. گفتنی است که حدود دویست تن از خواهران که از نقاط مختلف ایران برای کمک به جبهه رفته و به دست نیروهای عراقی اسیر شده بودند، در یکی از این زندان‌ها به سر می‌بردند. [۲۳۵] .

در ماده‌ی ۱۲۶ کنوانسیون سوم ژنو آمده است: «به نمایندگان ICRC یا مأموران دولت‌های حامی آزادی داده خواهد شد که به هر

محلی بخواهند، سرکشی کنند. مدت سرکشی‌های مزبور و تعداد آنها محدود نخواهد شد و تنها در صورتی می‌توان آنها را ممنوع کرد که شرایط عالیه‌ی نظامی ضرورت آن را ایجاب کند که آن هم فقط به طور استثنا و موقت خواهد بود.»

[صفحه ۱۴۴]

استفاده گسترده عراق از سلاح‌های شیمیایی

بررسی تئوریک مسئله

پروتکل مورخ ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ ژنو مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه‌ی منع استعمال سلاح‌های شیمیایی و حتی میکروبی است که از سال ۱۹۲۸ اجرا شد. مفاد این پروتکل که در واقع یک معاهده‌ی بین‌المللی مستقل است، تقریبا همان مقررات ۱۹۲۲ واشنگتن است. در این پروتکل، که بیش از ۱۴۰ کشور جهان از جمله ایران (۹ تیر ۱۳۰۸) و عراق (۱۹۳۱ - م) آن را امضا کرده‌اند، به کارگیری سلاح‌های شیمیایی در جنگ‌ها، بدون قید و شرط ممنوع شده است. مضمون این پروتکل ممنوعیت مطلب کاربرد سلاح‌های شیمیایی و توسل به این سلاح مرگ‌زا را تحت هر شرایطی دربر می‌گیرد.

در مقدمه‌ی پروتکل سال ۱۹۲۵ ژنو آمده است: از آنجا که استفاده از گازهای خفه‌کننده و سمی و دیگر گازها و تمام مایعات، مواد یا وسایل مشابه توسط افکار عمومی جهان متمدن محکوم و از آنجا که ممنوعیت چنین استفاده‌هایی در معاهداتی که بیشتر قدرت‌های جهان بدان پیوسته‌اند، تصویب شده است، از نظر حقوق بین‌الملل، به کارگیری این سلاح‌ها به صورت قاطع ممنوع است.

البته، پیش از پروتکل ۱۹۲۵ مقرراتی وجود داشته است که به طور مختصر، بدان اشاره می‌شود.

۱) اعلامیه‌ی ۱۸۶۸ سن‌پترزبورگ که طبق آن، شیوه‌های جنگ غیرانسانی محکوم شد.

[صفحه ۱۴۵]

۲) اعلامیه‌ی نهایی کنفرانس ۱۸۷۴ بروکسل، که استعمال سم و سلاح‌های سمی را به طور کلی ممنوع کرده است.

۳) اعلامیه‌ی شماره‌ی ۲ و شماره‌ی ۴ کنفرانس ۱۸۹۹ لاهه، که در آنها استفاده از سلاح‌های پرتاب کننده برای حمل و پخش گازهای خفقان‌آور و زیان‌بار منع شده است.

۴) عهدنامه‌ی شماره‌ی ۴ لاهه مورخ ۱۹۰۷ که دربردارنده‌ی مفاد مزبور است.

۵) معاهدات صلح پاریس مورخ ۱۹۱۹ - ۱۹۲۰.

۶) معاهده‌ی ۶ فوریه‌ی ۱۹۲۲: طبق ماده‌ی ۵ این معاهده، استعمال گازهای خفقان‌آور، سمی یا مشابه آنها و نیز هر گونه مایعات، مواد یا شیوه‌های مشابهی که افکار عمومی جهان متمدن محکوم کرده، ممنوع است. این معاهده به دلیل تصویب نشدن آن به وسیله کشورهای امضا کننده، هرگز اجرا نشد، [۲۳۶] اما همواره به عنوان عرف بین‌المللی در زمینه‌ی ممنوعیت استعمال گازها باقی ماند.

اما واقعیت این است که کشورها پس از جنگ جهانی دوم بارها این پروتکل را نقض کرده‌اند. ارتش امریکا علیه مردم کره، انگلیس علیه مردم مالایا و مصر علیه یمن از این سلاح‌ها استفاده کردند. امریکا، به ویژه علیه مردم ویتنام از عنصر «BZ» در سطحی

گسترده و پرحجم استفاده کرد که با گذشت نیم قرن، آثار مخرب آن، نه تنها بر انسان‌ها، که بر مزارع و جنگل‌ها و پوشش‌های گیاهی (اکو سیستم) همچنان باقی است.

ارتش شوروی (سابق) نیز به طور گسترده، از عوامل تاول‌زا و اعصاب، موسوم به «باران زرد»، علیه مردم افغانستان استفاده کرد. در حال حاضر، ایالات متحده امریکا جدیدترین و خطرناک‌ترین روش تولید و کاربرد این گونه سلاح‌ها را در اختیار دارد. [۲۳۷] .

اصولا هر فرد که در تعریف «رزمنده» نگنجد و از اعمال جنگی خودداری

[صفحه ۱۴۶]

کند، نباید هدف حمله‌ی نظامی قرار گیرد. ماده‌ی ۵۰ پروتکل الحاقی شماره‌ی یک سال ۱۹۷۷، افراد و جمعیت غیرنظامی را چنین تعریف می کند:

«افرادی غیرنظامی محسوب می‌شوند که در هیچ یک از طبقات نیروهای مسلح مقرر در ردیف‌های ۱، ۲ و ۶ قسمت الف ماده‌ی ۴ کنوانسیون سوم ژنو و ماده‌ی ۴۳ پروتکل حاضر جای نگیرند. اصل کلی در این زمینه آن است که چون مردم غیرنظامی (Civil)در جنگ شرکت نمی کنند، با حقوق بین‌الملل حمایت می‌شوند و نباید هدف عملیات دشمن باشند.»

در واقع، حقوق جنگ با هدف جلوگیری از سرایت یا محدود کردن آثار جنگ به غیرنظامیان و کاهش دردها و مشکلات آنان در منازعات مسلحانه، درصدد اعمال و اجرای مقررات و الزام دولت‌ها به رعایت آن مقررات است. [۲۳۸] ماده‌ی ۴۸ پروتکل الحاقی نخست ۱۹۷۷ ژنو در مورد حمایت از غیررزمندگان در جنگ‌های بین‌المللی، مقرر می کند که دو طرف یک مخاصمه برای تأمین احترام و حمایت از افراد و اهداف غیرنظامی، باید در تمامی موارد، بین افراد و اهداف غیرنظامی با نظامیان و اهداف نظامی، تمایز قائل شوند و بر این اساس، عملیات نظامی خود را تنها علیه اهداف نظامی، انجام دهند. برای تقویت این قاعده، بند ۳ ماده‌ی ۵۲ پروتکل الحاقی نخست ۱۹۷۷ اعلام می کند که در صورت تردید در استفاده از مکان‌های غیرنظامی برای کمک مؤثر به عملیات نظامی، چنین فرض خواهد شد که از مکان‌های مزبور چنین استفاده‌ای نمی‌شود. بدین دلیل، کاربرد مستقیم سلاح‌های شیمیایی علیه افراد غیرنظامی، ممنوعیت دوگانه‌ای می‌یابد، یکی به دلیل ممنوعیت حمله به افراد غیرنظامی و دیگر ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی. این در حالی است که رژیم عراق بارها سلاح‌های شیمیایی را علیه افراد غیرنظامی ایران به کار برده است.

کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های مربوط به ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی، به گونه‌ای عبارت‌پردازی شده است که خود، بر عرفی بودن چنین ممنوعیتی دلالت دارد. برای نمونه، معاهده‌ی «ورسای» به ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی اشاره می کند. معاهده‌ی واشنگتن (۱۹۲۲) و پروتکل ژنو (۱۹۲۵) نیز از کاربرد سلاح‌های

[صفحه ۱۴۷]

شیمیایی که محکوم و ممنوع اعلام شده است، سخن می گویند.

نکته‌ی درخور توجه درباره‌ی ممنوعیت عرفی سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک آن است که زمان جنگ جهانی اول، در حد گسترده‌ای از این سلاح‌ها استفاده نشد و به رغم اینکه کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های منعقد شده، جهانی تلقی نمی‌شدند و کشورهای زیادی (به ویژه کشورهای دارنده‌ی این سلاح‌ها) به عضویت آنها در نیامده بودند، به ندرت از این سلاح‌ها استفاده شد و در موارد ادعا شده نیز، کشورهای مظنون، بدون اینکه کاربرد چنین سلاح‌هایی را مشروع تلقی کنند، اتهام‌های وارد شده را به خود منتسب

ندانستند و رد کردند.

بر این اساس، حتی کشورهای مزبور نیز به صورت ضمنی، بر وجود قاعده‌ی عرفی ممنوع کننده‌ی کاربرد چنین سلاح‌هایی، مهر تأیید زدند. در تأیید این امر، همین بس که قطعنامه‌ی ۵ دسامبر ۱۹۶۶ در «مجمع عمومی سازمان ملل» (ب ۲۱۶۲) با اتفاق آرا و بدون رأی مخالف به تصویب رسید. این قطعنامه، تأیید کرد که پروتکل ژنو ۱۹۲۵ مشتمل بر ممنوعیت عامی است که تمامی کشورها را صرف‌نظر از عضویت یا الحاقشان به آن معاهده، ملزم می‌کند.

ممنوع کردن کاربرد سلاح‌هایی که در جنگ، جراحت‌های شدیدی ایجاد می‌کنند، از اواخر قرن نوزدهم به عرصه‌ی حقوق بین‌الملل قراردادی راه یافت. اعلامیه‌ی «سن‌پترزبورگ» در ۱۱ دسامبر ۱۸۶۸، استعمال پرتاب شونده‌هایی را که در بدن انسان پخش می‌شوند، ممنوع کرد. این پرتاب شونده ها اشیای محترقه‌ای را شامل می‌شدند که کمتر از ۴۰۰ گرم وزن داشتند. در جریان کنفرانس‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه، ممنوعیت‌های تیراندازی از بالون، استفاده از گلوله‌های پخش شونده و نیز استفاده از گازهای خفه کننده در جنگ اعلام شد. با گسترش سلاح‌های شیمیایی و استفاده‌ی گسترده از آن در جنگ جهانی اول، ماده‌ی ۱۷۱ معاهده‌ی صلح «ورسای» سال ۱۹۱۹ و ماده‌ی ۵ «قرارداد واشنگتن» مورخ ۶ فوریه ۱۹۲۲، استفاده از گازهای خفه کننده، سمی یا مشابه آن و نیز هر نوع ماده یا روش مشابهی را در زمان جنگ، ممنوع کرد. سپس، در ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ پروتکل ژنو، درباره‌ی ممنوعیت

[صفحه ۱۴۸]

استعمال گازهای خفه کننده، سمی یا نظایر آن، منع روش‌های میکروبی در جنگ تصویب شد. [۲۳۹] .

چنانکه ملاحظه شد، در عرصه‌ی مخاصمات مسلحانه، «نخستین تلاش‌ها با هدف حمایت از رزمندگان انجام شد. اهتمام انسان‌هایی مانند «فلورانس نایتینگل» در طی جنگ‌های «کریمه» و «هنری دونان» به دنبال نبرد «سولفرینو» نگرانی عمومی را در مورد رنج‌های زاید و مرگ مجروحان و سربازان بیمار دامن زد و دلمشغولی‌های انسانی مهمی را در اروپا ایجاد کرد.» [۲۴۰] حاصل این تلاش‌ها، پیش‌تر در کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه دیده و روشن شد که طرف‌های مخاصمه، در به کارگیری وسایل برای به زانو درآوردن حریف از اختیارات نامحدودی برخوردار نیستند. البته نظام بین‌المللی، نخست اصل مزبور را تثبیت کرد و سپس برای سد کردن راه سوء استفاده از کلی بودن و ابهام در مضامین این اصل، به سوی احصا و برشماری مصادیق آن گام برداشت. سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک، از جمله سلاح‌هایی بودند که به کارگیری آنها علیه رزمندگان، به دلیل ایجاد درد و رنج زاید و بلاهای غیرضروری (زجرکش کردن قربانی) ممنوع شد؛ ممنوعیتی که در حقوق عرفی استقرار یافته است، هر چند مدون تلقی کردن پروتکل ۱۹۲۵ ژنو درباره‌ی منع به کارگیری گازهای خفه کننده، سمی یا نظایر آن در این زمینه را نباید بی‌تأثیر دانست. [۲۴۱] .

در این باره، در بند ۶ قواعد بنیادین حقوق بین‌المللی بشردوستانه، قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه (۱۹۷۸) آمده است:

«طرف‌های مخاصمه و اعضای نیروهای مسلح آنها در انتخاب روش‌های وسایل جنگ اختیارات نامحدود ندارند.» [۲۴۲] .

[صفحه ۱۴۹]

قرائن و نمونه‌های عینی از حملات شیمیایی عراق

ناکامی ارتش عراق در تأمین اهداف رژیم حاکم بر این کشور فرماندهان این ارتش را بر آن داشت تا پس از مشورت با کارشناسان عالی‌رتبه‌ی دولت‌های استکباری، به ویژه کارشناسان شیمیایی شوروی (سابق)، به استفاده از سلاح‌های شیمیایی نیز در کنار دیگر سلاح‌های مرگبار خویش توجه کنند.

طی جنگ تحمیلی، عراق در مناطق مختلف عملیاتی و حتی مسکونی از به کارگیری انواع عوامل شیمیایی مانند گازهای خردل، تاول‌زا، فسفر، اعصاب، ناتوان کننده، نیتروژن، ترکیب‌های خردلی و خون، سیانور، خفه کننده و... از طریق هواپیماها، توپخانه‌ها و شلیک انواع گلوله‌های شیمیایی دریغ نکرد.

در نیمه‌ی نخست اردیبهشت ۱۳۶۱، هفته‌نامه انگلیسی‌زبان فارین ریپورت به حمله‌ی شیمیایی عراق در دی ماه ۱۳۵۹، علیه منطقه ایلام اشاره می‌کند:

«عراق در جنگ با ایران از سلاحی استفاده می‌کند که سیستم اعصاب قربانیان را فلج می‌کند.» [۲۴۳] .

از این تاریخ به بعد یازده مورد حمله‌ی شیمیایی عراق در سال ۱۳۶۱ ثبت شده است و از عملیات والفجر ۲ (۳۰ مرداد ۱۳۶۲) به بعد، این حملات شدت گرفت تا آنجا که در عملیات والفجر ۴، در محدوده‌ی زمانی ۲۹ مهر تا ۶ آبان ۱۳۶۲، افزون بر مناطق نظامی، مناطق مسکونی هم هدف اصابت بمب‌های شیمیایی رژیم عراق قرار گرفت.

روز سه‌شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۶۲، خبرنگار یک نشریه هلندی ضمن دیدار با مصدومین شیمیایی بستری در کلینیک جراحی بیمارستان عمومی شهر وین، با بیان شرح حال مفصلی از علی مهاجرانی، وضعیت وخیم او را تشریح می‌کند. وی سعی می‌کند به علی بفهماند که سلامتی وی از دسته رفته و آینده وی تیره است، اما با پاسخ‌های جالب وی روبه‌رو می‌شود. در انتهای این گفت‌وگوی مفصل، از او در مورد ترس از مرگ و درد و فعالیت داوطلبانه‌اش در جنگ سؤال می‌شود که وی چنین پاسخ می‌دهد:

[صفحه ۱۵۰]

... مردن یک مرحله برای دست یافتن به آن زندگی است، این زندگی موقتی و آن زندگی ابدی است و در آن زندگی خوشبخت خواهی شد و هدف اصلی این است... [۲۴۴] .

پس از تصرف جزایر مجنون در سال ۱۳۶۲، عراق در سطح بسیار وسیعی، از گلوله‌های شیمیایی حاوی گاز خردل استفاده کرد.در این حمله‌های وحشیانه، بیش از ۲۷۰۰ تن مصدوم و عده‌ای هم به شهادت رسیدند. در حالی که سردمداران رژیم عراق این اقدام جنایتکارانه‌ی خود را تکذیب می‌کردند، محافل پزشکی و سازمان‌های بین‌المللی استفاده‌ی عراق از سلاح شیمیایی را به طور مکرر مورد تأیید قرار می‌دادند.

[صفحه ۱۵۱]

در این حال گروه پزشکی سازمان بین‌المللی صلیب سرخ به این نتیجه رسید که: «بیشتر سربازان ایرانی که تاکنون درگذشته‌اند در معرض گاز مسموم کننده خردل قرار گرفته بودند... علت مرگ قطعا تأثیرات گاز خردل و باران زرد بوده است. اکنون ما این مسئله را بدون هیچ گونه تردیدی به اثبات رسانده‌ایم.» همچنین، پرفسور «باب الیوت» از انستیتو تحقیقات استراتژیک در لندن اظهار کرد: «پرسشی که اکنون مطرح می‌شود اینکه آیا عراق فقط از یک نوع گاز استفاده کرده است یا چند نوع گاز شیمیایی مختلف را علیه ایرانیان به کار می‌برد.» [۲۴۵] .

[صفحه ۱۵۲]

نتیجه‌ی آزمایش‌ها نشان دهنده‌ی استفاده از گاز خردل است که حتی هیتلر نیز در جنگ جهانی دوم در استفاده از آن ابا داشت. در ۳ آبان ۱۳۶۲ هواپیماهای دشمن روستای «باینجان» از توابع بانه را بمباران شیمیایی کردند که به شهادت و مصدوم شدن جمعی از اهالی این روستا منجر شد. در این حمله از بمب‌های حاوی ترکیبی از آرسنیک و نیتروژن موستارد موسوم به بمب‌های تاول‌زا استفاده شد. [۲۴۶] .

مهم‌ترین حملات شیمیایی به مناطق غیرنظامی پس از جنگ جهانی اول، در سال ۱۳۶۶ به دست عراقی‌ها انجام شد. حملات سنگین ارتش عراق هم در شهرهای ایران و هم در خاک عراق علیه اهداف غیرنظامی بارها انجام شد. اگر چه در گذشته نیز مناطق مسکونی هدف قرار می‌گرفتند ولی صدمات بسیار محدود بود. عراق در این مرحله از جنگ شیمیایی فشار را روی غیرنظامیان متمرکز کرد؛ چون با این کار اولا می‌توانست مسئولان ایرانی را از ادامه مقاومت در برابر خواسته‌های عراق نگران سازد و روحیه مردم را در شهرهای مختلف کشور، که این بیماران را با حالات وحشتناک می‌دیدند، تضعیف نماید. ثانیا با توجه به این نکته که غیرنظامیان در برابر حملات شیمیایی آسیب‌پذیری بیشتری دارند، عراق با صرف هزینه‌ای بسیار ناچیز، یعنی انداختن تنها چند بمب شیمیایی، هزاران مصدوم را در شهرهای مختلف ایران روانه مراکز درمانی و نقاهتگاه‌ها می‌کرد با توجه به اینکه مصدومین شیمیایی (خصوصا مصدومین عوامل تاول‌زا) مدت زمان طولانی باید بستری شوند، لذا عملا تعداد زیادی از تخت‌های فعال مراکز درمانی ایران اشغال می‌شد و این موضوع می‌توانست آثار دردناک روحی برای مردم و کادر پزشکی به دنبال داشته باشد و علاوه بر آن خدمات پشتیبانی درمانی برای نیروهای نظامی را مختل نماید.

در ۲۷ فروردین ۱۳۶۶ عراق طی بمباران شیمیایی روستای «آلوت» در غرب کشور یک خانواده را مصدوم نمود. ۴ تن از اعضای این خانواده چند روز اول پس از حادثه را در بیمارستان‌های منطقه جنگی سپری کردند سپس به

[صفحه ۱۵۳]

علت وخیم بودن حالشان به تهران اعزام شدند. این افراد عبارت بودند از: دو زن (که یکی چهار ماهه حامله بود) و نیز دو دختربچه ۲ و ۴ ساله که همگی مورد معاینه تیم سازمان ملل نیز قرار گرفتند. این موضوع در گزارش تیم سازمان ملل چنین منعکس شد:

«... ما آثار گاز خردل را بر خانواده یک دهقان، مخصوصا یک مادر و دو دختر دو و چهار ساله وی مشاهده نمودیم. ما در کمال اندوه شاهد رنج کودک چهار ساله در فاصله کمتر از ۲ ساعت با مرگش بودیم... ما صدمات شدید گاز خردل را برروی مادر جوانی که چهار ماهه باردار بود، مشاهده نمودیم...» [۲۴۷] خانم باردار یک هفته بعد به دنبال لوکوپنی و نارسایی تنفسی به شهادت رسید.

در ۷ تیر ۱۳۶۶ شهر مسکونی و بی‌دفاع سردشت با هواپیما و توپخانه هدف حمله شیمیایی قرار گرفت که در نتیجه آن بیش از ۲۵۰۰ تن از مردم غیرنظامی مصدوم شدند یا به شهادت رسیدند. به دنبال این حادثه دهشتناک و غیرقانونی، هیئت کارشناسی سازمان ملل متحد، به دستور سازمان ملل متحد، همراه با آقای کمال خرازی، سرپرست ستاد تبلیغات جنگ، از آثار بمباران در این شهرستان بازدید کردند. در پایان این بازدید، سرهنگ «ملوپانیین»، سرپرست این هیئت، درباره مشاهدات خود، ابراز کرد: مناطق مسکونی شهر سردشت را دیده که رژیم عراق به طور وحشیانه آنها را بمباران شیمیایی کرده است. [۲۴۸] .

رژیم عراق در تاریخ ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۶، نیز هشت نقطه را در منطقه غرب اشنویه هدف بمباران شیمیایی قرار داد که در این بمباران بیش از ۲۴۰۰ تن از مردم غیرنظامی منطقه مصدوم شدند. همچنین، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۷، هواپیماهای عراقی چند روستا از جمله مرزن‌آباد و بیتوش از توابع سردشت را بمباران کردند. [۲۴۹] در تاریخ ۵ / ۴ / ۱۳۶۷ نیز نیروی هوایی عراق شهر اهواز را هدف بمب‌های شیمیایی قرار داد که بر اثر آن ۶۰ تن از مردم

[صفحه ۱۵۴]

غیرنظامی شهید و ۴۰۰۰ تن مجروح شدند. [۲۵۰] .

منابع ایرانی تعداد حملات شیمیایی عراق را طی هشت سال جنگ تحمیلی بیش از ۲۵۲ بار ذکر کرده‌اند؛ طوری که «ایران طی هشت سال جنگ تحمیلی، در معرض شدیدترین و طولانی‌ترین حمله‌های شیمیایی در تاریخ جنگ‌های جهان قرار گرفت. تعداد حمله‌های شیمیایی و تنوع عوامل به کار گرفته شده در این جنگ بی‌سابقه بود و این حملات وحشیانه مجروح شدن بیش از صد هزار نفر از هموطنان ایرانی را موجب شد که ده درصد آنها بلافاصله به شهادت رسیدند.» [۲۵۱] .

دکتر «جان‌جی» معاون دبیر کل سازمان منع سلاح‌های شیمیایی، با توجه به گستردگی تعداد مجروحان شیمیایی ایران، آن را یک تراژدی خواند. وی اظهار کرد:

«تعداد مجروحان سلاح‌های شیمیایی در دوران پس از جنگ جهانی اول، در جهان بی‌سابقه بوده است... وجود صد هزار مجروح شیمیایی در جمهوری اسلامی ایران افزون بر تحمیل هزینه‌های هنگفت اقتصادی و اجتماعی، یک تراژدی انسانی است.» [۲۵۲] .

[صفحه ۱۵۵]

گزارش‌های مستند و تکان دهنده از بمباران سردشت

اشاره

سردشت یکی از شهرهای مرزی و از توابع استان و آذربایجان غربی است که اکثر مردم آن از راه فعالیت‌های کشاورزی کسب معاش می‌نمایند. این شهر در جریان بحران‌آفرینی گروه‌های ضدانقلاب در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره مورد ستم و تحت فشار نظامی آشوبگران محلی قرار داشت و در سال‌های نزدیک به فاجعه بمباران شیمیایی شهر، به تازگی از کانون تشنج و تحرکات مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران خارج گردیده بود، هر چند گلوله‌باران مکرر ارتش عراق و حتی کاربرد سلاح‌های شیمیایی به طور محدود علیه این شهر و حومه آن امکان بازگشت آرامش به این منطقه را سلب کرده بود. اما حمله گسترده‌ی شیمیایی و جنایتی چنین وسیع علیه مردم سردشت پیش‌بینی نمی‌شد. در ادامه سه گزارش در این باره ارائه گردیده است؛ گزارش اول را گروه اعزامی متشکل از پزشکان و متخصصین درمانی تهیه و تنظیم کرده‌اند و دو گزارش دیگر به وسیله گروه‌های مراکز نظامی معتبر که از تهران به سردشت اعزام شدند، به نگارش درآمده است.

گزارش اول: در ساعت ۱۶:۳۰ روز یکشنبه ۷ تیر ۱۳۶۶ یکی از فجایع تاریخی در شهر سردشت به وقوع پیوست. بمباران شیمیایی شهر سردشت نقطه عطفی در حملات شیمیایی عراق بود که متأسفانه هیچ تأثیری بر افکار مردم دنیا نداشت و حتی در داخل نیز

اهمیت آن به درستی درک نشد.

چند فروند هواپیمای عراقی با پرتاب ۷ بمب خردل سکوت شهر کوچک سردشت در غرب کشور را شکستند؛ دو بمب به بازار شهر و دو بمب دیگر به دو منطقه مسکونی اصابت کرد. سه بمب دیگر در باغ‌های مجاور شهر فروافتاد. به علت شرایط جوی مناسب از نظر حرارت و جریان ملایم هوا، آلودگی به تدریج تا کیلومترها دورتر از کانون‌های انفجار گسترش یافت و بوی نامطبوع خردل که مشابه بوی سیر و گوگرد می‌باشد، از فاصله دور استشمام

[صفحه ۱۵۶]

می‌شد. متأسفانه بیمارستان و نقاهتگاه شهر نیز در مسیر جریان هوای آلوده قرار گرفت و حتی برخی پزشکان و پرستاران پس از چند ساعت به دلیل تأثیر مواد شیمیایی در آنها، مجبور به ترک آنجا شدند. برق و مخابرات قطع و کلیه فعالیت‌های خدماتی شهر فلج شده بود؛ زیرا اکثر کارکنان محلی مصدوم شده بودند.

کادر پزشکی بهداری سپاه با کمک نیروهای محلی توانستند از دو حمام شهر به عنوان دو ایستگاه رفع آلودگی برای زن‌ها و مردها استفاده کنند. ماشین‌های آتش‌نشانی نیز مسئولیت تدارک آب حمام‌های شهر را عهده‌دار بودند. سالن ورزشی شهر به عنوان یک نقاهتگاه ۱۵۰ تخته مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به چگونگی تأثیر گاز خردل (برخلاف گاز اعصاب که ناگهان همه بیماران در همان ساعت اول مراجعه می‌کنند) ساعت به ساعت بر تعداد مصدومین افزوده می‌شد. در نقاهتگاه درمان‌های اولیه انجام می‌گرفت و مصدومین پس از پایدار شدن نسبی علائم حیاتی به شهرهای دیگر اعزام می‌شدند.

آلودگی مواد غذایی، میوه‌جات، سبزیجات، مزارع، آب‌ها و حتی حیوانات باعث برخی مسمومیت‌های گوارشی شده بود. گله‌های گاو و گوسفند که تنها سرمایه برخی از خانواده‌ها بود، از بین رفته بودند و محصول برخی مزارع آلوده و غیرقابل استفاده شده بود.

یک روز پس از حادثه، مصدومین بدحال با چندین پرواز از ارومیه به تهران منتقل شدند. در فرودگاه مهرآباد تهران صحنه‌ای بسیار ناراحت کننده بود که تحمل آن برای خلبانان و خدمه هواپیماهای نظامی نیز دشوار بود. کودکانی که در سنین مختلف با چشم‌های ورم کرده به سختی ناله می‌کردند و سعی داشتند از مادران خود دور نیفتند. تعداد زیادی از مصدومین بدحال به بیمارستان بقیه‌الله (عج) منتقل شدند. برخی کودکان در حال اغما بودند و ضربان قلب آنها بالاتر از ۱۶۰ بار در دقیقه می‌زد. اگر چه هنوز علائم پوستی، وضعیت مهمی از مسمومیت را نشان نمی‌دادند. این حالت ربطی به عفونت

[صفحه ۱۵۷]

نداشت و احتمالاـ به دلیل آثار خاص خردل بود. یکی از مصدومین، پسربچه ۴ ساله‌ای بود و در حالی که مشغول مرتب نمودن تختش بودیم و هنوز دقایقی از بستری شدنش نگذشته بود،ناگهان دچار ایست قلبی شد و متأسفانه به عملیات احیا جواب نداد. آن شب به همراه سایر دوستان تا صبح به بیمارستان‌های تهران سر زدیم و به بررسی مصدومین سردشت پرداختیم.

چگونگی این حادثه و آمار مصدومین و شهدای آن در گزارش‌های متعددی به اطلاع دبیر کل و شورای امنیت سازمان ملل رسید. اما متأسفانه هیچ کارشناسی برای بررسی حادثه اعزام نشد. حتی در یکی از گزارش‌ها، تصاویر متعددی از مصدومین شیمیایی سردشت ضمیمه شد. از شهر سردشت طبق آمارهای رسمی ۸۰۲۵ نفر مصدوم شدند که این آمار شامل مصدومین خفیف نیز می‌شد. حداقل ۴۵۰۰ نفر از مصدومین نیاز به درمان داشتند. ۳۰۰۰ نفر آنها در خود شهر به طور سرپایی درمان شدند و سپس در

روستاهای مجاور مدتی را سپری کردند تا آلودگی شهر کاملا برطرف شد. ۱۵۰۰ نفر از مصدومین حال وخیم‌تری داشتند و باید بستری می‌شدند که به خارج از

[صفحه ۱۵۸]

سردشت اعزام شدند. ۶۰۰ نفر از این گروه ۱۵۰۰۰ نفری به تهران و بقیه به چند شهر شمال غربی کشور اعزام شدند. از بیمارانی که به تهران آمدند، ۴۲۰ نفر طی ۷ تا ۱۰ روز اول از بیمارستان‌ها ترخیص شدند. تعداد ۱۸۰ نفر باقی مانده، وضعیت وخیم‌تری داشتند که گروهی شهید شدند و گروهی نیز هفته‌های زیادی را در بیمارستان‌ها گذراندند که عده‌ای هنوز از عوارض شدید ریوی رنج می‌برند.

آمار شهدای این حمله شیمیایی ۱۳۰ نفر است که ۲۰ نفر آنها در سردشت در همان دقایق و ساعات نخستین پس از بمباران شهید شدند. ۱۰ نفر در حین انتقال از سردشت به شهادت رسیدند. ۱۰۰ نفر در طول ۷ تا ۳۰ روز پس از حادثه به تدریج در بخش‌های مراقبت ویژه بیمارستان‌های مختلف کشور به شهادت رسیدند.

ناراحت کننده‌ترین مسئله برای ما این بود که مصدومین تغییر حالت سریعی داشتند. مثلاـ با یک بیمار امروز به خوبی صحبت می‌کردیم ولی روزهای بعد سخت‌تر با ما صحبت می‌کرد و تدریجا دچار حالت نیمه اغما می‌شد. وجود ضایعاتی به شکل تورم شدید در پلک‌ها و پوست صورت و تاول باعث می‌شد تا در برخورد بستگان و آشنایان با وی، همه از قیافه وی شدیدا متأثر و وحشت‌زده شوند. مدت حدود ۷ تا ۱۰ روز دیگر هم بیمار به کمک دستگاه‌های تنفس مصنوعی زنده بود و سپس بر اثر یک عارضه ثانوی ریوی یا قلبی به شهادت می‌رسید. این مرگ تدریجی به همراه تورم و تغییر رنگ پوست صورت، چهره بیمار را غیرقابل تشخیص می‌نمود و لذا بستگان و نیز کادر پزشکی و پرستاری رنج روحی شدیدی را تا زمان شهادت مصدوم تحمل می‌نمودند. اعضای یک خانواده که منزلشان در ۵ متری محل اصابت بمب بود (خانواده شهید اسدزاده) شامل سه پسر ۴، ۱۴ و ۱۶ ساله و نیز سه دختر ۷، ۱۸ و ۲۲ ساله و پدر و مادر آنها در مدت ۱۰ روز به تدریج به شهادت رسیدند. تنها بازمانده این خانواده، پسری بود که در زمان حادثه در کرمان خدمت سربازی را می‌گذرانید. [۲۵۳] .

[صفحه ۱۵۹]

گزارش دوم: در تاریخ ۷ / ۴ / ۱۳۶۶، ساعت ۱۶: ۴۵ عراق، شهر سردشت و حومه‌ی آن را هدف حمله شیمیایی قرار داد. هنگام حمله، باد ملایمی به سرعت ۱۰ تا ۱۵ کیلومتر بر ساعت از جهت جنوب غربی به سمت شمال شرقی می‌وزید. در این حمله ۹ عدد بمب به شهر اصابت کرد که ۳ عدد آنها در بیابان افتاد و غیرمؤثر بود. ولی شش بمب دیگر به شهر اصابت نمود.

در هنگام حمله، هواپیماها حدود ۴ تا ۱۰ دقیقه مانور کردند و وحشت شدیدی ایجاد نمودند. این شیوه را عراقی‌ها معمولا در بمباران‌های شیمیایی به کار می‌برند.

چند دقیقه پس از بمباران تیم‌های مختلف رفع آلودگی از تیپ‌ها و لشکرهای مختلف به شهر آمدند. سرعت عمل آنها بسیار خوب بود. لیکن تجمع آنها زیاد بود و همین موجب کندی کار شده بود. وقتی که تک دشمن انجام گرفت، یکی از ماشین‌های ذوالجناح ۲ که در شهر مشغول گشت زنی بود، خود را به سرعت بر چاله‌ی پشت فرمانداری رساند و اقدام به خنثی‌سازی عامل شیمیایی نمود. دمای هوا ۲۰ – ۲۵ درجه سانتی گراد بود.

قبلا عراقی‌ها در جنوب از بمب‌هایی استفاده می‌نمودند که قدرت تخریبی

[صفحه ۱۶۰]

کمی داشت و احتمالا با ترکیدن پوسته‌ی آنها، مواد شیمیایی در فضا پخش می‌شد. ولی در تک شیمیایی به سردشت از بمب‌هایی استفاده کردند که دارای قدرت تخریبی زیادی بود. به عنوان مثال بمب‌هایی که در زمین‌های کشاورزی و دیگر نقاطی که دارای زمین سخت‌تری بودند، اصابت کرده بود، همگی به شکل چاله‌های انفجاری درآمده بودند. قدرت انفجاری آنها به حدی بود که تکه سنگ‌ها و گل‌های فشرده که کاملا- بوی عامل خردل از آنها استشمام می‌گردید تا فاصله‌ی حدود ۱۰۰ متری پرتاب شده بودند.

البته بدنه‌ی بعضی از چاله‌ها تخریب شده بود و به درون چاله ریخته بود، طوری که خنثی‌سازی عامل را مشکل می‌ساخت.

از این چاله‌ها گرد و خاک آلوده‌ی زیادی به اطراف پراکنده شده بود که هنگام بازدید از زمین‌های کشاورزی و خانه‌های مسکونی آلوده مشاهده گردید.

[صفحه ۱۶۱]

بمب دیگر در ۵ متری ساختمان فرمانداری اصابت کرده بود. دیوار این ساختمان از سنگ و سیمان به ارتفاع ۱ متر و ضخامت ۰/۴ متر بود که دو متر از آن تخریب شده بود. ترکش‌های بمب مذکور به دیوارهای داخلی اطاق‌های ساختمان روبه‌رو برخورد کرده بود که بعضی از آنها ۱۰ تا ۱۵ سانتی‌متر در سطح دیوار فرورفته بود. این مطلب بیانگر آن است که بخشی از این بمب‌ها دارای خرج انفجاری بوده است. نتایج این بررسی به شرح زیر است:

۱ - تعداد کل مصدومین ۵۰۰۰ نفر و تعداد شهدا تا زمان تهیه گزارش ۸۰ نفر بوده‌اند.

۲ - ۵۰ درصد کل مصدومین زنان، کودکان و سالخوردگان هستند و ۵۰ درصد دیگر مردان نظامی و غیرنظامی‌اند که شدت مصدومیت غیرنظامیان بیشتر از نظامیان است.

۳ - شعاع تقریبی منطقه آلوده حدود یک کیلومتر از کانون انفجار بوده است.

۴ - شعاع تقریبی آلودگی کشنده از صفر تا ۵۰ متر می‌باشد.

[صفحه ۱۶۲]

۵ - مدت اقامت شهدا در منطقه آلوده بیش از یک ساعت بوده است.

۶ - بیشتر شهدا در مکان‌های بسیار نزدیک (۵۰ تا ۱۰۰ متری) به محل انفجار بوده‌اند.

۷ - عده زیادی از مصدومین از مناطق غیرآلوده به محل آلوده آمده بودند.

۸ - تعدادی از شهدا به دلیل عدم خروج از منازلشان دچار مسمومیت شدید و مرگ شده بودند. در یک مورد افراد یک خانواده پس از نیم ساعت هنوز در زیرزمین خانه خود مانده بودند.

۹ - هر چند که به تصور عراقی‌ها تعداد زیادی نیروی رزمنده در شهر سردشت مستقر شده بودند و سردشت به عنوان عقبه

رزمندگان اسلام مورد حمله واقع شد، ولی تعداد مصدومین و شهدای افراد نظامی بسیار کم بوده است. [۲۵۴] .

گزارش سوم: طبق تلفنگرامی به واحد «ش. م. ر» [۲۵۵] ستاد کل و دریافت خبر تحریک شدن افراد ثابت سازمان ملل در تهران برای مشاهده این جنایت در سردشت، قرار بر آن شد که ما (رنجبران و حسین‌زاده) نیز به منظور نظارت، در معیت گروه و از نزدیک شاهد قضایا باشیم. در این سفر دو نفر از وزارت امور خارجه آقای طباطبایی، مسئول برنامه‌های گروه و آقای ابوالحسنی مترجم، دو نفر از سازمان ملل که نام یکی آقای هالفین بود و آقای کردان نماینده ستاد تبلیغات جنگ بودند. پس از ورود به سردشت با دو نفر از پرسنل پدافند ش. م. ر، آقایان صبور و مسئول آنها آقای علیخانی روبه‌رو شدیم.

پس از حضور در محل اصابت اولین بمب، مردم باقی مانده در شهر از طرف به سوی هیئت اعزامی گرد آمده و همراه با دیگر برادران نظامی جمعیتی انبوه را تشکیل دادند به طوری که جمعیت بسیار که از گوشه و کنار آن صحبت‌ها و شعارهای فردی داده می‌شد که همه نشانه‌ی انزجار و تنفر از سازمان‌های بین‌المللی بود، سبب شد که نماینده سازمان ملل به این

[صفحه ۱۶۳]

وضعیت اعتراض کرده و تکمیل بازدید خود را مشروط به خلوت شدن و وجود آرامش قلمداد نماید. تذکرات مکرر برادران به مردم هیچ گونه اثری نداشت و سبب شد که گروه تصمیم به بازگشت بگیرد تا در فرصتی مناسب‌تر بازدید را تکمیل نماید. در پی این تصمیم افراد به خودروها بازگشتند و به طرف منزل فرماندار حرکت کردند. نماینده سازمان ملل از رفتن به منزل فرماندار استقبال کرد؛ چون می‌توانست فرم‌های مخصوصی را که جهت ثبت و گردآوری اطلاعات مورد نیاز تهیه کرده بود، پر نماید. از طرفی آنها نظریات نماینده دولت را بر دیگران ترجیح می‌دادند. پس از اقامت در منزل فرماندار مردم که خواهان بازگویی نظراتشان بودند در بیرون منزل اجتماع کردند، به همین دلیل فرماندار تصمیم گرفت نمایندگانی از آنها را به نیابت از مردم سردشت فرابخواند. سخنان نمایندگان مردم همه حاکی از انزجار از واقعه حمله شیمیایی بود. طبق اظهارات فرماندار حمله در روز یکشنبه ۷ / ۴ / ۶۶ در ساعت ۴ تا ۵ / ۴ بعد از ظهر انجام گرفت و محل اصابت بمب‌ها در مرکز شهر و در دایره به شعاع حداکثر یکصد متر قرار دارد. زمان حمله کمی پس از باز شدن دکان‌ها و هنگام آمد و شد و شلوغی شهر بوده است. طبق آمار داده شده، تعداد ۴ کودک، ۱۰ زن و ۲۳ مرد تا آن زمان شهید و دفن شده بودند و تعداد دیگری نیز در شهرهای دیگر که محل درمانشان بود، شهید شده، بودند. تعداد مصدومین حدودا ۳۰۰۰ نفر بوده است که تعدادی به طور سرپایی درمان شده و مابقی را به ۹ شهر دیگر مانند تبریز، تهران، مشهد، اصفهان و... برای معالجه فرستاده‌اند، طبق اظهارات ایشان هنوز روزانه ۱۰ تا ۱۵ نفر که به طور خفیف مصدوم شده‌اند به درمانگاه شهر مراجعه می‌نمایند.

پس از تکمیل سؤالات و همچنین آماده شدن مکان‌های بمباران شده، هیئت مجددا به محل‌های بمباران مراجعه کرده و عکس‌ها و اطلاعات مورد نیاز را ثبت نمود.

محل‌های بمباران شده توسط افراد پدافند شیمیایی، با طناب و تابلوهای مخصوص علامت‌گذاری شده بود. بوی خردل که مشابه بوی سیر بود، در

[صفحه ۱۶۴]

محل اصابت به خوبی احساس می‌شد. در یک مورد بنا به تقاضای نماینده سازمان ملل از خاک محل و همچنین تکه‌هایی از پوسته

بمب‌ها نمونه‌برداری شد. پس از اتمام بازدید، افراد به محل اقامت فرماندار بازگشتند. در آنجا نماینده سازمان ملل ضمن صحبت‌هایش نظر شفاهی خود را مبنی بر اینکه در این شهر حمله شیمیایی صورت گرفته است، ابراز نمود. همچنین طبق قرار قبلی برای مشاهده چند تن از مصدومین که در یکی از بیمارستان‌های تبریز بستری بودند با هلی‌کوپتر به تبریز رفتیم. مصدومین ملاقات شده چند زن و عموما مردان جوان بودند. از نظر ما نشان دادن این مردان غیرنظامی ممکن بود تا حدودی نماینده سازمان ملل را به تردید وادارد، ولی بافت هیئت اعزامی کلا خوب (صادق) به نظر می‌آمد.

[صفحه ۱۶۵]

به نظر ما با توجه به آمار ارائه شده، حمله به شهرها می‌تواند دارای ابعاد بسیار خطرناکی باشد. این حملات ممکن است ارزش مستقیم نظامی دربر نداشته باشند اما با توجه به مشاهدات ما موجب ایجاد آثار و ضایعات مهلک انسانی و تأثیرات سیاسی و اجتماعی می‌باشد. برای مثال در سردشت گروهک‌ها به سوء استفاده تبلیغاتی و سیاسی از این مسئله مبادرت کردند و با توجه به عدم آگاهی مردم از نحوه حملات شیمیایی دشمن و آثار آن، شایعات مختلفی را منتشر نمودند. اساسا حجم تبلیغات نسبت به این حمله و ابعاد فاجعه بسیار ناچیز است و در این جهت باید فعالیت گسترده‌تری صورت گیرد.

در این گزارش جا داشت به موارد زیر توجه بیشتری شود:

روحیه مردم و اعتراض آنها به کمبود دارو و درمان، اوضاع اردوگاه‌ها، سؤالات نماینده سازمان ملل از فرماندار، اظهارنظر نماینده سازمان ملل در مورد بازدید از منطقه آلوده، ضعف فیلمبرداری سردشت و بررسی برخورد مسئولان وزارت خارجه با مسئله. [۲۵۶] .

[صفحه ۱۶۶]

یادی از بمباران شیمیایی حلبچه

رژیم عراق در طول جنگ بارها از سلاح شیمیای برضد رزمندگان اسلام و در مواردی

علیه مناطق و افراد غیرنظامی ایران استفاده کرده بود، اما تصور اینکه از این سلاح برضد مردم عراق استفاده کند، بعید به نظر می‌رسید، لیکن چنین فاجعه‌ای نیز رخ داد. در روز ۲۶ / ۱۲ / ۱۳۶۶ هواپیماهای عراقی با بمباران شیمیایی منطقه حلبچه عراق هزاران تن از زنان، کودکان و مردان این منطقه را کشتند یا مصدوم و آواره کردند. جنایتی که به شهادت حدود ۵۰۰۰ تن از مردم کرد عراق انجامید و افکار عمومی جهان و جامعه بین‌المللی را جریحه‌دار کرد و سازمان ملل را وادار به واکنش نمود. چون این موضوع خارج از بحث کتاب حاضر (رفتار عراق در برابر ایران) است به همین یادآوری بسنده می‌شود.

اعتراف عراق به کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ با ایران

مقام‌های عراق، که از پشتیبانی ابرقدرت‌های شرق و غرب، اغلب کشورهای

اروپایی و عرب، به ویژه کشورهای ثروتمند حاشیه‌ی خلیج فارس برخوردار بودند، از تهدید برای به کارگیری سلاح‌های شیمیایی یا حتی اقرار به کاربرد آن هیچ واهمه‌ای نداشتند. سند فوق سری نیروی هوایی عراق درباره استفاده‌ی مکرر و گسترده‌ی رژیم عراق از سلاح‌های مرگبار شیمیایی در جنگ با ایران، که از سال ۱۳۷۷ تاکنون به جنجالی میان بغداد و سازمان ملل تبدیل شده، از به

کارگیری شش هزار بمب شیمیایی علیه نیروهای ایرانی پرده برداشت. رادیو آزاد عراق، که از اروپا برنامه پخش می کند، اعلام کرد تنها در یکی از اسناد ضمیمه شده‌ی عراق معروف به سند نیروی هوایی، راز شش هزار بمب شیمیایی مفقود شده فاش شد. «هانس بلیکس»، رئیس بازرسان خلع سلاح عراق، خواستار توضیح درباره سرنوشت شش هزار بمب شیمیایی مندرج در یک سند شد و رژیم عراق با ارائه مدارک ضمیمه نشان داد این بمب‌ها در جریان جنگ با ایران استفاده

[صفحه ۱۶۷]

شده‌اند. وزن هر یک از این بمب‌های جنجال‌آفرین، ۲۵۰ و ۵۰۰ کیلوگرم است. در سال ۱۳۷۷، یک بازرس عضو «آنسکام» سند مزبور را در جریان بازدید از مراکز فرماندهی نیروی هوایی عراق کشف کرده بود، اما دولت عراق بلافاصله آن را از وی پس گرفت که جنجال بر سر مندرجات آن از جمله سرنوشت شش هزار بمب شیمیایی همچنان، ادامه دارد. [۲۵۷] .

«طارق عزیز»، معاون نخست‌وزیر عراق، در مصاحبه با تلویزیون سراسری سوئد با اعتراف به استفاده‌ی بغداد از سلاح شیمیایی در جریان هشت سال جنگ با ایران، ادعا کرد که عراق به استفاده از این نوع تسلیحات مجبور شد و در ادامه افزود: استفاده‌ی عراق از سلاح‌های شیمیایی برای دفاع از خود بود! طارق عزیز در سال ۱۳۷۷ نیز با رد به کارگیری تسلیحاتی شیمیایی در جنگ کویت گفت: «ما برخلاف جنگ قبلی (جنگ با ایران) در جنگ با کویت از این سلاح استفاده نکردیم.» [۲۵۸] .

سپهبد ستاد «ماهر عبدالرشید»، از مشهورترین افسران ارتش عراق در جنگ با ایران، پاسخ به پرسش خبرنگار روزنامه‌ی واشنگتن پست درباره استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی اظهار کرد:

[صفحه ۱۶۸]

«هنگامی که شما با حشرات روبه‌رو می‌شوید، آنها را با حشره‌کش از بین می‌برید.» [۲۵۹] .

در واقع، وی نیروهای ایرانی را حشراتی می‌دانست که باید با سلاح شیمیایی از بین بروند. این افسر به دلیل خویشاوندی با صدام دستش برای انجام هر جنایتی باز بود. ژنرال «هشام صباح الفخری»، فرمانده وقت سپاه سوم عراق، نیز در سال ۱۳۶۳ در مصاحبه با خبرنگاران اظهار کرد که کشورش حق استفاده از سلاح شیمیایی را برای خود محفوظ نگه می‌دارد. [۲۶۰] .

به همین دلیل، عراق به یادداشت دبیر کل سازمان ملل متحد مورخ ۲۹ ژوئن ۱۹۸۴ (۸ تیر ۱۳۶۳)، که از رؤسای جمهوری اسلامی ایران و عراق، خواسته بود تا تعهد خود را به عدم کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ اعلام کنند، هیچ پاسخی نداد و دبیر کل طی سخنانی در شورای امنیت اعلام کرد که نتوانسته است از عراق در مورد عدم استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ با ایران تعهد بگیرد. جالب آنکه سفیر عراق در امریکا ضمن رد استفاده از سلاح‌های شیمیایی، امکان استفاده از این نوع سلاح‌ها را نیز مردود ندانست. [۲۶۱] پس از چند روز، سفیر عراق در سازمان ملل، با انگیزه‌ی خیرخواهانه‌ای اعلام کرد که انتقادهای بین‌المللی از عراق مبنی بر استعمال سلاح شیمیایی در جنگ، طولانی شدن جنگ را باعث می‌شود؛ زیرا، فشار بر ایران را برای پذیرش صلح کاهش می‌دهد. در همین زمینه، خبری، که از رادیو صوت الجماهیر بغداد پخش شد، با اشاره به ایرانی‌هایی که در آنجا بودند (اسیران)، اعلام کرد که عراق نوع معینی حشره‌کش ساخته است که می‌تواند هر نوع موجود زنده یا حشره‌ای را از بین ببرد. [۲۶۲] .

همچنین در سپتامبر ۱۹۸۳) شهریور ۱۳۶۲) عراق به ایران هشدار داد که ممکن است به طور گسترده‌ای، از گاز سمی استفاده کند. سرفرماندهی ارتش عراق در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «ما به سلاح‌های مدرنی مسلح شده‌ایم که

[صفحه ۱۶۹]

ممکن است برای نخستین بار، از آن در جنگ استفاده کنیم که در عملیات‌های پیشین به دلایل انسان‌دوستانه از آن استفاده نکردیم. اگر شما دستورهای رژیم[امام]خمینی را اجرا کنید... مرگ حتی در انتظارتان خواهد بود؛ زیرا این بار از سلاحی استفاده خواهیم کرد که می‌تواند هر جنبنده‌ای را نابود کند.» [۲۶۳] باید یادآور شد که اخطار مزبور مصادف با عملیات والفجر ۲ در جولای ۱۹۸۳ (۱۳۶۲ / ۴ / ۲۹) و عملیات پنجوین در اکتبر همان سال (مهر ۱۳۶۲) بود که عراق به طور وسیعی، علیه نظامیان ایرانی از سلاح مرگبار شیمیایی استفاده کرد. [۲۶۴] .

پس از این مرحله، مقامات عراقی به تدریج و بارها به استفاده از سلاح‌های شیمیایی اعتراف کردند. مجله «الحربه»، ارگان «جبهه‌ی دموکراتیک برای آزادی فلسطین» چاپ لبنان، فاش کرد که صدام در ملاقاتی با وزیران خارجه عرب - که برای برگزاری جلسه‌ای در بغداد به سر می‌بردند - گفته است که در جنگ، از سلاح‌های شیمیایی، استفاده جزئی کرده است. [۲۶۵] .

همچنین، وزیر امور خارجه‌ی وقت عراق در کنفرانسی مطبوعاتی در بن، در پاسخ به پرسشی، آشکارا ابراز کرد که دولت وی از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده و خواهد کرد. جالب توجه اینکه طارق عزیز در سال ۱۳۶۷ ضمن اعتراف به استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ با ایران، با اشاره به اتهام‌های وارد شده به عراق، درباره کاربرد جنگ‌افزارهای شیمیایی، کشورهای اروپایی را که از بغداد انتقاد کرده بودند، سرزنش و اظهار کرد که کشورهای اروپایی، خود، سلاح‌های شیمیایی را در اختیار کشورهای جهان سوم قرار می‌دهند، اما هنگام استفاده از این سلاح‌ها، بر سر قربانیان آن اشک تمساح می‌ریزند. [۲۶۶] .

این موضوع، با به اسارت درآمدن خلبانان هواپیماهای ساقط شده‌ی عراقی نیز تأیید شد. سرگرد خلبان، ریاض یعقوب و ستوان یکم، ثامر حمید، اعتراف کردند که با هواپیماهای سوخوی ۲۲ بمب شیمیایی (ساخت عراق) را حمل و در منطقه حاج عمران فروریخته‌اند (۱۲ / ۹ / ۱۳۶۳). [۲۶۷] .

[صفحه ۱۷۰]

«نزار حمدون» معاون موقت وزیر امور خارجه عراق، در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در بغداد گفت: نیروهای عراقی طی جنگ علیه نیروهای ایرانی، که مانند امواج خروشان عراق را هدف حمله قرار داده بودند، افزون بر سلاح‌های کلاسیک، از سلاح‌های شیمیایی نیز استفاده کرده‌اند. وی مدعی شد که عراق در داخل خاک ایران، از سلاح‌های شیمیایی استفاده نکرده است. [۲۶۸] .

اظهارات سرلشکر ستاد «وفیق السامرایی»، مدیر بخش اطلاعات نظامی ایران در استخبارات مرکزی ارتش عراق، سخنان نزار حمدون را نقض کرد. السامرایی به صراحت گفت: براساس اعلام آمار سری، ۴۵ هزار نفر از نیروهای ایرانی با سلاح‌های شیمیایی عراق مصدوم شده بودند، این مسئله روند پیشروی ایرانی‌ها در محور غربی و شمالی، به ویژه به طرف «ام‌القصر» برای قطع جاده‌ی ارتباطی با کویت و اشغال پایگاه دریایی ام‌القصر را تحت تأثیر خود قرار داده بود. [۲۶۹] .

براساس اطلاعات موجود، تعداد بسیاری از مصدومان در داخل خاک ایران (خرمشهر، جفیر، طلائیه، شلمچه...) با بمباران‌های هوایی و شلیک گلوله‌های شیمیایی مجروح شده بودند. اسیران عراقی در ایران بارها، از جمله در مصاحبه با هیئت اعزامی سازمان ملل به تهران اعتراف کردند که عراق علیه نیروهای ایرانی از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده است. یکی از این اسیران می‌گوید: «از حمله‌ی نیروهای شما به جزیره مجنون کلافه شده بودیم، نیروهای سپاه ما را دیوانه کرده بودند، این مسئله را فرماندهان عالی‌رتبه

می‌دانستند، بالاخره، با استفاده از بمب‌های شیمیایی توانستیم نیروهای شما را به عقب‌نشینی وادار کنیم.» [۲۷۰] .
سرهنگ دوم ولید الوان حمادی، رئیس ستاد تیپ ۵۹ عراق، که در منطقه عملیاتی کربلای ۵ اسیر شد، اعتراف کرد که رژیم عراق بارها علیه نیروهای ایران از بمب‌ها و گلوله‌های شیمیایی بهره برده است. همچنین، یک رادیوی مخالف رژیم عراق اعلام کرد: «سازمان بهداشت جهانی در گزارش تازه‌ای به

[صفحه ۱۷۱]

استفاده‌ی عراق از سلاح شیمیایی در جریان جنگ تحمیلی علیه نیروهای ایرانی اعتراف کرده است.» رادیو صدای عراق، که از عربستان برنامه پخش می‌کند، نیز گفت: «سازمان بهداشت جهانی در گزارش خود، عراق را به کاربرد گاز مرگ‌آور خردل و گاز شیمیایی «انتراکس» متهم کرده است.» [۲۷۱] .
در دوران جنگ ایران و عراق، رژیم بغداد به طور مکرر از این سلاح استفاده کرد. فرماندهان عالی‌رتبه‌ی عراقی و دیگر مسئولان این کشور از اعتراف به این عمل ضدبشری خود واهمه‌ای نداشتند. «صباح الفکری»، فرمانده‌ی نیروهای عراقی در شرق دجله، در مصاحبه‌ای با نشریه‌ی «تایم» اظهار کرد: «در نظر نداریم با گل و عطر از مهاجم پذیرایی کنیم. ما از تمامی وسایل موجود برای دفاع استفاده می‌کنیم.» [۲۷۲] .
همچنین، ستوان «کاظم دوغیر» افسر کارشناس سلاح‌های شیمیایی عراق، که در منطقه‌ی عملیات کربلای ۵ به اسارت درآمد، گفت: عراق افزون بر هواپیما، از توپ‌های ۱۵۵ و ۱۷۵ میلی‌متری برای شلیک گلوله‌های شیمیایی استفاده می‌کند. [۲۷۳] .
کاربرد سلاح‌های شیمیایی، که مقامات عالی‌رتبه‌ی نظامی و سیاسی رژیم عراق خود، بدان معترف‌اند و صحت گزارش‌های اجرای این اعمال وحشیانه که برای دولت‌های جهان محرز است، نقض تمام موازین بین‌الملل بشردوستانه می‌باشد. مؤسسه تحقیقاتی مصر نیز اخیرا در گزارشی با بیان اینکه عراق با اطلاع و حمایت امریکا جنگ شیمیایی علیه ایران را به راه انداخت، اضافه کرده است: تحقیقات صحنه‌های نبرد دو کشور نشان می‌دهد که به کارگیری تسلیحات کشتار جمعی عراق علیه ایران هیچ نیازی نبوده است. [۲۷۴] .

مواضع مقامات و رسانه‌های غربی

مقامات امریکایی که خود را پرچمدار دفاع از حقوق بشر قلمداد می‌کنند،
اطلاعات دقیقی از استفاده رژیم عراق از سلاح‌های مرگبار شیمیایی داشتند،

[صفحه ۱۷۲]

آنها به دلیل منافع نامشروع‌شان قتل‌عام نظامیان و غیرنظامیان ایرانی با سلاح‌های شیمیایی را شاهد بودند، اما هیچ واکنشی از خود نشان ندادند؛ زیرا این سلاح‌ها را خود و متحدانش در اختیار رژیم عراق می‌گذاشتند. رادیو کلن در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۶۹ گفت: «عراق برای مقابله با نیروهای هر کشوری که در مقابل تجاوز ارتشش قد علم کند، به بمب‌های شیمیایی خود متکی است و در جنگ با ایران، از این بمب‌ها استفاده کرد و حتی شهر کردنشین حلبچه که جزء خود عراق است، هدف بمباران شیمیایی قرار گرفت.» [۲۷۵] .

در سال ۱۹۸۲، روزنامه‌ی «واشنگتن پست» به نقل از «هاگ» سخنگوی وزارت خارجه‌ی امریکا نوشت: «اتهام‌های ایران مبنی بر اینکه عراق در جنگ از گاز سمی استفاده می‌کند، تا حدی معتبر است.» هاگ اضافه کرد: «جنگ ایران و عراق، تأکید بر این امر است که فورا باید برای منع تولید سلاح‌های شیمیایی قراردادهای بین‌المللی وضع شود.» [۲۷۶] .

سال بعد، ایالات متحده‌ی امریکا در کنفرانس خلع سلاح سازمان ملل، عراق را متهم کرد که در جنگ با ایران، از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده است. نماینده‌ی امریکا در کنفرانس خلع سلاح در ژنو گفت: «وظیفه‌ی تأسف‌آوری که بر عهده دارد، این است که باید گزارش کند شواهد موجود، استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی را ثابت کرده است.» [۲۷۷] .

همچنین، سناتور «سام نان» نماینده‌ی دموکراتیک ایالت جورجیا، اظهار کرد: «یکی از اشتباهات ما در گذشته این بود که صدام حسین از گازهای شیمیایی علیه ایرانیان و به دنبال آن علیه مردم خود استفاده کرد و ما این اقدام عراق را محکوم نکردیم.» [۲۷۸] .

اظهارات این سناتور امریکایی این مطلب را تأیید می‌کند که در جریان جنگ تحمیلی، هر چه جمهوری اسلامی فریاد برمی‌آورد که رژیم عراق علیه نظامیان و غیرنظامیان ایرانی از انواع عناصر مرگبار شیمیایی استفاده می‌کند،

[صفحه ۱۷۳]

کشورهای جهان، به ویژه امریکا بدون هیچ گونه واکنشی، با بی‌تفاوتی از کنار آن می‌گذشتند. حتی هنگامی که رژیم عراق در حلبچه یک فاجعه عظیم بشری به بار آورد، چشمان خود را بر این جنابت هولناک بستند و تنها زمانی لب به سخن گشودند که منافع آنها طی جنگ عراق و کویت به خطر افتاد و حاضر شدند به جنایت‌های رژیم عراق اقرار کنند. در تأیید مظلومیت جمهوری اسلامی ایران و بی‌تفاوتی جهانیان در خصوص جنایت ضدانسانی رژیم صدام علیه شهروندان و نظامیان ایرانی، یادآوری این مطلب به نقل از رادیو امریکا بجا به نظر می‌رسد: «تا زمانی که تنها ایرانیان قربانی حمله‌های شیمیایی عراق بودند، چه در سازمان ملل متحد و چه در پایتخت‌های کشورهای بزرگ جهان، عزم و اراده سیاسی کافی برای محکوم کردن این گونه عملیات وجود نداشت...» [۲۷۹] .

«ریچارد مورفی» معاون سابق وزارت امور خارجه امریکا، نیز اظهار کرد: «در اواخر سال ۱۹۸۷ و اوایل سال ۱۹۸۸، نقطه‌ی عطف بزرگی در جنگ ایران و عراق رخ داد.» وی می‌گوید: «عراقی‌ها طی یک رشته حرکات نظامی کاملا تمرین شده، شبه جزیره فاو را که در سال ۱۹۸۶ از دست داده بودند، از ایرانی‌ها پس گرفتند و نیزارهای جنوبی ناحیه را تصرف کردند. مهارت عراقی‌ها در جنگ‌های زمینی با کاربرد جنگ‌افزارهای شیمیایی همراه بود و جنگ شیمیایی به عنوان حربه وحشت‌انگیزی بسیار مؤثر افتاد.»

همچنین آقای «جان افریز» رئیس مجلس نمایندگان کانادا، اقدام عراق در کاربرد سلاح‌های شیمیایی در مناطق نظامی و شهرهای ایران را محکوم کرد. «هانس دیتریش گنشر» وزیر امور خارجه وقت آلمان، با بی‌شرمی تمام در حالی که کشور متبوعش جزء مهم‌ترین تأمین کنندگان سلاح‌های شیمیایی برای رژیم عراق بود، اظهار کرد که عراق آغاز کننده‌ی جنگ و به کار گیرنده‌ی بمب‌های شیمیایی در جنگ ایران بوده است. [۲۸۰] .

«ماروین هایر» رئیس مرکز وزینتال، می‌گوید: «جهان باید بیش از همه

[صفحه ۱۷۴]

نگران توانایی تولید سلاح‌های شیمیایی، که چنین تجهیزاتی به عراق داده است، باشد. می‌دانیم که صدام حسین از سلاح‌های

شیمیایی علیه ایران در سال ۱۹۸۴ و علیه کردهای عراقی استفاده کرد...» [۲۸۱] .

در همین زمینه، «هیلی پیرو» نویسنده کتاب طولانی‌ترین جنگ، می‌گوید: «بدین ترتیب، هر سپاه ایرانی که موفق به درنوردیدن خطوط دفاعی عراقی‌ها می‌شد، خود را با آتش توپخانه و گازهای سمی روبه‌رو می‌دید. به گفته‌ی پیرو، وضع بدین ترتیب بود که هر عراده توپ چهار یا پنج گلوله معمولی یا متعارف داشت و بعد، پنجمین یا ششمین گلوله پر از یک گاز شیمیایی مثلا گاز ضداعصاب بود که وقتی به سوی واحدهای دشمن پرتاب و منفجر می‌شد، همه را از پای درمی‌آورد؛ زیرا این گاز بی‌درنگ عمل و دشمن را به کلی فلج می‌کند و به عقب‌نشینی وامی‌دارد. دیگر جنگ‌افزارهای شیمیایی، در مورد واحدهای بزرگ‌تر به کار می‌روند. برای نمونه، اگر یک یا چندین لشکر حمله کنند، عراقی‌ها از گاز خردل استفاده می‌کنند که بسیار کم اثر است و ۲۴ ساعت طول می‌کشد که به ریه‌ها برسد و اثر بگذارد. عراقی‌ها این بمب‌ها را پشت ارتش حمله کننده پرتاب می‌کنند و در جلو، بمب‌های گاز ضداعصاب را به کار می‌برند. ارتش حمله کننده عقب می‌نشیند تا بار دیگر صف‌آرایی کند و به حمله بپردازد، اما گستره‌ی گردهمایی آنها از گاز خردل که از ۲۴ تا ۴۸ ساعت در فضا می‌ماند، اشباع شده است. این گاز ریه‌ها را می‌سوزاند و از تنفس به طور عادی جلوگیری می‌کند و دشمن نمی‌تواند به مقابله بپردازد؛ تاکتیکی که عراقی در بهار و تابستان سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۸) به عنوان بخشی از حمله‌های خود علیه ایرانی‌ها به کار بردند.» [۲۸۲] .

در جریان جنگ، رسانه‌های خبری جهان، به ویژه کشورهای غربی خیلی کم به مسئله‌ی استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی پرداختند؛ بنابراین مواردی که بدان‌ها اشاره می‌شود، بیشتر پس از پایان جنگ ایران و عراق انتشار یافت که البته، آن هم به دلیل شرایط پدید آمده، به ویژه اشغال کویت به دست ارتش عراق بود.

[صفحه ۱۷۵]

همین سیاست‌های دوگانه‌ی کشورهای غربی و سکوت آنها بود که دست ارتش عراق را برای جنایت‌های بعدی بازگذاشت. رادیو لندن در این باره خبر داد: «مهم‌تر آنکه عراق از سلاح‌های با قدرت تخریبی وسیع، یعنی از موشک و گازهای سمی استفاده کرد و بیشتر این سلاح‌ها بود که به ماشین نظامی عراق اعتبار بخشید، نه نیروهای منظم ارتش. در مورد جنایت‌های رژیم صدام، کارشناسان قضایی کاخ سفید و وزارت امور خارجه امریکا مشغول جمع‌آوری مدارکی هستند که جنایت‌های صدام را به عنوان فرار از قانون بین‌المللی و جنایت در زمان جنگ به اثبات برسانند. از جمله جرم‌هایی که علیه صدام عنوان خواهد شد، عبارت است از گروگان گرفتن افراد بی‌گناه، رفتار ضدانسانی علیه غیرنظامیان، تجاوز آشکار به کشوری مستقل، استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ با ایران و علیه کردهای عراقی.» [۲۸۳] .

یک گزارش تحقیقاتی تلویزیونی در انگلیس در این باره می‌گوید: «چشم‌پوشی‌های امریکا و مجموعه کشورهای غربی در قبال استفاده‌ی عراق از سلاح‌های شیمیایی، به ویژه پس از فاجعه‌ی حلبچه، موجب شده است که امریکا به سیاست‌های عراق در زیر پا گذاشتن معاهده‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی مشروعیت ببخشد.» [۲۸۴] .

شبکه‌ی تلویزیونی «ای. بی. سی» امریکا در برنامه‌ای با نام «خطی روی شن» اعلام کرد: «در سال ۱۹۸۴، زمانی که سازمان ملل متحد تأیید کرد صدام حسین علیه ایرانی‌ها از گاز خردل استفاده کرده است، اعتراض اندکی در این مورد به عمل آمد و هیچ نوع تنبیهی بر آن تعیین نشد.» [۲۸۵] .

رادیو امریکا به نقل از روزنامه‌ی «نیویورک تایمز» چاپ امریکا در ۱۳ اوت ۱۹۹۰ ساعت ۲۱:۳۰ به مطلبی اشاره کرد که سیاست‌های شیطانی و استکباری ایالات متحده را آشکار می‌کند. این رادیو موضوع را چنین آغاز کرد:

[صفحه ۱۷۶]

«اکنون بسیاری از منتقدان و مقامات پیشین امریکا می‌گویند: سیاست دوگانه امریکا در برابر اقدام عراق به استفاده از گاز خردل و گازهای فلج کننده اعصاب علیه ایران، که نخست در سال ۱۹۸۴ گزارش شد و بمباران شهرهای ایران با موشک‌های بالستیک میان‌برد به گسترش این گونه جنگ افزارها منجر شده و امریکا را با یکی از دشوارترین مسائل در زمینه امنیت ملی روبه‌رو کرده است.» این رادیو افزود: «اشتباه ما این بود که در زمان اقدام عراق به استفاده از گازهای سمی و موشک‌های میان‌برد، برای اقدامی بین‌المللی علیه آن پافشاری نکردیم.» به نوشته‌ی نیویورک تایمز، دولت واشنگتن چنین استدلال می‌کرد که روابطش با بغداد به سود امریکاست؛ زیرا بیم آن می‌رفت که ایران، عراق را تار و مار کند.... این روزنامه می‌افزاید: دولت‌های ریگان و بوش از مجازات عراق به دلیل استفاده از گازهای زهرآگین علیه سربازان ایرانی در سال ۱۹۸۴ و شهروندان کرد عراقی در سال ۱۹۸۸ خودداری کردند... به گفته‌ی آرمیتاژ، مقام پیشین پنتاگون، انگیزه‌ی اصلی واشنگتن برای برقراری رابطه با عراق، ایران بود که پیروزی‌اش در جنگ برای امریکا پذیرفتنی نبود. با چنین برداشتی استفاده‌ی عراق از گازهای زهرآگین، با وجود ناهنجار بودن آن، دولت امریکا را به واکنش برنینگیخت. [۲۸۶] .

ایگور ایشتیل، خبرنگار لوموند بین‌المللی، می‌گوید: «عراق علیه اقلیت کرد در داخل عراق و علیه سربازان ایرانی از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده است.» [۲۸۷] .

در زمان جنگ، مطبوعات کشورهای غربی هم اشاره‌های اندکی به حقایق می‌کردند، اما حاضر نبودند جنایت‌های وحشیانه‌ی عراق را منتشر کنند؛ تنها پس از بمباران شیمیایی حلبچه بود که در سطح وسیعی این حادثه‌ی وحشتناک بشری را پوشش خبری دادند و در جریان آن، به جنایت‌های ارتش عراق در کاربرد سلاح‌های مرگ‌آور شیمیایی علیه نظامیان و غیرنظامیان ایرانی اعتراف کردند.

[صفحه ۱۷۷]

روزنامه‌ی فایننشال تایمز نیز نوشت: «کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۶۲ اظهار کرد معاینه‌ی سربازان مجروح شده ایرانی در جنگ با عراق نشان داد که آنها تحت تأثیر مواد شیمیایی‌ای که به رغم مفاد حقوق بین‌المللی بشردوستانه استفاده از آنها منع شده، مجروح شده‌اند. یک گروه صلیب سرخ طی چند روز از چندین بیمارستان در تهران بازدید کرد و با حدود ۱۶۰ سرباز مجروح ایرانی که به وسیله این سلاح‌ها مجروح شده‌اند، ملاقات نمود.» [۲۸۸] .

هفته‌نامه‌ی «ایل ستبو» چاپ ایتالیا نیز در این زمینه نوشت: «عراق، تنها با توسل به سلاح‌های شیمیایی توانست نیروهای ایرانی را به عقب‌نشینی وادار کند. طی جنگ ایران و عراق، غرب بارها به کارگیری تسلیحات شیمیایی را از سوی رژیم عراق شاهد بود؛ اقدامی که کشتار مردم غیرنظامی را باعث شد، اما در تمامی این موارد، غرب چشمانش را بست.» [۲۸۹] .

همچنین مجله‌ی نیوزویک، چاپ امریکا، درباره استعمال سلاح‌های شیمیایی به دست ارتش عراق نوشت: «هر چند این صدام بود که جنگ علیه ایران را آغاز و برای نخستین بار، از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد، اما امریکا و تقریبا تمامی کشورهای غرب به دلیل خصومت خود با بنیادگرایی اسلامی حاکم بر ایران، این جنایت‌ها را کاملا نادیده گرفتند.» [۲۹۰] .

نویسنده‌ی آمریکایی، آنتونی. اچ. کردزمن، در کتاب «IRAQ And The War of Sanction» که در سال ۱۹۹۹، در امریکا چاپ شد، به کارگیری گسترده‌ی سلاح‌های شیمیایی را به دست عراقی‌ها، علیه غیرنظامیان و نظامیان، که بازرسان سازمان ملل

متحد آن را تأیید کردند و جهان با بی‌تفاوتی و بدون هیچ گونه واکنشی به سادگی از کنار آن گذشت، بررسی کرده است. وی در کتاب خود، به نقل از منابع اطلاعاتی ایالات متحده می‌نویسد که عراق از سلاح‌های شیمیایی در موارد زیر استفاده کرده است: [۲۹۱].

[صفحه ۱۷۸]

موارد استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی

منطقه هدف: سوسنگرد، نوع گاز: Cs - اشک‌آور، وسیله‌ی پرتاب: توپخانه، میزان تلفات: محدود، تاریخ وقوع: ژوئن ۱۹۸۲.

منطقه هدف: مندلی و بصره، نوع گاز: اشک‌آور و خردل، وسیله‌ی پرتاب: توپخانه و خمپاره، میزان تلفات: نامعلوم، تاریخ وقوع: جولای ۱۹۸۲.

منطقه هدف: جبهه جنوبی، نوع گاز: خردل، وسیله‌ی پرتاب: نامعلوم، میزان تلفات: نامعلوم، تاریخ وقوع: دسامبر ۱۹۸۲.

منطقه هدف: حاج عمران، نوع گاز: خردل، وسیله‌ی پرتاب: هواپیما، میزان تلفات: ۲۵ - ۱۰۰، تاریخ وقوع: اگوست ۱۹۸۳.

منطقه هدف: عمران - پیرانشهر، نوع گاز: خردل، وسیله‌ی پرتاب: بالگرد، میزان تلفات: نامعلوم، تاریخ وقوع: آگوست ۱۹۸۳.

منطقه هدف: پیرانشهر، نوع گاز: خردل، وسیله‌ی پرتاب: هواپیما و بالگرد، میزان تلفات: تلفات سنگین ۳۰۰۰ نفر، تاریخ وقوع: اکتبر ۱۹۸۳.

منطقه هدف: پنجوین، نوع گاز: اشک‌آور و خردل، وسیله‌ی پرتاب: هواپیما، میزان تلفات: تلفات سنگین ۲۵۰۰ نفر، تاریخ وقوع: فوریه و مارس ۱۹۸۴.

منطقه هدف: جزایر مجنون، نوع گاز: تابون و خردل، وسیله‌ی پرتاب: توپخانه، میزان تلفات: ۵۰ - ۱۰۰، تاریخ وقوع: مارس ۱۹۸۴.

منطقه هدف: بصره، نوع گاز: تابون و خردل، وسیله‌ی پرتاب: هواپیما و توپخانه، میزان تلفات: تلفات سنگین ۳۰۰۰ نفر، تاریخ وقوع: مارس ۱۹۸۵.

منطقه هدف: هورالهویزه، نوع گاز: اعصاب و خردل، وسیله‌ی پرتاب: هواپیما و توپخانه، میزان تلفات: تلفات سنگین ۸ تا ۱۰ هزار نفر، تاریخ وقوع: دسامبر ۱۹۸۶.

منطقه هدف: فاو، نوع گاز: خردل، وسیله‌ی پرتاب: هواپیما، میزان تلفات: تلفات سنگین ۱۰۰۰ نفر، تاریخ وقوع: دسامبر ۱۹۸۶.

منطقه هدف: ام‌الرصاص، نوع گاز: اعصاب و خردل، وسیله‌ی پرتاب: بمب، میزان تلفات: نامعلوم، تاریخ وقوع: فوریه ۱۹۸۷.

منطقه هدف: خرمشهر، نوع گاز: اعصاب و خردل، وسیله‌ی پرتاب: هواپیما و توپخانه، میزان تلفات: تلفات سنگین ۵۰۰۰ نفر، تاریخ وقوع: فوریه ۱۹۸۷.

منطقه هدف: بصره، نوع گاز: خردل، وسیله‌ی پرتاب: بمب، میزان تلفات: نامعلوم، تاریخ وقوع: آوریل ۱۹۸۷.

منطقه هدف: خرمشهر، نوع گاز: خردل، وسیله‌ی پرتاب: بمب، میزان تلفات: ۶۵۰ تا ۱۰۰۰ غیرنظامی، تاریخ وقوع: ژوئن و جولای ۱۹۸۷.

منطقه هدف: سردشت، نوع گاز: خردل و اعصاب، وسیله‌ی پرتاب: بمب، میزان تلفات: ۳۰۰۰ نفر، تاریخ وقوع: اکتبر ۱۹۸۷.

منطقه هدف: سومار و مهران، نوع گاز: خردل، سیانور، اعصاب، وسیله‌ی پرتاب: هواپیما و توپخانه، میزان تلفات: صدها شهروند عراقی، تاریخ وقوع: مارس ۱۹۸۸.

منطقه هدف: حلبچه، نوع گاز: اعصاب، وسیله‌ی پرتاب: هواپیما، میزان تلفات: تلفات سنگین، تاریخ وقوع: آوریل ۱۹۸۸.

منطقه هدف: فاو، نوع گاز: خردل، وسیله‌ی پرتاب: توپخانه، میزان تلفات: فشار شدید بر جبهه، تاریخ وقوع: آوریل ۱۹۸۸.
منطقه هدف: شرق بصره، نوع گاز: اعصاب و خردل، وسیله‌ی پرتاب: هواپیما، میزان تلفات: تلفات سنگین، تاریخ وقوع: می ۱۹۸۸.
منطقه هدف: مهران، نوع گاز: خردل، وسیله‌ی پرتاب: توپخانه، میزان تلفات: فشار بر جبهه، تاریخ وقوع: جولای ۱۹۸۸.
منطقه هدف: مهران، نوع گاز: اعصاب، وسیله‌ی پرتاب: هواپیما، میزان تلفات: تلفات سنگین، تاریخ وقوع: ژوئن ۱۹۸۸.
منطقه هدف: مجنون، نوع گاز: خردل، وسیله‌ی پرتاب: توپخانه، میزان تلفات: فشار شدید بر جبهه، تاریخ وقوع: جولای ۱۹۸۸.
منطقه هدف: دهلران، کردستان عراق، نوع گاز: اعصاب و خردل، وسیله‌ی پرتاب: هواپیما، میزان تلفات: علیه مردم و شورشیان کرد، تاریخ وقوع: اگوست ۱۹۸۸.

[صفحه ۱۷۹]

سازمان ملل متحد و کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه ایران

اشاره

در سال ۱۹۳۱، عراق پروتکل ۱۹۲۵ ژنو را در خصوص به کار نگرفتن سلاح‌های
شیمیایی و میکروبی در جنگ‌ها امضا کرد و مقررات کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو مبنی بر درخواست از کشورها برای توقف تولید، تکمیل و ذخیره‌سازی تمامی سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی و انهدام آنها و همچنین، قطعنامه‌ی شماره ۹۸ / ۳۷ سازمان ملل مبنی بر تأکید بر لزوم رعایت مفاد پروتکل ۱۹۲۵ و کنوانسیون ۱۹۷۲ ژنو را به همراه کشورهای عضو سازمان ملل متحد به رسمیت شناخت. عراق با پذیرش و تصویب کنوانسیون‌ها و مقررات بین‌المللی مربوط به سلاح‌های شیمیایی، رسما متعهد شد که از کاربرد این گونه سلاح‌ها خودداری کند، اما در عمل به شدیدترین شکل از سلاح‌های مرگبار شیمیایی به طور گسترده علیه نظامیان و مردم غیرنظامی ایران و عراق استفاده کرد و پس از تحمل شکست‌های پی‌درپی، به کاربرد گازهای سمی روی آورد. هر بار که ارتش عراق این سلاح مرگ‌آور را در جبهه‌های جنگ به کار می‌برد، جمهوری اسلامی مراتب را به دبیر کل سازمان ملل گزارش می‌داد. دبیر کل پس از بررسی موضوع، نتیجه گزارش خود را به شورای امنیت ارسال می‌کرد. موضع شورای امنیت پس از دریافت این گزارش‌ها به طور معمول چنین بود: ۱ - واکنش کافی و مناسبی در برابر نقض آشکار مقررات بین‌المللی نشان نمی‌داد به این ترتیب راه را برای تکرار این جنایت‌ها باز می‌گذاشت. ۲ - از کشور به کار گیرنده‌ی سلاح‌های شیمیایی (عراق) نامی نمی‌برد. ۳ - موضوع را با کل مسئله جنگ مرتبط می‌کرد. به عبارت دیگر، پروتکل ۱۹۲۵ خود بر موقعیت جنگی ناظر است و طبق آن، کشورهای دیگر مکلف‌اند از کاربرد سلاح‌های شیمیایی خودداری کنند، پس ارتباط دادن کاربرد سلاح‌های شیمیایی با کل مسئله جنگ نمی‌توانست منطبق با پروتکل ۱۹۲۵ باشد. [۲۹۲] .

[صفحه ۱۸۰]

بی‌گمان، چنانچه سازمان ملل متحد، شورای امنیت و مجامع حقوق بشری، فریاد مظلومانه‌ی قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی به دست عراق را جدی می‌گرفتند و وظایف خود را انجام می‌دادند و متأثر از سیاست‌های قدرت‌های جهانی از رژیم عراق

حمایت‌های ضمنی و غیرمستقیم نمی‌کردند، می‌توانستند از گسترش کاربرد عوامل شیمیایی، نه تنها در جبهه‌های جنگ، بلکه در شهرها و روستاها و علیه مردم بی‌دفاع شهر حلبچه، جلوگیری یا دست کم، آن را محدود کنند. متأسفانه، با نقض قوانین انسانی و حقوقی، جنایت‌هایی که نباید صورت می‌گرفت، انجام پذیرفت و مجرمان به هیچ وجه تنبیه نشدند. با توجه به مطالب یاد شده، به یقین می‌توان گفت که طی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به عنوان طولانی‌ترین جنگ‌های متعارف در دهه‌های اخیر، بی‌نظیرترین سلاح‌های متعارف و کشتار جمعی، با ابعاد وسیع و پیچیده به کار گرفته شدند. تمامی عوامل شیمیایی شناخته شده و حتی عوامل ناشناخته با سلاح‌های مدرن و تخصص‌های ویژه کارشناسان جنگ‌های شیمیایی، در اختیار رژیم ضدبشری عراق گذاشته شد تا از انجام دادن هیچ جنایتی خودداری نکند. مسئولیت حقوقی این اقدام‌ها، افزون بر سردمداران رژیم عراق، در بدو امر متوجه کشورهایی است که در این اقدام غیرانسانی و وحشیانه، رژیم صدام را یاری کردند [۲۹۳] و سپس متوجه سازمان ملل متحد و ارکان آن می‌باشد.

مواضع شورای امنیت

براساس منشور ملل متحد، شورای امنیت مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت
بین‌المللی را به عهده دارد (ماده ۲۴) و تمامی اعضای ملل متحد با این موضع موافق‌اند که تصمیم‌های شورای امنیت را طبق این منشور بپذیرند و اجرا کنند (ماده‌ی ۲۵). بر همین اساس، جمهوری اسلامی ایران به دنبال اقدام عراق در به کارگیری مکرر سلاح‌های شیمیایی علیه نظامیان و

[صفحه ۱۸۱]

غیرنظامیان، موضوع را به دبیر کل سازمان ملل گزارش می‌داد. همان طور که در گفتار قبل اشاره شد رژیم عراق از همان نخستین هفته‌های جنگ، سلاح‌های شیمیایی را علیه نظامیان به کار گرفت. در ۲۸ اکتبر ۱۹۸۳ (۶ آبان ۱۳۶۲)، ایران طی نامه‌ای رسمی به سازمان ملل، با اعلام اینکه عراق علیه نیروهای ایران سلاح‌های شیمیایی به کار برده است، تقاضا کرد که دبیر کل برای بررسی موضوع، گروه کارشناسی را اعزام کند. این تقاضا در ۳ نوامبر ۱۹۸۳ (۱۲ آبان ۱۳۶۲) نیز تکرار شد. حاصل کار اعزام گروه کارشناسی سازمان ملل متحد، تهیه‌ی گزارشی بود که به کارگیری سلاح‌های شیمیایی علیه ایران را تأیید می‌کرد. در پی آن شورای امنیت بیانیه‌ی ۳۰ مارس ۱۹۸۴ (۱۰ فروردین ۱۳۶۳) را صادر کرد که در آن به طور کلی کاربرد سلاح‌های شیمیایی را محکوم و بر لزوم احترام به پروتکل ۱۹۲۵ ژنو تأکید شده بود. در این بیانیه عراق به عنوان به کار گیرنده‌ی سلاح‌های شیمیایی محکوم نشد. ادامه‌ی استفاده‌ی عراق از سلاح‌های شیمیایی - به ویژه در عملیات بدر در اسفند ۱۳۶۲ و فروردین ۱۳۶۴ (مارس ۱۹۸۵) - سبب شد تا جمهوری اسلامی ایران از دبیر کل سازمان ملل متحد درخواست بررسی و تحقیق کند. دبیر کل، دکتر مانوئل دومینگوئز، یکی از چهار کارشناس قبلی را مأمور بازدید و معاینه‌ی مصدومان شیمیایی که در چند بیمارستان اروپا (بلژیک، آلمان غربی و انگلستان) بستری بودند، کرد. دکتر دومینگوئز از ۱ تا ۵ آوریل از مصدومان بازدید کرد و در تاریخ ۸ آوریل (۱۹ فروردین ۱۳۶۴) گزارش خود را به دبیر کل ارائه داد. در نتیجه‌گیری این گزارش آمده است. ۱ - سلاح‌های شیمیایی در طول ماه مارس (اسفند ۶۳ و فروردین ۶۴) در جنگ ایران و عراق به کار گرفته شده است. ۲ - از گاز ایپریت استفاده شده که به سربازان ایرانی صدمه زده است. ۳ - طبق اظهار بیشتر مصدومان، حمله با بمب‌هایی که از هواپیما رها شده، صورت گرفته است.

[صفحه ۱۸۲]

۴ – احتمال دارد که گاز هیدروسیانیک به تنهایی یا همراه با گاز ایپریت به کار رفته باشد.
دبیر کل گزارش مزبور را همراه با نامه‌ای خطاب به رئیس شورای امنیت به شورا تسلیم کرد. [۲۹۴] شورای امنیت در این باره در ۲۵ آوریل ۱۹۸۵ (۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۴)، بیانیه‌ای صادر کرد. بیانیه‌ی مزبور، با ابراز نگرانی از اینکه در جنگ ایران و عراق در ماه مارس ۱۹۸۵ سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایران به کار گرفته شده است، استفاده‌ی مکرر از سلاح‌های شیمیایی و استفاده‌ی احتمالی از آنها در آینده را قویا محکوم کرد و خواستار رعایت پروتکل ۱۹۲۵ و همه جنبه‌های حقوقی – انسانی در جنگ شد. [۲۹۵] در این بیانیه، به صراحت از عراق به عنوان به کار گیرنده‌ی سلاح شیمیایی یاد نشده است. هر چند در گزارش دکتر دومینگوئز به این امر اشاره شده و کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی را تصریح کرده است، اما باز هم حق این بود که به کاربرنده‌ی سلاح‌ها نیز معرفی می‌شد. همچنین بیانیه هیچ ضمانت اجرایی‌ای، به جز ابراز نگرانی، دربر ندارد. [۲۹۶] .
با آغاز عملیات والفجر ۸ در منطقه‌ی فاو در تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ (۹ فوریه ۱۹۸۶)، عراق بار دیگر سلاح‌های شیمیایی را به کار گرفت. جمهوری اسلامی ایران با اعلام این موضوع به دبیر کل سازمان ملل متحد، اعزام هیئت کارشناسی به منطقه را خواستار شد. دبیر کل هم هیئت کارشناسی به ایران فرستاد.
هیئت از ۲۶ فوریه تا ۳ مارس ۱۹۸۶ (۷ تا ۱۲ اسفند ۱۳۶۴) در ایران به سر برد، اما به منطقه عملیات عزیمت نکرد.
در نتیجه‌گیری گزارشی که این هیئت تهیه کرد، اعلام شد که هیئت از تعداد زیاد مصدومان و دامنه‌ی وسیع کاربرد سلاح‌های شیمیایی – به ویژه فوت یک مصدوم در حضور هیئت – به شدت تکان خورد و عمیقا نگران است که با وجود آنکه گزارش‌های سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵، کاربرد سلاح‌های شیمیایی را علیه نیروهای ایرانی تأیید کرده است، این کاربرد ادامه دارد؛ موضوعی که

[صفحه ۱۸۳]

آشکارا با پروتکل ۱۹۲۵ متناقض است. همچنین، هیئت از کاربرد گاز خردل (ایپریت) یقین پیدا کرد و به نحوه‌ی کاربرد آن نیز که از طریق پرتاب بمب از هواپیما بوده است، اذعان کرد. چند تن از سربازان عراقی، که خود قربانی سلاح‌های شیمیایی بودند، به هیئت صراحتا اظهار کردند که با بمب‌هایی که از هواپیماهای عراقی پرتاب شده است، مصدوم شده‌اند. در مقایسه با کاربرد سلاح‌های شیمیایی در سال ۱۹۸۴، این بار کاربرد آن وسیع‌تر بوده است و سرانجام اینکه:
الف) در موارد متعددی، نیروهای عراقی سلاح‌های شیمیایی را علیه نیروهای ایرانی به کار برده‌اند.
ب) گاز خردل عمده‌ترین عنصری است که در سلاح‌های شیمیایی به کار برده شده، هر چند در برخی از موارد گازهای اعصاب نیز به کار گرفته شده است.
دبیر کل ضمن ارائه‌ی گزارش هیئت، در تاریخ ۱۶ مارس ۱۹۸۶ (۲۵ اسفند ۱۳۶۴) به شورای امنیت اعلام کرد که نمی‌تواند از ابراز تأسف نسبت به اینکه طبق بررسی کارشناسان، سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی – در جریان حمله‌ی اخیر ایران به سرزمین عراق – به کار گرفته شده است، خودداری کند و کاربرد سلاح‌های شیمیایی را قویا محکوم می‌کند. در مورد حاضر، این سلاح‌ها برخلاف پروتکل ۱۹۲۵ علیه نیروهای ایرانی در منازعه‌ی ایران و عراق به کار گرفته شده است. [۲۹۷] .
شورای امنیت پس از رسیدگی به گزارش دبیر کل و هیئت اعزامی وی، بیانیه‌ای در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۸۶ (۱ فروردین ۱۳۶۵) صادر کرد که طی آن، آمده است:

«اعضای شورا عمیقا از نتیجه گیری متفق‌القول گزارش کارشناسان حاکی از اینکه سلاح‌های شیمیایی در موارد بسیاری، توسط نیروهای عراقی علیه نیروهای ایرانی و اخیرا، در جریان حمله‌ی ایران به داخل سرزمین عراق به کار گرفته شده است، نگران‌اند. اعضای شورا قویا، این کاربرد مداوم سلاح‌های شیمیایی را که با پروتکل ۱۹۲۵ ژنو مبنی بر ممنوعیت کاربرد سلاح‌های

[صفحه ۱۸۴]

شیمیایی در جنگ‌ها مغایر است، محکوم می‌نمایند.» در قسمت‌های دیگر این بیانیه، با اشاره به بیانیه‌های قبلی، رعایت پروتکل ۱۹۲۵ درخواست و ادامه‌ی جنگ محکوم شده است. در بیانیه‌ی مزبور، برای نخستین بار، عراق با ذکر نام (به عنوان به کار برنده‌ی سلاح‌های شیمیایی) مورد خطاب شورای امنیت قرار گرفته است و نیز ارتباط کاربرد سلاح‌های شیمیایی با کل مسئله‌ی جنگ ضعیف‌تر و کم‌رنگ‌تر شده است. ضمن آنکه از دیگر ایرادها نسبت به شورا، از جمله خودداری از صدور قطعنامه به جای بیانیه و نیز فقدان تمهیداتی، مانند ضوابط اجرایی بیانیه و تنبیه طرف خاطی (عراق) سخنی به میان نمی‌آید، و با تصریح حمله‌ی ایران به داخل سرزمین عراق و ذکر نام عراق به عنوان طرفی که قطعنامه‌ی ۵۸۲ را پذیرفته، سعی در دلجویی از عراق شده است. [۲۹۸] .

در مجموع، این بیانیه نشان دهنده‌ی عدم رعایت بی‌طرفی شورای امنیت در مخاصمه‌ی میان ایران و عراق است؛ هر چند که طرفداری از عراق در این بیانیه نسبت به بیانیه‌های قبل کم‌رنگ‌تر است.

همچنین به دنبال عملیات‌های نیروهای جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های غرب و جنوب در فروردین ۱۳۶۶، بار دیگر ارتش عراق سلاح‌های شیمیایی را در سطح وسیعی به کار گرفت. در پی آن ایران اعزام هیئت کارشناسی را از دبیر کل سازمان ملل خواستار شد و عراق نیز برای آنکه از ایران عقب نماند، با ادعای کاربرد سلاح‌های شیمیایی از طرف ایران، درخواست مشابهی کرد. هیئت کارشناسان از ۲۲ تا ۲۹ آوریل (۲ تا ۹ اردیبهشت ۱۳۶۶) در ایران به تحقیق پرداخت و از ۲۹ آوریل تا ۳ مه ۱۹۸۷ در عراق به سر برد. این بار نیز، هیئت اعزامی تأکید کرد که نیروهای عراقی بارها، از سلاح‌های شیمیایی، بمب‌های هوایی و به احتمال زیاد، راکت علیه غیرنظامیان و نظامیان استفاده کرده‌اند و از گاز خردل، دی‌کلرید و دی‌اتیل سولفید و در بعضی از موارد احتمالا عامل‌های عصبی استفاده شده است. در ضمن، در این گزارش به تعدادی از مصدومان عراقی که با سلاح‌های شیمیایی صدمه دیده‌اند، اشاره شده است.

[صفحه ۱۸۵]

دبیر کل گزارش مزبور را همراه با نامه‌ای در تاریخ ۸ مه به شورای امنیت تسلیم کرد. در این گزارش وی ضمن ابراز تأسف، از کاربرد سلاح‌های شیمیایی عمیقا ابراز نگرانی کرد. وی همچنین تصریح کرد که نیروهای عراقی مجددا از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای نظامی و غیرنظامی ایران استفاده کرده‌اند و نیروهای عراقی نیز به دلیل استفاده از عوامل شیمیایی جراحت‌هایی را متحمل شده‌اند. [۲۹۹] شورای امنیت در رسیدگی به گزارش هیئت و نامه‌ی دبیر کل در تاریخ ۱۴ مه ۱۹۸۷ (۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۶) بیانیه‌ای صادر کرد که در آن آمده است:

«اعضای شورا از نتیجه گیری به اتفاق آراء کارشناسان که سلاح‌های شیمیایی به طور مکرر توسط نیروهای عراقی علیه نیروهای ایرانی به کار رفته است و افراد غیرنظامی در ایران نیز از سلاح‌های شیمیایی مجروح شده‌اند و اینکه افراد نظامی عراق نیز از مواد شیمیایی جراحت‌هایی را متحمل شده‌اند [۳۰۰] ، عمیقا وحشت‌زده شده‌اند. آنان بار دیگر استفاده‌ی مکرر از سلاح‌های شیمیایی، را

که نقض آشکار پروتکل ۱۹۲۵ ژنو می‌باشد و در آن به کار رفتن سلاح‌های شیمیایی در جنگ صریحا منع شده است، قویا محکوم می‌کنند.» [۳۰۱] .

پیش از صدور بیانیه‌ی شورای امنیت، نماینده‌ی جمهوری اسلامی ایران هجده حلقه فیلم ویدئویی را که از برنامه‌ی پانورامای تلویزیون انگلستان، با عنوان «اسرار سامرا» تهیه شده و مؤید اثبات تولید و استفاده‌ی عراق از سلاح‌های شیمیایی بود، در اختیار این شورا گذاشت. [۳۰۲] .

پس از صدور بیانیه‌ی ۱۴ مه ۱۹۸۷ (۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۶)، استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی، همچنان ادامه یافت. در ۲۸ مارس ۱۹۸۸ (۸ فروردین ۱۳۶۷)، دبیر کل سازمان ملل متحد طی بیانیه‌ای اعلام کرد که در مورد

[صفحه ۱۸۶]

کاربرد سلاح‌های شیمیایی با رئیس کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در تماس است. در این بیانیه، دبیر کل ابراز کرد که با تأسف، شواهد بسیار فراوانی در مورد کاربرد سلاح‌های شیمیایی در چند روز گذشته از طرف نیروهای عراقی در دست دارد که ضایعات فراوانی از جمله به شهروندان غیرنظامی هر دو کشور ایران و عراق وارد کرده است. در این بیانیه افزوده شده که دبیر کل بارها به صراحت، کاربرد سلاح‌های شیمیایی را با هر بهانه‌ای ممنوع اعلام کرده است. [۳۰۳] .

در تاریخ‌های ۱۷ و ۱۹ مارس ۱۹۸۸ (۲۷ و ۲۹ اسفند ۱۳۶۶)، جمهوری اسلامی ایران با فرستادن چهار نامه به دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد که عراق در منطقه‌ی عملیاتی والفجر ۱۰، مناطق اطراف ایوان و حتی مناطق کردنشین عراق و شهر حلبچه نیز سلاح‌های شیمیایی به کار برده است. [۳۰۴] بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران اعزام هیئت کارشناسی برای بررسی این موضوع را خواستار شد. [۳۰۵] .

به دنبال درخواست‌های مکرر ایران، دبیر کل در تاریخ ۲۵ مارس، دکتر دومینگوئز، کارشناس پزشکی برگزیده‌ی خود را که در تمامی بازدیدهای پیشین شرکت داشت، به ایران فرستاد. وی افزون بر ایران، از عراق نیز بازدید و گزارش خود را مبنی بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه نظامیان و غیرنظامیان ایرانی و همچنین، نظامیان عراقی، به شرح زیر به دبیر کل تسلیم کرد:

۱ - براساس بررسی‌های کلینیکی که در جمهوری اسلامی ایران به عمل آوردم، بدین نتیجه‌ی قطعی رسیدم، بیمارانی که تعداد درخور توجهی از آنان غیرنظامی نیز بودند، با سلاح‌های شیمیایی مصدوم شده‌اند.

۲ - عامل اصلی مخرب شیمیایی به کار برده شده، ایپریت (گاز خردل) بود، ضمن آنکه از عنصر غالب استیلوکولین استریس نیز استفاده شده بود.

۳ - براساس بررسی‌های کلینیکی در عراق، مشاهده شد که تمامی بیمارانی که با سلاح‌های شیمیایی مصدوم شده‌اند، نظامی بودند.

۴ - سلاح مخرب شیمیایی استفاده شده در این موارد، گاز خردل (ایپریت) بود

[صفحه ۱۸۷]

و همچنین شواهدی دال بر استفاده‌ی احتمالی از عنصر غالب استیلوکولین در مقادیر کم دیده می‌شد، اما در این مورد، نتیجه‌ی قاطعی به دست نیامد.

۵ - در هیچ یک از دو مرحله بررسی، نتیجه‌ی قاطعی در مورد دامنه‌ی کاربرد سلاح‌های شیمیایی و نحوه‌ی استفاده از آن به دست

نیامد.

۶ – اظهارات بیماران در هر دو کشور در مورد تاریخ مصدوم شدن آنان با سلاح‌های شیمیایی با یافته‌های من در حین بررسی پزشکی منطبق بود. [۳۰۶] .

دبیر کل این گزارش را به ضمیمه‌ی نامه‌ای در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۸۸ (۵ فروردین ۱۳۶۷) به شورای امنیت تقدیم کرد که نتیجه‌ی آن، صدور قطعنامه‌ی ۶۱۲ آن شورا به شرح زیر بود:

«شورای امنیت، با بررسی گزارش ۲۵ آوریل ۱۹۸۸ (۱۹۸۲۳ / S) هیئت اعزامی دبیر کل، برای بررسی اتهام کاربرد سلاح‌های شیمیایی در منازعه میان جمهوری اسلامی ایران و عراق، با نگرانی از نتیجه‌گیری هیئت مبنی بر اینکه کاربرد سلاح‌های شیمیایی در منازعه حتی در مقیاسی گسترده‌تر از پیش ادامه دارد:

۱ – بر الزام فوری رعایت دقیق مفاد پروتکل ممنوعیت استفاده از گازهای خفه‌کننده، مسموم و دیگر گازها و مواد میکروبی در جنگ که در ۱۷ ژوئیه ۱۹۲۵ در ژنو امضاء شده است، تأکید می‌کند.

۲ – استفاده مکرر از سلاح‌های شیمیایی در منازعه‌ی میان ایران و عراق را که با پروتکل ژنو مغایر است، به شدت محکوم می‌کند.

۳ – از دو طرف انتظار دارد که در آینده، طبق تعهداتشان نسبت به پروتکل ژنو، از کاربرد سلاح‌های شیمیایی خودداری کنند.

۴ – از تمامی کشورها درخواست می‌کند که بر ادامه‌ی اعمال یا برقراری کنترل شدید بر صدور تولیدات شیمیایی به طرف‌های مخاصمه، که در ساخت سلاح‌های شیمیایی به کار گرفته می‌شود، بیفزایند.

۵ – تصمیم می‌گیرد موضوع را همچنان تحت بررسی داشته باشد و عزم خود را برای رسیدگی به اجرای این قطعنامه ابراز می‌کند.»

[صفحه ۱۸۸]

پس از گذشت بیش از چهار سال از نخستین بررسی کاربرد سلاح‌های شیمیایی در شورای امنیت سازمان ملل، این نخستین قطعنامه‌ای است که در این باره صادر شده است.

در قطعنامه‌ی ۶۱۲ بی‌آنکه از کشور ویژه‌ای به عنوان استفاده کننده‌ی سلاح‌های شیمیایی یاد شود، برای رسیدگی به دیگر شکایت‌ها، بدان گونه که ایران درخواست کرده بود، به مکانیسم‌هایی توجه و در این مورد، نیز به نقش دبیر کل هیچ اشاره‌ای نشده است. همچنین مضمون قطعنامه به صورتی است که تعهد حقوقی الزام‌آوری براساس خود قطعنامه‌ی شورا، برای پیروی از تعهدات ناشی از دیگر منابع حقوق بین‌الملل – یعنی پروتکل ژنو – ایجاد نمی‌کند. در واقع، شورا عنوان اسناد صادر شده‌ی خود را تغییر داده است، نه مضمون و محتوای آن را. [۳۰۷] .

هر چند قطعنامه‌ی شماره‌ی ۶۱۲ حاوی نکات مثبتی بود که از ادامه‌ی کاربرد سلاح‌های شیمیایی به دست ارتش عراق جلوگیری می‌کرد، اما رژیم بغداد مجددا، در تاریخ‌های ۱۷ و ۱۸ مه (۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۷) و ۱۶ و ۱۷ ژوئن ۱۹۸۸ (۲۶ و ۲۷ خرداد ۱۳۶۷) علیه ایران، به ویژه غیرنظامیان از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد.

در تاریخ ۱۹ مه، جمهوری اسلامی ایران، طی نامه‌ای به دبیر کل اطلاع داد که در تاریخ‌های مزبور سلاح‌های شیمیایی علیه چند دهکده در منطقه‌ی غرب و جنوب ایران به کار گرفته شده است و این نتیجه‌ی فاجعه‌آمیز خودداری از اقدامات تنبیهی و بازدارنده از جانب جامعه‌ی جهانی است... در این نامه، تقاضای بازرسی از منطقه هدف نیز مطرح شده بود. [۳۰۸] .

در پی این درخواست، دبیر کل کارشناسان خود (دکتر دومینگوئز، دکتر اریک دالگرن) و مدیر قسمت خلع سلاح سازمان ملل متحد (به عنوان افسر رابط) را از تاریخ ۱ تا ۵ ژوئیه ۱۹۸۸ (۱۰ تا ۱۴ تیر ۱۳۶۷) به منطقه اعزام نمود که هیئت کارشناسی ادعاهای

ایران را تأیید کرد.

هنوز شورای امنیت درباره گزارش بازدیدهای ماه ژوئیه‌ی هیئت کارشناسان

[صفحه ۱۸۹]

تصمیمی اتخاذ نکرده بود که در تاریخ ۳ اوت ۱۹۸۸ (۱۲ مرداد ۱۳۶۷)، وزیر امور خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران طی نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد که عراق منطقه‌ی شیخ عثمان (مجاور شهر اشنویه) را بمباران شیمیایی کرده است. [۳۰۹] .

براساس قطعنامه‌ی ۶۱۲، دبیر کل هیئتی مرکب از آقای دکتر اریک دالگران، سرهنگ اولریش ایموبرستگ (که در بررسی‌های سال‌های ۱۹۸۶، ۱۹۸۴ و ۱۹۸۷ نیز شرکت داشت) و دکتر وان هیجست مدیر سابق مرکز کنترل سموم هلند را به همراه مدیر قسمت خلع سلاح سازمان ملل متحد مأمور بازرسی کرد. هیئت از ۱۲ تا ۱۴ اوت در ایران به تحقیق و بررسی موضوع پرداخت. در بند پ نتیجه‌گیری گزارش هیئت آمده است:

«از بررسی قسمت انتهایی و ترکش‌های متعدد باقی مانده در محل می‌توان نتیجه گرفت که از بمب‌هایی شبیه آنچه در سال‌های ۱۹۸۷، ۱۹۸۶، ۱۹۸۴ و ۱۹۸۸ به کار گرفته شده، مجددا، علیه غیرنظامیان ایران در حمله هوایی عراق به اشنویه استفاده شده است.» [۳۱۰] .

در مقدمه‌ی این گزارش نیز آمده است:

«با توجه به شواهدی که در جریان مأموریت خود به دست آوردیم، با تأسف فراوان به این نتیجه رسیدیم که خلاف درخواست‌های مکرر سازمان ملل متحد، علیه شهروندان غیرنظامی ایران در منطقه‌ی مجاور شهری که در برابر چنین حمله‌هایی فاقد هر گونه دفاع است؛ از سلاح‌های شیمیایی استفاده شده است. این واقعیت که کودکان نیز قربانی شده‌اند، یک بار دیگر پیامدهای غیرقابل قبول چنین حمله‌هایی را ثابت می‌کند. استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه غیرنظامیان مشخصا حمله به وجدان بشری است و باید قویا مردود شود...» [۳۱۱] .

دبیر کل گزارش را در اختیار شورای امنیت گذاشت و ضمن آن از استفاده از سلاح‌های شیمیایی در یکی از شهرها و علیه غیرنظامیان ایران که در برابر چنین حمله‌هایی فاقد هر گونه دفاع است، عمیقا ابراز تأسف کرد. [۳۱۲] .

[صفحه ۱۹۰]

در تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۸۸ (۴ شهریور ۱۳۶۷)، شورای امنیت براساس گزارش‌های هیئت کارشناسی اعزامی قطعنامه‌ی ۶۲۰ را به شرح زیر صادر کرد:

«شورای امنیت، با یادآوری قطعنامه ۶۱۲ خود و با بررسی گزارش‌های ۲۰ و ۲۵ ژوئیه و ۱۹ اوت ۱۹۸۸ [۳۱۳] هیئت‌های اعزامی دبیر کل برای بررسی ادعاهای استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مناقشه‌ی میان جمهوری اسلامی ایران و عراق، با ابراز تأسف عمیق از نتایج تحقیقات هیئت‌ها مبنی بر اینکه استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مخاصمه میان ایران و عراق تداوم یافته و چنین استفاده‌ای علیه ایران شدت یافته و تکرار شده است، همچنین با ابراز نگرانی عمیق از خطر استفاده‌ی احتمالی از سلاح‌های شیمیایی در آینده با در نظر گرفتن مذاکرات جاری کنفرانس خلع سلاح درباره‌ی ممنوعیت کامل و مؤثر توسعه، تولید و انبار کردن سلاح‌های شیمیایی و نیز نابودی آنها، با عزم راسخ برای شدت بخشیدن به تلاش‌های خود، به منظور پایان دادن به هر گونه استفاده از سلاح‌های

شیمیایی، در حال حاضر و آینده، که با تعهدات بین‌المللی مغایر باشد:

۱ – استفاده از سلاح شیمیایی در مناقشه ایران و عراق را که با تعهدات مطابق با پروتکل ممنوعیت استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی و دیگر گازها و مواد میکروبی در جنگ، که در ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ در ژنو امضا شده است، و قطعنامه‌ی ۶۱۲ شورای امنیت مغایر است، به شدت محکوم می‌کند.

۲ – دبیر کل را تشویق می‌کند که در پاسخ به اتهامات ارائه شده به وی از سوی هر دولت عضو، مبنی بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی، باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی و نقض احتمالی پروتکل ۱۹۲۵ ژنو یا دیگر قوانین مربوط در حقوق بین‌الملل عمومی به سرعت، تحقیقاتی را انجام دهد تا شواهد را بررسی و نتایج را گزارش کند.

۳ – از تمامی دولت‌ها می‌خواهد که بر صادرات محصولات شیمیایی به شدت نظارت کنند، به ویژه در مورد کشورهای درگیر و زمانی که استفاده‌ی آنها از سلاح‌های

[صفحه ۱۹۱]

شیمیایی با تعهدات بین‌المللی مغایر یا شواهد کافی دال بر این امر در دست باشد.

۴ – تصمیم می‌گیرد که با توجه به تحقیقات دبیر کل، در صورت ارتکاب هر گونه استفاده از سلاح‌های شیمیایی در آینده در مغایرت با حقوق بین‌الملل، از سوی هر کس و هر زمان، مسئله را به سرعت بررسی و مطابق با منشور ملل متحد، اقدام‌های مناسب و مؤثری را اتخاذ کند.» [۳۱۴] .

قطعنامه‌ی ۶۲۰ جدای از نقص‌های اساسی‌اش، مهم‌ترین سندی است که شورای امنیت طی هشت سال تجاوز عراق، استفاده‌ی مکرر این کشور از عوامل شیمیایی علیه افراد غیرنظامی و نظامی ایران صادر کرده است.

در پایان این قسمت به بخشی از نامه ۹ دسامبر ۱۹۹۱ دبیر کل سازمان ملل درباره‌ی اجرای قطعنامه‌ی ۵۹۸ اشاره می‌شود. هر چند دبیر کل برای واداشتن رژیم عراق به عدم کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه شهروندان و نظامیان ایران کوشش‌های زیادی کرد، اما به علت جو حاکم بر شورای امنیت و وجود چهار عضو قدرتمند دارای حق وتو (امریکا، شوروی سابق، انگلستان و فرانسه)، که همواره پشتیبان عراق بودند و بخش اعظم این تسلیحات مرگبار را این کشورها و متحدان نزدیک آنان در اختیار ارتش متجاوز عراق قرار می‌دادند، هرگز رژیم صدام را به دلیل به کارگیری سلاح‌های شیمیایی علیه نظامیان و غیرنظامیان ایران محکوم نکردند.

دبیر کل در بند ۸ گزارش خود به شورای امنیت درباره اجرای قطعنامه ۵۹۸ آورده است.

«از میان موارد متعدد نقض حقوق انسانی که طی جنگ ایران و عراق رخ داده، سازمان ملل متحد یا کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ موارد بسیاری را ثبت کرده‌اند. با کمال تأسف، این گزارش‌ها از وجود شواهدی از موارد نقض جدی حقوق انسانی حاکی است. در یک مورد، من موظف بودم با تأسف عمیق این یافته کارشناسان را یادآور شوم که سلاح‌های شیمیایی علیه غیرنظامیان ایرانی در منطقه‌ای در نزدیکی یکی از شهرهای عاری از هر گونه حفاظت در برابر این حمله‌ها به کار رفته است.» [۳۱۵] .

[صفحه ۱۹۲]

مواضع مجمع عمومی سازمان ملل متحد

حفظ و اعاده‌ی صلح و امنیت بین‌المللی مسئولیت انحصاری شورای امنیت نیست؛ زیرا هدف اصلی سازمان ملل متحد حفظ صلح و امنیت جهانی است و این هدف ایجاب می‌کند که تمامی ارکان سازمان ملل، به ویژه مجمع عمومی، که فراگیرترین رکن سازمان ملل متحد است، در حفظ صلح مشارکت کند، اما برای اینکه به صورت مؤثر با عواملی که صلح و امنیت جهانی را به خطر می‌اندازد، مقابله شود، وظیفه‌ی اصلی پاسداری از صلح را به شورای امنیت سپردند و امکان دست زدن به اقدام‌های اجرایی را برایش پیش‌بینی کردند. بدین ترتیب مسئولیت دیگر ارکان، به ویژه مجمع عمومی، درباره مهم‌ترین هدف سازمان ملل متحد، مسئولیتی ثانوی و تبعی است.

در مورد جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، مجمع عمومی که براساس مواد ۱۱، ۱۰ و ۱۳ منشور و به دلیل عدم اقدام سریع و مؤثر شورای امنیت، امکان بررسی مسئله را داشت، تا ۲۵ ماه واکنشی از خود نشان نداد. سرانجام نیز با صدور قطعنامه‌ای، که چیزی جز تکرار مواضع شورای امنیت نبود، سکوت خود را شکست (قطعنامه ۳ / ۳۷ A مورخ ۲۲ اکتبر ۱۹۸۲ برابر با ۳۰ مهر ۱۳۶۱). مجمع عمومی، این قطعنامه را «پیامدهای طولانی شدن درگیری مسلحانه بین ایران و عراق» نامید. عنوان قطعنامه نشان می‌داد که این ادامه‌ی مناقشه است که مجمع را به صدور قطعنامه مجبور می‌کند نه آغاز جنگ و تجاوز [۳۱۶] بی‌گمان، نام قطعنامه بر آن دلالت دارد که مجمع عمومی، بیش از شورای امنیت، از عراق جانب‌داری کرده؛ زیرا به طور تلویحی، ایران را به دلیل نپذیرفتن قطعنامه شورا، مسئول ادامه‌ی جنگ دانسته است. زمانی که عراق با تهاجم همه‌جانبه‌ی خود حدود ۱۶۰۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران را به اشغال درآورد، مجمع سکوت کرد. پس از این قطعنامه نیز مجمع عمومی در برابر استفاده‌ی مکرر عراق از سلاح‌های شیمیایی که واکنش منفی شورای امنیت را به دنبال داشت، سکوت کرد.

[صفحه ۱۹۳]

از مجمع عمومی، که در آن تمام کشورهای عضو سازمان ملل متحد، با یک حق رأی حضور دارند و هیچ کشوری از «حق وتو» برخوردار نیست، این توقع منطقی بود که بنا به ساختار دموکراتیک خود، به صورت مؤثر و عادلانه‌تری با کل جنگ یا برخی از جوانب اساسی آن برخورد کند، به ویژه زمانی که مشاهده کرد، قطعنامه‌های شورای امنیت کارآیی لازم را ندارد (در واقع، شورای امنیت وظایف خود را به طور کامل انجام نداد)، می‌توانست با استفاده از اختیارات خود، طبق قطعنامه‌ی «اتحاد برای صلح» در مورد تجاوز عراق به ایران اقدام کند، اما از برداشتن گام مؤثری در این زمینه خودداری کرد. [۳۱۷] در واقع، مجمع عمومی می‌توانست از کشورهای دیگر درخواست کند که از ارسال عوامل و تجهیزات شیمیایی به طرف‌های درگیر خودداری کنند، اما با سکوت خود تکرار جنایت‌های رژیم عراق را امکان‌پذیر کرد.

در کارنامه‌ی غیرقابل قبول مجمع در مورد جنگ عراق علیه ایران، نکته‌های منفی دیگری نیز وجود دارد. انتخاب نماینده‌ی عراق به ریاست سی و ششمین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۸۱، یعنی همان زمانی که بخش‌های وسیعی از خاک جمهوری اسلامی ایران در اشغال عراق بود، از جمله‌ی این نکته‌های منفی است که ایران ضمن اعتراض بدان، آن را شکستی جدی برای سازمان ملل متحد و اصول مورد قبول سازمان اعلام کرد.

پیش از آن، در سال ۱۹۸۰، ریاست کمیته‌ی ویژه‌ی افزایش کارآیی اصل عدم توسل به زور در روابط بین‌المللی - که از کمیته‌های فرعی کمیته‌ی ششم (کمیته حقوقی مجمع عمومی) است - بر عهده‌ی نماینده عراق بود. در سال ۱۹۸۵ نیز، در اجلاس چهلم مجمع عمومی، ریاست کمیته‌ی ششم به نماینده‌ی عراق سپرده شد. هر چند این سه انتخاب منع قانونی نداشت، اما از

[صفحه ۱۹۴]

نظر اخلاقی، زیبنده‌ی مجمع عمومی نبود؛ زیرا عراق درگیر جنگ با یک کشور دیگر عضو ملل متحد بود و چنین انتخابی به منزله‌ی طرفداری از این کشور (عراق) تلقی می‌شد.
بدین ترتیب، مجمع عمومی از آغاز تهاجم سراسری به جمهوری اسلامی و اشغال بخش وسیعی از خاک ایران و در دیگر موارد، از جمله حمله به شهرهای بی‌دفاع و به کار بردن سلاح‌های شیمیایی علیه شهروندان غیرنظامی و نظامیان ایرانی و...، که نقض بارز موازین حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی بود، به جز یک مورد - که ذکر شد - هرگز به وظیفه‌ی قانونی خود عمل نکرد و به عبارت دیگر، موضع جانبدارانه‌ی خود را از عراق تا آخر جنگ حفظ کرد.

[صفحه ۲۰۰]

به کارگیری سایر روش‌های منع شده در جنگ

نقض مقررات پروتکل نخست ۱۹۷۷

پروتکل الحاقی نخست سال ۱۹۷۷، قواعدی را درباره رزمندگان در حین مخاصمات مسلحانه مقرر کرده است که بر مبنای آن حقوق دولت‌های درگیر در انتخاب روش‌ها و وسایل جنگ محدود می‌گردد. از کار انداختن و درهم کوبیدن نیروهای نظامی دشمن، تا مدت‌ها سنگ بنای تمامی اقدام‌ها در جنگ بود. ضرورت، قانون نمی‌شناخت و متخاصمان، نیروی خود را در حد توان به کار می‌بردند تا اراده‌ی طرف مقابل را از بین ببرند. با وجود این، «اصول انسان‌دوستانه» در پی استقرار هنجارهای رفتاری مثبت انسانی در عرصه‌هایی بوده است که کینه‌های متقابل و تمایل به وارد کردن آسیب به حریف را دربر داشته است. [۳۱۸] .
در واقع، همواره تاریخ حقوق جنگ، عرصه‌ی توازن در حال حرکت میان دو نیروی پویا در جامعه، یعنی ضرورت‌های انسانی و نظامی بوده است. از این دو یکی ذهنی و شخصی است که به ایده‌های اخلاقی غالب و درجه‌ی احساسات و عواطف جامعه وابسته است و حاصل کنش‌های متقابل اجتماعی است و دیگری، عینی است که به تکامل فناوری نظامی و اندیشه‌ی استراتژیک بستگی دارد. میان این دو نیرو، رابطه‌ی دیالکتیک وجود دارد که در مسیر تاریخ مضامین، عرصه‌ها و ویژگی‌های حقوق جنگ را در هر برهه از زمان تعیین می‌کند. تا نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم، این توازن تحت سیطره‌ی حقوق بین‌الملل عرفی قرار داشت، اما پس از آن، به تدریج، به عرصه‌ی حقوق قراردادی راه یافت. برای نخستین بار، در حقوق قراردادی به این امر توجه شده که «متخاصمان حق ندارند هر وسیله‌ای را که دلشان می‌خواهد برای مغلوب کردن دشمن به کار برند.» [۳۱۹] .

[صفحه ۲۰۱]

این قاعده‌ای است که در ماده‌ی ۲۲ مقررات لاهه ۱۸۹۹ - ۱۹۰۷ آمده است و تقریبا به صورت مشابهی در بند ۱ ماده‌ی ۳۵ پروتکل الحاقی سال ۱۹۷۷ منضم به کنوانسیون‌های چهارگانه اوت ۱۹۴۹ ژنو تکرار شده است (در هر مخاصمه‌ی مسلحانه‌ای حق طرف‌ها در انتخاب روش‌ها یا وسایل جنگ نامحدود نیست).

قاعـده‌ی مزبور بر کـل موضوع حـاکم است. ترمینولوژی یـا واژه‌هـای به کـار برده شـده با دقت انتخاب شـده است. در متن نخستین کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ – ۱۹۰۷، لفـظ «وسایـل» جنگ به کار برده شـده است و در متن ۱۹۷۷، لفظ «روش» (متـد) به آن اضافه شـده است. غرض، حشو و زیـاده گویی نبوده است. هنگامی که گفته می‌شود وسایل، منظور اسـلحه‌هایی است که به کار گرفته می‌شود و هنگامی که می گویند روش‌ها، منظور استفاده‌ای است که متخاصمان از آن وسایل می کنند. ماده‌ی ۳۵ پروتکل نخست ۱۹۷۷، که با نام قاعـده‌ی انسانی تـدوین شـد، حق طرف‌های متخاصم در انتخاب روش‌ها و وسایل جنگ را محـدود می‌دانـد. این ماده، قاعده‌ای اساسـی است که به قواعـد و تفکرات پیش از آن در زمینه‌ی حقوق مخاصـمات مسلحانه مسبوق است. افزون بر مـاده‌ی ۲۲ قرارداد ۱۹۰۷ لاهه، در اعلامیه‌ی ۱۸۶۸ سن‌پترزبورگ درباره ممنوعیت بعضی از پرتاب‌شونده‌ها آمده است:

«توسعه‌ی تمـدن بایـد این نتیجه را داشـته باشـد که تا آنجا که ممکن است فجایع یا بلایای جنگ را کاهش دهـد و هـدف مشروع دولت‌ها در طول جنگ، تنها تضعیف نیروهای دشمن است.» [۳۲۰].

آنچه از موارد مزبور مسـتفاد می‌شود و در بند ۲ ماده‌ی ۳۵ پروتکل ۱۹۷۷ تکرار شده است، به کارگیری سلاح‌ها، پرتاب‌شونده‌ها و مواد و همچنین روش‌هـای جنگی، به نوعی که درد و رنـج زائـد ایجاد کنـد، ممنوع است. فلسـفه‌ی مقرره‌ی ذکر شـده این است که دشـمن را در جنگ نبایـد کشت، بلکه باید ماشـین جنگی آن را از کار انداخت. نهایت اینکه غرض، کشـتن و قتل عام افراد دشـمن نیست، بلکه برخورد دو نیروی نظامی است که باید از هم جدا شوند در حالی که کم‌ترین خسارت و صدمه را ببینند.

[صفحه ۲۰۳]

جنگ، جنگ ایـدئولوژیک نیست، تنها هـدف بیرون رانـدن دشـمن از صـحنه‌ی نبرد است؛ بنابراین نمی‌توان از هر سـلاحی اسـتفاده کرد. این قاعده، قاعده‌ی عامی است. شاید دولت‌ها با توافقات خود، بعضی از سلاح‌ها را بین خود ممنوع کرده باشند، اما اگر توافق نکردند، ماده‌ی ۲۲ قرارداد ۱۹۰۷ لاهه و ماده‌ی ۳۵ پروتکل الحاقی نخست ۱۹۷۷ ژنو ممنوعیت کلی است و بایـد رعایت شود و در هر مخاصـمه‌ی نظامی، حقوق طرف‌های درگیر در انتخاب روش‌ها یا اسـتفاده از ابزار جنگیـدن نامحـدود نیست، اما رژیم عراق طی هشت سال تجاوز به ایران، موارد مزبور را نیز مانند دیگر حقوق بین‌الملل بشردوسـتانه زیر پا گذاشت و به طور مکرر، انواع سلاح‌ها و روش‌هـای ممنوع شـده از بمب‌هـای خوشه‌ای و ناپالم گرفته تا اسـتفاده وسـیع از انواع مین‌های ضـدنفر و... و همچنین سـلاح‌های شیمیایی را به طور گسترده علیه نیروهای ایرانی به کار گرفت. این سلاح‌ها آثار فجیعی را به دنبال داشتند که از آن جمله می‌توان به سوختگی‌هـای شدیـد، تاول‌هـای دردنـاک، از دست دادن بینـایی، تهوع، سـرفه‌های شدیـد، عـدم تعادل هنگام راه رفتن، مشـکلات تنفسـی... و شـهادت دردناک هزاران نفر و مجروح شدن ده‌ها هزار نفر از رزمندگان ایرانی اشاره کرد. هنوز نیز شهادت مصدومانی را شاهدیم که بر اثر درد و رنج آن عوامل مرگبار شیمیایی شهید می‌شوند.

[صفحه ۲۰۴]

توسل به حمله‌های کورکورانه

تمایز بین نظامیان و غیرنظامیان مسئله‌ای قـدیمی در تاریخ جنگ‌ها نیست. [۳۲۱] دست کم تا قرون وسـطی مفهوم جنگ بدین معنا بود که تمـام ساکنـان کشور دشـمن،ماننـد یکدیگرنـد و بـا همه بایـد به یـک نوع رفتـار کرد، امـا در مقـدمه‌ی بیـانیه‌ی سال ۱۸۶۸

سن‌پترزبورگ تصریح شد که «تنها هدف مشروع در جنگ، تضعیف نیروهای مسلح دشمن است.» و به تدریج، «اصل تمایز» یا «اصل ایمنی غیرنظامیان» بیشتر و بیشتر مورد توجه قرار گرفت. مقررات سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه به طور ابتدایی و ناقص حمایت از افراد عادی را پذیرفتند. کنوانسیون چهارم ژنو بین افراد غیرنظامی و نظامی تمایز آشکاری قائل شد. پروتکل نخست ۱۹۷۷ نیز به شکل بارزی نحوه و میزان حمایت از افراد غیرنظامی را گسترش داد و تأکید کرد که هر کس رزمنده بودن وی به اثبات نرسد در زمره‌ی افراد عادی خواهد بود. ممنوعیت گسترش حملات نظامی به غیرنظامیان یا اصل «تفکیک شخصی» در بندهای ۱ تا ۳ ماده‌ی ۵۱ پروتکل نخست ۱۹۷۷ ژنو نیز زیر عنوان «حمایت از جمعیت غیرنظامی» چنین آمده است:

۱ – جمعیت و افراد غیرنظامی از حمایت کلی در برابر خطرهای ناشی از عملیات نظامی برخوردار خواهند شد. برای تحقق این حمایت، قواعد زیر که مکمل دیگر قواعد لازم الاجرای حقوق بین‌الملل‌اند، در تمامی شرایط رعایت خواهند شد.

۲ – جمعیت و افراد غیرنظامی نباید هدف حمله قرار گیرند. همچنین، اعمال یا تهدیدهای خشونت‌آمیز که منظور اصلی از آن ایجاب رعب و وحشت میان جمعیت غیرنظامی باشد، ممنوع است.

بند ۴ ماده‌ی ۵۱ پروتکل نخست ۱۹۷۷ مقرر می‌کند که حمله‌های کورکورانه و بدون تبعیض ممنوع است. این حمله‌ها عبارت‌اند از:

الف) حمله‌هایی که علیه یک هدف نظامی ویژه صورت نگیرد.

ب) حمله‌هایی که با استفاده از روش‌ها یا وسایل جنگی صورت گیرد که

[صفحه ۲۰۵]

نتوان آن را علیه یک هدف نظامی ویژه به کار گرفت.

ج) حمله‌هایی که در آن، از روش‌ها یا وسایل جنگی استفاده می‌شود که اثرهای کاربرد آن را نمی‌توان طبق مقررات پروتکل حاضر محدود کرد. در نتیجه، در هر یک از این گونه موارد، این حمله‌ها نوعی است که اهداف نظامی و افراد یا اموال و اهداف غیرنظامی را بدون تفکیک از یکدیگر هدف اصابت قرار می‌دهند.

بند ۵ همان ماده در ادامه‌ی بند ۴ است. افزون بر دیگر موارد، انواع حمله‌های زیر در زمره‌ی حمله‌های کورکورانه به شمار می‌آیند.

الف) حمله از طریق بمباران با هر روش و وسیله‌ای که تعدادی هدف نظامی مشخص و مجزای درون یک شهر، قصبه، روستا یا ناحیه‌ی دیگری که تجمع مشابهی از افراد و اموال غیرنظامی را در خود جای داده است، به منزله‌ی هدف نظامی واحدی قلمداد می‌کند.

ب) حمله‌ای که انتظار می‌رود، به طور اتفاقی صدمه‌ی جانی به افراد غیرنظامی، مجروح شدن آنها و وارد آوردن خسارت به اهداف غیرنظامی یا مجموعه‌ای از آنها را موجب می‌شود که نسبت به ویژگی‌های نظامی مشخص و مستقیمی که پیش‌بینی شده است، بیش از حد باشد.

ممنوعیت‌های جنگ کورکورانه در بندهای ۴ و ۵ پروتکل نخست ۱۹۷۷ به حمله‌های هوایی محدود نشده است. حمله‌ها و بمباران هوایی گسترده‌ی مناطق پرجمعیت دارای اهداف نظامی، که در آنها، هم افراد غیرنظامی و هم اهداف نظامی و غیرنظامی بدون تفکیک و تمیز منهدم می‌شوند، مرکز ثقل ممنوعیت‌های حمله‌های کورکورانه و بدون تبعیض مندرج در پروتکل است.

با وجود این ممنوعیت‌های صریح حقوق بین‌الملل بشردوستانه، رژیم عراق تجاوز به قلمرو ایران و حمله به شهرها و مناطق مسکونی ایران را آغاز کرد. نیروهای ارتش عراق با هر وسیله و روشی که توانستند به انهدام اهداف غیرنظامی پرداختند. بخش گسترده‌ای از

این اهداف غیرنظامی مناطق مسکونی و شهرهای بی‌دفاع بودند که ساکنانشان با حمله‌های موشکی،

[صفحه ۲۰۶]

هوایی و توپخانه‌ای دشمن به خاک و خون کشیده شدند. همچنین برخی از مکان‌هایی که هدف اصابت موشک یا راکت و بمب‌های هواپیمای دشمن قرار گرفتند، مدارس، بیمارستان‌ها، اموال و مکان‌های فرهنگی، تأسیسات ضروری برای ادامه‌ی حیات مردم بوده‌اند که حقوق بین‌الملل بشردوستانه از جمله کنوانسیون چهارم ژنو و پروتکل الحاقی نخست ۱۹۷۷ و... حمله به آنها را ممنوع کرده‌اند.

درباره حمله‌های وحشیانه و بدون تبعیض ارتش عراق به هدف‌های غیرنظامی ایران، به بخشی از سخنان صدام حسین، رئیس رژیم عراق، اشاره می‌شود:

«بنابراین، هر کس که عراق را آزار دهد، از ضربات کوبنده‌ی ما در دفاع از عراق ایمن نخواهد شد، حتی اگر لازم باشد این ضربه‌ها در عمق خاک ایران صورت پذیرد. ما طی دو روز گذشته، این چنین اقدام کردیم و از این پس نیز، این گونه اقدام خواهیم کرد و در صورت ادامه شیوه‌ی تجاوزکارانه‌ی آنان، ضربات کوبنده و ویرانگر خود را افزایش خواهیم داد.» [۳۲۲] .

ضربات کوبنده‌ای که صدام از آن یاد می‌کند، جز حمله به شهرهای بی‌دفاع و کشتار بی‌رحمانه‌ی مردم مظلوم ایران و تخریب منازل آنها مفهوم دیگری دربر نداشت؛ جنایتی ضدبشری که تا پایان جنگ به دست ارتش عراق ادامه داشت.

صدام در سخنان دیگری، خطاب به خلبانان عراقی چنین می‌گوید:

«... هر یک از شما و دوستانتان در نیروی هوایی وقتی که ضربات دقیق خود را به مغز این[...]محتضر و هدف‌های اقتصادی وی فرود می‌آورد، پایان جنگ را نزدیک‌تر و بدین ترتیب از ریخته شدن خون یاران نظامی‌اش جلوگیری می‌کند، اما هنگامی که خطایی - هر چند اندک - را مرتکب می‌شود، خون‌های ریخته شده بر اثر ادامه‌ی جنگ بر گردن او خواهد بود.» [۳۲۳] .

آری منطق صدام این گونه بود. با شقاوت و عداوت تمام به خلبانان عراقی می‌گفت برای جلوگیری از ریخته شدن خون هم‌قطاران خود، باید خون مردم ایران را بریزند و در این زمینه، آنها را از کوچک‌ترین خطا بر حذر می‌کرد.

[صفحه ۲۰۸]

بدین ترتیب، هزاران نفر از مردم مظلوم و بی‌دفاع کشورمان با بمباران هوایی ارتش عراق به شهادت رسیدند. در قسمت‌های پیشین، به میزان تلفات و خسارات این حمله‌های کورکورانه و بدون تبعیض اشاره شد.

اما در مورد پروتکل‌های ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و سلاح‌های جدید، به ویژه موشک‌های دوربرد، یادآوری این نکته لازم است که با در نظر گرفتن و ملاحظه‌ی موشک‌های دوربرد مجهز به سیستم‌های رایانه‌ای هدایت تا هدف، آثار مخرب این سلاح‌ها بر اهداف و افراد غیرنظامی محتمل و قابل پیش‌بینی است. این امر انتخاب سلاح‌هایی که نقض یا رعایت ممنوعیت‌ها را در پی دارد، به طراحان و فرماندهان واگذار می‌کند. پیچیدگی قواعد، قدرت و سرعت روش‌های نوین حمله و انواع سلاح‌های مورد استفاده در (مخاصمات) از عوامل ایجاد مشکلات کنونی اجرای ممنوعیت حمله‌ی کورکورانه‌اند. درباره این قواعد، گاهی اعلام می‌شود که مقررات مربوط به مخاصمات باید ساده و به آسانی قابل فهم و تشخیص باشد. این امر درست نیست؛ چرا که مخاصمه، یعنی موضوع این قواعد و به عبارت دیگر، آنچه این قواعد برای آن وضع شده است، خود، تنوع و

پیچیدگی گسترده‌ای دارد و مشکلات عملی تأمین اجرای این قواعد، طاقت‌فرساست. یک قدرت حامی در وضعیتی نیست که بتواند روش‌های نوین و جدید مخاصمه و جدال مستقر در مراکز کنترل، مکان‌ها و سایت‌های پرتاب و مراکز پوشش را کنترل و نظارت کند.

واقعیت این است که با در نظر گرفتن مفاد پروتکل نخست ۱۹۷۷، در حمله‌هایی که با رعایت ممنوعیت‌های حمله‌های کورکورانه صورت می‌گیرد، بخش درخور توجهی از تسلیحات نمی‌توانند مشارکت کنند (این امر یک وضعیت دوگانه ایجاد خواهد کرد) و ممکن است یا از سلاح‌های مزبور استفاده نشود یا پروتکل رعایت نشود (که اغلب، احتمال وقوع حالت دوم قوی‌تر است).

ممنوعیت حمله علیه شهرک‌های نظامی مجزا و مستقل از یکدیگر که با تمرکز مشابهی از اهداف غیرنظامی احاطه شده و در تعریف حمله‌های کورکورانه مندرج می‌باشند، از دیگر مشکلات اجرای این اندیشه‌اند.

[صفحه ۲۱۰]

دقت ساز و کارهای هدایت هدف، که اکنون در اختیار روش‌های نوین مخاصمه قرار دارد، آثار مخرب و گسترده‌ی سلاح‌های جدید را در پی خواهد داشت. اگر پروتکل نخست در این مورد تلاش کرده باشد تا آنچه را معاهدات خلع سلاح قبل از آن ناممکن دانسته بودند، به دست آورد (یعنی خودداری از استفاده از سلاح‌های جدید که اغلب، قدرت انهدام بالایی دارند)، ممکن است تلاش آن بی‌فایده بوده باشد؛ زیرا به احتمال زیاد دولت‌های قدرتمند و مقتدر نظامی، به کنار گذاشتن یک جانبه‌ی سلاح‌های نوین خود، که با هزینه کردن منابع مالی بسیار به دست آورده‌اند، تمایل ندارند. مشکل بتوان گفت که سلاح‌های کشتار جمعی مطابق با قواعد منع حمله‌های کورکورانه استفاده شوند.

با وجود این، یکی از علل اختلاف در استفاده از این گونه سلاح‌ها (اختلاف نظر و برداشت تابعین حقوق بین‌الملل، به ویژه دولت‌ها و سازمان‌های مقتدر نظامی در برابر دولت‌های جهان سوم و در حال توسعه) درباره «میزان قلمرو دولت و تراکم جمعیت» در چارچوب واژه‌ها و عبارت‌های پروتکل است. احتمال دارد که پیچیدگی زیاد قواعد منع حمله‌های کورکورانه بیشتر به سود یک متهم به ارتکاب به نقض آن مقررات تمام شود.

در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، به رغم ممنوعیت آشکار و صریح حمله‌های کورکورانه و بدون تبعیض و با در نظر گرفتن پیچیدگی ممنوعیت‌ها، رژیم عراق بیشتر حمله‌های خود را بدون اینکه هدف خاصی را در نظر بگیرد بیشتر و به عمد علیه جمعیت غیرنظامی و شهرهای بی‌دفاع به کار گرفت (مصادیق در این باره فراوان است)؛ زیرا برای این رژیم اهمیت نداشت که آیا حملات موشکی و بمباران‌های هوایی مکررش مزیت نظامی ویژه‌ای دربر دارد یا خیر. در واقع، آنچه مهم بود اینکه با شلیک موشک‌های دوربرد و بمباران‌های هوایی به شهرها و مناطق مسکونی رعب و وحشت، ترس و نارضایتی بیشتری در مردم پدید آورد و با این شیوه ملت ایران را نسبت به نظام جمهوری اسلامی بدبین کند و مردم را برانگیزد تا برای خاتمه دادن به جنگ به مسئولان نظام فشار آورند.

[صفحه ۲۱۲]

حمله به تأسیسات غیر نظامی

براساس بند نخست قطعنامه‌ی ۴۰۷ کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تمامی تهاجمات مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای که برای مقاصد صلح‌جویانه به کار می‌روند، باید صریحا و سریعا ممنوع شوند. پروتکل ۱۹۷۷ ژنو نیز حمله به نیروگاه‌های اتمی را صریحا ممنوع اعلام کرده است. لیکن رژیم عراق نیز همانند رژیم اشغالگر قدس این قوانین و مقررات را نادیده گرفت و در جریان جنگ هشت ساله، چندین بار به نیروگاه اتمی بوشهر حمله و این قوانین و مقررات را نقض کرد. در اواخر سال ۱۳۶۳، حمله به تأسیسات راکتور اتمی بوشهر شدت یافت، طوری که رژیم عراق ظرف مدت بیست روز، دو بار این نیروگاه را هدف حمله قرار داد و با پرتاب موشک‌های اگزوست به سوی آن، خسارت جانی و مالی فراوانی را به بار آورد.

در نخستین حمله‌ی عراق، که در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۶۳ صورت گرفت، قسمت‌هایی از این نیروگاه از بین رفت، یک نفر به شهادت رسید و چند نفر مجروح شدند. [۳۲۴] .

رژیم عراق مانند همیشه، بلافاصله، این اقدام غیرقانونی خود را تکذیب کرد و خبرگزاری این کشور در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۶۳ از بغداد چنین گزارش داد:

«عراق ادعاهای ایران مبنی بر حمله‌ی ۲۳ بهمن ۱۳۶۳ هواپیماهای عراقی را به تأسیسات راکتور اتمی بوشهر در ایران تکذیب می‌کند. یک سخن‌گوی نظامی در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۶۳ به خبرگزاری عراق گفت: هواپیماهای عراق در این روز (۲۳ بهمن) به غیر از حمله به دو هدف دریایی در نزدیکی جزیره‌ی خارک و تجمعات نظامی در مرزهای عراق، حمله‌ی دیگری نکرده‌اند. این سخن‌گو همچنین گفت: عراق همچنان به عدم حمله به هر گونه تأسیسات غیر نظامی در داخل ایران پای‌بند است.»

اما گزارش‌ها و عکس‌های مخابره شده‌ی ۳۰ خبرنگار و فیلمبردار خارجی در تاریخ ۱ اسفند ۱۳۶۳، خیلی سریع، این نقض قوانین را آشکار و افکار عمومی

[صفحه ۲۱۳]

جهان را از دروغ‌های رژیم عراق آگاه کرد.

این اطلاع‌رسانی نیز از قانون‌شکنی رژیم عراق جلوگیری نکرد و هواپیماهای این رژیم در روزهای ۱۳ اسفند ۱۳۶۳ و ۱۴ فروردین ۱۳۶۴ برای بار دوم و سوم به نیروگاه اتمی بوشهر حمله و دو نفر را مجروح کردند.

بازدید مجدد گروهی ۲۳ نفره از خبرنگاران و فیلمبرداران خارجی از مناطق خسارت دیده در ۱۵ اسفند ۱۳۶۳ و گزارش‌ها و عکس‌های مخابره شده‌ی آنها، اقدام عراق در نقض مقررات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و پروتکل ۱۹۷۰ ژنو را تأیید کرد. [۳۲۵] .

درباره حمله به تأسیسات غیرنظامی، بند ۱ ماده‌ی ۵۶ پروتکل نخست ۱۹۷۷ مقرر می‌کند:

«حمله به تأسیسات خطرناک، مانند: سد... و نیروگاه اتمی تولید برق، حتی در صورتی که این گونه اهداف، هدف نظامی نیز باشند، ممنوع است.»

همچنین قطعنامه شماره‌ی ۴۴۴ کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، هر گونه تهدید و حمله‌ی مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای صلح‌جویانه را تخلف از منشور ملل متحد، قوانین بین‌المللی و اساس‌نامه‌ی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قلمداد می‌کند.

از دیگر اقدامات غیرقانونی عراق، حمله هواپیماهای جنگی این رژیم در مهرماه ۱۳۶۴ به شهرستان امیدیه بود که تأسیسات آب و برق این شهر را هدف قرار دادند و قطع آب و برق را سبب شدند و با توجه به گرمای شدید منطقه، مردم ساعت‌ها در مضیقه قرار گرفتند. در واقع، این اقدام عراق نقض ماده‌ی ۵۴ پروتکل نخست ۱۹۷۷ بود.

ماده‌ی ۵۴ مقرر می‌کند: ایجاد قحطی به عنوان روش جنگی علیه مردم غیرنظامی ممنوع است. بی‌گمان، هدف از حملات دشمن به تأسیسات غیرنظامی، به ویژه در فصل گرما در منطقه‌ی جنوب، ایجاد نارضایتی در بین مردم و شورش علیه نظام بود.

همچنین طبق بند ۲ ماده مذکور حمله کردن، تخریب کردن و برداشتن یا

[صفحه ۲۱۴]

از حیز انتفاع انداختن اموال ضروری برای ادامه‌ی حیات جمعیت غیرنظامی، مانند مواد غذایی...، تأسیسات و منابع یا مخزن‌های آب آشامیدنی یا تأسیسات آبیاری برای محروم کردن مردم غیرنظامی... با هر هدفی چه به منظور ایجاد گرسنگی یا به منظور تحریک افراد به تغییر محل یا هر دلیل دیگری، ممنوع است.

رژیم عراق در جریان نقض‌های مکرر مقررات بین‌المللی، هواپیماهایش در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۶۶ تأسیسات نفتی گچساران، نیروگاه برق رامین اهواز، دکل برق بادمک پل‌دختر را هدف قرار دادند و بدین ترتیب، تعدادی از هموطنان را شهید و مجروح کردند و خسارت‌های زیادی به تأسیسات غیرنظامی وارد آوردند.

در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۶۶ نیز ارتش عراق بار دیگر، به اهداف غیرنظامی حمله کرد و این بار صنایع آلومینیوم‌سازی اراک، شرکت کشت و صنعت کارون و کارخانه‌ی کاغذ پارس را در هفت‌تپه هدف قرار داد. در این حمله‌ها نیز، عده‌ای از غیرنظامیان کشته یا زخمی شدند و بخشی از این مراکز نیز تخریب گردید.

ماده‌ی ۵۲ پروتکل نخست ۱۹۷۷ منضم به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو درباره اموال غیرنظامی چنین مقرر می‌کند: اموال غیرنظامی باید از آسیب‌های جنگ در امان باشند. همچنین بند ۱ این ماده، اموال غیرنظامیان نباید هدف حمله یا اقدام تلافی‌جویانه قرار گیرد.

حمله‌های دشمن به مراکز غیرنظامی و اهداف غیرنظامی به طور مداوم، ادامه داشت. در واقع، رژیم عراق در تلاش بود که تمام تأسیسات صنعتی و اقتصادی ایران را نابود کند. هواپیماهای ارتش عراق در ۳۱ مرداد و ۸ شهریور ۱۳۶۶، به مجتمع شیمیایی رازی ایران و ژاپن در بندر امام خمینی، کارخانه‌ی سیمان درود، یک واحد پست انتقال برق در تبریز، نیروگاه برق تبریز و پست انتقال برق همدان حمله کردند. در این حملات تعدادی از کارکنان این مراکز را کشتند یا زخمی کردند و بخش‌های وسیعی از این اهداف را نیز

[صفحه ۲۱۵]

از بین بردند. همچنین، حمله‌ی هوایی عراق به پست انتقال برق انجیرک، کارخانه‌ی هپکو اراک و نیروگاه برق آرن نهاوند از دیگر اعمال وحشیانه‌ی ارتش عراق در تابستان ۱۳۶۶ است. [۳۲۶] .

این اقدامات و صدها حمله نظیر آن در حالی انجام شد که بند ۲ ماده‌ی ۵۲ پروتکل نخست ۱۹۷۷، مقرر می‌کند که حمله‌ها باید به طور دقیق، به اهداف نظامی محدود شوند. گفتنی است که اهداف نظامی به اموالی محدودند که بر حسب طبیعت، محل استقرار یا مصرف و استفاده‌ی آنها، سهم مؤثری در اقدام نظامی داشته باشند و تخریب کامل یا جزئی یا تصرف یا خنثی‌سازی آنها برتری مشخصی دربر داشته باشد.

بنابراین، تأسیساتی که هدف حمله قرار گرفتند، اغلب تأسیسات برق بودند که صدها کیلومتر با جبهه‌های جنگ فاصله داشتند و تخریب آنها برای دشمن فایده‌ی نظامی مشخصی دربر نداشت، جز اینکه مردم را از نظر روشنایی و... در تنگنا قرار می‌داد.

آلوده کردن محیط زیست

تدوین و تصویب تمامی قوانین بین‌المللی و معاهدات بین دولت‌های دنیا در مورد حفاظت از محیط زیست، همه برای سلامت و بقای بشر است. برای نمونه اگر در کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی (همانند کنوانسیون ۱۹۲۵ ژنو)، مقرر شده است که سلاح شیمیایی به کار گرفته نشود، بدان دلیل نیست که تنها حقوق اجتماعی دولت‌های عضو در کنوانسیون حفظ یا حمایت شود، بلکه پیش‌گیری از تأثیرات سوئی است که این سلاح پس از هر جنگی بر ملت‌های مجاور می‌گذارد.
رژیم عراق در جریان تهاجم سراسری خود، شهرهای خرمشهر، مهران، سوسنگرد، هویزه، بستان، سومار، موسیان، قصرشیرین و روستاهای تابعه‌ی آنها را با خاک یکسان کرد.

[صفحه ۲۱۶]

براساس محاسبات علمی، برای تشکیل مجدد هر سانتی‌متر مکعب خاک صد تا چهارصد سال لازم است. بدین ترتیب، تأثیرات سوء تخریب و ویرانی شهرها، روستاها و مناطق مرزی ایران برای مردم ما و آیندگان آشکار می‌شود، ضمن آنکه رژیم عراق با به کارگیری بمب‌های شیمیایی، خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به ایران وارد کرد. به اعتقاد سم‌شناسان دنیا، تأثیرات سوء سلاح‌های شیمیایی به مدت بیست تا سی سال در خاک باقی و حیات جانداران را به کلی مختل خواهد کرد، حتی اگر انسان با این نوع خاک در تماس نباشد، تأثیرات آنها همچون، تاول‌زایی و سمیت آن در سطح بدن پدیدار می‌شود.
براساس گزارش‌ها و تحقیقات موثق از جنگ‌های جهانی اول و دوم، خاک‌های مناطقی که هدف بمباران شیمیایی قرار گرفته‌اند، با گذشت سال‌ها، هنوز آثار بمب‌های شیمیایی را در خود دارند و در صورت تماس با آنها، تاول‌زایی و تأثیرات سوء دیگری در انسان نمودار می‌شود. این موارد همچنین روی ژن‌ها اثر نامطلوبی بر جای می‌گذارد و حتی به صورت عوامل سرطان‌زا نیز گزارش شده است. [۳۲۷] .

[صفحه ۲۱۷]

در دوران جنگ، ارتش عراق بارها، کشور ما را هدف بمباران شیمیایی قرار داد. برای نمونه، این ارتش تنها در یک روز، نود هزار لیتر بمب شیمیایی (با احتساب روزی ۲۵۰ سورتی پرواز، هر پرواز شامل چهار فروند بمب شصت لیتری به اضافه‌ی پرتاب روزانه ده هزار گلوله توپ هر گلوله محتوی سه لیتر مواد شیمیایی) را علیه مردم و رزمندگان در جبهه‌های جنگ و شهرهای مرزی به کار گرفت. [۳۲۸] .
استفاده از سلاح‌های شیمیایی مرگبار، نه تنها جمع زیادی از رزمندگان را شهید و مصدوم، بلکه محیط زیست را نیز به طور گسترده‌ای آلوده کرده است. این اقدام‌های رژیم عراق با تمام مقررات بین‌المللی مغایر بود. ماده‌ی ۵۵ کنوانسیون الحاقی نخست ۱۹۷۷ در این باره مقرر می‌کند که جنگ باید به شکلی هدایت شود که محیط زیست طبیعی در برابر آسیب‌های گسترده، پایدار و وخیم، حفظ شود. مین‌ها یا تله‌های انفجاری از جمله سلاح‌هایی هستند که برای محیط زیست زیان‌بارند؛ چرا که ممکن است عمل نکنند و بعدها، برای بخش‌هایی از زمین که مورد استفاده‌ی کشاورزان و دامداران می‌باشد، مزاحمت ایجاد کنند. نیروهای ارتش عراق پس از آنکه متوجه شدند توان مقابله با حمله‌های بی‌امان رزمندگان ایرانی را ندارند، به مین‌گذاری مناطق وسیعی از خاک

ایران و بعضـی از مناطق مرزی اقـدام کردنـد. پس از گـذشت چنـدین سال از جنگ، هنوز برخی از مناطق مین گـذاری شده به طور کامـل پاک‌سـازی نشده‌انـد و گـاهی، کشاورزان و دامـداران مناطق مرزی در برخورد با مین یا مهمات عمل نکرده، جان خود را از دست می‌دهند.

هواپیماهـای عراقی حوزه‌هـای نفتی ایران در خلیـج فـارس را در تاریـخ ۷ بهمن ۱۳۶۱ بمباران کردنـد و همین سـبب شـد تا روزانه هزاران بشـکه نفت از این چاه‌ها نشت کند و به آب‌های خلیج فارس وارد شود. این اقدام رژیم بغداد - که نقض آشـکار مقررات و کنوانسـیون‌های بین‌المللی نـاظر بر حفـاظت محیط زیست و همچنین زیر پا گذاشـتن کنوانسـیون کویت درباره خودداری از حمله به چاه‌های نفتی حوزه‌ی خلیج فارس بود - باعث شد تا پس از چند

[صفحه ۲۱۸]

هفته، سـفره‌های بزرگ نفت، قسمت‌هایی از آب‌های خلیج فارس را بپوشاند. بدین ترتیب، لطمات اولیه و ثانویه‌ی جبران‌ناپذیری به جانوران آبزی و ساکنان اطراف خلیـج فارس، که از این جانوران تغـذیه می‌کردنـد، وارد آمد. [۳۲۹] در اینجا، به چنـد نمونه اشاره می‌شود:

رادیو بی. بی. سی ساعت ۱۹:۴۵ روز ۱۹ تیر ۱۳۶۲ اعلام کرد: تا به حال، بیش از پنـج نهنگ دریایی در آب‌های خلیج فارس تلف شـده و اجسادشان به سواحل شـرقی خلیـج فارس رسیده‌اند. این کل تعداد نهنگ‌های دریایی است که ظاهرا در خلیج فارس وجود داشته است. [۳۳۰] .

مؤسـسه‌ی جهانی موجودات وحشـی در قسـمتی از گزارش خود در این زمینه اعلام کرد که مرگ تعداد زیادی از گاوهای دریایی، دلفین‌ها، لاک‌پشت‌ها، ماهی‌ها، مارهای دریایی و پرنـدگان را به ثبت رسانـده و طی تحقیقی که[با استفاده از]بالگردها انجام شده، در طول ساحل شـرقی خلیـج فارس، ۵۳ گـاو دریـایی مرده (از ۵۴ گاو دریایی موجود در خلیـج فارس) سرشـماری گردیـده است. [۳۳۱] .

همچنین بر اثر بمباران حوزه‌های نفتی و آلودگی آب‌ها، نسل بعضی از ماهیان نیز منقرض شده است. [۳۳۲] .

دولت عراق در حـالی دست به این اقـدام زد که طبق مفـاد «کنوانسـیون منطقه‌ای کویت برای همکـاری دوبـاره‌ی حمـایت از محیط زیست دریایی در مقابل آلودگی» [۳۳۳] متعهد بوده که طبق این کنوانسیون و پروتکل‌های لازم الاجرایی که در آن عضویت دارد، به تنهـایی یـا بـا همکـاری دیگران تمـامی اقـدامات لـازم را برای جلوگیری یـا کـاهش آلودگی محیط زیست در منطقه‌ی دریایی و مبارزه با آلودگی انجام دهد. [۳۳۴] .

همچنین دولت عراق طبق پروتکل همکاری منطقه‌ای برای مبارزه با

[صفحه ۲۱۹]

آلودگی ناشـی از نفت و دیگر مواد مضـر در موارد اضـطراری متعهد بوده است در اجرای تمامی اقدامات لازم و مؤثر برای حفاظت نوار ساحلی و منافع مربوط به یک یا چند دولت متعاهد در برابر خطرهای ناشـی از وجود نفت یا دیگر مواد مضـر در محیط زیسـت دریایی که بر اثر مورد اضطراری در دریا پدید آمده است با دیگر دولت‌های متعاهد همکاری کند. [۳۳۵] .

بنابراین، اقـدام عراق در حمله به تأسـیسات نفتی چاه‌های نوروز با تعهـدی که این رژیم در قبال امضای کنوانسـیون کویت بر عهـده

گرفته بود، مغایرت داشت. افزون بر آن، رژیم عراق برای مهار نشت نفت از چاه‌های مزبور هیچ گونه همکاری نکرد و تعهد ناشی از امضای پروتکل ضمیمه‌ی کنوانسیون کویت را نادیده گرفت و بدین ترتیب، در جریان اجلاسی که «راپمی» [۳۳۶] برای رسیدگی به این موضوع در کویت تشکیل داده بود، حاضر نشد تضمین دهد که در جریان کار کارشناسان برای مهار چاه‌ها به آنها حمله نکند. [۳۳۷] .

حمله عراق به خطوط کشتی رانی بین‌المللی

رژیم عراق، با صدور اعلامیه‌ی شماره‌ی ۸۲ / ۱۰۰ اعلام کرد که تعدادی از بندرهای جمهوری اسلامی ایران واقع در خلیج فارس را محاصره دریایی کرده است و به کشتی‌های دولت‌های بی‌طرف که قصد ورود یا خروج از آنها را داشته باشند، حمله خواهد کرد. از آغاز جنگ تا پایان آن، رژیم عراق بیش از سیصد فروند کشتی را در آب‌های خلیج فارس هدف حمله‌ی هوایی قرار داد. از این تعداد، ۱۸۲ فروند نفت‌کش و بقیه کشتی‌های تجاری و کشتی‌های دیگر بودند. در این حمله‌ها، حدود چهارصد نفر کشته و پانصد نفر زخمی شدند.

بررسی حقوق جنگ اعم از حقوق عرفی و قراردادی این امر را روشن می‌کند که به منظور اطمینان از اینکه دولت‌های بی‌طرف در جنگ، بی‌طرفی خود را رعایت می‌کنند و به دولت‌های درگیر جنگ کمک و یاری نمی‌نمایند،

[صفحه ۲۲۰]

دو حق برای دولت‌های متحارب شناخته شده است که عبارت‌اند از: محاصره‌ی دریایی دشمن و حق بازدید و بازرسی کشتی‌های تجاری کشورهای بی‌طرف. محاصره‌ی دریایی [۳۳۸] از دیدگاه حقوق بین‌الملل عبارت است از جلوگیر از کمک کشورهای ثالث به ارتش دشمن و فلج کردن اقتصاد و تجارت دشمن از طریق محاصره دریایی بنادر و سواحل دولت متخاصم.

بازدید و بازرسی کشتی‌های تجاری کشورهای بی‌طرف، حق دیگری است که در حقوق بین‌الملل عرفی برای دولت‌های متخاصم به رسمیت شناخته است. درباره‌ی علت شکل‌گیری این عرف باید گفت که اعلام بی‌طرفی یک دولت متخاصم نمی‌تواند بیانگر بی‌طرفی واقعی آن دولت باشد؛ زیرا ممکن است که بین مواضع رسمی دولت‌ها و آنچه در عمل انجام می‌دهند، تفاوت وجود داشته باشد.

بنابراین، عرف و رویه‌ی بین‌المللی به کشورهای متخاصم این حق را می‌دهد که کشتی‌های تجاری دولت‌های بی‌طرف را در دریای آزاد، آب‌های دشمن و آب‌های بی‌طرف، بازرسی کنند و اطمینان یابند که دولت‌های بی‌طرف اصول بی‌طرفی را نقض نمی‌کنند؛ از جمله اینکه کشتی‌های بی‌طرف، کالایی به مقصد دشمن حمل نکنند یا به کشتی‌های دشمن کمک نرسانند. همچنین مراقبت کنند که کشتی‌های بی‌طرف مقررات محاصره‌ی دریایی را نقض نکنند. اگر کشتی‌های جنگی دولت‌های متخاصم در جریان بازرسی متوجه شوند که کالای قاچاق جنگی به مقصد یا مقصد نهایی دشمن، جزء محصولات کشتی است، این حق را دارند که کالاها را ضبط یا طی شرایطی کشتی حامل کالای قاچاق جنگی را توقیف و مصادره کنند. [۳۳۹] .

این اصل عرفی حقوق بین‌الملل جنگ، در مقررات و اعلامیه‌های بین‌المللی از جمله، اعلامیه‌ی ۱۸۵۶ پاریس و اعلامیه‌ی ۱۹۰۹ لندن به رسمیت شناخته شده و در راستای تعدیل اقدامات جنگی و رعایت حقوق دولت‌های بی‌طرف،

[صفحه ۲۲۱]

برای آن ضوابطی تعیین شده است. [۳۴۰] آرای قضایی متعددی درباره چنین اصلی در عرف بین‌المللی وجود دارد. [۳۴۱] .
براساس حقوق جنگ دریایی، کشتی‌های دولت‌های متخاصم، تنها در بعضی از موارد محدود می‌توانند به کشتی‌های تجاری دولت‌های بی‌طرف حمله یا آنها را غرق کنند. در صورتی که کشتی‌های تجاری دولت‌های بی‌طرف در مقابل ناوهای جنگی دولت‌های متخاصم به مقاومت مسلحانه اقدام کنند، حمله و غرق آنها مجاز است. همچنین، اگر ناوهای جنگی دولت‌های متخاصم در جریان بازرسی متوجه شوند که یک کشتی متعلق به دولت بی‌طرف مقادیر درخور توجهی قاچاق جنگی به مقصد دشمن حمل می‌کند می‌توانند آن را توقیف و به بندرهای خود هدایت کنند. در صورتی که الزام‌های عملیاتی امکان هدایت کشتی را به بندرهای امکان‌پذیر نکند، غرق کشتی مجاز شناخته شده است، اما غرق کشتی تحت هر شرایطی که انجام شود، باید اقدامات مشخصی پیش از غرق آن صورت گیرد، برای نمونه، باید تمامی سرنشینان کشتی تخلیه و به کشتی دیگری منتقل شوند. [۳۴۲] .
بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که حقوق بین‌الملل جنگ، تنها دو حق محاصره‌ی دریایی و نیز کنترل رفت و آمد و بازرسی کشتی‌های بی‌طرف را برای دولت‌های درگیر جنگ مجاز شناخته است. حال این پرسش مطرح می‌شود که اقدام رژیم عراق در حمله به کشتی‌های تجاری و نفت‌کش‌ها با کدام یک از اصول حقوق بین‌الملل منطبق بوده است؟
تا آنجا که به محاصره‌ی دریایی در زمان جنگ مربوط می‌شود، این اقدام باید با استفاده از کشتی‌های جنگی و به طور جدی و مؤثر صورت گیرد. رژیم عراق که در همان آغاز جنگ، نیروی دریایی‌اش متلاشی شد، با صدور اعلامیه‌ای اعلام کرد که بندرهای ایران را محاصره کرده است، [۳۴۳] اما در عمل، ناوگان

[صفحه ۲۲۲]

دریایی نداشت تا بندرهای ایران را محاصره کند و به همین دلیل، توان بازرسی و کنترل کشتی‌ها را نیز در همان آغاز جنگ از دست داده بود. بنابراین عراق با حمله‌ی هوایی به کشتی‌ها و نفت‌کش‌ها، به اقدامی متوسل شد که هیچ پایه‌ی و اساسی در حقوق بین‌الملل جنگ و بی‌طرفی نداشت و اقدامی کاملا غیرقانونی بود. [۳۴۴] «محاصره‌ی دریایی از نظر تاریخی، پدیده‌ای مخصوص نیروی دریایی است و محاصره‌ی دریایی، تنها نمی‌تواند از طریق هوا وجود داشته باشد»؛ زیرا این گونه حمله‌ها بدون شناسایی کشتی‌ها و محموله‌ی آنها و همچنین، بدون اخطار و تخلیه‌ی خدمه و سرنشینان کشتی انجام می‌شود که تلفات و خسارت‌های سنگینی را در پی دارد. [۳۴۵] بنابراین اقدام رژیم عراق در حمله به کشتی‌ها با اصول و اهداف حقوق بین‌الملل مغایر بود.
همان طور که گفته شد این حمله بدون اخطار قبلی و بدون تخلیه‌ی سرنشینان کشتی‌ها انجام می‌گرفت و تعدادی از افراد بی‌گناه را قربانی می‌کرد؛ بنابراین این اقدام رژیم عراق با اصول حقوق جنگ که درصدد حمایت از غیرنظامیان است، مغایر بود. در واقع، با این گونه حمله‌ها، به دولت‌های بی‌طرف و اتباع آنها آسیب فراوانی وارد می‌شود؛ زیرا به کشتی‌ها و محموله‌هایشان آسیب جدی وارد می‌آید؛ اقدامی که با قاعده‌ی محدود کردن جنگ و آثار آن به دولت‌های درگیر در جنگ مغایر است.

تهدید خطوط هوایی بین‌المللی و حمله به هواپیماهای مسافربری

رژیم عراق با تهدید خطوط هوایی بین‌المللی و حمله به هواپیماهای مسافربری، سبب کشته یا زخمی شدن تعدادی از افراد بی‌گناه و وارد آمدن

[صفحه ۲۲۳]

خسارت به دولت‌های بی‌طرف شده است. این اقدامات عراق با بخشی از حقوق جنگ، از جمله مقررات حمایت از افراد غیرنظامی و حمایت از حقوق دولت‌های بی‌طرف در جنگ مغایر بود. افزون بر آن، اقدام عراق طبق کنوانسیون ۱۹۴۴ شیکاگو درباره حفظ امنیت خطوط حمل و نقل هوایی بین‌المللی، تأمین سلامتی و نظم پرواز و نیز تضمین ایمنی مسافربری و خدمه‌ی هواپیما، نقض تعهدات بین‌المللی بوده است. ماده‌ی ۴۴ کنوانسیون شیکاگو ضمن برشمردن «هدف‌های مورد نظر سازمان ایکائو» تأکید می کند که:

«الف) پیشرفت امور هواپیمایی بین‌المللی کشوری در سراسر جهان با کمال نظم و بی‌خطری تأمین شود.

ب) امنیت پرواز در هوانوردی بین‌المللی تعمیم و توسعه یابد.»

در واقع، دولت‌های عضو متعهدند که تمام امکانات خود را برای تأمین سلامتی و بی‌خطری پرواز هواپیماها در خطوط هوایی به کار گیرند. این تکلیف عمده‌ی بین‌المللی را هر دولتی که نقض کند، تجاوز آشکار به حقوق بین‌المللی است و مسئولیت عاملان آن را به دنبال خواهد داشت.

اقدام دولت عراق در صدور اعلامیه‌ی ۹۰۱۶ [۳۴۶] با بند ۱ ماده‌ی ۳ ضمیمه ۱۵ کنوانسیون شیکاگو نیز مغایر بود؛ زیرا طبق مفاد بند مزبور، هیچ یک از دولت‌های متعاهد، مجاز به صدور اعلامیه هوایی برای قلمرو کشور متعاهد دیگر نیستند. به دنبال اخطار رژیم عراق، پرواز هواپیماهای بین‌المللی به ایران از مسیر عادی خود در غرب کشور قطع شد. گفتنی است که تهدید عراق به نداشتن مسئولیت در قبال امنیت پروازهای بین‌المللی، تنها یک تهدید صرف نبود، بلکه به مرحله‌ی عمل نیز رسید. حمله به هواپیماهای غیرنظامی و سرنگون کردن آنها، دزدی هوایی تهدید هواپیماهای مسافربری و تجاری از جمله مواردی بود که رژیم عراق مقررات بین‌المللی را نقض کرد. سابقه‌ی چنین اقداماتی به اوایل سال ۱۳۶۱ و سفر وزیر امور خارجه

[صفحه ۲۲۴]

الجزایر به ایران باز می گردد. در آن زمان، هنگامی که بن‌یحیی و همراهان وی برای گفت‌وگو درباره جنگ تحمیلی عازم ایران شده بودند، هواپیمای آنها در مرز ایران و ترکیه هدف حمله‌ی هواپیماهای جنگنده‌ی عراق قرار گرفت و وزیر امور خارجه الجزایر و همراهان وی به شهادت رسیدند. [۳۴۷] .

در اول اسفند ۱۳۶۴، نیز دو فروند جنگنده‌ی عراقی به یک هواپیمای اف - ۲۷ متعلق به خطوط هوایی داخلی ایران (آسمان) در مسیر تهران - اهواز حمله و آن را سرنگون کردند. در این حمله ۴۲ تن سرنشین این هواپیمای غیرنظامی به شهادت رسیدند.

همچنین، در ۲۳ مهر ۱۳۶۵ هواپیماهای متجاوز عراقی به یک هواپیمای بوئینگ ۷۳۷ متعلق به شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران، که از شیراز عازم بندرعباس بود، به هنگام سوار شدن مسافران در فرودگاه شیراز، حمله کردند که در نتیجه‌ی اصابت موشک به هواپیما ۳۰ تن از مسافران آن به شهادت رسیدند. [۳۴۸] .

علاوه بر این، رژیم عراق با کمک به هواپیماربایان و حتی اسکورت دو هواپیمای مسافربری ربوده شده‌ی ایران و نشانده آنها در خاک خود، کنوانسیون شیکاگو و پیمان بین‌المللی هوایی ۱۹۴۴ را که به مسئله‌ی امنیت

[صفحه ۲۲۵]

خطوط پرواز غیرنظامی در جهان اشاره می‌کند، زیر پا گذاشت.

طبق کنوانسیون توکیو مورخ سپتامبر ۱۹۶۳ هر گونه عمل مداخله، توقیف یا کنترل غیرقانونی هواپیمای در حال پرواز ممنوع است و دولتی که هواپیما در آن فرود آمده مکلف است به مسافران و خدمه هواپیما اجازه دهد به سفر خود ادامه دهند و هواپیما و محموله‌ی آن را به صاحبان قانونی هواپیما مسترد دارد. [۳۴۹] .

طبق کنوانسیون لاهه مبارزه با توقیف غیرقانونی هواپیما (۱۶ دسامبر ۱۹۷۰)، توقیف یا اعمال کنترل بر هواپیما یا حمله بدان با توسل به زور یا تهدید یا هر گونه ارعاب، جرم تلقی شده است. طرف‌های قرارداد متعهد شده‌اند که برای جرم مزبور مجازات شدیدی در نظر گیرند. همچنین چنانچه متخلف در سرزمین هر یک از دولت‌های عضو یافت شود یا باید استرداد یا در آنجا تحت پیگرد قرار گیرد. [۳۵۰] .

کنوانسیون مونترال - که معاهدات مربوط به هواپیماربایی را تکمیل می‌کند - تعریف جرم هواپیماربایی را که در کنوانسیون لاهه آمده، تکمیل کرده است و آن را به موارد توسل به خشونت علیه اشخاص موجود در هواپیمای در حال پرواز که ممکن است ایمنی هواپیما را به خطر اندازد یا قرار دادن هر شیء در هواپیما که ممکن است صدمه یا انهدام هواپیمای در حال پرواز را موجب شود یا مخابره‌ی نادرست، که عدم ایمنی هواپیما را سبب گردد، نیز گسترش داد. [۳۵۱] گفتنی است که این معاهدات هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ، لازم الاجرا می‌باشد.

همچنین براساس قطعنامه‌ی کنفرانس اسلامی که در یمن شمالی برگزار شد، هواپیماهای ربوده شده به هر کشوری که برده شود، آن کشور موظف است که نخست هواپیماربایان را محاکمه کند و سپس عین هواپیما را به کشور صاحب برگرداند، اما رژیم عراق به جای دستگیری هواپیماربایان هواپیمای خطوط هوایی ایران، از آنها استقبال کرد و برایشان مصاحبه مطبوعاتی ترتیب داد. این رژیم حتی مسافران و خدمه این هواپیماها را به فوریت آزاد نکرد و برای آنها برنامه‌های اجباری ترتیب داد و هواپیمای مسافربری ربوده شده پس از سال‌ها به جمهوری اسلامی بازگردانده شد.

[صفحه ۲۲۶]

پس از آخرین مورد دزدی هوایی رژیم عراق در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۶۳، آقای هامر شولد، دبیر کل «یاتا»، طی تلکسی در تاریخ ۸ شهریور ۱۳۶۳ نماینده‌ی عراق را احضار کرد و از وی خواست تا کشورش به مقررات یاتا عمل کند و حتی مجددا تلکسی در این باره به بغداد ارسال کرد. اقدامات دبیر کل سازمان بین‌المللی هوایی کشوری (ایکائو) و معاون دبیر کل صلیب سرخ جهانی نیز همچون اقدامات دبیر کل یاتا بی‌پاسخ گذاشته شد و بدین ترتیب، رژیم عراق در مورد دزدی هواپیماهای غیرنظامی به اقدامی مبادرت کرد که تاکنون، کمتر حکومتی چنین کرده بود. [۳۵۲] در این زمینه نیز رژیم عراق مقررات بین‌المللی را زیر پا گذاشت و به رغم اینکه خود از امضا کنندگان این مقررات بود، به آنها عمل نکرد.

[صفحه ۲۲۷]

نتیجه گیری

در مطالبی که شرح آن گذشت، نحوه‌ی رفتار رژیم عراق با افراد و اهداف غیرنظامی و همچنین شیوه‌ی برخورد نیروهای ارتش عراق با رزمندگان ایرانی در مراحل مختلف نبرد و نیز روش برخورد با آنها در صورت دستگیری از آغاز اسارت تا انتقال آنان به اردوگاه‌های اسیران جنگی و پس از آن، با توجه به حقوق بین‌الملل بشردوستانه بررسی شد. رفتار و عملکرد ارتش عراق در جنگ با ایران نشان می‌دهد که در مخاصمات مسلحانه نوین [۳۵۳] افراد غیرنظامی، چه بسا بیش از نظامیان در معرض خطر قرار دارند. آمار نشان می‌دهد که حدود ۸۰درصد جان باختگان جنگ‌های پس از جنگ جهانی دوم را غیرنظامیان تشکیل داده‌اند. افزایش برد توپ‌ها، موشک‌ها و هواپیماهای نظامی و گسترش تولید سلاح‌های کشتار جمعی، جامعه‌ی بین‌المللی را به توسعه‌ی اعمال حقوق بین‌الملل بشردوستانه به نفع غیرنظامیان و وضع مقررات ویژه‌ای برای حفاظت و حمایت از آنها واداشت. میزان تلفات غیرنظامیان در جنگ جهانی دوم که ۲۴ میلیون نفر برآورد شده است، نارسایی حقوق جنگ را در آن زمان به صراحت نشان داد. بدین ترتیب، با پایان یافتن جنگ و تأسیس سازمان ملل متحد و در نهایت، انعقاد کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو، «حقوق جنگ» جای خود را به «حقوق بشردوستانه» داد. تحول از حقوق جنگ به حقوق بشردوستانه، صرفا تحول

[صفحه ۲۲۸]

در عبارت و عنوان نیست، بلکه اصول بشردوستانه به مراتب از حقوق جنگ کامل‌تر بود و اندیشه‌های انسانی کردن درگیری‌ها، نمود بیشتری یافت. فلسفه‌ی وجودی این حقوق آن است که کاربرد زور از جانب مقامات قانونی را به اهداف سیاسی مورد نظرشان محدود کند، بدون آنکه دامنه‌ی اجبار از اهداف و مقاصد مورد نظر تجاوز کند.

فاجعه‌ی جنگ جهانی دوم و کشته‌شدن تقریبا ۲۴ میلیون نفر غیرنظامی، به وضع قراردادهای چهارگانه‌ی ۱۹۴۹ ژنو انجامید. [۳۵۴] قرارداد چهارم ۱۹۴۹ به غیرنظامیان و حمایت از آنان در جنگ‌ها اختصاص یافت و نخستین سند حقوقی است که به طور ویژه به مسائل غیرنظامیان در زمان جنگ پرداخت و بیشتر کوشید که با تصویب آن، مانع از آزار و بدرفتاری با مردم غیرنظامی در سرزمین‌های اشغالی شود. در ادامه این روند، پروتکل نخست ۱۹۷۷ دامنه‌ی حمایت از اشخاص و اهداف غیرنظامی را گسترش داد و اصل بنیادین حقوق مخاصمات مسلحانه، یعنی اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان را در ماده‌ی ۴۸ خود اعلام کرد.

در ماده‌ی ۱ هر چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو آمده است که طرف‌های متعاهد به رعایت و تضمین احترام به کنوانسیون حاضر در تمام شرایط ملزم‌اند. ماده‌ی مزبور هیچ جایگاهی را برای اصل ضرورت نظامی در برخورد با ملاحظات انسانی قائل نشده است، به همین دلیل، کمیسیون حقوق بین‌الملل، حقوق بشردوستانه قابل اجرا در زمان جنگ را در زمره‌ی معاهداتی می‌آورد که به صراحت، استناد به حالت ضرورت جنگی را برای توجیه اقدام خلاف معاهده منع می‌کند.

امروزه این اصل کلی پذیرفته شده است که اگر دولت طرف مخاصمه حتی عضو کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو هم نباشد، باید مقررات آن را رعایت کند. متعاهدان این کنوانسیون‌ها و پروتکل شماره‌ی ۱، باید اجرای آنها را در هر شرایطی از دیگر دولت‌ها نیز بخواهند و در صورت مشاهده نقض این مقررات به وسیله هر دولت عضو، به این مسئله اعتراض کند. مسئولیت فردی کیفری

[صفحه ۲۲۹]

در کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ و پروتکل نخست مورد شناسایی و تأیید قرار گرفت و مشخص شد که تا چه حد نقض این مقررات شدید بوده است و باید این قوانین ضمانت اجرایی قوی‌تری داشته باشند. در نهایت، برای اینکه مقررات حقوق بشردوستانه اجرا شوند،

باید تابعان حقوق بین‌الملل عدم تجاوز به این حقوق را جدی بگیرند و برخورد با مسائل و مشکلات سیاسی را که برای حفظ اعتبار این حقوق لازم است، پذیرا باشند.

عملکرد ارتش عراق در جنگ با ایران نشان می‌دهد که دولت عراق به عنوان یکی از تابعان حقوق بین‌الملل هرگز موازین حقوق بین‌المللی بشردوستانه را رعایت نکرد و هر وسیله و روشی را که در اختیار داشت، علیه افراد غیرنظامی به کار برد. استفاده از سلاح شیمیایی در حمله به شهرها و توسل به حمله‌های کورکورانه و بدون تبعیض، به ویژه حمله هوایی و موشکی علیه جمعیت غیرنظامی، از جمله اقدامات و اعمال غیرقانونی رژیم عراق بود. در این حمله‌ها، ۱۲۴۲۰ نفر از هموطنان غیرنظامی شهید و ۵۳۱۱۸ نفر نیز مجروح شدند.

رفتار غیرانسانی نیروهای ارتش عراق با ساکنان مناطق اشغالی که به قتل، بدرفتاری، انتقال اجباری آنها به داخل قلمرو عراق و به اسارت گرفتن جمعی از آنان منجر شد، با حقوق بین‌الملل بشردوستانه مغایر بود.

همچنین حمله به اهداف غیرنظامی، مانند اموال فرهنگی، مراکز غیرنظامی، مراکز آموزشی، تأسیسات و... از دیگر تخلفات عراق از حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی محسوب می‌شد.

رفتار نیروهای ارتش عراق با نظامیان ایرانی در صحنه‌ی نبرد و بعد از آن بسیار اسفبار بود، طوری که میزان تلفات استفاده از سلاح‌های مرگبار شیمیایی در جبهه‌ها علیه رزمندگان ایرانی نزدیک به صد هزار شهید و مجروح برآورد شده است.

اعدام اسیران در میدان نبرد، مداوا نکردن مجروحان صحنه‌ی نبرد و قتل عام آنها، به شهادت رساندن اسیران مظلوم و بی‌دفاع در اردوگاه‌های اسیران

[صفحه ۲۳۰]

جنگی، بدرفتاری، شکنجه‌های روحی و جسمی شدید و ضدانسانی؛ از جمله اقدامات غیرقانونی رژیم عراق بود که هیئت اعزامی دبیر کل وقت سازمان ملل متحد به اردوگاه‌های اسیران جنگی ایران و عراق، اجرای آن را به دست ارتشیان عراقی تأیید کردند و نمایندگان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ بارها در گزارش‌های خود بر درستی خبرهای این اقدامات عراقی‌ها صحه گذاشتند. بی‌گمان، رفتار رژیم عراق با نظامیان ایرانی با قوانین بین‌الملل بشردوستانه، به ویژه پروتکل ۱۹۲۵ ژنو و کنوانسیون سوم و پروتکل نخست ۱۹۷۷ ژنو مغایر بود.

با توجه به موارد یاد شده، طی جنگ ایران و عراق، عمیق‌ترین دوگانگی و تعارض در لفظ (مواضع رسمی) و عمل کشورهای ثالث به نفع رژیم عراق را شاهد بودیم. افزون بر کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و در رأس آنها، سازمان ملل متحد نیز بی‌طرف نبودند.

به رغم اینکه شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌توانست براساس فصل هفتم منشور با دولت متخلف عراق برخورد کند، اما هرگز چنین نکرد و اجرای قانون را فدای منافع و مصالح اعضای صاحب نفع کرد. بر کسی پوشیده نیست که دولت‌های قدرتمند، به ویژه آنانی که از حق وتو برخوردار بودند، اجازه‌ی چنین برخوردی با رژیم عراق را ندادند. در این باره صدام حسین در مصاحبه‌ای به صراحت، علت این ملاحظات را چنین بیان کرد: «ما به خاطر امریکا و اروپا نیز می‌جنگیم.» [۳۵۵] تأمین منافع غرب در گرو جنگ و ادامه‌ی آن در منطقه‌ی استراتژیک خلیج فارس بود؛ جنگی که غربی‌ها آن را طراحی و رژیم عراق را مأمور اجرای آن کردند و مأموریت پشتیبانی همه‌جانبه‌ی آن را به عهده گرفتند.

اعتراف صدام ادعای مزبور را کاملا تأیید می‌کند: «ما را موذیانه تشویق و تهییج کردند تا با ایران بجنگیم.» [۳۵۶] .

اظهارات صدام حسین و مواضع کشورهای غربی در جنگ ایران و عراق از هماهنگی کامل بین رژیم عراق و کشورهای غربی

حکایت داشت. به رغم

[صفحه ۲۳۱]

اینکه ارتش عراق حقوق بشردوستانه را به طور وسیع و گسترده‌ای نقض کرد، نه شورای امنیت و نه کشورهـای دیگر نسبت به این جنایت‌ها هیچ واکنشی از خود نشان ندادند.

این در حـالی است که شورای امنیت سازمـان ملـل متحـد خلاف رویه‌ی خود در جنـگ هشت سـاله‌ی ایران و عراق، در تاریخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۲ قطعنامه‌ی شـماره ۷۶۴ را دربـاره یوگسلاوی سـابق صـادر کرد و در آن، از دو طرف مخاصـمه (بوسـنی و هرزه‌گوین، صربستان و مونته نگرو) خواست تا حقوق بشـر دوسـتانه ی بین‌المللی، به ویژه کنوانسیون‌های ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو را رعایت کننـد و حتی در بنـد ۱ قطعنامه ۸۰۸ مورخ ۲۲ فوریه ۱۹۹۲ اعلاـم کرد که شـورای امنیت تصـمیم گرفته است دادگـاهی بین‌المللی را برای محـاکمه کسانی که نقض شدیـد حقوق بشردوسـتانه بین‌المللی را در خاک یوگسلاوی سابق از سال ۱۹۹۱ مرتکب شده‌اند، ایجاد کند....

نتیجه آن که قتـل عمـدی غیرنظامیـان در منـاطق اشـغالی، شـکنجه، تجـاوز به عنف، تبعیـد مردم مناطق اشـغالی ایران به داخل خاک عراق، بمباران و موشـکباران شـهرها و روسـتاها، اسـتفاده از سـلاح‌های مرگبار شـیمیایی، کشـتن مجروحان، اعدام اسیران جنگی در صحنه‌ی نبرد، کشـتن اسـیران در اردوگاه‌های اسـیران جنگی، بـدرفتاری با اسـیران جنگی، غارت اموال عمومی و خصوصـی، انهدام شهرهـا و روسـتاها، از جمله اعمـالی است که ارتش عراق در زمـان جنگ، انجام داد. بر همین اساس و به اسـتناد بنـد «ب» ماده‌ی ۶ اساس‌نـامه دادگـاه نورنبرگ، که مجمع عمومی ملـل متحـد در سال ۱۹۴۶ در قـالب قطعنـامه‌ای اصـول آن را مورد تأکیـد قرار داد، اعمال یاد شده از مصادیق بارز جنایت‌های جنگی و جنایت علیه بشـریت محسوب می‌شوند؛ زیرا وقاحت عمل و آثار منفی ناشـی از آن، توهین و به مسـخره گرفتن تمامی بایدها و ارزش‌های انسانی بوده است؛ بنابراین، رژیم عراق در قبال عملکرد خود مسئول است و مرتکبـان و متهمـان این جنایت‌هـا براسـاس حقوق بین‌المللـل بشردوسـتانه قابل مجازات‌انـد. همچنین رژیم عراق با تجاوز به خاک ایران، منشور سازمان ملل

[صفحه ۲۳۲]

و قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را نقض کرد و به استناد قوانین بین‌المللی، مسئول پرداخت غرامت جنگی است. مجموع خسارت‌های جنگی وارده شـده به ایران قریب به هزار میلیارد دلار تخمین زده شـده است. بی‌گمان، عراق مسـئولیت خسارت‌های وارد شده به شـهرها و تأسیسات زیر بنـایی ایران را بر عهـده دارد همچنین مهـاجرت مردم از مناطق جنگی فشار زیادی بر دولت ایران تحمیل کرد که باید در پرداخت غرامت جنگی، این موضوع در بخشی از مذاکرات گنجانده شود.

بنـابراین دولـت جمهـوری اسـلامی ایران لاـزم اسـت از طریـق مجـاری قـانون و بـا پیگیری مجـدانه، برای اجرای مفـاد اجرا نشـده‌ی قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت و احقاق حقوق ملت، تمام تلاش خود را بکند.

پاورقی

[۱] حسین شریفی طرازکوهی، مجموعه مقالات حقوق جنگ، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۱۲.

[۲] ناصر قربان‌نیا، اخلاق و حقوق بین‌الملل، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۵۶.

[۳] دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، مجله تحقیقات، شماره ۱۸، تابستان و زمستان ۱۳۷۵، ص ۱۵۴.

[۴] ا. مور تایمر لوئیز، بررسی کشور عراق، مترجم سید جلیل صالحی (ماهیدشتی)، کرمانشاه: انتشارات باغ ابریشم، ۱۳۷۹، ص ۲۱۸.

[۵] روزنامه رسالت، ۹ / ۶ / ۱۳۶۵.

[۶] حسین شریفی طرازکوهی، مجموعه مقالات حقوق جنگ، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۵، ص ۷۸ و ۷۹.

[۷] International Humanitarian Law.

[۸] Robert.L.Bledsoe and Boleslaw A Boczek, The International law dictionary, ۱۹۸۷, p.۳۷۱..

[۹] Law of war / Law of Armed Conflict.

[۱۰] همان.

[۱۱] کنفرانس‌های بین‌المللی صلح در سال‌های ۱۸۹۸ و ۱۹۰۷ میلادی در لاهه برگزار گردید که در آنها مقرراتی درباره جنگ تصویب شد که معروف به «حقوق لاهه» می‌باشد. مشهورترین مقررات بشردوستانه لاهه ماده ۲۲ و ۲۳ آن می‌باشد. در ماده ۲۲ آمده است: حق متخاصمین نسبت به استفاده از ابزار و وارد کردن صدمه به دشمن نامحدود نیست. ماده ۲۳ نیز به کارگیری نیروها، موشک‌ها یا موادی را که دارای قدرت ایراد صدمه زیاد است ممنوع می‌کند. در واقع حقوق لاهه ابزار و روش‌های جنگیدن را تنظیم می‌کند.

[۱۲] مأخذ ۱، ص ۷۸.

[۱۳] جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، آشنایی با حقوق بشردوستانه بین‌المللی، تهران: انتشارات هلال احمر، ۱۳۸۱، ص ۳.

[۱۴] دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، مجله‌ی «تحقیقات»، شماره ۱۸، ویژه تابستان و زمستان ۱۳۷۵، ص ۱۴۹.

[۱۵] مأخذ ۵، ص ۶.

[۱۶] مأخذ ۶، ص ۱۵۲.

[۱۷] سید علی‌نقی فیض‌الاسلام، ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، نامه چهاردهم، ص ۸۵۸ تا ۸۶۰.

[۱۸] Henry Dunont.

[۱۹] A Memory of Solferino.

[۲۰] مأخذ ۵، ص ۱۱.

[۲۱] مأخذ ۶، ص ۸۰ تا ۸۲.

[۲۲] General Participation Clause.

[۲۳] مأخذ ۲، ص ۳۶۹ و ۳۷۰.

[۲۴] مأخذ ۲، ص ۳۹۵ و ۳۹۶.

[۲۵] رضا موسی‌زاده، حقوق معاهدات بین‌المللی، تهران: نشر دادگستر، بهار ۱۳۷۷، ص ۲۸۶.

[۲۶] GA Abrisary Opinion ۱۹۹۲.para.۷۵..

[۲۷] همان، Para.۷۸.

[۲۸] مارتنس حقوقدان روسی بود. سرنوشت قربانیان جنگ که در حقوق لاهه مورد توجه قرار نگرفت، مارتنس پیشنهاد داد که

حقوق انسانی منبعث از خودآگاهی عمومی است و آن گونه که بشریت و عرف ملت‌ها اقتضا می‌کند، باید تحت مقررات حقوق جنگ قرار گیرد.

[۲۹] همان، Para.۷۹.

[۳۰] قواعد آمره یا قواعد امری(JUS cogens)که به آن حقوق بین‌الملل عام نیز گفته می‌شود، همان قواعد بین‌الملل عرفی‌اند که به دلیل بنیادی بودن آنها، به وسیله معاهده قابل تغییر نیستند. مانند: قاعده‌ی منع توسل به زور در روابط بین‌الملل یا حاکمیت برابر دولت‌ها و به طور مشخص‌تر حق تعیین سرنوشت.

[۳۱] جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، قراردادهای چهارگانه ژنو درباره‌ی صلیب سرخ بین‌المللی و جمعیت ملی صلیب سرخ و هلال احمر، تهران، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، آذر ۱۳۵۹، ص ۱۱۸.

[۳۲] همان.

[۳۳] آرشیو اسناد جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، گزارش هیئت اعزامی دبیر کل سازمان ملل متحد از اردوگاه‌های اسیران جنگی ایران و عراق، ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۶۳.

[۳۴] مأخذ ۱، ص ۱۱۳.

[۳۵] مأخذ ۱، ص ۱۱۸.

[۳۶] آرشیو اسناد جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران: گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی (ICRC)، اردوگاه صلاح الدین، ۱۳ فوریه ۱۹۸۴.

[۳۷] مأخذ ۳.

[۳۸] سید محسن یحیوی، ده سال تنهایی، معاونت فرهنگی و تبلیغات ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۷۵.

[۳۹] اصغر کاظمی، خرمشهر در اسناد ارتش عراق، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، تهران: مؤسسه انتشارات سوره، ۱۳۷۵، ص ۱۴.

[۴۰] مرتضی سرهنگی، اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی، جلد اول، تهران: انتشارات سروش، چاپ چهارم، ۱۳۶۹، ص ۶۰ و ۶۱.

[۴۱] همان، ص ۱۷.

[۴۲] همان، ص ۲۲۲ و ۲۲۳.

[۴۳] گزارش شورای عالی دفاع، ستاد تبلیغات جنگ، ص ۱۵.

[۴۴] سرتیپ جواد اسعد شیتنه بعدها به جرم تردید در اجرای مأموریت ضدحمله از سوی لشکر سوم زرهی و عدم اجرای فرامین روشن و صریح به دستور صدام اعدام شد. (نگارنده).

[۴۵] مأخذ ۱۰، ص ۱۵۲ تا ۱۵۶.

[۴۶] مأخذ ۱، ص ۱۰۹.

[۴۷] مأخذ ۱۰، ص ۱۵۶ و ۱۵۷.

[۴۸] ناصر قربان‌نیا، اخلاق و حقوق بین‌الملل، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، انتشارات سمت، ۱۳۷۸، ص ۱۶۱.

[۴۹] مرتضی سرهنگی، اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی، جلد دوم، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۰.

[۵۰] مأخذ ۹، ص ۱۴۸.

[۵۱] مأخذ ۱، ص ۱۰۲.

[۵۲] مأخذ ۱، ص ۱۰۲.

[۵۳] مأخذ ۱، ص ۱۰۹.

[۵۴] شارل روسو، حقوق مخاصمات مسلحانه، جلد ۱، ترجمه سید علی هنجنی، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ۱۳۶۹، ص ۱۷۶ و جزوه درسی همین موضوع، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، دانشکده حقوق، بخش حقوق جنگ.

[۵۵] مأخذ ۱، ص ۱۱۸.

[۵۶] مأخذ ۱، ص ۱۱۸.

[۵۷] ستاد تبلیغات جنگ، نقض مقررات بین‌المللی توسط رژیم عراق، ۱۳۶۴، ص ۵.

[۵۸] همان.

[۵۹] مأخذ ۱۰، ص ۱۹۵.

[۶۰] مأخذ ۱، ص ۱۰۹.

[۶۱] مأخذ ۱، ص ۱۴۳.

[۶۲] مأخذ ۱، ماده‌ی ۱۴۳.

[۶۳] مأخذ ۱، ص ۱۰۹.

[۶۴] مأخذ ۱۰، ص ۱۴۹.

[۶۵] مأخذ ۱۰، ص ۱۴۹.

[۶۶] مأخذ ۱۰، ص ۱۵۸.

[۶۷] به بخشی از این بیانیه در صفحه ۵۳ اشاره شده است.

[۶۸] آرشیو اسناد ستاد آزادگان، دفتر نمایندگی ولی فقیه در ستاد، نامه احمد توکلی به مدیر کل بین‌المللی کار، شماره ۵۹۷۱۰، ۱۲ / ۷ / ۱۳۶۰.

[۶۹] آرشیو اسناد جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، هیئت اعزامی دبیر کل سازمان ملل از اردوگاه اسیران جنگی، ۳ / ۱۰ / ۱۳۶۳.

[۷۰] آرشیو اسناد جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی (ICRC)، اردوگاه موصل ۱، ۷ تا ۹ تیر ۱۳۶۰.

[۷۱] همان، اردوگاه موصل ۲، ۲۹ تا ۳۰ تیر ۱۳۶۰.

[۷۲] همان، اردوگاه موصل ۱، ۳ تا ۵ فروردین ۱۳۶۰.

[۷۳] همان، ۲ تا ۴ آبان ۱۳۶۰.

[۷۴] همان، ۲۷ تا ۲۹ تیر ۱۳۶۱.

[۷۵] از جمله پزشکانی که مؤلف آنان را در اردوگاه (موصل ۲) دیده است، آقایان دکتر خالقی و دکتر سید عباس پاک‌نژاد بودند. این دو پزشک در آغاز جنگ در منطقه‌ی جنوب به دست قوای ارتش عراق اسیر شدند و مدت ده سال را در اسارت به سر بردند.

[۷۶] مأخذ ۲۶، ص ۵ و ۶.

[۷۷] مشاهدات عینی نگارنده در اردوگاه موصل ۲.

[۷۸] آرشیو اسناد ستاد آزادگان، نامه رئیس ICRC به همسر مهندس بوشهری.

[۷۹] مأخذ ۱، ص ۱۰۲.

[۸۰] مأخذ ۱، ص ۱۰۸.

[۸۱] مأخذ ۱، ص ۱۱۳.

[۸۲] مأخذ ۲۶، ص ۱۵.

[۸۳] آرشیو اسناد جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، گزارش گروه اعزامی دبیر کل سازمان ملل از مناطق تخریب شده، ۳۱ اردیبهشت تا ۵ خرداد ۱۳۶۲.

[۸۴] مأخذ ۲۶، ص ۱۵.

[۸۵] مأخذ ۲۶، ص ۱۶.

[۸۶] مأخذ ۱۰، ص ۳۳.

[۸۷] مأخذ ۱۰، ص ۱۴۴.

[۸۸] مأخذ ۹، ص ۲۵۳.

[۸۹] مأخذ ۹، ص ۲۵۴.

[۹۰] برای اطلاع بیشتر به کتاب خرمشهر در اسناد ارتش عراق صفحات ۲۳۵ و ۲۶۳ مراجعه شود.

[۹۱] شارل روسو، حقوق مخاصمات مسلحانه، جلد ۱، ترجمه‌ی سید علی هنجنی، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ۱۳۶۹، ص ۱۸۳ و ۱۸۴.

[۹۲] همان، ص ۱۸۴.

[۹۳] مأخذ ۹، ص ۲۰۸.

[۹۴] مأخذ ۹، ص ۲۰۵.

[۹۵] مأخذ ۵۷، ص ۱۸۳ و ۱۸۴.

[۹۶] مأخذ ۶.

[۹۷] مأخذ ۸، ص ۱۷۵.

[۹۸] مأخذ ۶.

[۹۹] مأخذ ۵۷، ص ۱۸۴.

[۱۰۰] مأخذ ۲۶، ص ۱۰.

[۱۰۱] سازمان مؤیدی، ۵۰ روز از جنگ (حملات موشکی به تهران)، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۸، ص ۶.

[۱۰۲] روزنامه‌ی کیهان، ۱۹ / ۷ / ۱۳۵۹.

[۱۰۳] سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های لحظه به لحظه و انعکاس آن در خبرگزاری‌ها، مطبوعات و رادیو و تلویزیون‌های جهان، جلد دوم، تهران: انتشارات سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی، ص ۱۰.

[۱۰۴] مأخذ ۶۸، ص ۶.

[۱۰۵] مأخذ ۲۶، ص ۱۱.

[۱۰۶] مأخذ ۲۶، ص ۱۲.

[۱۰۷] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ترجمه‌ی اسناد سازمان ملل درباره جنگ ایران و عراق، مترجم محمدعلی خرمی، سند شماره ۱۶۶۱۰ / S,۱۰ ژوئن ۱۹۸۴ (۲۰ خرداد ۱۳۶۳).

[۱۰۸] مأخذ ۲۶، ص ۱۲ و ۱۳.

[۱۰۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۳۵۹ اسفند ۱۳۶۳.

[۱۱۰] رژیم عراق با حمله به مکان‌های غیرنظامی و مسکونی تعهداتی را نقض کرد که مصادیق و استنادات آن به شرح زیر موجود بوده است:

در ماه سپتامبر ۱۹۳۷، دولت امریکا با واکنش در قبال اعلامیه‌ی ژاپن مبنی بر از سر گیری بمباران شهر «نان کینگ» (nan king) در چین اعلام کرد که بمباران مناطق وسیعی که در آن، تعداد زیادی از ساکنان غیرنظامی وجود دارد، خلاف انسانیت و اصول حقوقی جنگ است. مجمع عمومی جامعه‌ی ملل نیز در ۳۰ سپتامبر ۱۹۳۸، قطعنامه‌ای را به اتفاق آرا تصویب کرد که بدین شرح است:

«۱) هر گونه حمله‌ی عمومی علیه جمعیت غیرنظامی، نقض مسلم حقوق بین‌الملل است.

۲) اهدافی که از هوا هدف حمله قرار می‌گیرند، باید قابل شناسایی باشند و حمله‌ها صرفا، علیه اهداف نظامی باشد.

۳) در حملات هوایی، باید مراقبت مناسب صورت گیرد تا اشتباها، جمعیت غیرنظامی در مجاورت اهداف نظامی هدف حمله واقع نشوند.»

(دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، جلد دوم، تهران، ۱۳۶۸، مقاله‌ی «حمله به مناطق مسکونی و افراد غیرنظامی» نوشته صفت‌الله طاهری شمیرانی، ص ۱۴۵)

پس از جنگ جهانی دوم نیز تلاش‌های بین‌المللی برای تنظیم مقررات مربوط به حمایت از غیرنظامیان ادامه یافت و نقض مکرر این اصل در جریان این جنگ، نه تنها از ارزش و اهمیت آن نکاست، بلکه ضرورت اقدامات جدی‌تری را در این زمینه نیز مطرح کرد. پس از چهار سال تلاش کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹، چهار کنوانسیون از جمله کنوانسیون حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ به امضای نمایندگان دولت‌ها رسید.

در پی تحقق این مهم، به دلیل تغییر و تحولات بین‌المللی و نیز توسعه و بهبود صنایع تولید تسلیحات، تلاش‌های بین‌المللی برای تدوین و توسعه‌ی حقوق بشردوستانه ادامه یافت و در سال ۱۹۷۷، پس از سه سال کوشش، پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به تصویب رسید. این اقدام را می‌توان بزرگ‌ترین توفیق جامعه‌ی جهانی در زمینه‌ی توسعه‌ی حقوق جنگ، به ویژه حمایت از افراد غیرنظامی قلمداد کرد. در ماده‌ی ۴۸ پروتکل نخست در مورد حمایت از قربانیان جنگ‌های بین‌المللی گفته شده است:

«دو طرف درگیر برای تأمین احترام و حمایت غیرنظامیان در هر زمان بین مردم غیرنظامی و نظامیان و اهداف نظامی از غیرنظامی باید تمایز قایل شوند و بر این اساس، عملیات نظامی خود را صرفا علیه اهداف نظامی انجام دهند.»

در این ماده، صریحا ضرورت تفکیک و تمایز بین اهداف نظامی و غیرنظامی و نظامیان از غیرنظامیان و رعایت احترام و حمایت از افراد غیرنظامی مورد تأکید قرار گرفته است. این قاعده قبلاـ در قطعنامه‌ی مؤسسه‌ی حقوق بین‌الملل مورخ ۹ سپتامبر ۱۹۶۹ و در قطعنامه‌ی مجمع عمومی سازمان ملل متحد شماره‌ی ۲۶۷۵، مورخ ۹ دسامبر ۱۹۷۰ به عنوان یک عرف بیان شده بود.

در ماده‌ی ۵۱، پروتکل الحاقی شماره‌ی یک با نام «حمایت از جمعیت غیرنظامی» مقررات تفصیلی درباره حمایت از غیرنظامیان بیان شده است. این ماده یکی از مهم‌ترین مواد پروتکل مزبور است، در بند ۱ آن ضمن حمایت کامل از ساکنان و افراد غیرنظامی در برابر خطرهای ناشی از مخاصمات مسلحانه، بر ضرورت رعایت و اجرای تمامی مقررات لازم الاجرای حقوق بین‌الملل در تمامی شرایط در این زمینه تأکید شده است. در بند ۲ ماده‌ی ۵۱ تأکید شده که غیرنظامیان نباید هدف تاکتیکی تلقی شوند. در بندهای ۴ و ۵ آن نیز، ضمن ممنوع کردن اجرای حمله‌های نامشخص، موارد و مصادیق آن را ذکر کرده‌اند. برای نمونه، در این بندها، به

ممنوعیت بمباران هوایی هدفی نظامی یا تعدادی از هدف‌های نظامی مشخص و پراکنده، واقع در شهرهای بزرگ و کوچک، ده یا دیگر نواحی دارای جمعیت و اهداف غیرنظامی اشاره شده است.

[۱۱۱] ستاد تبلیغات جنگ، ستیز با صلح، ستاد تبلیغات جنگ، شورای عالی دفاع جمهوری اسلامی ایران، تهران: چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۱۵۷.

[۱۱۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۷۱، خرداد ۱۳۶۳.

[۱۱۳] مأخذ ۶۸، ص ۷.

[۱۱۴] مأخذ ۷۵.

[۱۱۵] مأخذ ۶۸، ص ۸.

[۱۱۶] بی‌شک پرداختن به ماجرای حلبچه نیاز به تحقیق گسترده و انتشار گزارش‌ها و کتاب‌های متعددی دارد و اهمیت این موضوع که چرا و چگونه رئیس یک حکومتی این چنین ددمنشانه مردم بی‌دفاع یکی از شهرهای کشورش را هدف حمله هوایی و شیمیایی قرار می‌دهد، به اندازه‌ای وسیع است که در حوصله این کتاب نیست و جا دارد به اشکال مختلف این پدیده را ترسیم و تحلیل کرد.

[۱۱۷] مأخذ ۶۸، ص ۶.

[۱۱۸] محمود مسائلی و عالیه ارفعی، جنگ و صلح از دیدگاه حقوق روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱، ص ۱۲۶.

[۱۱۹] kwakwa,E. The internation low of Armed conflict: personalan dmaterial fields of Applicon martinus nighff publisherd, ۱۹۹۲, p ۱۴۸..

[۱۲۰] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ماهنامه نگاه «گزارش‌ها و تحلیل‌های نظامی – راهبردی» سال اول، شماره ۶، شهریور ۱۳۷۶، ص ۱۳.

[۱۲۱] مأخذ ۵۷، ص ۱۴۸، به نقل از دو ویشر، حفاظت بین‌المللی از اشیاء هنری و بناهای تاریخی، نشریه‌ی حقوق بین‌المللی و تطبیقی، ۱۹۵۳.

[۱۲۲] مأخذ ۵۷، ص ۱۴۹.

[۱۲۳] سید احمد موسوی، میراث فرهنگی و جنگ تحمیلی: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۷، ص ۳۳.

[۱۲۴] همان، ص ۵۵.

[۱۲۵] قرارداد مزبور از ۱۷ / ۱۲ / ۱۹۷۵ تا ۶ / ۹ / ۱۹۸۳ اعتبار یافت و تاکنون ۷۷ دولت به آن پیوسته‌اند.

[۱۲۶] در مواد ۱ و ۲ قرارداد، اموال فرهنگی و طبیعی مشخص شده است.

[۱۲۷] دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، جلد ۲ «مقاله‌ی جنگ تحمیلی و میراث فرهنگی» نوشته‌ی مهدی حجت، تهران: ۱۳۶۸، ص ۳۷۳.

[۱۲۸] همان، ص ۳۷۷.

[۱۲۹] همان، ص ۳۷۷.

[۱۳۰] ناصر قربان‌نیا، اخلاق و حقوق بین‌الملل، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، انتشارات سمت، ۱۳۷۸، ص ۱۶۵.

[۱۳۱] فرمان روزانه‌ی شماره ۱ صادر شده از طرف فرمانده کل نیروهای مسلح آنچه در ذیل می‌آید باید اجرا شود:

۱. هر یک از پاسداران که به اسارت گرفته می‌شوند، باید کشته شوند.

۲. هر فردی از حزب دموکرات که به اسارت درمی‌آید، باید کشته شود.

۳. هر کمونیستی که همراه با نیروهای ایرانی به اسارت درمی‌آید، باید کشته شود.

۴. هر فردی که با نیروهای ایرانی همکاری کند و به اسارت گرفته شود، به جرم خیانت به نژاد عرب، باید کشته شود.[فصار الدیلمی (سرهنگ ستاد)، اسراری از درون ارتش عراق، ترجمه‌ی حمید محمدی، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۲].

[۱۳۲] نصار الدیلمی (سرهنگ ستاد)، اسراری از درون ارتش عراق، ترجمه حمید محمدی، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۳.

[۱۳۳] مشاهدات نگارنده از برنامه تلویزیونی روایت فتح، شبکه ۱ سیما، ۲۳ / ۱ / ۱۳۸۰.

[۱۳۴] مرتضی سرهنگی، اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی، جلد اول، تهران: انتشارات سروش، چاپ چهارم ۱۳۶۹، اقتباس از ص ۱۷.

[۱۳۵] مرتضی سرهنگی، اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی، جلد دوم، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۸، ص ۱۶۱.

[۱۳۶] مأخذ ۱، ص ۱۵۵.

[۱۳۷] آرشیو اسناد جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، گزارش هیئت اعزامی دبیر کل سازمان ملل از اردوگاه اسیران جنگی ایران و عراق، دی ۱۳۶۳.

[۱۳۸] آرشیو اسناد جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، بیانیه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی (ICRC)، هفت می ۱۹۸۳.

[۱۳۹] مأخذ ۶، گزارش ۹ اسفند ۱۳۶۳.

[۱۴۰] مرتضی سرهنگی، آزادگان بگویید (خاطرات گروهی از اسرای ایرانی)، جلد ۲، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۹.

[۱۴۱] مرتضی سرهنگی، آزادگان در بند (خاطرات آزادگان)، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۱۸ و ۱۹.

[۱۴۲] مأخذ ۹، ص ۱۳۹.

[۱۴۳] اسماعیل بیگی، یادها و زخم‌ها، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۹.

[۱۴۴] مأخذ ۹، ص ۳۴۶ و ۳۴۷.

[۱۴۵] مرتضی سرهنگی، در تهاجم باد (خاطرات آزادگان اندیمشک)، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۲۲۰.

[۱۴۶] مأخذ ۳، ص ۴۶.

[۱۴۷] مأخذ ۳، ص ۷۹.

[۱۴۸] مأخذ ۳، ص ۵۹.

[۱۴۹] در اصل نوار پخش شده از تلویزیون عراق ابتدا به خاطر رعایت مسائل حفاظتی نام ستوان یاد شده حذف گردید ولی در ادامه برنامه، کارگردان تلویزیون نتوانست نام او را که مجددا تکرار گردید، حذف کند و معلوم شد که نام او ستوان محمود بوده است و کلیه ارتشیان شریک در این جنایت وحشیانه، افراد گردان سوم و چهارم نیروهای ویژه تیپ گارد ریاست جمهوری بوده‌اند.

[۱۵۰] ستاد تبلیغات جنگ، ستیز با صلح، تهران: چاپ دوم ۱۳۶۶، ص ۱۵۷ و ۱۵۶.

[۱۵۱] احمد احمدی، غروب غربت (خاطرات آزادگان سمنان)، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۵۰.

[۱۵۲] نصرت‌الله محمودزاده، عقیق، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۷۵، ص ۶۳ – ۶۱.

[۱۵۳] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، سند شماره ۴۸۰۹۴۳.

[۱۵۴] مأخذ ۱۴، ص ۱۷۶.

[۱۵۵] مأخذ ۱۴، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.

[۱۵۶] مأخذ ۹، ص ۳۴.

[۱۵۷] مأخذ ۹.

[۱۵۸] محمدرضا درویش، کمپ ۱۸، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۲۲.

[۱۵۹] مهدی تیموریان و محمدحسین ابراهیم بیگی و مصطفی کریمی، یک قفس، صد پرنده، هزار پرواز، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۷۴.

[۱۶۰] ستاد تبلیغات جنگ، نقض مقررات بین‌المللی توسط رژیم عراق، ۱۳۶۴، ص ۷.

[۱۶۱] مأخذ ۴، ص ۱۴۵ و ۱۴۶.

[۱۶۲] مأخذ ۴، ص ۱۱۸.

[۱۶۳] مأخذ ۴، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.

[۱۶۴] مأخذ ۴، ص ۱۱۰.

[۱۶۵] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۴۸۹۴۴.

[۱۶۶] حجت ایروانی، هوای اسارت، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۹۹.

[۱۶۷] مأخذ ۱۲، ص ۷.

[۱۶۸] حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، بیست و پنج خاطره (خاطراتی از آزادگان شیراز)، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۴۱.

[۱۶۹] غلامعلی رجایی، فرهنگ آزادگان، تهران: موسسه‌ی فرهنگی هنری ضریح، ۱۳۷۷، ص ۱۸۱.

[۱۷۰] همان، ص ۲۲۳.

[۱۷۱] همان، ص ۲۳۹.

[۱۷۲] سید محسن یحیوی، ده سال تنهایی، معاونت فرهنگی و تبلیغات ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح، تهران ۱۳۷۱، ص ۷۳.

[۱۷۳] مأخذ ۴، ص ۸۰ و ۸۱.

[۱۷۴] مأخذ ۱۲.

[۱۷۵] این گروه عبارت بودند از آقای محمد الحاج هامور، سرتیپ بصیر احمد، سرتیپ ناصر الروبی و سرهنگ خدوری حسین عضو و منشی کمیته دائمی قربانیان جنگ.

[۱۷۶] آرشیو اسناد جمعیت هلال احمر، گزارش هیئت اعزامی دبیر کل سازمان از اردوگاه اسیران سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲)، ص ۲۰ تا ۲۲.

[۱۷۷] Regular army.

[۱۷۸] همان، ص ۲۳ تا ۲۵.

[۱۷۹] روزنامه کیهان ۹ / ۷ / ۱۳۶۹، ص ۲۷.

[۱۸۰] مأخذ ۳۴: ص ۱۶۱.

[۱۸۱] شارل روسو، حقوق مخاصمات مسلحانه، جلد ۱، ترجمه سید علی هنجنی، تهران: دفتر خدمات حقوق بین‌المللی، ۱۳۶۹، ص ۱۱۵.

[۱۸۲] مأخذ ۱۲.

[۱۸۳] حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، اردوگاه انبار (خاطرات جمعی از آزادگان)، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۳۸.

[۱۸۴] مأخذ ۳۴، ص ۲۰۲.

[۱۸۵] حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، آزادگان بگویید (خاطرات گروهی از اسرای ایران) جلد ۱، تهران: ۱۳۷۲، ص ۵۰.

[۱۸۶] مأخذ ۹، ص ۲۰۴.

[۱۸۷] آرشیو اسناد جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، گزارش سالانه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی، ۱۹۸۳، ص ۵۸.

[۱۸۸] کمیته بین‌المللی صلیب سرخ International Committee Red Cross.

[۱۸۹] آرشیو اسناد جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی(ICRC)از اردوگاه صلاح‌الدین، ۱ تا ۳ مهر ۱۳۶۳.

[۱۹۰] همان.

[۱۹۱] همان، ۲۸ تا ۳۰ مرداد ۱۳۶۴.

[۱۹۲] همان، گزارش ICRC از اردوگاه انبار، ۲۲ تا ۲۴ بهمن ۱۳۶۳.

[۱۹۳] همان گزارش ICRC از اردوگاه رمادی ۲ و قاطع ۶، ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۳.

[۱۹۴] همان، گزارش ICRC از اردوگاه موصل ۲، ۱۸ تا ۲۰ آبان ۱۳۶۲.

[۱۹۵] همان، گزارش ICRC از اردوگاه انبار، ۵ تا ۷ مرداد ۱۳۶۱.

[۱۹۶] همان، گزارش ICRC از اردوگاه رمادی ۱ و قاطع ۶، ۴ تا ۶ مهر ۱۳۶۰.

[۱۹۷] همان، گزارش ICRC از اردوگاه موصل ۲، ۲ تا ۴ خرداد ۱۳۶۳.

[۱۹۸] رضا رئیسی، پنجره‌ای رو به فردا، به نقل از آزاده اصغر محمدیان، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۸۵.

[۱۹۹] مأخذ ۲۶، ص ۸۴.

[۲۰۰] مأخذ ۹، ص ۱۹۴.

[۲۰۱] مأخذ ۹۰، ص ۱۹۴.

[۲۰۲] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۰۴۸۰۹۴۶.

[۲۰۳] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۰۹۴۰۹۴۷.

[۲۰۴] داریوش نظرزاده، گرگ‌های صحرا، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی تهران: ۱۳۷۲، ص ۱۵.

[۲۰۵] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۰۴۸۰۹۴۸.

[۲۰۶] حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، وحشتگاه اسارت (خاطرات آزادگان بهبهان)، به نقل از لطف‌الله روشندل، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۷۵.

[۲۰۷] مأخذ ۱۲، ص ۲۰.

[۲۰۸] مأخذ ۵۴.

[۲۰۹] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۰۴۸۰۹۴۵.

[۲۱۰] مأخذ ۴۰، ص ۸۱.

[۲۱۱] آرشیو اسناد جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی(ICRC).

[۲۱۲] همان، گزارش از اردوگاه رمادی ۲، ۲۷ تا ۲۹ مرداد ۱۳۶۳.

[۲۱۳] همان، گزارش از اردوگاه رمادی ۱، ۱ تا ۴ فروردین ۱۳۶۳.

[۲۱۴] همان، گزارش از اردوگاه موصل ۳، ۳ تا ۵ فروردین ۱۳۶۴.

[۲۱۵] همان، گزارش ۲۴ فروردین ۱۳۶۰.

[۲۱۶] همان، گزارش از اردوگاه رمادی ۱، ۳۱ خرداد و ۱ تا ۲ تیر ۱۳۶۰.

[۲۱۷] همان، گزارش ۲۶ تا ۲۸ آبان ۱۳۶۳.

[۲۱۸] همان، گزارش از اردوگاه موصل ۱، ۲ تا ۴ آبان ۱۳۶۰.

[۲۱۹] همان، گزارش ۷ تا ۹ تیر ۱۳۶۰.

[۲۲۰] روزنامه اطلاعات، ۱۹ / ۸ / ۱۳۶۰، ص ۱۳.

[۲۲۱] همان.

[۲۲۲] مأخذ ۵۳، ص ۵۸.

[۲۲۳] گزارش سالانه ICRC، سال ۱۹۸۴، ص ۶۱.

[۲۲۴] متن نامه‌ی آقای الکساندر هی در صفحه ۵۹ درج شده است.

[۲۲۵] مأخذ ۷۶، گزارش از اردوگاه رمادی ۲، ۲۶ تا ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۳.

[۲۲۶] مأخذ ۷۶، گزارش از اردوگاه انبار ۴ تا ۵ آذر ۱۳۶۰.

[۲۲۷] محسن بخشی: پشت میله‌های رمادی، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۱۲.

[۲۲۸] مأخذ ۱۵، ص ۲۲۹.

[۲۲۹] ابوالقاسم حسینی و دیگران، سال‌های سخت اسارت، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۲۲.

[۲۳۰] اسامی این اسیران که در تاریخ ۳ / ۶ / ۱۳۶۳ به ایران بازگشتند عبارتند از:

۱ – حمزه ولی‌پناه، فرزند آزادخان ۲ – عبدل خوشبخر، فرزند احمد ۳ – رمضان شعاع‌حسینی فرزند احمد.

[۲۳۱] مأخذ ۷۶، گزارش از اردوگاه صلاح‌الدین، ۱۳ فوریه ۱۹۸۴.

[۲۳۲] آرشیو جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، اطلاعیه مطبوعاتی شماره ۱۴۸۰.

[۲۳۳] آرشیو اسناد جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، گزارش هیئت اعزامی دبیر کل سازمان ملل از اردوگاه اسیران جنگی، ۱۸ اسفند ۱۳۶۳.

[۲۳۴] مأخذ ۹۴، گزارش استمداد ICRC، ۷ می ۱۹۸۳.

[۲۳۵] گزارش ارائه شده مربوط به دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست‌وزیری سابق جمهوری اسلامی ایران است که براساس گزارش‌های اسیران بازگشتی (گزارش بدون شرح است) و نیز اسیران عراقی تهیه شده است. صحت این گزارش با توجه به اظهارات مفقودین آزاده (پس از آزادی بزرگ) به اثبات رسیده است.

[۲۳۶] هیئت‌های نمایندگی کشورها معاهده را امضا کردند، لیکن مورد تصویب نهایی دولت‌ها قرار نگرفت و برای همین به اجرا درنیامد.

[۲۳۷] سید قاسم زمانی، حقوق بین‌الملل و کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس (مدیریت ادبیات و انتشارات)، ۱۳۷۶، ص ۱۶.

[۲۳۸] شارل روسو، حقوق مخاصمات مسلحانه، جلد ۱، ترجمه سید علی هنجنی تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل، ۱۳۶۹، ص ۹۶ و ۹۷.

[۲۳۹] مأخذ ۱، ص ۴۰.

[۲۴۰] مأخذ ۱، ص ۳۴.

[۲۴۱] مأخذ ۱، ص ۶۱.

[۲۴۲] کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، اتحادیه جمعیت‌های ملی صلیب سرخ پس از تصویب پروتکل‌های الحاقی، تلاش کردند تا متنی مختصر را که از پیچیدگی‌های پروتکل‌ها عاری باشد و قواعد اساسی و بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه در آن منعکس شود، تهیه کنند. بدین منظور کارشناسان این سازمان در سال ۱۹۷۸ متنی را تحت عنوان قواعد اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه، تنظیم کردند که هر چند از ویژگی رسمی و الزام‌آوری برخوردار نیست، اما در هر حال آثار آن بر منابع بعدی حقوق بین‌الملل، تحلیل‌های مراجع مختلف حقوقی و قضایی و در کل توسعه‌ی حقوق بین‌الملل انکارناپذیر است.

[۲۴۳] ستاد تبلیغات جنگ، نقض مقررات بین‌المللی توسط رژیم عراق، ۱۳۶۴، ص ۱۷.

[۲۴۴] سید عباس فروتن، جنگ شیمیایی عراق و تجارب پزشکی آن، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تیمورزاده، نشر طیب، بهار ۳۸۲، ص ۲۹۳.

[۲۴۵] مأخذ ۶، ص ۱۸.

[۲۴۶] دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، «مجله سیاست خارجی»، سال سوم، شماره ۱ خرداد ۱۳۶۸، ص ۱۸.

[۲۴۷] مأخذ ۷، ص ۱۸۱.

[۲۴۸] مشروح حادثه خونبار سردشت به دلیل اهمیت آن متعاقب این بحث آمده است.

[۲۴۹] مأخذ ۹.

[۲۵۰] محسن رشید، اطلس جنگ شهرها، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، منتشر نشده، ص ۱۲۶.

[۲۵۱] روزنامه اطلاعات، ۲۷ / ۲ / ۱۳۷۸.

[۲۵۲] همان.

[۲۵۳] مأخذ ۷، ص ۱۸۵.

[۲۵۴] آرشیو معاونت عملیات ستاد مشترک سپاه پاسداران، گزارش منتشر نشده تک شیمیایی عراق به شهر سردشت، سند شماره ۷–۳–۵۰۰.

[۲۵۵] «ش. م. ر». ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران واحدی بود که مأموریت مقابله با سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و راکتوری را به عهده داشت.

[۲۵۶] همان، سند شماره ۵–۳–۵۰۰.

[۲۵۷] روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ / ۱۰ / ۱۳۸۱، ص ۱۶.

[۲۵۸] روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۸ / ۹ / ۱۳۸۱، ص ۱۶.

[۲۵۹] مشاهدات نگارنده از برنامه تلویزیونی روایت فتح، شبکه ۱ سیما، ۲۳ / ۱ / ۱۳۸۰.

[۲۶۰] Newyork Times , ۵ march ۱۹۸۴ , p۴..

[۲۶۱] روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۲ / ۱۳۶۴.

[۲۶۲] Anthony H cordesman iraq and the war of sanction (convention Treaties and weapons of mass Destruction), United states ۱۹۹۹ p. ۵۲۷..

[۲۶۳] همان.

[۲۶۴] همان.

[۲۶۵] روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۱.

[۲۶۶] همان.

[۲۶۷] دبیرخانه‌ی کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، مقاله «نگاهی به استفاده رژیم عراق از سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی» (مرکز اسناد تبلیغات جنگ)، تهران ۱۳۶۸، ص ۳۵۹.

[۲۶۸] مأخذ ۱، ص ۵۵.

[۲۶۹] وفیق السامرایی، ویرانی دروازه‌ی شرقی، ترجمه عدنان قارونی، تهران:انتشارات مرکز فرهنگی سپاه، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳.

[۲۷۰] مرتضی سرهنگی، اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی، جلد دوم،حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۹، ص ۱۶۴.

[۲۷۱] روزنامه‌ی جوان، ۲ / ۲ / ۱۳۸۰، ص ۲.

[۲۷۲] روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۱ / ۱۳۶۷.

[۲۷۳] مأخذ ۹، ص ۱۲۰.

[۲۷۴] روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۸ / ۹ / ۱۳۸۱، ص ۲.

[۲۷۵] محسن صفری، ما اعتراف می‌کنیم، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۹۱.

[۲۷۶] روزنامه جم.وری اسلامی، ۱۶ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

[۲۷۷] روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۶۲. ص ۲.

[۲۷۸] مأخذ ۳۶، ص ۱۸۸.

[۲۷۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۱۵، ۱۵ / ۱ / ۱۳۶۷.

[۲۸۰] مأخذ ۹، ص ۱۲۱.

[۲۸۱] مأخذ ۳۶، ص ۱۰۱.

[۲۸۲] مأخذ ۳۶، ص ۹۲.

[۲۸۳] روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۵ / ۶ / ۱۳۶۹، ص ۱۲.

[۲۸۴] مأخذ ۳۶، ص ۱۹۳، ۱۹۲.

[۲۸۵] مأخذ ۳۶، ص ۹۷.

[۲۸۶] مأخذ ۳۶، ص ۹۸.

[۲۸۷] Financial Times , ۱۹۸۴ / ۳ / ۸.

[۲۸۸] روزنامه جمهوری اسلامی، ۱ / ۶ / ۳۶۹۱، ص ۱۴.

[۲۸۹] روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۵ / ۱۳۶۹، ص ۱۰.

[۲۹۰] مأخذ ۲۳.

[۲۹۱] عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰، ص ۱۸۲.

[۲۹۲] مأخذ ۱، ص ۲۰.

[۲۹۳] مأخذ ۵۳، ص ۱۸۴.

[۲۹۴] مأخذ ۵۳، ص ۱۸۵.

[۲۹۵] مأخذ ۵۳، ص ۱۸۵.

[۲۹۶] مأخذ ۵۳، ص ۱۸۷.

[۲۹۷] مأخذ ۵۳، ص ۱۸۹ و ۱۹۰.

[۲۹۸] مأخذ ۵۳، ص ۱۹۲.

[۲۹۹] منوچهر پارسادوست، نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۱، ص ۶۴۱.

[۳۰۰] در برخی از مناطقی که به تصرف نیروهای ایرانی درمی‌آمد، نیروهای عراقی با سلاح شیمیایی حتی خاک و سربازان خود را هدف قرار می‌دادند. دعوت عراق از دبیر کل سازمان ملل برای اعزام هیئت کارشناسی برای سرپوش گذاشتن بر این جنایت‌ها بوده است.

[۳۰۱] روزنامه کیهان، ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۶، ص ۳.

[۳۰۲] مأخذ ۵۳، ص ۱۹۵.

[۳۰۳] مأخذ ۵۳، ص ۱۹۵.

[۳۰۴] مأخذ ۵۳، ص ۱۹۵.

[۳۰۵] مأخذ ۵۳، ص ۱۹۵.

[۳۰۶] مأخذ ۵۱، ص ۱ تا ۳.

[۳۰۷] مأخذ ۵۳، ص ۲۰۱.

[۳۰۸] مأخذ ۵۳، ص ۲۰۴.

[۳۰۹] مأخذ ۵۳، ص ۲۰۵.

[۳۱۰] مأخذ ۵۳، ص ۲۰۵.

[۳۱۱] مأخذ ۵۳، ص ۲۰۶.

[۳۱۲] مأخذ ۵۳، ص ۲۰۶ و ۲۰۷.

[۳۱۳] S/۲۰۰۰۰, Add. ۱, S/۲۰۰۶۳, Add. ۱, S/۲۰۱۳۴.

[۳۱۴] اسماعیل منصوری لاریجانی، بررسی حقوقی - سیاسی تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات تابان، ۱۳۷۹، ص ۱۶۷.

[۳۱۵] مأخذ ۵۳، ص ۱۰۸.

[۳۱۶] مأخذ ۱، ص ۱۰۸.

[۳۱۷] قطعنامه‌ی «اتحاد برای صلح» به شماره (V) ۳۷۷A، که در زمان جنگ کره در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۵۰ در مجمع عمومی

تصویب شد، بدین مضمون بود که هر گاه شورای امنیت نتواند برای مقابله با نقض صلح یا تجاوز اقدام کند، مجمع عمومی در جلسه‌ی فوق‌العاده فوری‌ای نسبت به اعزام نیروی نظامی به مناطق بحرانی تصمیم‌گیری می‌کند.

[۳۱۸] سید قاسم زمانی، حقوق بین‌الملل و کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: بنیاد حفظ آثار ارزش‌های دفاع مقدس (مدیریت ادبیات و انتشارات)، ۱۳۷۶، ص ۳۳.

[۳۱۹] همان، ص ۳۳ و ۳۴.

[۳۲۰] دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکز)، دانشکده حقوق، جزوه حقوق مخاصمات مسلحانه، بخش حقوق جنگ.

[۳۲۱] ناصر قربان‌نیا، اخلاق و حقوق بین‌الملل، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، انتشارات سمت، ۱۳۷۸، ص ۱۴۵.

[۳۲۲] ستاد تبلیغات جنگ (شورای عالی دفاع جمهوری اسلامی ایران)، ستیز با صلح، چاپ دوم ۱۳۶۶، ص ۱۵۲.

[۳۲۳] همان.

[۳۲۴] ستاد تبلیغات جنگ، نقض مقررات بین‌المللی توسط رژیم عراق، ۱۳۶۴، ص ۲۹.

[۳۲۵] روزنامه رسالت، ۱۱ / ۶ / ۱۳۶۵.

[۳۲۶] محمود یزدان‌فام، روز شمار جنگ ایران و عراق، کتاب ۵۰ (اسکورت نفتکش‌ها)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، زمستان ۱۳۷۸، ص ۷۷۲ تا ۸۷۴ و ۸۸۰.

[۳۲۷] دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، جلد ۲، مقاله‌ی «تجاوز عراق و اثرات تخریبی آن بر محیط زیست»، نوشته‌ی هادی منافی، تهران: ۱۳۶۸، ص ۴۶۹.

[۳۲۸] همان، ص ۴۷۰.

[۳۲۹] مأخذ ۷، ص ۲۵.

[۳۳۰] روزنامه‌ی رسالت، ۱۰ / ۶ / ۱۳۶۵.

[۳۳۱] همان.

[۳۳۲] مأخذ ۷، ص ۲۵.

[۳۳۳] کنوانسیون منطقه‌ای کویت برای همکاری درباره‌ی حمایت از محیط زیست دریایی در سال ۱۹۷۸ با شرکت نمایندگان تام الاختیار کشورهای منطقه یعنی ایران، بحرین، قطر، امارات عربی متحده، عمان، عربستان سعودی، عراق و کویت به امضا رسید.

[۳۳۴] مأخذ ۱۰، مقاله‌ی «ضرورت توسعه و تدوین حقوق جنگ...» نوشته‌ی سعید میرزایی ینگجه، ص ۲۱۳.

[۳۳۵] همان.

[۳۳۶] ROPME, Ragional Organization for Protection of Marine Enviroment..

[۳۳۷] همان، ص ۲۱۳ و ۲۱۴.

[۳۳۸] منظور از محاصره‌ی دریایی در این نوشته محاصره‌ی دریایی در زمان جنگ است که با محاصره‌ی دریایی در ایام صلح و همین طور محاصره‌ی اقتصادی متفاوت است.

[۳۳۹] دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مجله سیاست خارجی، سال دوم، شماره ۱، ص ۸۷ تا ۹۰.

[۳۴۰] شارل روسو، حقوق مخاصمات مسلحانه، جلد ۱، ترجمه‌ی سید علی هنجنی، تهران: دفتر خدمات حقوق بین‌المللی، ۱۳۶۹، ص ۳۰۴ و ۳۰۸.

[۳۴۱] رای دیوان داوری انگلستان و امریکا در دعوای «واندرز» که در سال ۱۹۲۱ صادر شد؛ همچنین رأی دیوان دائمی داوری لاهه در دعوای کارتیج که در سال ۱۹۱۳ صادر گردید، مؤید وجود چنین اصلی در حقوق بین‌المللی جنگ است.

[۳۴۲] مأخذ ۱۶، ص ۲۱۱.

[۳۴۳] مأخذ ۱۶، ص ۲۱۱.

[۳۴۴] در قرارداد دریایی واشنگتن مورخ ۶ فوریه ۱۹۲۲، قرارداد دریایی لندن مورخ ۲۲ آوریل ۱۹۲۰ و قرارداد دریایی لندن در سال ۱۹۳۶، در خصوص نحوه‌ی غرق کردن کشتی‌های تجاری مقرراتی به شرح ذیل وضع شده است: برای غرق کشتی‌های تجاری دولت‌های بی‌طرف سه شرط وجود دارد:

۱ – کشتی تجارتی را در صورتی می‌توان غرق نمود که قواعد بی‌طرفی را نقض کرده باشد.

۲ – به دلایلی نتوان آ را به یک بندر امن منتقل کرد.

۳ – در صورتی که کشتی تجارتی در مقابل بازدید ناوهای جنگی دولت‌های متحارب اقدام به مقاومت مسلحانه نمود، می‌توان به آن کشتی حمله و آن را غرق کرد.

[۳۴۵] مأخذ ۱۶، ص ۲۱۰.

[۳۴۶] اداره مراقبت پرواز رژیم عراق با صدور اعلامیه شماره ۹۰۱۶ مورخ ۱۷ مارس ۱۹۸۵ اعلام کرد به دلیل فعالیت هواپیماهای جنگی عراق در فضای ایران، عراق خود را از قبول هر گونه مسئولیت در فضای ایران مبرا می‌داند.

[۳۴۷] روزنامه رسالت، ۱۰ / ۶ / ۱۳۶۵.

[۳۴۸] هوشنگ مقتدر، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات، ۱۳۷۲، ص ۲۶۴.

[۳۴۹] همان.

[۳۵۰] همان، ص ۲۶۵.

[۳۵۱] همان، ص ۲۶۵.

[۳۵۲] روزنامه رسالت، ۱۰ / ۶ / ۱۳۶۵.

[۳۵۳] در جنگ‌های اخیر دولت‌های درگیر جنگ، ضمن استفاده از سلاح‌های جنگی مدرن، جان غیرنظامیان را هم به خطر می‌اندازند و در نتیجه حقوق بشردوستانه عملا رعایت نمی‌شود.

[۳۵۴] اقتباس از کتاب بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، جلد ۲، مقاله‌ی «ضرورت توسعه و تدوین حقوق بین‌المللی جنگ»، نوشته‌ی سعید میرزایی ینگجه، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، ۱۳۶۸، ص ۲۰۳.

[۳۵۵] روزنامه‌ی اطلاعات، ۲۲ / ۵ / ۱۳۶۲، ص ۱۲.

[۳۵۶] همان.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فى سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».